

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آزمون بصیرت

حماسه می ۹ دی

مروری بر بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره ی
حماسه می ۹ دی

و گزارش حوادث ۸ ماه فتنه ی ۸۸



دفتر مطبوعاتی آیت الله العظمی خامنه ای، قم



آزمون بصیرت

حماسه می ۹ دی

مروری بر بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدتله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره‌ی حماسه‌ی ۹ دی

و گزینش حولات ۸ ماه فتنه‌ی ۸۸

ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی
(وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۵۱-۸۵-۷

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه‌ی عطارد، شماره‌ی ۷
تلفن: ۶۶۹۷۷۲۶۸ - ۶۶۴۰۵۱۰۰ -- تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲ - ۶۶۴۸۳۶۹۵
پست الکترونیکی: Info@Book-khamenei.ir. سامانه پیامکی: ۱۰۰۰۲۰۱۲۰. <http://Book-Khamenei.ir>

مقدمه



رهبر عالی قدر انقلاب، ۹ دی را یوم الله نامیدند و فرمودند:

«۹ دی و ۲۲ بهمن پارسال جزو ایام الله - به معنی حقیقی کلمه - بود. دلها دست خداست. خدای متعال این دلها را آورد وسط صحنه، ملت ایران عظمت خودش را نشان داد.»^۱

برای آنکه بدانیم یوم الله چیست، زانوی ادب در محضر بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی (قدس سره) میزنیم. ایشان در شرح آیه ۵ سوره ی ابراهیم (علیه السلام) میفرمایند:

«در قرآن کریم میفرماید که ما موسی را فرستادیم به سوی قومش: أن أخرج قومک من الظلمات إلى التور و ذکرهم بایام الله^۲ دوتا مأموریت به حضرت موسی میدهد خدای تبارک و تعالی: یکی اینکه مردم را از ظلمات خارج کن به نور و یک مأموریت دیگر اینکه: ذکرهم بایام الله اینها را متذکر کن به ایام خدا. ... همه ی ایام مال خداست؛ لکن بعضی از ایام یک خصوصیتی دارد که برای آن خصوصیت «یوم الله» میشود. روزی که پیغمبر اکرم هجرت کردند به مدینه، این روز «یوم الله» است. روزی که مکه را فتح کردند «یوم الله» است.

۱. در خطبه های نماز جمعه ی تهران در سالروز شهادت حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) ۱۳۸۹ / ۱۱ / ۱۵.

۲. سوره ی ابراهیم، آیه ی ۵: «و به اودستور دادیم که قومت را از ظلمات جهل و گمراهی بیرون آور و به عالم نور برسان؛ و روزهای خدا را به یاد آنها بیاور».

یوم قدرت‌نمایی خداست که یک یتیم را که همه رَفَصَش کرده بودند، نمیتوانست زندگی بکند تو وطن خودش، تو خانه خودش، بعد از چندی فتح مکه به دست او شد؛ و آن قُلُدْرها و آن ثروتمندها و آن قدرتمندها همه در تحت سیطره او واقع شد و فرمود: أَنْتُمْ الطَّلَاقُ^۱ دیگر آزادتان کردم، بروید؛ این «یوم‌الله» است. یوم خوارج، روزی که امیرالمؤمنین (سلام‌الله‌علیه) شمشیر را کشید و این فاسدها را، این غده‌های سرطانی را درو کرد، این هم «یوم‌الله» بود. این مقدّسهایی که پینه بسته بود پیشانی‌شان، لکن خدا را نمیشناختند، همینها بودند که کشتند امیرالمؤمنین را! قیام کردند در مقابل امیرالمؤمنین (سلام‌الله‌علیه) از لشکر خودش بودند، قیام کردند در مقابل او. برای خاطر آن قضایایی که در صقین واقع شد و امام (علیه‌السلام) دید که اگر اینها باقی باشند فاسد میکنند ملت را، تمامشان را کشت، الّا بعضی که فرار کردند؛ این «یوم‌الله» بود. روزهایی که خدای تبارک و تعالی برای تنبیه ملت‌ها یک چیزهایی را وارد میکند، یک زلزله‌ای وارد میکند، یک سیلی وارد میکند، یک طوفانی وارد میکند، که شلاق بزند به این مردم که آدم بشوید، اینها هم «یوم‌الله» است. چیزهایی است که به خدا مربوط است.

از آن «یوم‌الله» ها ۱۵ خرداد بود. ۱۵ خرداد هم از «ایام‌الله» بود که یک ملت ایستاد در مقابل یک قدرت و کاری کرد که پنج ماه تقریباً حکومت نظامی شد. منتها قدرت نداشت ملت؛ باز اجتماع درست نشده بود، بیدار نشده بودند، شکست خوردند نه، شکست به حسب ظاهر؛ و الّا از همانجا مبدأ پیروزی ملت است.

۱۷ شهریور هم - که امروز ما اینجا مجتمع هستیم - آن ۱۷ شهریور سال گذشته «من ایام‌الله» آن هم از ایام خدایی بود که یک ملت، زن و مردش، جوان و غیر جوانش، بایستند و خون بدهند برای احقاق حق. این روز خداست. ۱۷ شهریور «من ایام‌الله» است، باید متذکّر باشید. باید یادآوری

۱. طرد کردن و خارج ساختن.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۵۹، ح ۶؛ السنن الکبری، بیهقی، ج ۹، ص ۱۱۸.

کنید این «ایام الله» را. چنانچه کردید، از یاد نباید برود این «ایام الله» برای اینکه این ایام اند که آدم سازند. این ایام است که جوانهای ما را از عشرتکده‌ها بیرون می‌آورد به میدان جنگ میبرد. این ایام الهی هست که ملت ما را بیدار میکند و بیدار کرد. امر میکند: دگرهم بایام الله؛ «ایام الله» را در ذکر مردم وارد کن. یادتان نرود این ایام بزرگی که بر ملت ما گذشت و «ایام الله» بود؛ مثل «۱۵ خرداد»؛ مثل «۱۷ شهریور». آن روزی که این خبیث^۱ فرار کرد از «ایام الله» بود؛ که یک ملتی که هیچ نداشت یک قدرت را شکست، به طوری که نتوانست بماند. نه قدرت خودش، قدرت همه؛ دنیا ایستاده بود مقابل شما، من مطلع بودم، دنیا ایستاده بود پشتیبان، پشتیبان خودش اول؛ پشتیبان وارث آن، که این شخص بختیار باشد، ثانیاً. ایستاده بودند دنبال او که نگاهشان دارند. دودستی آمریکا چسبیده بود که شاه را نگه دارد. وقتی او فرار کرد، دودستی چسبیده بودند بختیار را نگه دارند.

... به ما میگفتند که زود است^۲؛ شما حالا نروید زود است، حالا حالا شما به ایران نروید. میخواستند جمع و جور کنند قدرت خودشان را و آشفته‌گیها را تمام کنند که دیگر امکان رفتن نباشد، آن هم یکی از «ایام الله» بود.

و یکی از ایام بزرگ خدای تبارک و تعالی آن شبی بود که کودتا کردند اینها^۳. آن شبی که ما تهران بودیم و روز هم اعلام حکومت نظامی شد که روز هم کسی بیرون نیاید و آن شب - بعدها به ما اطلاع دادند - اینها آن شب بنا داشتند که تمام سران قوم، هر کس گوشش می‌جنبید، بگشند و تصفیه کنند تا تمام بشود کار، خدا نخواست، آن قیام ملت و آن قیام نورانی ملت، ملت متعهد که بعدش که اینها قیام کردند، نیروهای آن طرف هم به این طرف ملحق شدند، هی ملحق شدند، یک مسأله‌ای بود که الهی بود و «من

۱. محمدرضا پهلوی.

۲. اشاره به ۱۲ بهمن است.

۳. اشاره به شب ۲۲ بهمن است.

ایام الله» بود. این را از یاد نبرید که تمام چیزها را جمع کردند و تمام کیندها را درست کردند برای اینکه در یک شب بریزند کود تا کنند و همه اشخاصی که احتمال می‌رود یک کاری از آنها بیاید همه را از بین ببرند، ملت را باز برگردانند به آن حال اول، خدا نخواست. این یکی از «ایام الله» بود که شما ملت شریف نورانی با قلبهای پُر از ایمان نترسیدید و آن روز ریختید به خیابانها، با اینکه اعلام حکومت نظامی بود، ریختید به خیابانها و خنثی شد آن چیزی که آنها میخواستند.

... این ایام یادتان باشد؛ از یادتان نبرید. این ایام بزرگ الهی که از «ایام الله» است اینها را یادتان باشد. یادتان نرود که ما یک ۱۵ خرداد داشتیم، ۱۵ خرداد مبدأ نهضت اسلامی ایران است. یادتان نرود که ما یک ۱۷ شهریور داشتیم. ۱۷ شهریور از «ایام الله» است؛ و باید یادمان نرود این را. آنقدر شهید دادیم و آنقدر خون دادیم ما آن روز و در مقابل اجانب و در مقابل وابستگان به اجانب. قیام کردند ملت ما و خونشان ریخته شد، لکن پیروز شدیم. مبدأ پیروزی و همه‌ی روزهایی که نمیتوانیم ما بشمریم. این روزهایی که آنها با کمال شقاوت حمله میکردند و شما با کمال شجاعت زن و مردتان می‌ایستادید در مقابلشان. یک کسی که برای من نقل کرد، گفت من خودم دیدم که یک بچه‌ی ده دوازده ساله - یک هم‌چو چیزی - سوار موتورسیکلت بود و رفت طرف تانک! تانک هم او را زیر گرفت از بین برد. اما یک هم‌چو رو حیّه‌ای پیدا شده بود که بچه‌ی دوازده ساله هم حمله به تانک میکند، با دست خالی و هیچی.»^۱

آری نُه دی ماه سال ۸۸ یوم الله بود اما یک روز به خودی خود یوم الله نمیشود. ۹ دی نیز از این قاعده جدا نبود. برای فهم ۹ دی باید ریشه‌ها و نتایج این حرکت عظیم و حیاتی را مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

۱. صحیفه امام، ج ۹، صص ۴۵۹-۴۶۸ (سخنرانی حضرت امام خمینی (قدس سره) در جمع افسارمختلف مردم ۱۳۵۸/۶/۱۷).

واقعیت این است که ۹ دی، تقابل مجموعه‌ای از مردم با مجموعه‌ای دیگر نبود، بلکه تقابل بین مؤمنان به انقلاب اسلامی و قانون اساسی و آرمانهای امام راحل (قدس سره) و مخالفان با اصل این جریان الهی بود.

انقلاب اسلامی ایران در زمانی به پیروزی رسید که تمام حرکت‌های انقلابی جهان به بن بست رسیده بود و همه‌ی آزادیخواهان جهان پذیرفته بودند که نمیتوان خارج از چارچوب دو قطب شرق و غرب در عرصه‌ی سیاسی بازی کرد. دین و معنویت غریب بود و اسلام، غریبتر. فلسطین که آرمان تمام مسلمانان بود مورد معامله قرار گرفته بود و همه‌ی مبارزان قدیمی، تبدیل به مذاکره‌کننده شده بودند.

در این زمان بود که دم مسیحایی امام راحل عظیم‌الشأن به داد ملت‌ها و به ویژه ملت ایران رسید و از اینجا بود که کینه‌ی امام و انقلاب او به دل مستکبران عالم نشست. امام بزرگوار ما آمده بود که بند استبداد را از پای ملت ایران باز کند و منابع ایران را از دست مستعمران خارج نماید. او گفتمان یا شرقی یا غربی را به نه شرقی نه غربی تغییر داد و آنقدر آرمان‌هایش انسانی بود که مرزها را درنوردید. او انقلابش را همچون دیگر گفتمانها با اسلحه و ک شورگشایی صادر نکرد. حتی رسانه‌ی چندانی در اختیار نداشت، بلکه رسانه‌اش فکرش بود.

عاشقان امام از اعماق آفریقا و اروپا و سیبری و شرق و غرب و میانه‌ی آسیا و جنوب آمریکا و حتی از آمریکای شمالی بودند.

با این همه دور از انتظار نبود که هم بلوک شرق به دشمنی‌اش برخیزند و هم بلوک غرب. آمریکاییها که همه‌ی تلاش خود را کرده بودند تا انقلاب به ثمر نرسد، بعد از پیروزی معجزه‌گون آن، تمام اهتمام خود را برای سرنگونی یا انحراف آن خرج کردند.

شرق و غرب که در هیچ موردی دست دوستی به هم نمیدادند، در تجهیز صدام ملعون همداستان شدند.

پس از ارتحال حضرت امام (قدس الله نفسه الزکیه) سگان کشتی انقلاب و هدایت انقلابیون سراسر عالم به دست رهبر عالی قدر انقلاب - این شاگرد مکتب امام و ذخیره‌ی الهی - داده شد. دشمن که از جنگ نظامی و سخت، طرفی نبسته بود به جنگ نرم فرهنگی و جنگ سیاسی و اقتصادی روی آورد. رهبر انقلاب همچون فرماندهی مسلط بر میدان، حرکات دشمن را میدید و گرای آن را به آحاد جامعه میداد و فرمان حمله را صادر و تاکتیک دفاع را ارائه مینمود. هر جا که پاسخ مناسب و بموقع از سوی مسؤولان و مردم به فرامین او داده شد، پیروز شدیم و هر جا که سستی کردیم از رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب بازماندیم.

او با تدابیر خود، این کشتی را از میان طوفانهای سهمگین که هر کدامش برای از بین بردن یک کشور کافی بود، عبور داد. تدابیرش برگرفته از علوم و حیانی، دانشهای بشری و تجارب تاریخی بود. او اگرچه قواعد مادی تدبیر سیاست و اقتصاد و فرهنگ را بخوبی میدانست اما ایمان به وعده‌های الهی و استمداد از ولی‌عصر (ارواحنا فداه) همیشه سرلوحه‌ی برنامه‌هایش بوده است. او تاکتیکهای ربوبی را خوب میدانند و ایمان دارد که دستی از غیب پشتوانه‌ی این انقلاب است، البته تا هنگامی که قدر این دست مهربان دانسته شود. تا آنکه سال ۸۸ فرارسید.

بنا بود در این سال، انتخابات ریاست جمهوری دهم برگزار شود. شروع پرشور و البته زود هنگام بحثهای انتخاباتی همه را خوشبین به برگزاری انتخاباتی پرشور میکرد. نخست وزیر دوران امام و جنگ، نماینده‌ی امام در بنیاد شهید و رئیس دودوره‌ی مجلس شورای اسلامی، فرمانده‌ی سپاه در دوران جنگ و رئیس دولت نهم که توانسته بود شعارهای امام را بر سر دست بگیرد، بنا بود با هم رقابت کنند.

هیچکس - شاید حتی دشمن هم - تصور نمیکرد که قرار است اتفاقاتی تلخ بیفتند و این خود یکی از عبرتهای سال ۸۸ بود که رهبر عزیز بارها

یادآورمان شد که:

«تجربه‌هایی هم این انتخابات داشت. یک تجربه برای ملت ما و مسئولان ما بود که من اصرار دارم بر اینکه این تجربه را همه‌مان جدی بگیریم؛ هم مسئولان جدی بگیرند، هم آحاد مردم جدی بگیرند؛ و آن تجربه این است که باور کنیم که همیشه امکان ضربه زدن از سوی دشمنان انقلاب و دشمنان ایران اسلامی هست؛ حتی در بهترین شرایط. همیشه کمین دشمن را در نظر داشته باشیم.»^۱

اما باز هم او بود که پیش از همه خطرا احساس کرد. برای همه عجیب بود که در روز اول نوروز در محضر علی بن موسی الرضا (علیه آلاف التحية والثناء) نسبت به خدشه در سلامت انتخابات تذکر دهد. او تحرکات رسانه‌های بیگانه را رصد کرده بود و خط نفوذ او را تا نیروهای داخلی دنبال کرده بود. عجیب آنکه در همان دوران بود که کمیته‌ای برای صیانت از آرا تشکیل گردیده بود؛ بدعتی که نه قبل از ۸۸ و نه بعد از آن تکرار نشد.

اشتباهاتی در دوران تبلیغات انتخاباتی شکل گرفت، چه از نامزدها و چه از طرفداران و چه از رسانه‌ها اما همه، این موارد را از اقتضائات یک انتخابات پرشور دانستند و در برخی موارد از این تحرکات استقبال کردند. اما تنها او بود که باز زبان به تذکر گشود و همگان را دعوت به رعایت برادری و اصول اسلامی در رقابت نمود.

نوبت به ۲۴ خرداد رسید. حضور پرشور مردم بر سر صندوقهای رأی و ثبت نصاب ۸۵ درصدی، چشم همگان را خیره کرد و به تعبیر رهبر معظم انقلاب، یک زلزله‌ی سیاسی برای دشمنان و پتک جمهوریت بر سر آنها بود. همه شیرین‌کام از این حماسه بودند که اقدام یکی از کاندیداها در اعلام زود هنگام پیروزی خود در شام جمعه، آب سردی بر شور و هیجان انتخابات ریخت. البته باز هم کسی این اتفاق را جدی نگرفت.

۱. در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری ۱۲/۵/۱۳۸۸.

از ۲۳ خرداد تحرکات مشکوکی آغاز شد و کم‌کم شورانتخابات در برخی از نقاط تهران تبدیل به تشنج گردید. حمله به اموال عمومی شکل گرفت و هرچه گذشت بر خشونت‌ها افزوده شد.

دو نفر از رأی‌نیاوردگان، شروع به اردوکاری خیابانی کردند. در این مرحله، بسیاری از طرفداران این دو باور کرده بودند که تقلبی گسترده در انتخابات شکل گرفته است و به رأی مردم - این حق الناس بر عهده‌ی نظام - خیانت شده است.

پس از راهپیمایی ۲۵ خرداد طرفداران دو نامزد یادشده، خشونت‌هایی انجام شد. به پایگاه بسیج حمله شد، برخی قتل‌های مشکوک انجام شد و برخی از اموال عمومی غارت گردید و سط‌های زباله به آتش کشیده شد. اما رهبر دلسوزانقلاب از همان ساعات ابتدایی، خطرا را احساس کرده بود و تمام همت خود را برای حفاظت از انقلاب و مردم و رأی آنها به کار بست. با نمایندگان نامزدها سخن گفت، با برخی از نامزدهای معترض به صورت حضوری به صحبت نشست و همه‌ی تمهیدات لازم را در نظر گرفت تا قبل از شعله‌ور شدن آتش فتنه، آن را مهار نماید.

اما...

نامزدهای مغلوب معترض قانون‌گریز که التزام به اخلاق و ادب انتخابات را فراموش کردند، بر آتش اختلاف دمیدند. فتنه که همان فضای غبارآلود است، بیش از آشفته کردن نیازمند آرامش و تبیین و صبر است و دریغ که هر چه تبیین از این سو عرضه میشد، از آن سو غبار به هوای جامعه تزریق میشد. برخی از نخبگان که انگار باور کرده بودند تقلب شده یا باور کرده بودند که انقلاب به آخر کار خود رسیده است، رهبر خود را تنها گذاشتند و لقب «ساکت» را بر خود پسندیدند.

برخی از خواص هم که شهوات و حب ریاست بر آنها حکومت میکرد، بیشتر پیاده نظام دشمن شدند.

نامزدهای خروج‌کننده‌ی بر قانون، آزادانه به هر جا که میخواستند سرک میکشیدند و فراموش کرده بودند که برای چه نامزد شده بودند، برای ریاست جمهوری اسلامی نه ریاست جمهوری! تهمتها از هر سو روانه‌ی نظام و نهادهای انقلابی آن میشد. هر روز به نام یک تشکل، اعلامیه صادر میگردید و تلاش میشد تا معترضان بیش از جمعیت واقعی قلمداد گردد. کشته‌سازی‌هایی انجام شد و برخی از تخلفات مسؤولان مربوط این موارد را در اذهان باورپذیر کرد.

غبار فتنه و تردید به جان ایمان انسانهای ضعیف افتاده بود... رهبر حکیم انقلاب منتظر بود تا تبیینهای او و اندک خواص حاضر در میدان جنگ نرم، اثر کنند و اولاً باور شود که فتنه هست و ثانیاً همه به دامن انقلاب بازگردند.

هر چه گذشت مرزها واضحتر شد، خیلی از طرفداران نامزدهای مغلوب که دیگر خود را هدایتگر یک جنبش میدانستند، از اطراف آنها به کنار رفتند. آهسته‌آهسته اما دیر همه باور کردند که دیگر بحث رقابت انتخاباتی نیست. علمی که به نام امام و انقلاب بلند شده بود، کسانی را زیر خود جمع کرده بود که سالها بغض انقلاب و امام را در دل پرورانیده بودند. دشمنان قسم‌خورده‌ی اسلام و انقلاب هم به پشتیبانی این جماعت آمدند و نقاب نفاق از چهره به کناری زدند.

از چند هفته پس از انتخابات و شروع فتنه، مطالبه‌ی عمومی برخورد با اخلالگران مطرح بود اما انتظار رهبر انقلاب، تشکیل یک گفتمان عمومی بر ضد آنان و به حدّ اقل رسیدن هزینه‌ی اتمام این بازی خطرناک بود.

حلقه‌های زنجیره‌ی بصیرت‌یابی جامعه در حال تکمیل شدن بود. اقدامات خشونت‌بار ۲۵ خرداد، اتمام حجت با نامزد مغلوب و نمایندگان نامزدها، افزایش مهلت شکایت نامزدها، بیانات روشن‌گر در نماز جمعه‌ی تاریخی ۲۹ خرداد، حوادث نماز جمعه‌ی ۲۶ تیرماه، فراموش شدن شعار

حمایت از فلسطین در روز قدس، انحراف شعار مرگ بر آمریکا در ۱۳ آبان، توهین به حضرت امام در ۱۶ آذر و در آخر هتک حرمت روز عاشورا در ۶ دی. صبر انقلابی مردم بسرامد، دیرپاوترین افراد هم دیگر یقین کرده بودند که مسأله از یک اعتراض انتخاباتی فراتر رفته است.

در هشتم دی، افتخار حضور در میدان برای مردم حسینی تبریز ثبت گردید و نهم دی، حماسه‌ی عظیم حضور مردم در میدان دفاع از اسلام و انقلاب و بیعت با رهبر معظم در سراسر کشور رقم خورد.

۹ دی، نقطه‌ی آغاز اضمحلال فتنه بود. همه فهمیدند که شعار «ما بیشماریم» که بردهان برخی از سردمداران آشوب جاری بود، افسانه‌ای بیش نیست و آنها که بیشمارند، عاشقان اسلام و انقلاب و رهبر هستند.

پس از ۹ دی، رأی‌نیاوردگان فریب‌خورده جایگاهی در پیشگاه ملت نداشتند؛ و قبل از آنکه در پی اغتشاش ۲۵ بهمن ۸۹، محکوم به حصر خانگی شوند، مطرود ملت و محصور در اتاق تنهایی خود و بیانیه‌هایشان شدند.

۹ دی به خاطر آنکه حق برگردن ملت و انقلاب دارد، یوم‌الله است. روز خداست زیرا که خداوند در آن روز به خاطر محبتی که در دل مردم نسبت به امام حسین (علیه‌السلام) بود، قدرت‌نمایی کرد و درس‌های ماندگاری به بندگان خوب و بدش داد.

۹ دی روزی است که ملت به حکمت ولی فقیه ایمان پیدا کرد. ۹ دی دشمنان را مایوس از شکست دادن انقلاب کرد. ۹ دی به دوستان انقلاب درس داد که هیچگاه نباید بالش نرم زیر سرگذارند. به بهانه‌ی ۹ دی بود که بسیاری از معارف انقلاب بازخوانی شد و نسل سوم و چهارم انقلاب با تاریخ انقلاب و گذشته‌ی برخی از افراد آشنا شد.

۹ دی به ما آموخت که قانون، فصل الخطاب است و میتوان شور انتخاباتی داشت اما اصول انقلابی و اسلامی را نیز محترم دانست.

۹ دی دوست را از دشمن جدا کرد و منافق را از مؤمن. چه بسیار پرده‌های نفاق که از افراد و احزاب برافتاد و چه افراد و احزاب که به پاس حضور عمارگونه در هشت ماه دفاع مقدّس جنگ نرم آبرویافتند.

۹ دی یادآور مظلومانی است که در دوران فتنه در راه دفاع از انقلاب اسلامی به شهادت رسیدند یا ضررهای جانی و آبرویی را بر خود خریدند.

۹ دی یک شاخص است و نقطه‌ی عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی؛ از این رو دور نیست که دشمنانی داشته باشد. کسانی که تلاش در از یاد بردن آن دارند و کسانی که سعی بر منحرف کردن آن. برخی فتنه را هم جور دیگر معنا کردند.

از اینجاست که باید نهم دی بماند و یادش گرمی داشته شود. گرامی داشت ۹ دی نیز بیش از آنکه از جنس شعار باشد - که شعار هم در جای خود لازم است - باید از جنس شعور و تبیین و بصیرت‌افزایی باشد.

همه باید در ۹ دی از فتنه و دشمنی دشمنان بگویند. درسهای آن هشت ماه و عبرتهای آن را مرور کنند. قدردان رهبری عزیز باشند که کشتی انقلاب را به ساحل امنیت رهنمون شد. توطئه‌های دشمن را بازگویند و نقشه‌های دشمن را بر اساس تحلیل، پیش‌بینی کنند.

یکی از مهمترین کارها نسبت به ۹ دی، یادآوری تاریخ آن دوران است؛ زیرا که حافظه‌ی عمومی جامعه بسیار ضعیف است و به سرعت نکات و زوایای حادثه را فراموش میکند. باید از هر رسانه‌ای بهره جست تا این حافظه تقویت شود.

در عرصه‌ی مکتوب، اقدامات مختلفی در سالهای گذشته از جهت تحلیل و تبیین و بیان تاریخ آن دوران انجام شده است که همه، شایسته‌ی تقدیر و درخور استفاده است. انتشارات انقلاب اسلامی نیز تا کنون سه اثر را با تکیه بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در زمینه‌ی فتنه‌ی ۸۸، تقدیم ملت عزیز ایران کرده است که در زمان خود مورد استفاده و استقبال

علاقه‌مندان قرار گرفته است. عناوین این سه اثر عبارت است از: شرح ماجرا، نقشه‌ی نقش بر آب و کالبدشکافی فتنه ۸۸.

اثر حاضر نیز مشتمل بر بیانات گهربار معظّم له است اما جهت نگاه این کتاب با سه اثر گذشته متفاوت است.

اولاً به صورت گذرا به برخی از ریشه‌های اصلی شکل‌گیری فتنه پرداخته است. ثانیاً تا آبان سال ۱۳۹۴ به روز شده است. ثالثاً در مورد بیانات مربوط به سال ۸۸ برخی از نکات تاریخی آن دوران و به اصطلاح شأن نزول بیانات را به صورت کوتاه یادآور شده است.

این اثر با رعایت سیر تاریخی بیانات، مخاطب را با تاریخ همراه میکند و این همراهی، فواید متعدّدی را برای او به همراه خواهد داشت. مخاطب نکته‌سنج، مدیریت میدانی رهبر عزیز را خواهد دانست و خواهد فهمید که به آگاهی رساندن عموم مردم چقدر سخت و زمان‌بر است.

در پایان نیز فهرست موضوعی مطالب درج شده است تا مخاطب بتواند به یک نظام فکری در زمینه‌ی فتنه و مسائل پیرامونی آن دست یابد.

مطالعه‌ی این اثر، یک شروع در مطالعه و تحقیق در مورد حماسه‌ی ۹ دی و فتنه‌ی ۸۸ است و مخاطب را از مراجعه به کتب تحلیلی در این زمینه بی‌نیاز نمی‌کند.

بیاییم دوباره به صدر کلام بازگردیم؛ آنجا که از یوم‌الله بودن و معنای یوم‌الله سخن به میان آمد. اگر ۹ دی پاس داشته میشود، برای باقی ماندن در گذشته نیست بلکه عبرت و درسی برای آینده است تا از عبرتهای آن پند گیریم و درسهای آن را سرلوحه‌ی عمل قرار دهیم.

من الله التوفیق و علیه التکلان

فهرست مطالب



- بخش اول: انفجار نور و تقابل با ظلمت ۲۷
- نتیجه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی؛ تحوّل ژرف در ارتباطات بین‌المللی ۲۹
- دلایل خشمگین بودن استکبار از نظام جمهوری اسلامی ۳۰
- خشم مستکبران از انتشار هیجان انقلاب اسلامی ۳۱
- اشتباه آمریکاییها در تحلیل حوادث منطقه و ایران ۳۳
- برافراشتن پرچم اسلام؛ دلیل مخالفت استکبار با انقلاب اسلامی ۳۴
- مقابله‌ی انقلاب اسلامی با سلطه‌گری و استعمار ۳۶
- بغض آمریکاییها از ملت و نظام اسلامی ایران ۳۷
- علل تشدید دشمنیهای استکبار با جمهوری اسلامی ۳۷
- الف) پیشرفتهای جمهوری اسلامی ۳۷
- ب) زنده‌شدن شعارهای انقلاب ۳۸
- ج) بیداری اسلامی ۳۸
- حضور همیشگی آمریکا در مقابل انقلاب اسلامی ۳۹
- تاریخ دشمنیها ۴۲
- اجمالی از تهدیدها و برنامه‌های دشمن ۴۴
- بخش دوم: روزشمار حماسه‌ها و فتنه‌های سال ۸۸ ۴۷
- فروردین ماه ۴۹
- یادآوری ۴۹
- بیانات ۵۰
- هشدار درباره‌ی خدشه‌ی بعضی افراد در سلامت انتخابات ۵۰
- مخفی بودن رأی رهبر ۵۰
- اردیبهشت ماه ۵۱

- یادآوری..... ۵۱
- بیانات ۵۱
- دنباله‌روی برخی ناسپاسها از دشمن در خدشه کردن به سلامت انتخابات ۵۱
- اهداف شوم دشمن نسبت به انتخابات..... ۵۳
- انتخابات؛ آبروی ملی ما و وسیله‌ای برای عزت ملی..... ۵۴
- مسأله‌ی اول؛ شرکت در انتخابات..... ۵۴
- خرداد ماه..... ۵۵
- یادآوری..... ۵۵
- بیانات ۵۷
- هجوم تبلیغاتی دشمن برای مخدوش کردن چهره‌ی انتخابات..... ۵۷
- هدف دشمن از تخریب انتخابات؛ از بین بردن پشتوانه‌ی مردمی نظام ۵۸
- ضرورت پرهیز طرفداران نامزدهای ریاست‌جمهوری از درگیری..... ۵۸
- لزوم پرهیز نامزدها از ایجاد دشمنی با یکدیگر..... ۵۹
- تأکید بر مخفی بودن رأی رهبر..... ۶۰
- تشکر از حضور پرشور و عقلانی طرفداران نامزدها در ایام تبلیغات..... ۶۰
- اهمیت امنیت انتخابات..... ۶۱
- ضرورت باور نکردن شایعات در امر انتخابات..... ۶۱
- جشن واقعی به خاطر ثبت نصاب تازه از مشارکت در انتخابات..... ۶۲
- ثابت شدن صلابت ایران با حضور پرشور مردم در انتخابات ۲۲ خرداد..... ۶۲
- تبریک پیروزی ملت در انتخابات و دعوت به شکرگزاری این نعمت..... ۶۲
- لزوم حفظ هوشیاری در برابر توطئه‌های دشمن در سنبه‌ی پس از انتخابات..... ۶۳
- تشکر از نقش‌آفرینان در خلق حماسه‌ی انتخابات..... ۶۳
- تضرع به درگاه الهی و استمداد از امام زمان (علیه‌السلام)..... ۴۶
- پیام حضور مردم در انتخابات ۲۲ خرداد..... ۶۴
- تذکر به یکی از نامزدهای معترض..... ۶۴
- یکی بودن طرفداران همه‌ی نامزدها در اعتقاد به نظام..... ۶۵
- ضرورت حراست از اتحاد ملی با وجود اختلاف سلیقه‌ی سیاسی..... ۶۶
- وظیفه‌ی همه‌ی نامزدها و طرفداران در مقابله با ایجاد دشمنی..... ۶۷
- لزوم پیگیری اعتراضات از مجاری قانونی..... ۶۷
- اعتماد رهبری به مسؤولان انتخابات در همه‌ی دوره‌ها..... ۶۸
- ضرورت صیانت از افتخار بین‌المللی انتخابات با چهل میلیون رأی..... ۶۸
- وظایف طرف پیروز و طرف مغلوب در انتخابات..... ۶۹
- وجود دستهایی برای خرابکاری و اختلاف‌افکنی بین طرفداران نامزدها..... ۷۰
- وظیفه‌ی همگان در اعلام موضع صریح نسبت به اغتشاش‌آفرینان..... ۷۱
- لزوم پرهیز طرفداران نامزد پیروز و مغلوب از عصبانی کردن طرف مقابل..... ۷۲

- تأکید بر حفظ هویت جمعی کشور و ملت ۷۲
- سه مطلب خطاب به سه دسته ۷۳
- مطلب اول خطاب به مردم عزیز ۷۳
- تشکر از ملت برای نمایش روح مشارکت و دلبستگی به نظامشان ۷۳
- شور و شعور نسل جوان در انتخابات سال ۸۸ ۷۴
- تعهد جمعی مردم برای حفظ نظام و کشور با وجود اختلاف سلیقه ۷۴
- انتخابات ۸۸؛ زلزله‌ی سیاسی برای دشمن و جشن برای دوستان ۷۵
- انتخابات ۲۲ خرداد؛ نشانه‌ی اعتماد و امید مردم ۷۵
- خسارت عظیم تضعیف اعتماد مردم به نظام ۷۶
- شروع خط فتنه‌ی تقلب از پیش از انتخابات ۷۶
- گوش نکردن برخی نسبت به هشدار درباره‌ی نقشه‌ی دشمن ۷۷
- رقابت‌های انتخاباتی ۸۸؛ رقابت‌های جدی و میان جریان‌های معتقد به نظام ۷۷
- جهت مثبت و منفی مناظره‌ها و رقابت‌ها ۷۹
- مأجور بودن همه‌ی مردم در خلق حماسه‌ای تاریخی در انتخابات دهم ریاست جمهوری ۸۴
- ممکن نبودن تقلب گسترده با وجود سازوکارهای قانونی انتخابات ۸۴
- نپذیرفتن بدعتهای غیرقانونی برای مصوبیت پیدا کردن انتخابات آینده ۸۵
- ضرورت پیگیری اعتراضات از راه‌های قانونی ۸۵
- مطلب دوم خطاب به سیاسیون، نامزدها و احزاب ۸۶
- ضرورت دقت در رفتار و در نظر گرفتن موقعیت حساس کشور ۸۶
- مسئولیت هرج و مرجعها و خونها بر عهده‌ی نخبگان سیاسی قانون شکن ۸۶
- وظیفه‌ی نخبگان سیاسی؛ در دیدن چهره‌ی بی‌نقاب دشمنان ۸۷
- یادآوری آخرین وصایای امام (قدس سره) مبنی بر فصل الخطاب بودن قانون ۸۷
- فلسفه‌ی انتخابات؛ حل شدن اختلافات سر صندوق رأی نه کف خیابان ۸۷
- لزوم دقت نسبت به سوء استفاده‌ی تروریستها از تجمعات خیابانی ۸۸
- دلخون شدن از حمله به جوانان دانشجوی مؤمن ۸۸
- ضرورت پایان دادن به زورآزمایی خیابانی بعد از انتخابات ۸۹
- تسلیم نشدن نظام در برابر حرکات خیابانی و مطالبات غیرقانونی ۸۹
- دعوت سیاسیون معترض به تفاهم و رعایت قانون ۸۹
- مطلب سوم خطاب به سران استکبار ۹۰

- ۹۰..... تحلیل رفتارهای متفاوت مستکبران قبل از انتخابات و بعد از آن.....
- ۹۱..... طمع دشمنان به خاطر رفتار اشتباه برخی از داخلیه‌ها.....
- ۹۲..... ابراز نگرانی دولتمردان آمریکایی درباره‌ی مردم ایران!.....
- ۹۳..... نجوایی با امام زمان (علیه‌السلام).....
- ۹۳..... تیر ماه.....
- ۹۳..... یادآوری.....
- ۹۴..... بیانات.....
- ۹۴..... موافقت با درخواست شورای نگهبان برای تمدید مدت رسیدگی به شکایات.....
- ۹۶..... موفقیت نسبی دشمن در تبدیل پیروزی انتخابات به اختلاف.....
- ۹۶..... رقابت بین نامزدهای ریاست جمهوری؛ یک رقابت درون خانوادگی.....
- ۹۷..... اخطار به مداخله‌جویی دشمنان در امور ایران.....
- ۹۷..... متحد شدن ملت در صورت مداخله‌ی دشمنان.....
- ۹۷..... اختلاف‌افکنی؛ هدف دشمن در حمایت از برخی جریان‌های سیاسی.....
- ۹۸..... دشمنی دشمنان با همه‌ی جریانهای معتقد به قانون اساسی.....
- ۹۸..... هدف اصلی دشمنان؛ بازگرداندن ایران به دوران پهلوی.....
- ۹۸..... نتایج منفی رفتارهای خصمانه برای دشمنان.....
- ۹۹..... اخطار به دنباله‌های داخلی دشمنان.....
- ۱۰۰..... توصیه‌ای به ملت ایران برای شناخت دوست نادان از دشمن.....
- ۱۰۰..... تمام‌شدنی بودن فتنه‌ها و باقی ماندن حضور چهل میلیونی مردم.....
- ۱۰۱..... وظیفه‌ی رئیس‌جمهور منتخب؛ شکر مردم.....
- ۱۰۱..... وفاداری ملت خوب ایران.....
- ۱۰۲..... عبرت انتخابات ۸۸؛ غفلت از دشمن در کمین.....
- ۱۰۲..... رسانه‌ها و دستگاه‌های اطلاعاتی استکبار؛ اصلی‌ترین عناصر دشمنان استقلال ملتها.....
- ۱۰۳..... صدور دستورالعمل اغتشاش از سوی دشمنان.....
- ۱۰۳..... انزجار مردم از اغتشاشگران و هدایت‌کننده‌های آنها.....
- ۱۰۴..... امنیت؛ عامل مورد نیاز برای رسیدن به اهداف ملت.....
- ۱۰۴..... نخبگان؛ سر جلسه‌ی امتحان.....
- ۱۰۵..... مرداد ماه.....
- ۱۰۵..... یادآوری.....
- ۱۰۶..... بیانات.....
- ۱۰۶..... تجربه‌ی انتخابات ۸۸؛ امکان ضربه خوردن از سوی دشمن حتی در بهترین شرایط.....
- ۱۰۶..... اقدامات میدانی دشمنان برای تبدیل جشن بزرگ ملی به اغتشاش.....
- ۱۰۷..... نبود بصیرت؛ عامل ضربه‌پذیری از دشمن.....

- اشتباه دشمن در شبیه‌سازی کاریکاتوری از انقلاب اسلامی ۵۷..... ۱۰۸
- شکست دشمن در فریب دادن ملت ایران با مسجد ضرار..... ۱۰۸
- قبولی ملت و مردودی برخی از خواص در امتحانهای انتخابات..... ۱۰۸
- ضرورت توجه رئیس‌جمهور منتخب به مخالفان عصبانی و منتقدان ۱۰۹
- لزوم شناسایی آسیب‌دیدگان پس از انتخابات و حمایت از آنها ۱۱۰
- ضرورت بالا بردن بصیرت ۱۱۰
- نبود بصیرت در بین لشکریان؛ علت سختی کار امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) ۱۱۰
- احتمال خطاهای بزرگ در صورت نبود بصیرت ۱۱۱
- از وظایف مهم نخبگان و خواص؛ تبیین بی‌تعصب حقایق ۱۱۲
- تبیین حقیقت؛ از کارهای مهم جناب عمّار در جنگ نرم ۱۱۲
- تأسف از بی‌بصیرتی برخی از نخبگان ۱۱۳
- وظیفه‌ی جوانان؛ مطالعه و تحقیق برای از بین بردن بی‌بصیرتی ۱۱۳
- شهریور ماه ۱۱۴
- یادآوری ۱۱۴
- بیانات ۱۱۵
- دستور برای برخورد با متخلفان در ماجرای کوی دانشگاه و کهریزک ۱۱۵
- غفلت برخی از ظلم عظیم به نظام و توجه به ظلم به برخی از افراد ۱۱۶
- برنامه‌ریزی درازمدت دشمن برای آشوبهای پس از انتخابات ۱۱۶
- اشتباه دشمن در تحلیل وقایع پس از انتخابات ۱۱۷
- تأثیر میزان هوشیاری در کم شدن صدمات فتنه ۱۱۷
- حمایت رهبر از نقاط قوت رئیس‌جمهور نه نقاط ضعف ۱۱۸
- دانشجویان؛ افسران جنگ نرم ۱۱۹
- لزوم دور بودن فضای علمی کشور از تشنج ۱۱۹
- متوقع نبودن ورود برخی از خواص در فتنه ۱۲۰
- متوقع بودن فتنه و دشمنی دشمنان ۱۲۰
- اساتید دانشگاه؛ فرماندهان جنگ نرم ۱۲۱
- دمیدن امید؛ مهمترین وظیفه‌ی استاد شایسته‌ی انقلاب ۱۲۱
- فتنه؛ رمزایشی برای شناخت نقاط ضعف خودمان ۱۲۲
- مهمترین وظیفه‌ی اهل فرهنگ در شرایط فتنه؛ تبلیغ و تبیین ۱۲۳
- استقبال نظام از انتقادهای در چهارچوب اصول ۱۲۵
- بنای نظام بر جذب حداکثری و دفع حداقلی ۱۲۶
- لزوم پذیرش حق نظام در دفاع از خود ۱۲۶
- برخورد با گروههای معارض با اصول در همه‌ی کشورهای جهان ۱۲۶
- ضرورت مراقبت صاحبان قدرت از انحراف و فسادپذیری خود ۱۲۷
- لزوم مراقبت از یکدیگر در برابر انحراف و لغزش ۱۲۸

- نگرانی مسلمانان جهان از بلوهای بعد از انتخابات ۱۲۹
- ضرورت پرهیز از تفرقه‌افکنی در اجتماعات روز قدس ۱۳۰
- انتخابات ۸۸؛ اثبات‌کننده‌ی جمهوریت و اسلامیت نظام اسلامی ۱۳۰
- واکنش ناجوانمردانه‌ی فتنه‌گران در برابر حرکت عظیم مردم ۱۳۲
- ضرورت شکرگزاری عملی نسبت به نعمت حضور حماسی مردم ۱۳۲
- غلط بودن شکل گرفتن فضای سوءظن و بدگمانی در جامعه ۱۳۳
- مهر ماه ۱۳۵
- یادآوری ۱۳۵
- بیانات ۱۳۵
- برنامه‌ریزی بلندمدت دشمن برای بلوهای بعد از انتخابات ۱۳۵
- اشتباه برخی از خواص؛ سکوت در دوران فتنه ۱۳۵
- لزوم پرهیز خبرگان از معرفی نمایندگان مخالف نظر اعضا ۱۳۶
- وظیفه‌ی همگان بخصوص جوانان در افزایش بصیرت ۱۳۷
- خوشحالی یا خشم دشمن؛ ملاک غلط یا صحیح بودن یک حرکت ۱۳۷
- آبان ماه ۱۳۸
- یادآوری ۱۳۸
- بیانات ۱۳۸
- یکی از اشتباهات صداوسیما در انتخابات ۸۸؛ پرداخت زود هنگام به انتخابات ۱۳۸
- ضرر فضای جنجالی و دور از منطق ۱۳۹
- زیر سؤال بردن اصل انتخابات؛ بزرگترین جرم نامزدهای متمرد معترض ۱۴۰
- هشدار داده‌شده به نامزدهای معترض نسبت به عواقب شروع اعتراضات ۱۴۱
- جرم نامزدهای معترض؛ زیر سؤال بردن انتخابات و مواجه کردن عده‌ای از مردم با نظام ۱۴۲
- دست برداشتن آمریکا از اقدامات گذشته؛ شرط عادی شدن روابط ۱۴۲
- استحکام جمهوری اسلامی در برابر فتنه‌ها ۱۴۲
- آذر ماه ۱۴۳
- یادآوری ۱۴۳
- بیانات ۱۴۴
- بدبین کردن مردم و اختلاف‌افکنی؛ از ابزارهای جنگ نرم ۱۴۴
- بصیرت؛ مهمترین عنصر در دوران فتنه ۱۴۴
- اصرار بر یکی شدن آحاد ملت در برابر مخالفان با اصل انقلاب ۱۴۵
- ضرورت پرهیز از ایجاد اختلاف و شایعه‌پراکنی نسبت به مسؤولان ۱۴۵
- اولین اقدام فتنه‌گران؛ ایجاد تردید در کار مسؤولان انتخابات ۱۴۶
- بیهوده بودن اقدامات مواجه‌کنندگان با ملت و نظام ۱۴۶
- ضرورت دقت در بکار بردن عنوان منافق و ضد ولایت فقیه ۱۴۷

- ۱۴۷.....سختی فضای غبارآلود برای امیرالمؤمنین (علیه‌السلام).....
- ۱۴۸.....ضرر تردید خواص در حوادث.....
- ۱۴۸.....فلسفه‌بافی نامزدهای قانون‌شکن برای اقدامات غلط خود.....
- ۱۴۹.....نقش نامزدهای مغلوب معترض در غبارآلود کردن فضای جامعه.....
- ۱۵۰.....تعجب از متنبه نشدن نامزدهای معترض پس از انجام اغتشاشات به نام آنها.....
- ۱۵۲.....لزوم عبرت‌آموزی نامزدهای قانون‌شکن از ریزشهای زمان امام (قدّس سرّه).....
- ۱۵۲.....اصرار نامزدهای متمرّد بر فاصله گرفتن از نظام.....
- ۱۵۳.....پیروزی حتمی ملت مؤمن ایران بر چالشها.....
- ۱۵۳.....بیداری دانشگاه در دوران فتنه.....
- ۱۵۴.....ضرورت حفظ آرامش و حلم در برابر اهانت به حضرت امام (قدّس سرّه).....
- ۱۵۵.....ریشه‌دارتر شدن روزافزون انقلاب.....
- ۱۵۵.....دی ماه.....
- ۱۵۵.....یادآوری.....
- ۱۵۶.....بیانات.....
- ۱۵۶.....علّت ماندگاری ۹ دی.....
- ۱۵۷.....نقش اراده و مجاهدت در شاخص شدن ۹ دی.....
- ۱۵۷.....اهمّیت مضاعف ۹ دی در دوران غبارآلود فتنه.....
- ۱۵۸.....دست خدا و روح حسین بن علی (علیه‌السلام) در شکلگیری نه دی.....
- ۱۵۹.....نقش عمّار در جنگ صفین.....
- ۱۶۰.....الگو گرفتن از عمّار برای شناخت جریانهای فتنه‌ی ۸۸.....
- ۱۶۱.....بیداری ملت؛ رمز ماندگاری ۹ دی و انقلاب.....
- ۱۶۲.....ترس دشمن از انتشار پیام انقلاب اسلامی.....
- ۱۶۲.....راهپیمایی نه دی؛ پاسخ به نیاز لحظه.....
- ۱۶۳.....بهمن و اسفند ماه.....
- ۱۶۳.....نقش ایمان در خلق حماسه‌ی ۹ دی.....
- ۱۶۵.....قدردانی از حضور دهها میلیونی ملت شگفتی‌آفرین ایران در راه‌پیمایی ۲۲ بهمن.....
- ۱۶۶.....نقش علما در شکلگیری حماسه‌ی ۹ دی و بیست و دوّم بهمن ۸۸.....
- ۱۶۷.....بخش سوّم: بیانات سال ۸۹ درباره‌ی فتنه و حماسه‌ی نه دی.....
- ۱۶۹.....حضور میلیونی ملت در پای صندوقهای رأی؛ عامل شکست نقشه‌ی دشمن.....
- ۱۷۰.....خشونت بعد از انتخابات؛ از نقشه‌های دشمن برای شکست حکومتها.....
- ۱۷۲.....نُه‌م دی و ۲۲ بهمن ۸۸؛ قویترین و آخرین ضربه بر فتنه.....
- ۱۷۳.....نه دی؛ عامل تقویت جمهوری اسلامی.....
- ۱۷۳.....نقش تقوا در آسیب‌ناپذیر شدن ملت.....
- ۱۷۴.....عفو فریب‌خوردگان فتنه.....

- ۱۷۶ ضربه‌ی سخت فتنه ۸۸ به کشور.....
- ۱۷۶ واکسینه شدن کشور با گذر از فتنه‌ی ۸۸.....
- ۱۷۶ سخنان دلسردکننده‌ی برخی از خواص تأثیرپذیر از تبلیغات دشمن.....
- ۱۷۷ شروع فتنه‌ها از مخلوط شدن باطل با حق.....
- ۱۷۸ کافی نبودن بصیرت برای موفقیت.....
- ۱۷۹ فریب خوردن برخی در جریان فتنه.....
- ۱۸۰ جوانان؛ در خط مقدم مقابله‌ی با فتنه‌ها.....
- ۱۸۰ تسخیر ایران؛ توطئه‌ی بزرگ در پس فتنه‌ی سال ۸۸.....
- ۱۸۱ کسب توانایی تازه توسط ملت ایران بعد از پیروزی در فتنه.....
- ۱۸۱ رسالتهای ملی و جهانی ملت ایران.....
- ۱۸۲ توطئه‌ها برای مقابله با جهانی شدن پیام جمهوری اسلامی.....
- ۱۸۲ نهم دی؛ مشت محکم به دهان فتنه‌گران.....
- ۱۸۳ خودجوش بودن نه دی؛ دلیل هوشیاری مردم.....
- ۱۸۳ پیام ۹ دی برای دشمنان.....
- ۱۸۳ گناه بزرگ فتنه‌گران؛ امیدوار کردن دشمن برای نفوذ.....
- ۱۸۴ پیروزی ملت ایران در هشت‌ماه جنگ نرم سال ۸۸.....
- ۱۸۴ نه دی؛ از موارد جلب رحمت الهی.....
- ۱۸۵ دست قدرت الهی؛ عامل خنثی شدن فتنه‌ی ۸۸.....
- ۱۸۵ روشن نشدن زوایای پنهان فتنه‌ی ۸۸.....
- ۱۸۵ گناه نامزدهای قانون‌شکن؛ خودداری نکردن از بازی در زمین دشمن.....
- ۱۸۵ طراخی دشمن برای از بین بردن دین و نظام با شبیه‌سازی از انقلاب.....
- ۱۸۶ تقویت انقلاب و دین؛ جایزه‌ی پیروزی ملت در امتحان فتنه.....
- ۱۸۷ درسهای امتحان فتنه.....
- ۱۸۷ ضرورت بیداری همگانی و فریب نخوردن از پیروزیها.....
- ۱۸۸ نه دی؛ یوم‌الله به معنای حقیقی کلمه.....
- بخش چهارم: بیانات سال ۹۰ تا ۹۲ درباره‌ی فتنه و حماسه‌ی نه دی.....
- ۱۸۹ حضور مردم و آرزوهای خام دشمن در سالهای ۶۸، ۷۸ و ۸۸.....
- ۱۹۱ اعتماد مردم به نظام؛ علت حضور مردم در نه دی.....
- ۱۹۲ اراده و حضور مردم؛ عامل پیروزی نظام بر چالشها.....
- ۱۹۴ شکست فتنه با حضور بی‌نظیر مردم در نه دی.....
- ۱۹۴ دست خدا در به میدان آمدن مردم در نه دی.....
- ۱۹۵ روح دینت حاکم بر دل‌های مردم؛ نکته‌ی اساسی نه دی.....
- ۱۹۵ مردم و ایمان دینی مردم؛ حلال تمام مشکلات.....
- ۱۹۶ احساس وظیفه‌ی دینی و عمل صالح؛ دو علت حماسه‌ی نه دی.....
- ۱۹۷

- ۱۹۸ نُه دی؛ برهم‌ریزنده‌ی برنامه‌های گسترده دشمن
- ۱۹۸ ضرورت گرامیداشت و حفظ نُه دی
- ۱۹۸ لزوم پرهیز از غلبه دادن جنبه‌های شعاری بزرگداشت نُه دی
- ۱۹۹ نُه دی و انقلاب؛ مرهون عاشورا
- ۱۹۹ رأی‌نیاوردگان سال هشتاد و هشت؛ عبرت تمام نامزدهای انتخابات
- ۲۰۰ شرکت پرشور مردم در انتخابات سال ۹۰؛ نشان از اعتماد مردم به نظام
- ۲۰۰ اعلام انزجار نکردن نامزدهای متمدّد از اغتشاشات؛ عامل طولانی شدن فتنه
- ۲۰۱ ضرورت همدلی و همراهی قوای مختلف با هم
- ۲۰۲ تبدیل شدن انتخابات به مظهر اختلافات در سال ۸۸
- ۲۰۲ از نقشه‌های دشمن برای سرد کردن انتخابات؛ ایجاد مشکلات امنیتی و سیاسی
- ۲۰۳ دخالت آمریکا و پشتیبانی از فتنه‌گران سال ۸۸
- ۲۰۳ تمکین نکردن در برابر قانون؛ عامل ایجاد حوادث سال ۸۸
- ۲۰۴ سازوکار مستحکم انتخابات
- ۲۰۴ راه اساسی برای پیشگیری از مشکلات انتخاباتی؛ التزام به قانون
- ۲۰۶ خسارت کشور در سال ۸۸ به‌خاطر تخلف از قانون
- ۲۰۷ نعمت بزرگ تمکین به قانون
- ۲۰۸ حضور چشمگیر مردم در ۹ دی؛ نشانه‌ی علاقه‌ی اکثر مردم به نظام
- ۲۰۹ عدم تبعیّت از قانون؛ سبب لطمه دیدن کشور در سال ۸۸
- ۲۱۰ هیجان همراه با بددهنی در دوران تبلیغات انتخابات ۸۸
- ۲۱۰ تلخکامی مردم پس از انتخابات ۸۸؛ ناشی از مخالفت با قانون
- ۲۱۱ القای شبهه در سلامت انتخابات؛ عامل سرشکستگی نامزدهای قانون‌شکن در ملاً‌اعلی
- ۲۱۳ تبدیل فرصت جابجایی دولتها به تهدید در سال ۸۸
- ۲۱۳ خلط مسائل اصلی و فرعی در قضایای سال ۸۸
- ۲۱۴ ایمان درست، بصیرت و عمل؛ عامل نزول نصرت الهی
- ۲۱۷ بخش پنجم: بیانات سال ۹۳ و ۹۴ درباره‌ی فتنه و حماسه‌ی نُه دی
- ۲۱۹ تلاش دشمنان برای فراموش شدن نُه دی
- ۲۲۱ حضور نسل سوّم انقلاب در نُه دی
- ۲۲۱ گناه بزرگ نامزدهای متمدّد؛ ایجاد اختلاف
- ۲۲۳ نداشتن تقوای جمعی؛ عامل لغزیدن فتنه‌گران
- ۲۲۳ لزوم پرهیز تشکلهای دانشجویی از عناصر فتنه
- ۲۲۴ طرفداری آمریکا از فتنه‌ی داخلی
- ۲۲۵ ویژگی لغزیدگان سال ۸۸؛ نداشتن بصیرت عمیق
- ۲۲۶ بصیرت؛ از ویژگیهای ضروری یک بسیجی

- گله از تشکیک‌کنندگان در سلامت انتخابات..... ۲۲۸
- مقصود از حق الناس بودن انتخابات..... ۲۲۹
- الف) حق داوطلب..... ۲۲۹
- ب) حق مردم در جلوگیری از ورود افراد ناصالح..... ۲۲۹
- ج) امانتداری از آرای مردم..... ۲۳۰
- د) پذیرش نتیجه‌ی قانونی انتخابات..... ۲۳۰
- ه) رعایت حق در تهیه‌ی فهرستهای انتخاباتی..... ۲۳۱
- و) اعتماد کردن مردم به مجموعه‌های مورد اعتماد..... ۲۳۱
- انقلاب اسلامی ایران؛ تنها انقلاب پایدار..... ۲۳۲
- توطئه‌های گسترده دشمنان برای از بین بردن انقلاب اسلامی..... ۲۳۲
- اغتشاشات سال ۸۸؛ از ابتکارات آمریکاییها برای از بین بردن انقلاب..... ۲۳۳
- فتنه‌ی سال ۸۸؛ یک کودتای رنگی ناموفق..... ۲۳۳
- حمایت رئیس‌جمهور آمریکا از آشوبگران در سال ۸۸..... ۲۳۴
- وظیفه‌ی همگان برای حفظ ماندگاری انقلاب..... ۲۳۴
- حرف آخر..... ۲۳۵
- نمایه‌ها..... ۲۳۷

بخش اوّل
انفجار نور و تقابل با ظلمت



نتیجه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی؛ تحوّل ژرف در ارتباطات بین‌المللی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تحولی ژرف در ارتباطات بین‌المللی از دو نظر بوجود آورد:

اول اینکه هیمنه‌ی دو ابرقدرت آن روز دنیا را در رابطه‌شان با دولت‌های ضعیف جهان، شکستی سخت داد و ابهتی را که به مرور در چشم ملت‌ها و دولت‌ها به دست آورده بودند، بشدت تضعیف کرد.

دوم آنکه به ملت‌ها دلگرمی و شجاعت بخشید و جرأت و گستاخی در مقابله با دولت‌های دست‌نشانده را به آنان تزریق کرد. گرچه این تأثیرات عمیق، بتدریج در جهان ظاهر شد و امروز پس از یازده سال، چهره‌ی سیاسی عالم را دگرگون کرده است، اما همه‌ی چشم‌های تیزبین، از همان آغاز تشخیص دادند که با پیروزی این انقلاب عظیم، عصر جدیدی در مناسبات عالم پدید آمده است. این عصر را باید «عصر امام خمینی» نامید و ویژگی آن، عبارت است از بیداری و جرأت و اعتماد به نفس ملت‌ها در برابر زورگویی ابرقدرتها و شکستن بت‌های قدرت ظالمانه و بالندگی نهال قدرت واقعی انسان‌ها و سربرآوردن ارزش‌های معنوی والهی.^۱

۱. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۰/۳/۱۳۶۹.

دلایل خشمگین بودن استکبار از نظام جمهوری اسلامی

در نظام جمهوری اسلامی، مواردی که آمریکا و هر مستکبر دیگری را خشمگین میسازد، عبارت است از:

اول، جدا نبودن دین از سیاست و پایه‌ی اسلامی جمهوری اسلامی.
 دوم، استقلال سیاسی این نظام، به معنای تسلیم‌ناپذیری‌اش در برابر زورگوییهای معمول ابرقدرتها.

سوم، اعلام راه‌حل مشخص جمهوری اسلامی درباره‌ی مسأله‌ی فلسطین، که عبارت است از انحلال رژیم غاصب صهیونیستی و تشکیل دولت فلسطینی، متشکل از خود فلسطینیان و همزیستی مسلمانان، مسیحیان و یهودیان در فلسطین.

چهارم، حمایت معنوی و سیاسی از همه‌ی نهضت‌های اسلامی و تقبیح فشار بر مسلمانان در هر جای عالم.

پنجم، دفاع از حیثیت اسلام و قرآن و پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و دیگر انبیای الهی و مقابله با توطئه‌ی رواج دادن اهانت به این مقدّسات، نظیر آنچه در باب نویسنده‌ی مهدورالدم آیات شیطانی دیده شد.

ششم، تلاش برای اتّحاد امت اسلامی و همکاری سیاسی و اقتصادی دولتها و کشورهای اسلامی و حرکت در جهت تثبیت اقتدار ملت‌های مسلمان در قالب «امت بزرگ اسلامی».

هفتم، ردّ و نفی فرهنگ تحمیلی غرب، که دولت‌های غربی با تنگ‌نظری و تعصّب، برآنند که همه‌ی ملت‌های عالم را به پذیرش آن وادار سازند و اصرار بر ایحای فرهنگ اسلامی در کشورهای مسلمان.

هشتم، مبارزه با فساد و بی‌بندوباری جنسی، که بعضی از دولت‌های غربی بخصوص آمریکا و انگلیس اخیراً انحراف‌ترین شکل آن را بی‌شرمانه رسمیت داده یا در راه آنند و از ده‌ها سال پیش برای ورود اشکال گوناگون این فساد به کشورهای اسلامی برنامه‌ریزی و تلاش میکنند.^۱

۱. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۲۸/۲/۱۳۷۲.

خشم مستکبران از انتشار هیجان انقلاب اسلامی

جاذبه‌ی عجیب انقلاب و آن حقیقتی که در درون انقلاب نهفته بود که دلها را به سمت خودش جذب میکرد؛ این را ما بایستی بشناسیم، بدانیم و حفظ کنیم.

علاوه بر کشور، در دنیا هم همین اتفاق افتاد. خب، این انقلاب، این توانایی را داشت که به تمام زوایای کشور نفوذ کند و حضور پیدا کند، یعنی مثلاً فرض کنید نه فقط در شهرها، در روستاها هم مردم بلند میشدند و از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر میرفتند و شعار میدادند؛ شعار به نفع امام و انقلاب و علیه رژیم مستبد و دیکتاتور؛ اینجور همه‌ی ملت به پا خاستند. علاوه‌ی بر این، در سطح جهان هم همین اتفاق افتاد. البته با نوعی تدریج. یعنی در همه جای دنیا؛ در آسیا، در اعماق آفریقا، حتی در آمریکای لاتین ملتها از اینکه یک ملتی پیدا شده است که این شجاعت را، این دلیری را دارد که در مقابل آمریکا بایستد و زورگویی آمریکا را علناً رد بکند، به هیجان می‌آمدند. خیلیها با زحمت رادیوهای ایران را میگرفتند. من دیدم کسانی را که در کشورهای عربی بودند و از بس رادیوی فارسی ایران را گوش کرده بودند، فارسی یاد گرفته بودند. این جاذبه است؛ جاذبه‌ی انقلاب است که دلها را. توده‌های مردم را، روشنفکران را، جوانان را، دانشگاهیان را. در همه جای دنیایی که تحت تأثیر شدید تبلیغات دشمن قرار نداشت، توانست به خودش جذب کند؛ این اتفاق در همه جا افتاد. اینکه بینند یک ملتی در مقابل زورگویی می‌ایستد، ملتهایی را که خودشان در چالش زورگوییهای آمریکا و قدرتهای غربی بودند، به هیجان می‌آورد؛ اینها را طرفدار میکرد؛ علاقه‌مند میکرد. این در همه جای. باید گفت. دنیای استضعاف؛ در آفریقا، در آسیا، در نقاط دوردست، در آمریکای لاتین، در همه جا تقریباً عمومیت داشت. این را ما کاملاً مطلع شدیم؛ افراد زیادی میگرفتند، می‌آمدند و تأثیر انقلاب و تأثیر نام امام را انسان به روشنی مشاهده میکرد.

خب، نقطه‌ی مقابل چه بود؟ نقطه‌ی مقابل، آن قدرتهایی بودند که این

حرکت عظیم علیه آنها بود؛ در رأس آنها، دولت ایالات متّحدهی آمریکا. اینها از اینکه یک چنین حرکت عظیم و رو به گسترشی، همه‌ی ملت‌های تحت نفوذ اینها را دارد فرا میگیرد، بشدّت برآشفته و متوحّش بودند و وادار به عکس‌العمل شدند و عکس‌العمل‌های تند نشان دادند. اولین علاجی هم که به ذهنشان رسید، این بود که کانون را خاموش کنند؛ آن مرکزی، آن کانونی را که همه‌ی این هیجانها از آنجا برمیخیزد، این را خاموش کنند تا بطور طبیعی در جاهای دیگر، مسأله از بین برود؛ لذا هرچه توانستند فشار آوردند. دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی از روز اوّل شروع شد؛ این را جوانها بدانند. هرچه توانستند انجام دادند؛ یعنی واقعاً هیچ‌کاری که یک دولتی مثل آمریکا بتواند با یک ملّتی، با یک کشوری بکند از لحاظ نظامی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ امنیتی، از لحاظ ارتباطات فرهنگی وجود ندارد که نکرده باشد؛ هرکاری توانسته‌اند تا امروز انجام داده‌اند. دشمنی آنها با «انقلاب» بود و هست؛ دشمنی آنها با مردمی است که این انقلاب را پذیرفته‌اند و قبول کرده‌اند. این غلط است که بعضی اینجور وانمود کنند که دشمنی آمریکا ورژیم مستکبر با اشخاص است. با امام دشمن بودند یا امروز با علی خامنه‌ای دشمنند. اینجور نیست؛ دشمنی آنها با اصل این مفهوم است، با اصل این حرکت است، با اصل این جهتگیری توأم با ایستادگی و استقلال‌طلبی و عزّت‌طلبی است و با ملّتی که اینها را پذیرفته است و دارد عمل میکند؛ دشمنی با اینها است؛ و این دشمنی، آن روز بوده است، امروز هم هست و ادامه دارد. ملّتی که پای این حرف ایستاد در طول این سالهای متمادی و مشکلات آن را تحمّل کرد، برایشان مبعوض است. بعضی از سیاستمداران آمریکایی خطا کردند و در لفظ هم همین را گفتند؛ در این چند سال گذشته از ذهنشان در رفت، تصریح کردند که با ملّت ایران دشمنند؛ با ملّت ایران مخالفند؛ امروز هم هر حرکتی از سوی آمریکاییها و همپیمانان‌شان و همراهان‌شان انجام میگیرد، برای به زانو درآوردن ملّت ایران است؛ برای تحقیر ملّت ایران است.

اشتباه آمریکاییها در تحلیل حوادث منطقه و ایران

البته دچار خطایند؛ دچار اشتباه در تحلیلند؛ این یک واقعیتی است که آمریکاییها در تحلیل حوادث این منطقه و بطور خاص تحلیل حوادث کشور عزیز ما دچار خطایند؛ دچار اشتباههای راهبردی هستند؛ همین خطاها هم هست که به آنها دارد مرتباً صدمه میزند، ضربه میزند و ناکامشان میکند؛ خطای محاسباتی دارند.

[یک] مسؤول آمریکایی^۱ همین چند روز قبل از این میگوید که ایرانیها گیر افتاده اند؛ ایرانیها در قضایای هسته ای، با دست بسته پشت میز مذاکره حاضر میشوند. خوب، این خطای محاسباتی است؛ ایرانیها گیر نیفتاده اند، حالا شما در بیست و دوم بهمن ان شاء الله - خواهید دید ملت ایران چه خواهد کرد و چه حضوری خواهد داشت؛ آن وقت معلوم میشود که آیا دست ملت ایران بسته است؟ دست ملت ایران بسته نیست و این را در عمل نشان داده است و بعد از این هم نشان خواهد داد؛ مسؤولین هم همینجور؛ مسؤولین کشور هم ان شاء الله - با ابتکارات خودشان، با شجاعت خودشان نشان خواهند داد که دست ملت ایران بسته نیست. او تصور میکند که ایران را در سه کنج گیر انداخته! میگوید پشت ایرانیها به دیوار رسیده است! نه آقا، اشتباه میکنید! شما هستید که دچار مشکلید. همه ی واقعیتهای منطقه ی ما نشاندهنده ی این است که آمریکا در اهداف خود در این منطقه و در بیرون این منطقه شکست خورده است. آمریکا در سوریه شکست خورد، آمریکا در عراق شکست خورد، آمریکا در لبنان شکست خورد، آمریکا در قضیه ی فلسطین شکست خورده است، آمریکا در غزه شکست خورده است، آمریکا در تسلط بر مسائل افغانستان و پاکستان شکست خورده است، در بین آن ملتها منفور است؛ در خارج از این منطقه هم همینطور است؛ آمریکا در اوکراین شکست خورده است؛ شما هستید که دچار شکست شدید؛ سالهای متمادی است شکست پشت سر شکست!

۱. دیوید کوهن.

جمهوری اسلامی پیش رفته است. امروز جمهوری اسلامی با نظام جمهوری اسلامی در سی و پنج سال قبل، قابل مقایسه نیست. تراکم تجربه‌ها، تراکم کارها، پیشرفتهای فراوان، نفوذ عظیم منطقه‌ای، رسوخ مبانی انقلاب در اعماق دلهای جوانان این کشور؛ اینها چیزهای کوچکی است؟ این حوادث وجود دارد؛ اینها حقایقی است.

در مورد مسائل گوناگون دچار همین خطای محاسباتی هستند. به فضل پروردگار، با همت مردم، با همت شما جوانها در همه جای کشور، در همه‌ی بخشهای گوناگون دیگر هم شبیه همین فعالیتهایی که فرماندهی محترم الان گفت که در نیروی هوایی انجام گرفته است، در یک سطح وسیعی، در همه‌ی دستگاههای کشور در حال انجام است؛ آن هم در حال تحریم، آن هم در حالی که دشمنان تحریم کرده‌اند؛ ما در علوم پیشرفت داریم، در فناوری پیشرفت داریم، در مسائل گوناگون اجتماعی پیشرفت داریم، در مسائل گوناگون بین‌المللی پیشرفت داریم؛ تجربیات گوناگون، پی‌درپی برای جمهوری اسلامی یک ذخیره‌ی ارزشمند دارد به وجود می‌آورد. ما داریم جلو می‌رویم و پیشرفت میکنیم، علی‌رغم دشمن، به کوری چشم دشمن؛ آنها هستند که نتوانستند. آنها میخواستند این ریشه را قلع و قمع کنند، آنها حاضر نبودند نظام جمهوری اسلامی را تحمل کنند [اما] امروز مجبورند نظام جمهوری اسلامی را تحمل کنند. در مسائل گوناگون هم با طرق مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی - انواع و اقسام ترفندها - هر ضربه‌ای که بتوانند وارد میکنند لکن بی‌نتیجه است؛ جمهوری اسلامی، با قدرت در حال پیشرفت کردن است.^۱

برافراشتن پرچم اسلام؛ دلیل مخالفت استکبار با انقلاب اسلامی

این نکته‌ی بسیار مهمی است که انقلاب ملت ایران در دورانی به نام

۱. در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی در روز نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی

دین و به نام اسلام توانست دنیا را متوجه به خود کند که قدرتمندان عالم-سیاستهای استکباری- تصور میکردند که ریشه‌ی دین و دینداری را در همه‌ی عالم از جمله در کشورهای اسلامی قطع کرده‌اند. خاطرشان آسوده بود که نامی از دین بطور برجسته، دیگر باقی نخواهد ماند و روز به روز آثار دینی در مردم ضعیفتر خواهد شد؛ خودشان را به این دلخوش کرده بودند. در یک چنین دورانی بود که ملت ایران با افراشتن پرچم اسلام، دینداری را به فضای زندگی مردم همه‌ی عالم برگرداند. این یک واقعیتی است. ما برای اسلام قیام کردیم؛ پرچم اسلام را بلند کردیم؛ اما حتی در کشورهایی که دین آنها غیر اسلام است، این تأثیر را انقلاب و ملت ما بخشید که آنها را به سمت تدین، به سمت معنویت، به سمت مطلق دین متمایل کرد. این معجزه را ملت ایران آفرید و این انقلاب با نام اسلام، با نام مبارک قرآن، توانست برای اکثر ملتهای عالم الگوشود.

اگر امروز شما به کشورهای اسلامی مسافرت کنید، میبینید با سی سال قبل- یعنی قبل از پیروزی این انقلاب- فضا بکلی متفاوت است. آن روز اگر کسی هم برای آزادیخواهی یا استقلال حرفی میزد و حرکتی و قیامی میکرد، زیر پرچم و شعار مکاتب الحادی و غیر الهی بود، اما امروز دردنیای اسلام، روشنفکر، دانشجو، انسانهای دارای تعهد و مسؤولیت، آن وقتی که از استقلال سخن بگویند، از آزادی سخن بگویند، زیر پرچم اسلام این شعارها را میدهند و این حرکت را انجام میدهند. این به برکت قیام شما ملت ایران و انقلاب اسلامی بزرگی بود که ریشه‌هایش را در تاریخ نزدیک به تاریخ معاصر ملاحظه کردید: قیام تنباکو، قیام مشروطیت بوسیله‌ی علمای بزرگ و از جمله‌ی برجسته‌ترین آنها قیام مردم لارستان به رهبری این مرد بزرگوار. ما به گذشته که نگاه میکنیم، با این چشم نگاه میکنیم. گذشته برای ما یک وسیله و آئینه‌ای است؛ مایه‌ی عبرتی است تا راه آینده‌مان را هموار کنیم.^۱

۱. در دیدار عمومی مردم لار ۱۹/۲/۱۳۸۷.

مقابله‌ی انقلاب اسلامی با سلطه‌گری و استعمار

بسیاری از دولتهایی که در طول ۱۰ سال گذشته به عراق کمک کرده بودند، امروز اعتراف میکنند که این کمک، علیه ایران و برای کوبیدن اسلام و انقلاب اسلامی ایران بوده است! امروز اعتراف میکنند که با حرکت اسلامی ملت ایران، دشمنی و خصومت داشتند.

این خصومت از طرف کیست؟ از طرف قدرتها؛ کسانی که میخواستند دنیا و ملتها را بچاپند؛ ولی اسلام و بیداری اسلامی و حرکت اسلامی را مزاحم خودشان به حساب می‌آوردند؛ حقیقت هم همین است. اسلام و بیداری اسلامی، در مقابل هرگونه سلطه‌گری ایستاده است و خواهد ایستاد. هر حرکت اسلامی که صادقانه باشد، مسلمانان دنیا را که جمعیت کثیری هستند، به خود جلب خواهد کرد و این برای قدرتهای بزرگ، یک خطر است. برای همین است که استکبار جهانی، از انقلابهای دیگر در سایر نقاط عالم، به قدر انقلاب متکی به اسلام و اهمه نداشته است.

امروز بخش عظیمی از حساسترین نقاط دنیا به لحاظ اقتصادی، منابع، سوق الجیشی و وضعیت اجتماعی، در اختیار مسلمانان است. نقاط التقای سه قاره‌ی بزرگ و مهم عالم یعنی آسیا و آفریقا و اروپا در اختیار مسلمانان است. مهمترین منابع نفت و بسیاری از منابع دیگر عالم، در اختیار مسلمانان است. امروز دنیای استکباری و امپراطوریهای زر و زور میدانند که اگر اسلام در دل مسلمانان و جوامع اسلامی حیات دوباره پیدا بکند، منافع آنها منافع متکی به سلطه و زورگویی و دوقطبی بودن عالم به خطر خواهد افتاد.

کشورهای استکباری میخواهند همیشه زور بگویند، بچاپند، ثروت و قدرت عالم در اختیار آنها باشد؛ ملتهایی هم باشند که کارکنند، زحمت بکشند و منابعشان غارت برود. هر حرکتی که در مقابل آنها بایستد، با آن دشمن میشوند؛ و اسلام در مقابل آنها می‌ایستد. علت اینکه استکبار با ایران مخالف است، این است. علت دشمنی عمیق آمریکا با انقلاب

اسلامی و با اسلام، این است. این دشمنی، تمام‌شدنی نیست. در اینجا، آن عامل تعیین‌کننده که میتواند صحنه را به سود یک طرف سنگین کند و تغییر بدهد و میتواند معین نماید که کدامیک از دو طرف پیروز خواهند شد، عبارت از حقیقت، مفید بودن برای انسانیت، دل‌های مؤمن و قدم‌های استوار است و اینها در طرف ما و پیش ماست.^۱

بغض آمریکاییها از ملت و نظام اسلامی ایران

اینکه شما میبینید آمریکاییها با چه لجی، با چه دشمنی و بغضی به ملت ایران و به انقلاب اسلامی و به نظام اسلامی نگاه میکنند؛ بخاطر این است. اینها یک چنین دورانی را گذرانند؛ چنین کشوری، چنین نظامی از دست آنها رفته است؛ لذا دشمنی آنها با انقلاب تمام‌شدنی نیست.^۲

علل تشدید دشمنیهای استکبار با جمهوری اسلامی

... خب، هر بیننده‌ای احساس میکند و میبیند که تلاش دشمنان در مقابله‌ی با جمهوری اسلامی در این سالهای اخیر، بخصوص در همین شش هفت سال گذشته و بخصوص در این دوسه سال اخیر، بیشتر شده. به نظر من دوسه عامل تأثیر دارد که ما اگر بدانیم انگیزه‌های دشمن از کجا ناشی میشود، تکلیف خود را در برنامه ریزی‌ها مان بهتر میفهمیم.^۳

الف) پیشرفتهای جمهوری اسلامی

به نظر من یکی از علل این دشمنیها، همین پیشرفتهای شماست؛

۱. در دیدار با فرزندان ممتاز شاهد، جانبازان شهرهای مشهد و تهران و استان کردستان، جمعی از دانش‌آموزان مدارس تهران و مدرسان مراکز تربیت معلّم و گروهی از ورزشکاران و مسؤولان سازمان تربیت بدنی کشور ۱۳۶۹/۶/۲۱.
۲. در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز قیام نوزدهم دی؛ در حسینیه امام خمینی (ره) ۱۳۹۳/۱۰/۱۷.
۳. در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۱/۶/۲.

یعنی می‌خواهند این پیشرفتها کند شود. جمهوری اسلامی با داعیه‌ی اسلام‌خواهی، با داعیه‌ی مردمسالاری اسلامی، با داعیه‌ی ردّ ونفی مستدلّ لیبرال دموکراسی، برای تشکیلات استکباری دنیا یک خطری است. هرچه شما بیشتر پیشرفت کنید، این خطر برای آنها بیشتر خواهد شد. می‌خواهند جلوی این را بگیرند.^۱

ب) زنده‌شدن شعارهای انقلاب

عامل دوّم این دشمنیها، زنده شدن شعارهای انقلاب است. وقتی شعارهای انقلاب کمرنگ شود، پنهان شود، آنها طبعاً بیشتر خوششان می‌آید و چهره‌ی همراه‌تری می‌گیرند؛ هرچه شما شعارهای انقلاب را پررنگ‌تر کنید، آنها چهره‌شان عبوس‌تر و خصمانه‌تر می‌شود؛ این چیز طبیعی است.^۲

ج) بیداری اسلامی

عامل دیگر، همین حوادث منطقه است؛ این بیداری اسلامی و آنچه در منطقه‌ی ما رخ داد، که حادثه‌ی فوق‌العاده مهمّی است. به نظر من هنوز ابعاد عظیم این حادثه‌ای که در شمال آفریقا و منطقه‌ی اسلامی ما اتفاق افتاده، برای خیلیها درست شناخته شده نیست؛ خیلی چیز عظیمی اتفاق افتاده. پشت این مسأله، دست قدرت الهی است.

خب، اگر چنانچه در این شرایط، یک ایران بی‌دردسری دغدغه اینجا وجود داشته باشد، با همین شعارهایی که دارد، با همین کارهایی که دارد میکند، با همین پیشرفتی که محسوس است، از آن کشورها بیایند ببینند کارخانه‌ها را، دانشگاه‌ها را، مراکز تحقیقاتی را، وضع زندگی مردم را، بازارهای پراز اجناس را، دولت بی‌دردسرا، بدیهی و طبیعی است که آنها می‌گویند الگوی خوب همین است. می‌خواهند این نشود. می‌خواهند این الگو شدن

۱. همان.

۲. همان.

جمهوری اسلامی نباشد. یعنی برای جمهوری اسلامی در دسرهایی بوجود بیاورند تا آن کشورهایی که تحوّل در آنها رخ داده و وارد مرحله‌ی جدیدی شده‌اند، برای ادامه‌ی راه، این را الگو قرار ندهند.^۱

حضور همیشگی آمریکا در مقابل انقلاب اسلامی

ملت ایران راه را درست رفت، حرکت را درست انجام داد؛ رهبری مقتدر، آگاه، مصمّم و دارای توکل به خدا، اتکا به خدا، اتکا به وعده‌ی الهی که «ان تنصروا الله ینصرکم»^۲ موجب شد که این ملت بتواند به پیروزی برسد و حکومت تحمیلی وابسته‌ی سیاه‌خاندان پهلوی و حکومت پادشاهی مشئوم و ننگ‌آلود که برای هر کشوری حکومت پادشاهی مایه‌ی ننگ است در منطق صحیح انسانی- در ایران از بین رفت و تمام شد؛ مردم شدند صاحب اختیار.

نکته‌ی مهمّ اینجا است؛ اولین حکومتی و دولتی که با این حرکت مردم بجدّ شروع کرد مخالفت کردن، آمریکا بود. [البته] دولتهای دیگری هم بودند، آنها هم ای بسا ناراضی بودند از وضعی که در ایران پیش آمد، لکن عکس‌العمل آنچنانی نشان ندادند، بعضی از دولتها هم شاید خرسند بودند اما دولت آمریکا به نارضایی قلبی اکتفا نکرد؛ در اولین ماههای پیروزی انقلاب، مجلس سنای آمریکا یک مصوّبه و قطعنامه‌ی شدید‌الحنی علیه جمهوری اسلامی ایران صادر کرد، دشمنی را بطور عملی شروع کرد؛ این در حالی بود که هنوز سفارت آمریکا در ایران باز بود! آن کسانی که خیال میکنند رابطه‌ی با آمریکا، دوستی با آمریکا موجب میشود که انسان از آسیب آمریکا محفوظ بماند، به این تجربه‌ی تاریخی مراجعه کنند؛ هنوز سفارت آمریکا در ایران بود، آمریکاییها راحت در داخل کشور رفت و آمد میکردند، انقلاب

۱. همان.

۲. سوره‌ی محمد، آیه‌ی ۷.

موجب نشده بود که آمریکاییها را از ایران بیرون کنند؛ مثل بقیه‌ی دولتها سفارت داشتند، مأمورین داشتند، در اینجا داشتند زندگی میکردند؛ در همان هنگام دولت آمریکا دشمنی خودش را با انقلاب نشان داد. علاوه‌ی براین، محمدرضا را که یک دشمن قطعی ملت ایران بود، در آمریکا میهمان خودش کرد، او را بردند در آمریکا نگه داشتند، در واقع پناه دادند به دشمن ملت ایران. خب، عکس‌العمل و واکنش به این حرکت، حرکت دانشجویان بود؛ رفتند سفارت آمریکا را گرفتند، معلوم شد اینجا لانه‌ی جاسوسی است، معلوم شد در طول این چند ماه بعد از پیروزی انقلاب، در این مدت، اینجا مرکز توطئه علیه انقلاب بوده است؛ این را اسناد منتشر شده‌ی بعدی از داخل سفارت آمریکا نشان داد و ثابت کرد. جوانهای عزیز! اسناد لانه‌ی جاسوسی را بگیرید بخوانید، درس آموز است. دانشجویانی که سفارت را تسخیر کردند و فهمیدند اینجا لانه‌ی جاسوسی است، با زحمت زیاد این اسناد را که سعی کرده بودند در کاغذ خردکنها آنها را خرد کنند، نابود کنند. به هم چسبانند، با زحمت زیاد اینها را استحصال کردند و منتشر کردند؛ هفتاد، هشتاد جلد کتاب منتشر شده است. اینها نشان میدهد که آمریکاییها چه در هنگام اوج نهضت، چه در هنگامی که نهضت و انقلاب پیروز شده است و جمهوری اسلامی تشکیل شده است، دائم در حال توطئه علیه نظام اسلامی بوده‌اند؛ آمریکا این است. اینها مسائل مربوط به بعد از انقلاب است.

قبل از انقلاب، در دوران حرکت عظیم مردمی - حالا ماجراهای هفدهم شهریور و کشتار مردم و این مسائل که خب همه به وسیله‌ی دولت دست‌نشانده‌ی آمریکا انجام گرفت، به جای خود - در هشتم بهمن، یعنی چند روز قبل از ورود امام به داخل کشور، در همین خیابانهای تهران، همین خیابان انقلاب، مردم اجتماع کرده بودند؛ ژنرال‌هایزر که فرستاده‌ی آمریکا بود و به ایران آمد برای اینکه شاید بتواند یکجوری از دست انقلاب رژیم را

نجات بدهد و حفظ بکند، او در خاطرات خودش مینویسد - اینها اسناد تاریخی است - و میگوید من به ژنرال قره‌باغی گفتم که در مواجهه‌ی با مردم لوله‌ی تفنگ‌هایتان را پایین بیاورید؛ یعنی مردم را بکشید، تیر هوایی بیخودی در نکنید، مردم را قتل عام نکنید. اینها هم همین کار را کردند، لوله‌ی تفنگ‌ها را پایین آوردند، عده‌ای جوان و نوجوان کشته شدند ولی جمعیت عقب نرفت. هایزر میگوید؛ قره‌باغی بعد آمد به من گفت که این تدبیر تو فایده‌ای نکرد، مردم عقب نرفتند، آن وقت هایزر میگوید من دیدم این ژنرال‌های شاه چقدر کودکانه فکر میکنند؛ یعنی باید ادامه میدادند، باید مرتب میکشستند. ببینید این رژیم دست نشانده بود. ژنرال آمریکایی دستور قتل عام هموطنان را به ارتشبد ایرانی میدهد و این به دستور او و به توصیه‌ی او عمل میکند و چون فایده‌ای ندارد، میرود به او میگوید فایده‌ای ندارد؛ او هم میگوید اینها بچه‌اند، اینها کودکانه فکر میکنند. این، ماحصل و خلاصه‌ی حکومت پهلوی در ایران است.

آمریکاییها اینجوری با ما شروع کردند؛ با انقلاب اینجوری شروع کردند. بعد هم در طول این مدت هرچه توانستند توطئه کردند. هر گروهی که میتوانست علیه انقلاب حرکتی بکند، از سوی آمریکاییها حمایت شد: کودتای معروف به کودتای پایگاه شهید نوژه‌ی همدان، یکی از این قضایا بود؛ کمک به کسانی که به عنوان قومیتها در گوشه و کنار کشور علیه انقلاب حرکت میکردند، یکی از این نمونه‌ها بود؛ بعد تشویق صدام حسین به حمله‌ی به ایران و هشت سال کمک به صدام حسین یکی از این نمونه‌ها بود. هشت سال! آمریکاییها در طول جنگ، بخصوص بعد از سال دوم و سوم، کمک‌هایشان را شدید کردند، امکانات دادند؛ هم آنها، هم متأسفانه همپیمانان اروپاییشان. آمریکاییها اینجوری با انقلاب ما عمل کردند؛ همت آنها این بود که این اساس را براندازند. خب، این خطای در تحلیل بود، خطای در فهم قضیه بود؛ آنها خیال کردند که اینجا هم مثل فلان کشور

آفریقایی یا آسیایی است که یک کودتایی میشود، اسمش را میگذارند انقلاب، میتوانند این را از بین ببرند؛ نمیدانستند اینجا اولاً متکی است به مردم - این انقلاب، انقلاب مردم است - ثانیاً متکی است به باورهای دینی؛ اینها را نمیفهمیدند. لذا در طول این ۳۶ سال یا ۳۷ سال، آمریکاییها هر کاری علیه انقلاب کردند، شکست خوردند؛ بعد از این هم ان شاء الله - شکست خواهند خورد. هدف از این حرف این است که ما به عنوان ملت ایران، به عنوان مردمی که کشورمان را دوست داریم، به عنوان مردمی که برای خودمان یک آینده‌ای ترسیم کرده‌ایم که میخواهیم خودمان را به آن آینده برسانیم، آمریکا را بشناسیم؛ هدف این است.^۱

تاریخ دشمنیها

از اول انقلاب هم این تحرکات به شکلهای مختلف وجود داشته است. همه‌ی شما یادتان هست؛ از تحرکاتی که در سفارت آمریکا برای براندازی میشد، شروع گردید - که از جمله‌ی نمودهای آن، طراحی مقدمات کودتا در پایگاه شهید نوژه بود، که جوانان مستقر در سفارت در آن روزها حدود صد جلد کتاب بسیار مهم از اسناد آنها منتشر کردند؛ اینها اسناد مهم زمان ماست، اما نمیگذارند روی این اسناد تبلیغات شود - تا حمله به طیس تا تشویق عراق به جنگ، بعد کمک به عراق در جنگ، بعد حمله به هواپیمای مسافربری ما، حمله به سکوهای نفتی ما و تحریم اقتصادی ما در چند نوبت، که این را در سالهای اواسط دهه‌ی هفتاد به شکل قانونی درآوردند؛ قانون معروف به «داماتو». عنادها و بغضها و کینه‌های اینها را اینطوری باید فهمید.

هرجا جمهوری اسلامی حرکتی را که به سازندگی و آبادانی کشور کمک میکرد، شروع کرد، اینها اگر توانستند، جلو آن را گرفتند؛ البته خیلی

۱. در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۴/۸/۱۲.

اوقات هم به فضل پروردگار نتوانستند. در جنگ، ما بسیاری از تسلیحات و خیلی چیزهای دیگر را علی‌رغم میل اینها به دست می‌آوردیم؛ اما تا آنجایی که توانستند، عامل کارشکنی و خرابکاری شدند؛ از خط لوله‌ی گاز گرفته تا بقیه‌ی کارهای فراوانی که انجام شده است. مثلاً در زمان دولت قبلی، ژاپنیا قرارداد پروژه‌ی احداث سد بر روی کارون را بسته بودند؛ اما اینها رفتند خرابش کردند. بعضیها به آنها اعتنا کردند، بعضیها هم اعتنایی نکردند و کارهایشان را ادامه دادند.^۱

رژیم آمریکا از اولین سالهایی که در نیم قرن پیش در صحنه‌ی سیاسی ایران قدم نهاد، به ایران و ایرانی جفا و خیانت کرد، از رژیم فاسد و ضدّ مردمی پهلوی حمایت کرد، دولتهای وابسته و ضعیف و نوکرمآب را بر سر کار آورد، اراده‌ی خود را بر ملت ما تحمیل و منابع ملّی را غارت کرد، ثروت عظیمی از این ملّت را از طریق معاملات خسارت بار نفت و سلاح ربود، نیروهای مسلّح ایران را در قبضه‌ی خود گرفت، دستگاه ضدّ امنیتی شاه و شکنجه‌گران آن را آموزش داد، موجب اختلاف میان ملّت ایران و بسیاری از ملّتهای مسلمان، از جمله اعراب شد، فساد و فحشا را در ایران ترویج کرد، با رژیم شاه در سرکوب نهضت اسلامی در مقاطع گوناگون، همکاری و آن را راهنمایی کرد!

و پس از آنکه علی‌رغم مجموعه‌ی آن جبهه‌ی ظلمت و کفر و طغیان، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، از نخستین روزهای تشکیل جمهوری اسلامی، انواع دشمنیها و کارشکنیها و تهاجمها و توطئه‌ها را بر ضدّ ایران و ملّت انقلابی آن، به کار بست! از کمک فعال به رژیم عراق در جنگ هشت ساله تا فعالیت برای محاصره‌ی اقتصادی کامل ایران تا کمک به عناصر خائن و فراری تا تبلیغات دائمی در همه‌ی دستگاههای تبلیغی مربوط به خود تا آتشباری در اختلافات منطقه‌ای و سعی وافر برای ایجاد

۱. در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۵/۵/۱۳۸۲.

اختلاف میان ایران و همسایگانش تا تلاشهای براندازی و تروریستی بوسیله‌ی مزدبگیران سازمان سیا تا فعالیت شدید برای جلوگیری از انعقاد قراردادهای اقتصادی میان ایران و کشورهای گوناگون جهان تا دهها حرکت موزیانه و تهدیدآمیز دیگر در همه‌ی جبهه‌ها و همه‌ی زمینه‌های ممکن!

این فهرست کوتاهی از طومار بلند خصومت‌های رژیم آمریکا با ایران و ایرانی است؛ و البته همه میدانند و خود سردمداران رژیم آمریکا بیش از همه بتلخی میدانند که رژیم آمریکا در اغلب این زمینه‌ها شکست خورده و ناکام مانده و در انزوا قرار گرفته است! و ملت ایران به کمک الهی و به برکت اقتدار و عزتی که از اسلام و انقلاب به دست آورده، در بیشتر این موارد توانسته طعم زهرآگین شکست و ناکامی را به دشمن خود بچشاند.^۱

اجمالی از تهدیدها و برنامه‌های دشمن

من یک اشاره‌ی گذرای بکنم به آنچه دشمن انجام میدهد. برنامه‌هایش اینهاست: فشار اقتصادی، تهدید نظامی، جنگ روانی برای اثرگذاری بر روی افکار عمومی؛ هم در داخل کشور، هم در سطح بین‌المللی؛ اینها کارهایی است که دارند میکنند. ایجاد اختلال سیاسی و خرابکاری در داخل. بلاشک هستند در داخل، مراکزی که الهام میگیرند از دشمن؛ با هدایت دشمن، با الهام از دشمن، اینها مشغول کارهایی هستند؛ «انّ الشیاطین لیوحون الی اولیائهم لیجادلوکم»^۲. هستند بلاشک، مراکزی وجود دارند. در کنار همه‌ی این کارها، آمریکاییها شعار مذاکره را هم از دست نمیدهند! حالا تحریم‌های یکجانبه هم هست، قطعنامه هست، تهدید نظامی هم هست، اما مذاکره هم مطرح میشود؛ هی مکرر در مکرر: ما حاضریم با ایران بنشینیم مذاکره کنیم! خوب، این تدابیر جبهه‌ی مقابل

۱. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۲/۱/۱۳۷۷.

۲. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۲۱.

ما، تدابیر در واقع دشمن ما، هیچکدام جدید نیست. به نظر من یکی از نکاتی که باید به آن توجه کرد، این است که هیچکدام از اینها جدید نیست، که بی سابقه باشد. تحریمها سابقه‌ی سی ساله دارند و تهدید نظامی هم در همه‌ی دوره‌های قبل از این دوره وجود داشته است.

بنده به شما عرض میکنم و بیشتر از همه کس من میدانم؛ در دوره‌ی به نظرم ریاست جمهوری کلینتون بود که تهدید نظامی بقدری شدید بود که رئیس جمهور محترم آن روز به من غالباً این را میگفت که مثلاً بیاییم فکری بکنیم، کاری بکنیم؛ حیف است که بیایند حمله کنند، کارهایی را که انجام دادیم، ساخت و سازهایی را که انجام دادیم، بزنند از بین ببرند؛ یعنی احتمال حمله کم نبود؛ تهدید میکردند و میگفتند. در همین دوره‌ی ریاست جمهوری قبل از دوره‌ی نهم، تهدیدهای نظامی گاهی به قدری شدید میشد و تکرار میشد از طرف دشمن که حسابی دست اندرکاران داخلی را دچار رعب میکرد. جلساتی وجود داشت که حالا فراوان خاطراتی از آن وقت ما داریم؛ من از آن وقت یادداشتهایی دارم. تهدید نظامی همیشه بود؛ اینجور نبود که وجود نداشته باشد.

تبلیغات علیه ما از اول انقلاب بود. هر چیزی را که توانستند، در داخل مورد اتهام قرار دادند؛ از شخص امام گرفته تا مردم تا اجتماعات مردم تا نماز جمعه‌ی مردم را مورد اهانت، مورد تهمت و نسبتهای خلاف قرار دادند در تبلیغات جهانی، با امکانات فراوانی که در تبلیغات داشته‌اند؛ مخصوص امروز نیست؛ امروز هم البته هست، لیکن در گذشته کمتر از امروز نبوده، مواردی بیشتر هم بوده.

خرابکارهای داخلی مخصوص امروز نیست. در سال ۸۲ بعد از قضایای عراق - حمله‌ی اشغالگران به عراق - اینجا در تهران چند روزی اغتشاش شد. آن زن سیاهپوست مشاور رئیس جمهور آمریکا که بعد شد وزیر خارجه‌ی او، صریحاً اینجور گفت: ما از هر اغتشاشی و شورش‌ی در تهران حمایت میکنیم؛

این را صریح اعلان کرد. امیدوار شده بودند، خیال کردند که حالا حادثه‌ای در تهران دارد اتفاق می‌افتد؛ این مال سال ۸۲ است. آن روز بود، قبل از آن روز هم کم‌وبیش شبیه آن بود، بعد از آن هم بود؛ سال ۸۸ هم نظایرش را، شبیه‌اش را، دیگر همه یادشان است، ملاحظه کردید، دیدید. آنچه امروز به صورت تهدید وجود دارد، جدید نیست. من درباره‌ی هر کدام از این موارد یک کلمه‌ای عرض می‌کنم.^۱

در قضیه‌ی تهدید نظامی هم که البته بعید است چنین حماقتی را بکنند؛ لیکن اگر چنین تهدیدی بوجود بیاید، همه باید بدانند که میدان این مقابله فقط منطقه‌ی ما نیست؛ دیگر میدانش گسترده‌تر خواهد بود.^۲

۱. در دیدار کارگزاران نظام ۲۷/۵/۱۳۸۹.

۲. همان.

بخش دوّم
روزشمار حماسه‌ها و فتنه‌های سال ۸۸



فروردین ماه

یادآوری

از اواخر سال ۸۷ زمزمه‌هایی به منظور خدشه در سلامت انتخابات آغاز شده بود. این شایعه ابتدا در رسانه‌های بیگانه مطرح شده بود و در داخل نیز برخی با تکرار آن، فضا را منفی جلوه دادند.

با توجه به نکات مثبتی که رهبرانقلاب در چهار سال قبل نسبت به دولت نهم فرموده بودند، برخی از طرفداران دکتر احمدی‌نژاد و برخی از افراد دیگر شروع به گمانه‌زنی نسبت به رأی رهبر معظم کرده بودند. این امر می‌توانست به بی‌اعتمادی مردم نسبت به سلامت انتخابات دامن زند وهم در صورت رأی آوردن این نامزد، شایعه‌ی تقلب را تقویت نماید. عجیب آن است که با وجود تذکر رهبرانقلاب، پس از مدتی، کمیته‌ی صیانت آرا شکل گرفت و گمانه‌زنیها نسبت به رأی معظم‌له ادامه یافت، به صورتی که در جلسه‌ی ۲۶ خرداد، یکی از نمایندگان نامزدها که به دیدار ایشان آمده بودند، این اتهام را تکرار کرد.

بیانات

هشدار درباره‌ی خدشه‌ی بعضی افراد در سلامت انتخابات

انتخابات به فضل الهی و به حول و قوه‌ی الهی انتخابات سالمی است. من میبینم بعضیها در انتخاباتی که دوسه ماه دیگر انجام خواهد گرفت، از حالا شروع کرده‌اند به خدشه کردن. این چه منطقی است؟ این چه فکری است؟ این چه انصافی است؟ این همه انتخابات در طول این سی سال انجام گرفته است. در حدود سی انتخابات. مسؤولان وقت در هر دوره‌ای رسماً متعهد شده‌اند و صحت انتخابات را تضمین کرده‌اند و انتخابات صحیح بوده است؛ چرا بیخود خدشه میکنند، مردم را متزلزل میکنند، تردید ایجاد میکنند؟ که البته در ذهن مردم عزیز ما با این حرفها تردید ایجاد نخواهد شد.

من به مسؤولین انتخابات هم سفارش و تأکید میکنم؛ بطور حتم بایستی انتخابات را جوری برگزار کنند که پرشور باشد؛ دست همه‌ی نامزدها باز باشد؛ مردم آزادانه بتوانند انتخاب کنند و انتخابات، سالم و با امانت کامل. این شاء الله. انجام بگیرد و انجام خواهد گرفت.

مخفی بودن رأی رهبر

این راهم در باب انتخابات به شما عزیزان و همه‌ی ملت عزیزمان عرض بکنم؛ درباره‌ی موضع رهبری در مورد انتخابات، گمانه‌زنی و شایعه و اینها همیشه بوده و خواهد بود. بنده یک رأی دارم، آن را در صندوق می اندازم. به یک نفری رأی خواهم داد، به هیچکس دیگر هم نخواهم گفت که به کی رأی بدهید، به کی رأی ندهید؛ این تشخیص خود مردم است. بنده گاهی از دولت حمایت میکنم، دفاع میکنم؛ بعضی سعی میکنند برای این کار معنای نادرستی جعل و ابداع کنند. نه، من از دولتها همیشه دفاع میکنم؛ منتها اگر دولتی بیشتر مورد تهاجم قرار گرفت و احساس کردم حملات غیر

منصفانه‌ای میشود، بیشتر دفاع میکنم. من طرفدار اعمال انصافم؛ من میگویم باید منصف باشیم. رفتارها را نگاه کنیم؛ این ربطی به انتخابات ندارد، بحث انصاف و بی‌انصافی است. حمایت کردن از خدمتگزاران در کشور، وظیفه‌ای است که هم من دارم، هم همه دارند؛ این مربوط به اعلام موضع انتخاباتی نیست. بنده از هر حرکت خوبی، از هر اقدام خوبی، از هر پیشرفتی، از هر خدمتی به مردم، از هر دلجویی‌ای از محرومین، از هر ایستادگی‌ای در مقابل ظلم و استکبار استقبال میکنم و از آن کسی که این کار را کرده است، تشکر و سپاسگزاری میکنم؛ هر دولتی باشد، هر شخصی باشد؛ این وظیفه‌ی من است.^۱

اردیبهشت ماه

یادآوری

خط تردید در صحت انتخابات ادامه یافت و پررنگتر از قبل شد. ۱۴ اردیبهشت ۸۸ دو نفر از نامزدهای انتخابات، در نامه‌ای به شورای نگهبان درخواست بکارگیری ناظران مستقل را مطرح نمودند.

بیانات

دنباله‌روی برخی ناسپاسها از دشمن در خدشه کردن به سلامت انتخابات

دوره‌ی قبل از انقلاب، ایران مرتعی برای چرای بیگانگان بود. نفت اینجا، بازار اینجا، محصولات اینجا، نیروی انسانی اینجا، هرچه بود و نبود، مورد استفاده‌ی سلطه‌گران و قدرتمندان بود؛ یک روز انگلیس، یک روز آمریکا و صهیونیستها. بعد که انقلاب شد، مردم آمدند روی کار، منافع آنها قطع

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) ۱۳۸۸/۱/۱.

شد. طبیعی بود که با این نظام دشمنی کنند، که سی سال است دارند دشمنی میکنند. یکی از دشمنیها همین است که این پدیده‌ی باارزش تأثیر حضور مردم و نقش‌آفرینی مردم در اداره‌ی کشور و مدیریت کشور را در تبلیغات خودشان نفی کنند یا ندیده بگیرند یا انکار کنند. بارها و بارها در اظهارات صریحشان، در اظهارات کنایه‌آمیزشان، در انتخابات کشورمان خدشه کردند. نه؛ انتخابات کشور ما از انتخابات اکثر این کشورهای مدعی دموکراسی، هم آزادتر است، هم پرشورتر است، هم انگیزه‌ی مردم در این انتخابات بیشتر است. انتخابات پرشور، انتخابات خوب، سالم. دشمن خدشه میکند. از دشمن انتظاری هم جز دشمنی نیست؛ چه انتظاری هست؟ بی‌توقعی از دوستان است. بی‌توقعی از کسانی است که جزو این ملتند؛ واقعیات را دارند میبینند؛ میبینند که این انتخابات چگونه سالم و متقن انجام میگیرد، در عین حال، همان حرفی را که دشمن میزند، اینها هم میزنند! من انتظارم این است: کسانی که با ملت ایرانند، جزو ملت ایرانند، توقع دارند ملت ایران به آنها توجه کنند، اینها دیگر علیه ملت ایران حرف نزنند و انتخابات ملت ایران را زیر سؤال نبرند. مرتب تکرار نکنند که آقا این انتخابات سالم نیست؛ انتخابات، انتخابات نیست. چرا دروغ میگویند؟ چرا بی‌انصافی میکنند؟ چرا خلاف واقع میگویند؟ چرا این همه زحماتی را که این ملت و مسئولین در طول این سالهای متمادی متحمل شدند، ندیده میگیرند؟ چرا؟ چرا ناسپاسی میکنند؟

انتخابات در دوره‌های گذشته سالم بوده. در مواردی که شبهاتی پیش می‌آمد، ما فرستادیم تحقیق کردند، دنبال کردند. در یکی از مجالس گذشته شایعاتی پیدا شد، بعضیها دلایلی آوردند، حرف‌هایی زدند که انتخابات ناسالم است؛ توقع داشتند که در برخی از شهرهای مهم از جمله تهران، انتخابات ابطال شود. ما افراد وارد و مطلعی را فرستادیم تحقیق کردند، مطالعه کردند؛ دیدند نه، خدشه در انتخابات نیست. در بین هزارها صندوق ممکن است در دوتا، پنج تا صندوق خدشه‌هایی بوجود بیاید.

این، انتخابات را خراب نمی‌کند. این هم مال بعضی از اوقات بوده است. گاهی یک گروهی، یک جناحی - از این جناحهای معمولی کشور که شماها این جناح‌بندیها را میشناسید - که بر سر کار بودند، نتیجه‌ی انتخابات به ضرر آنها و به نفع جناح مقابل شده؛ مکزترین اتفاق افتاده. چطور این انتخابات را کسی ممکن است زیر سؤال ببرد؟ ... 'خوب، اگر آماده‌اید، پس - إن شاء الله - در انتخابات همه شرکت کنید؛ همه‌ی ملت ایران به کوری چشم دشمنان در انتخابات آینده هم با شور، با علاقه، با صمیمیت پای صندوقهای رأی می‌آیند و انتخاباتی خواهند آفرید که دشمنان را خشمگین و عصبانی کند.^۲

اهداف شوم دشمن نسبت به انتخابات

عزیزان من! انتخابات نزدیک است؛ امروزی یک ماه به روز انتخابات باقی است. انتخابات یکی از آزمونهای بزرگ ملت ایران در مقابل چشم دشمنان است؛ به همین جهت روی انتخابات ما حساسند. از حدود یک سال پیش، دستگاههای تبلیغاتی دشمنان ملت ایران، با یک شیب ملایمی شروع کردند علیه این انتخابات حرف زدن و اقدام کردن و مطلب ساختن؛ دستگاههای امنیتی‌شان هم مشغول شدند به خبرگیری و گمانه‌زنی و پیشنهاد دادن. روی این انتخابات حساسند. امروز هم شما وقتی به خبرهای رسانه‌های گوناگون خارجی - که بسیاری از اینها دل پرکینه و پر دشمنی‌ای نسبت به ملت ایران دارند - نگاه کنید، خواهید دید نسبت به انتخابات ما بی‌تفاوت نیستند و سعی میکنند اغراض خودشان را عمل کنند. این اغراض چیست؟ در درجه‌ی اول، هدفشان تعطیل شدن انتخابات است که انتخابات نباشد. در یک دوره‌ای سعی کردند انتخابات مجلس شورای اسلامی را به انواع و اقسام حيله‌ها متوقف کنند. خدای متعال نخواست

۱. شعار حضار: ای رهبر آزاده! آماده‌ایم، آماده.

۲. دردیدار جمعی از معلمان، پرستاران و کارگران ۱۳۸۸/۲/۹.

و اراده‌ی مردان مؤمن نگذاشت؛ نتوانستند. از این مایوسند که انتخابات را بکلی تعطیل کنند. در درجه‌ی بعد، هدفشان این است که انتخابات سبک و سرد برگزار بشود. می‌خواهند ملت ایران حضور فعالی در انتخابات نداشته باشد.

انتخابات: آبروی ملی ما و وسیله‌ای برای عزت ملی

ملت عزیز ایران! من به شما عرض می‌کنم، درست در نقطه‌ی مقابل خواست دشمنان، همه‌ی ما باید در انتخابات حضور فعالی داشته باشیم. انتخابات آبروی ملی ماست؛ انتخابات یکی از شاخصه‌های رشد ملی ماست؛ انتخابات وسیله‌ای برای عزت ملی است. وقتی ببینند که ملت ایران با شور و باشعور و با درک کامل و آگاهی پای صندوقهای رأی می‌روند، معنایش چیست؟ معنایش این است ملت برای خود حق و توان تصمیمگیری قائل است؛ می‌خواهد در آینده‌ی کشور اثر بگذارد و مسؤولان کشور و مدیران اصلی کشور را انتخاب کند.

مسأله‌ی اول؛ شرکت در انتخابات

انتخاب رئیس‌جمهور، یعنی انتخاب رئیس قوه‌ی مجریه و کسی که اغلب امکانات کشور در اختیار اوست؛ و می‌بینید چنانچه رئیس‌جمهوری شور و نشاط و شوق و اراده داشته باشد، چه خدمات بزرگی را برای این کشور انجام می‌دهد؛ می‌خواهند این نباشد. من عرض می‌کنم: همه باید اصرار داشته باشید که در انتخابات شرکت کنید. به نظر من مسأله‌ی اول در انتخابات، مسأله‌ی انتخاب این شخص یا آن شخص نیست؛ مسأله‌ی اول، مسأله‌ی حضور شماست. حضور شماست که نظام را تحکیم می‌کند، پایه‌های نظام را مستحکم می‌کند، آبروی ملت ایران را زیاد می‌کند، استقامت کشور را در مقابل دشمنیها زیاد می‌کند و دشمن را از طمع ورزیدن

به کشور و از فکر ضربه زدن و توسعه فساد و فتنه منصرف میکند. این یک مسأله‌ی بسیار مهم است؛ پس مسأله‌ی اول، شرکت در انتخابات است.^۱

خرداد ماه

یادآوری

با وجود تذکرات پی‌درپی رهبر انقلاب، شایعه‌ی تقلب بیش از پیش در رسانه‌های داخلی و برزبان نیروهای حاضر در عرصه‌ی انتخابات تکرار شد. با شروع دوران تبلیغات نامزدها، دو اتفاق افتاد که در انتخاباتهای دوره‌های گذشته بی‌سابقه بود:

۱) برخی از نامزدها شروع به تخریب طرف مقابل نمودند. از یک سو رئیس‌جمهور کشور را به دروغ‌گویی و تهمتهای دیگر متهم نمودند و با تکرار این اتهام باورپذیری آن را افزایش دادند. از طرف رئیس‌جمهور دولت نهم نیز تخریب صورت گرفت و آنقدر در این امر مبالغه شد که به سیاه‌نمایی تاریخ انقلاب و نفی دستاوردهای دوره‌های قبل انجامید. اقدام دیگر رئیس‌جمهور وقت، نام بردن از افرادی بود که در جلسات حضور نداشتند و نمیتوانستند از خود دفاع کنند.

۲) حضور و قدرت‌نمایی خیابانی طرفداران نامزدها تا پاسی از شب طول میکشید و در برخی موارد به مجادله و توهین می‌انجامید.

در روزهای پایانی تبلیغات، پیام‌کهایی نسبت به رهبری داده میشد و در حجم انبوهی منتشر میگردید. در ۱۹ خرداد، نامه‌ی سرگشاده‌ی حجّت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی به رهبر انقلاب در اعتراض به اتهاماتی که به وی در مناظرات زده شده بود، منتشر گردید.

انتخابات با شور و هیجان وصف‌ناپذیری در موعد مقرر یعنی ۲۲ خرداد انجام شد. کمیته‌ی موسوم به صیانت آرا، ظهر آن روز اعلام پیروزی

۱. در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج ۱۳۸۸/۲/۲۲.

زود هنگام نمود و میرحسین موسوی در ساعت ۲۴ همان روز با اعلام پیروزی خود، از هوادارانش خواست تا برای جشن پیروزی آماده شوند.

۲۳ خرداد: نتایج رأی‌گیری اعلام گردید و بر اساس آن، محمود احمدی‌نژاد با اختلاف ۱۱ میلیون رأی، پیروز انتخابات گردید. همان روز میرحسین موسوی با ردّ نتیجه‌ی اعلام شده، آن را شعبده‌بازی مسؤلان و صداوسیما نامید و خواستار ابطال انتخابات گردید. بعد از ظهر این روز، برخی از اموال عمومی به آتش کشیده شد.

۲۴ خرداد، جشن پیروزی طرفداران نامزد پیروز در میدان ولیعصر (علیه‌السلام) تهران انجام شد. این در حالی بود که برخی از نقاط تهران از جمله دانشگاه تهران، شاهد برخی اعتراضات طرفداران میرحسین موسوی بود.

در این روز، میرحسین موسوی به دیدار رهبر انقلاب می‌رود و معظّم له تذکرات لازم را به او میدهند.

۲۵ خرداد به کوی دانشگاه حمله میشود و برخی از دانشجویان مورد ضرب و جرح قرار میگیرند.

شورای نگهبان در اطلاعیه‌ای از نمایندگان معترض خواست تا شکایات و مستندات خود را به این شورا تحویل نمایند.

راهپیمایی‌ای از میدان انقلاب تا میدان آزادی و به دعوت میرحسین موسوی، با حضور خود او و مهدی کزّوبی و سیّد محمد خاتمی انجام میشود. در پایان این راهپیمایی به یک پایگاه بسیج حمله میشود. با افزایش خشونت‌ها در برخی از خیابانهای منتهی به مسیر راهپیمایی، تعدادی کشته میشوند.

۲۶ خرداد نمایندگان نامزدها خدمت رهبر معظّم می‌رسند و ایشان پس از شنیدن سخنان صریح و بعضاً خلاف نزاکت برخی از ایشان، رهنمودهایی را برای حفظ آرامش کشور می‌فرمایند.

آیت‌الله منتظری که بارها فرمان استادش -امام خمینی (قدّس سرّه)- مبنی بر عدم دخالت در سیاست به دلیل بی‌بصیرتی را زیر پا گذاشته بود، در

بیانیه‌ای به جمع معترضان پیوست و مردم را نیز به حضور در میدان دعوت کرد.

اعتراضات خیابانی همچنان ادامه داشت.

نماز جمعه‌ی ۲۹ خرداد در تاریخ ماندگار شد. در خطبه‌ی دوم، بسیاری از نکات اساسی گفته شد. رهبرانقلاب بشدت از آرای مردم دفاع و با هرگونه زورگویی و بدعت مخالفت نمودند. ایشان از همه درخواست کردند تا اردو کشی خیابانی را متوقف نمایند. بسیاری از فریب خوردگان، متنبه شدند و صف معترضان از اغتشاشگران جدا شد.

۳۰ خرداد اغتشاش ادامه یافت و قتل مشکوک ندا آقا سلطان و پوشش رسانه‌ای قوی آن، در دستور کار اغتشاشگران و حامیان خارجی آنها قرار گرفت.

در این روز به مسجد لولاگر حمله و بخشی از آن به آتش کشیده شد.

بیانات

هجوم تبلیغاتی دشمن برای مخدوش کردن چهره‌ی انتخابات

چند تا نکته را من در باب انتخابات میگویم:

نکته‌ی اول این است که از دوسه ماه قبل از این، رادیوهای بیگانه شروع کردند به بدنام کردن و مخدوش کردن چهره‌ی انتخابات در کشورمان، برای بدبین کردن مردم. گاهی گفتند: این انتخابات نیست، انتصابات است. گاهی گفتند: این یک بازی کنترل شده‌ی درون حکومت است؛ گفتند: این کاندیدها خودشان دارند بازی میکنند؛ نامزدهای مختلف که میبینید باهم اختلاف نظر دارند، اینها همه ظاهرسازی است، بازی است. گاهی گفتند: در انتخابات قطعاً تقلب انجام خواهد گرفت؛ هر وقتی یک چیزی گفتند. مقصود از همه‌ی این تخریبات یک چیز است و اینکه میخواهند ملت در انتخابات، مشارکت قوی و نمایانی نکنند؛ این را میخواهند.

هدف دشمن از تخریب انتخابات؛ از بین بردن پشتوانه‌ی مردمی نظام من به شما عرض می‌کنم: عزیزان من! ملت عزیز ایران! ملت باهوش و بیدار ایران! ملت تجربه شده و آزموده‌ی ایران که در طول این سی سال از این همه گردنه‌های سخت عبور کردید! بدانید؛ با مردمسالاری شما مخالفند. دشمن با همین حضور شما، با همین انتخاب شما مخالف است. می‌خواهند پشتوانه‌ی نظام را که مردم هستند و آرای مردم است، از نظام بگیرند؛ می‌فهمند چکار دارند می‌کنند. وای به حال آن کسانی که نادانسته، از روی غفلت، همان حرف آنها را تکرار کنند و همان مقصود آنها را در داخل تحقق ببخشند. آنها دارند امید را از مردم می‌گیرند. ملت ایران سرافراز است به اینکه توانسته در طول این سی سال مسئولین را خودش معین کند. مسئولین بلندمرتبه‌ی نظام از صدر تا ذیل بوسیله‌ی مردم انتخاب شده‌اند؛ رهبری هم بوسیله‌ی مردم انتخاب میشود با واسطه‌ی انتخابات خبرگان، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شوراهای گوناگون؛ این جزو افتخارات نظام است، می‌خواهند این را از مردم بگیرند؛ چون میدانند نظام با این مستحکم میشود. من به شما عرض می‌کنم: هرکسی به استحکام این نظام علاقه‌مند است، هرکه به اسلام علاقه‌مند است، هرکه به ملت ایران علاقه‌مند است، برای او عقلاً و شرعاً واجب است که در این انتخابات شرکت کند.^۱

ضرورت پرهیز طرفداران نامزدهای ریاست‌جمهوری از درگیری
عزیزان من! نامزدهای مختلف هرکدام طرفدارانی دارند، علاقه‌مندانی دارند. علاقه‌مندان این نامزد نمیتوانند اعتراض کنند به علاقه‌مندان آن نامزد که شما چرا به او علاقه‌مندی، به نامزد مورد علاقه‌ی من علاقه‌ای نداری. نه، این جزو افتخارات کشور ماست. افراد گوناگون می‌آیند؛ با منشهای مختلف، با سلاقی مختلف، با شیوه‌های گوناگون کار، در مقابل

۱. همان.

مردم قرار میگیرند. یک عده این را میپسندند، یک عده آن را میپسندند، یک عده آن را میپسندند؛ این افتخار است؛ این خوب است. هرکدام از نامزدهای محترم هم طرفدارانی دارند. بعضیها از این طرفداران متعصب هم هستند، خیلی علاقه مند سرسختند به آن نامزد خودشان. خیلی خوب، باشند، حرفی نیست؛ اما مواظب باشید، مراقب باشید که این علاقه مندیها به اصطکاک نینجامد؛ به اغتشاش نینجامد. شما دارید برای عقیده‌ی خودتان، برای ایمان خودتان تلاش میکنید؛ نگذارید دشمن این ایمان، دشمن این آرمان از شما سوءاستفاده کند. من شنیدم و اطلاع پیدا کردم که در خیابانها بعضی از جوانان طرفداران نامزدها میروند. حالا من درباره‌ی این رفتن تو خیابانها حرفی نمیزنم. اما مؤکداً میگویم: مبادا این خیابانگردیها به مقابله، به مجادله، به درگیری نینجامد؛ مواظب باشید. اگر کسی دیدید که اصرار بر اغتشاش و درگیری دارد، بدانید او یا خائن است، یا بسیار غافل است.^۱

لزوم پرهیز نامزدها از ایجاد دشمنی با یکدیگر

نکته‌ی سوم درباره‌ی انتخابات. خود نامزدهای محترم هم مراقب باشند. نمیپسندد انسان که ببیند یک نامزدی، چه در نطقهای تبلیغاتی، چه در سخنرانی، چه در تلویزیون، چه در غیر تلویزیون، برای اثبات خود متوسل بشود به نفی آن دیگری، آن هم با یک استدلالهای گوناگون؛ به نظر من این درست نیست. قبلاً هم من یک توصیه‌ای در این مورد کردم، حالا هم در این روزهای آخر عرض میکنم. نامزدها همه برای یک هدف دارند کار میکنند. هرکسی به نظر خودش یک احساس مسؤولیتی، تکلیفی دارد، می‌آید میدان. من با مناظره و معارضه و گفتگو و انتقاد مخالفی ندارم؛ اما سعی کنید این در چارچوبهای درست شرعی و دینی انجام بگیرد. مردم،

۱. همان.

مردم بیداری هستند، میفهمند، میدانند. این چهار نفر نامزدی که از شورای نگهبان تأیید شده‌اند و در اجتماعات گوناگون سخنرانی میکنند، خود آن نامزدهای محترم توجه کنند، مراقبت کنند که در این سخنرانیها، در این اظهارات، جواری نباشد که منتهی بشود به ایجاد دشمنی و ایجاد نِقار؛ با برادری و با مهربانی پیش بروند. البته اختلاف نظر، اختلاف رأی، اختلاف سلیقه، در مسائل گوناگون، در مسائل شخصی، در مسائل عمومی، یک امر طبیعی است؛ اشکالی هم ندارد. نگذارید این به اغتشاش منتهی بشود. این را خود نامزدهای محترم هم توجه کنند.

تأکید بر مخفی بودن رأی رهبر

مطلب چهارم؛ بنده در این انتخابات یک رأی بیشتر ندارم، آن رأی را هم به نظرم میرسد که کسی بطور مشخص نمیداند، حالا ممکن است کسانی حدس بزنند. من به کسی نمیگویم، نگفتم و نخواهم گفت به چه کسی رأی بدهید، به چه کسی رأی ندهید؛ رأی من مربوط به خود من است. این مال ملت است. آنچه من از مردم میخواهم، عبارت است از اینکه همه با همه‌ی قوا، با همه‌ی توان، با همه‌ی نشاط، در روزیست و دوی خرداد پای صندوقهای رأی حاضر بشوند و رأی بدهند. خدای متعال با آن ملتی است که می‌اندیشد، تصمیم میگیرد، انتخاب میکند و برای خدا و در راه خدا به آن انتخاب عمل میکند.^۱

تشکر از حضور پرشور و عقلانی طرفداران نامزدها در ایام تبلیغات باید از این حضور پرشوری که در روزهای اخیر و حتی شبها- آنطور که مطلع شدم- مردم در خیابانها داشتند، تشکر کنم. هر گروهی طبق میل خودشان و به نظر خودشان شعار میدادند، اما رشد و آگاهی مردم نگذاشت

که یک حادثه‌ی تلخی بوجود بیاید؛ در صحنه هستند، شعارهاشان را هم میدهند، شور و شوق خودشان را هم ابراز میکنند، لکن در عین حال رشد و کمال و بلوغ عقلانی خودشان را هم نشان میدهند.

اهمیت امنیّت انتخابات

امنیت انتخابات خیلی مهمّ است. ما سی سال است انتخابات داریم و بحمدالله همیشه در انتخاباتها، امنیت برقرار بوده است. این خیلی نعمت بزرگی است؛ این ناشی از تفضّل الهی و ناشی از شعور و درک مردم ماست. امروز هم من امیدوارم و از مردم خواهم میکنم که توجّه کنند، همین امنیت، همین آرامش و همین متانت و سکینه‌ی روحی لازم، در آنها وجود داشته باشد. ممکن است بدخواهانی بخواهند در مراکز رأی تشنج ایجاد کنند؛ هرگونه تشنجی به ضرر صندوقهای رأی تمام خواهد شد؛ یعنی به ضرر آرای مردم و به ضرر مردم است؛ اگر کسانی خواستند چنین تشنجی ایجاد کنند، خود مردم نگذارند و با متانت، با صبر و با حلم و وقار خودشان، مانع بشوند از اینکه خواسته‌ی بدخواهان این ملت عملی بشود.

ضرورت باور نکردن شایعات در امر انتخابات

به شایعات هم خیلی گوش نکنند. من دیدم دیروز و دیشب - در این پیامکهای فراوانی که دست مردم هست - شایعاتی را از قول من نقل میکردند که دروغ محض بود و واقعیت نداشت. آدمهای خوش نیت و سالم این کارها را نمیکند؛ آدمهای ناسالم از این کارها میکنند؛ توی همه‌ی بخشها و همه‌ی گروهها هم کم و بیش ممکن است آدم ناسالم - که سوء نیت داشته باشند و حسن نیت نداشته باشند - پیدا بشود. به این شایعات هم توجّه نکنند. امروز هم ممکن است باز شایعاتی - نسبت به بخشهای مختلف انتخابات - بین مردم وجود داشته باشد؛ ما اعتمادمان در درجه‌ی اوّل - در

اول و آخر. به لطف خدا و به کمک الهی است و از خدای متعال استعانت میکنیم و کمک میخواهیم و در درجه‌ی بعد به آگاهی و رشد و هوشیاری مردم است.^۱

جشن واقعی به خاطر ثبت نصاب تازه از مشارکت در انتخابات

انتخابات ۲۲ خرداد، با هنرنمایی ملت ایران، نصاب تازه‌ای در سلسله‌ی طولانی انتخاباتهای ملی پدید آورد. مشارکت بیش از هشتاد درصدی مردم در پای صندوقها و رأی بیست و چهار میلیونی به رئیس جمهور منتخب، یک جشن واقعی است که به حول و قوه‌ی الهی، خواهد توانست پیشرفت و اعتلای کشور و امنیت ملی و شور و نشاط پایدار را تضمین کند.

ثابت شدن صلابت ایران با حضور پرشور مردم در انتخابات ۲۲ خرداد

دیروز شما توانستید ثابت کنید که ایران به برکت شعارها و ارزشهای انقلاب اسلامی، در برابر تهاجم سیاسی و روانی از چنان مصونیت و صلابتی برخوردار است که با گذشت سی سال از آغاز مردمسالاری دینی در این کشور، از همیشه تازه‌نفس‌تر و سرزنده‌تر در صحنه حاضر گشته و دوستان و دشمنان را به ادامه‌ی راه روشن خود مطمئن می‌سازد.

تبریک پیروزی ملت در انتخابات و دعوت به شکرگزاری این نعمت

اینجانب با فروتنی در برابر عزم و ایمان شما مردم عزیز، این موفقیت بزرگ را به حضرت ولی الله الأعظم روحی فداه و به روح امام بزرگوار و به یکایک احاد ملت تبریک عرض میکنم و همگان را به قدردانی از این لطف الهی و شکرگزاری در برابر پروردگار حکیم و علیم توصیه مینمایم.

۱. مصاحبه پس از شرکت در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸/۳/۲۲.

لزوم حفظ هوشیاری در برابر توطئه‌های دشمن در شنبه‌ی پس از انتخابات

گمان بر این است که دشمنان بخواهند با گونه‌هایی از تحریکات بدخواهانه، شیرینی این رویداد را از کام ملت بزدایند. به همه‌ی آحاد مردم و به ویژه جوانان عزیز که سرزنده‌ترین نقش‌آفرینان این حادثه‌ی شورانگیز بودند، توصیه می‌کنم که کاملاً هشیار باشند. همواره باید شنبه‌ی پس از انتخابات، روز مهربانی و بردباری باشد. چه طرفداران نامزد منتخب و چه هواداران دیگر نامزدهای محترم، از هرگونه رفتار و گفتار تحریک‌آمیز و بدگمانانه پرهیز کنند. رئیس‌جمهور منتخب و محترم، رئیس‌جمهور همه‌ی ملت ایران است و همه و از جمله رقیبان دیروز باید یکپارچه از او حمایت و به او کمک کنند. بی‌شک این نیز امتحانی الهی است که موفقیت در آن خواهد توانست رحمت خداوند متعال را جلب کند.

تشکر از نقش‌آفرینان در خلق حماسه‌ی انتخابات

وظیفه‌ی خود میدانم از همه‌ی کسانی که در خلق این حادثه‌ی بزرگ نقش آفریدند، صمیمانه سپاسگزاری کنم: از نامزدهای محترم که با مطرح ساختن نقطه‌نظرهای سیاسی و اقتصادی و با سخن و رفتار خود، دارندگان سلیق گوناگون اجتماعی و سیاسی را به صحنه آوردند، از نخبگان و برگزیدگانی که مخاطبان خود را به حضور در این آزمون بزرگ دعوت کردند؛ از مراجع عظام و علمای اعلام و فرزندان دانشگاهی و شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی؛ از رسانه‌ی ملی و مدیران و طراحان و مجریان و هنرمندان صدا و سیما که نوآوریهای تحسین‌برانگیز آنان نقش تعیین‌کننده‌ای در این حادثه‌ی فراموش‌نشدنی داشت؛ از وزارت کشور و شورای محترم نگهبان که با اخلاص و امانتداری کامل به وظیفه‌ی خطیر خود صادقانه و سختکوشانه عمل کردند؛ از نیروی انتظامی و دیگر دستگاه‌های حافظ امنیت، که فضای

سالم و باز آرام را برای مردم تأمین نمودند و سرانجام و بیش از همه، از یکایک رأی دهندگان که برای خود و کشورشان آبرو و ثبات و امنیت فراهم آوردند.

تَضَرُّعٌ بِهٖ دَرگَاهِ الهی و استمداد از امام زمان (علیه السلام)

بار دیگر با تَضَرُّع و ابتهاج، خدای عزیز و قدیر را از اعماق جان، سپاس گفته، هدایت و رحمتش را برای این ملت و این بنده‌ی ناتوان مسألت می‌کنم و با سلام به حضرت ولی الله الاعظم روحی فدا، به دعا و رعایت و حمایت آن صاحب اصلی این کشور دل می‌بندم و به روح امام راحل و ارواح طیبه‌ی شهیدان عزیز درود می‌فرستم.^۱

پیام حضور مردم در انتخابات ۲۲ خرداد

ملت ایران اسلامی با حضور گسترده و پر شور خود در این انتخابات ثابت کرد که به عزت ملی اهمیت می‌دهد و ایستادگی در مقابل زورگویان و زیاده خواهان و پایداری برای احقاق حق را جزو ارزشهای اساسی و افتخار خود می‌داند و این را با این انتخابی که انجام گرفت نشان داد.

رهبر انقلاب اسلامی به تلاش دشمنان این کشور با راه اندازی جنگ روانی و تبلیغات وسیع آنان در رسانه های بیگانه برای دلسرد کردن مردم از حضور در انتخابات اشاره کردند و افزودند: حقیقتاً یک دست اعجاز آفرین الهی پشت این انتخابات بود چرا که نتیجه آن، ده میلیون رأی بیشتر در مقایسه با بالاترین رقم مشارکت مردم در انتخابات ۳۰ ساله است.^۲

تذکر به یکی از نامزدهای معترض

حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار آقای میرحسین موسوی با ایشان، بر پیگیری مسائل از طریق مراجع قانونی تأکید کردند.

۱. پیام به مردم پس از برگزاری دهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸/۳/۲۳.

۲. مراسم مولودی خوانی در خجسته سالروز میلاد حضرت فاطمه (علیها السلام) ۱۳۸۸/۳/۲۴.

در این دیدار، آقای میرحسین موسوی ضمن ارائه‌ی گزارشی، دیدگاه خود را درباره‌ی روند انتخابات بیان کرد.

رهبر انقلاب با تأکید بر لزوم حفظ آرامش و متانت، خاطرنشان کردند: در دوره‌های قبلی انتخابات نیز برخی افراد و نامزدها مسائلی داشتند که از طریق شورای نگهبان، به عنوان مرجع قانونی رسیدگی به شکایات انتخاباتی، پیگیری کردند و طبعاً در این دوره نیز مسائل باید از طریق قانونی دنبال شود.

ایشان با اشاره به نامه‌ی آقای موسوی به شورای نگهبان افزودند: به شورای نگهبان تأکید شده که با دقت به این نامه رسیدگی شود.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به تحریکات دشمن و برخی طراحیه‌های پشت صحنه برای به‌آشوب‌کشاندن خیابانها، خطاب به آقای موسوی افزودند: جنس شما با اینگونه افراد متفاوت است و لازم است کارها را با متانت و آرامش پیگیری کنید.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تحسین از حضور بی‌سابقه‌ی مردم در انتخابات ۲۲ خرداد افزودند: به یاری پروردگار، انتخابات با اتقان، صحت و آرامش خوبی برگزار شد و شما هم مسائل مورد نظر را از طریق قانونی پیگیری کنید.^۱

یکی بودن طرفداران همه‌ی نامزدها در اعتقاد به نظام

ما باید سعی کنیم، دقت کنیم که انتخابات مایه‌ی انشقاق نشود؛ این حرف اصلی من است. اینکه ما تصور کنیم که یک گروه مثلاً بیست و چهار میلیون‌ی یک طرفند، یک گروه چهارده میلیون‌ی یک طرفند، این به نظر من یک خطای بسیار بزرگی است؛ قضیه اینجور نیست. همه در یک طرف قرار دارند. آن کسانی که به رئیس‌جمهور منتخب این دوره‌ی از انتخابات رأی

۱. دیدار آقای میرحسین موسوی با رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۳۸۸/۳/۲۴.

دادند، همانقدر وابسته‌ی به انقلاب و کشور و نظامند، که آن کسانی که رأی ندادند. مجموعه‌های مردمی، فرزندان این کشورند؛ فرزندان این ملتند. این خطاست که ما این دو مجموعه‌ی رأی‌دهنده را که یک عده‌ای رأی به یک نامزدی دادند، یک عده‌ای رأی به آن نامزد ندادند، اینها را ما متخاصم و متقابل فرض کنیم؛ نه، در یک مسأله‌ای، در یک گزینشی، اینها سلیقه‌شان یک جور نبوده، لکن در اصل قضیه، در اعتقاد به نظام، در پشتیبانی از جمهوری اسلامی، همه‌ی اینها باهم یکی هستند. ما نگاه کنیم به رأی قریب چهل میلیونی مردم در این دوره؛ این مهم است.

ضرورت حراست از اتحاد ملی با وجود اختلاف سلیق سیاسی

من معتقدم همه‌ی ما وظیفه داریم این را پاسداری کنیم. یعنی این اتحاد ملی را درگفتن و اعلام صریح حمایت از نظام اسلامی را، دست‌کم نگیریم؛ این چیز بسیار مهمی است. امروز نظام اسلامی نشان دارد میدهد که مردم‌سالاری واقعی در او حکمفرماست. مردم می‌آیند مینشینند پای صحبت نامزدهای مختلف، گوش میکنند، بعد در حدود شاید ده روز، پانزده روز در خیابانها حضور فعال دارند. این به نظر من خیلی مسأله‌ی مهمی است. ما باید به این شبهای گوناگون و متعددی که در خیابانهای تهران و بعضی از شهرستانهای دیگر مردم جمع میشدند و بعضی از این نامزد، بعضی از آن نامزد حمایت میکردند، شعار میدادند و هیچگونه درگیری بین اینها وجود نداشت، افتخار بکنیم؛ این خیلی چیز مهمی است. مردم ما اینند؛ اختلاف سلیقه هم دارند، نظرات مختلفی هم نسبت به نامزدهای مختلف دارند، اما با همدیگر هم کار میکنند. آقای مهندس موسوی برای من نقل میکردند که توی یک خیابانی که ایشان میرفته، ماشینی با ماشین ایشان همراه میشوند. آنها شروع میکنند حرفی و شعاری را که علیه آقای موسوی بوده، با خنده گفتن، آقای موسوی گفت من هم خندیدم و به آنها

دست تکان دادم اینجوری و عبور کردم. خوب، این فضا خیلی فضای خوبی است. این فضا بعد از انتخابات نباید تبدیل بشود به فضای خصومت و تقابل؛ عده‌ای این را می‌خواهند در جامعه تحقّق ببخشند. این خلاف واقع است.

آن کسانی که اجتماع میکنند برای حمایت از یک نامزد، با آن کسانی که اجتماع میکنند برای حمایت از نامزد دیگر، هر دو ملت ایرانند، گروههایی از مردمند؛ ما باید با این دید نگاه کنیم. آرائی هم دارند؛ یک جمعی رأی به این دادند، یک جمعی رأی به آن دادند. البته قاعده‌ی مردمسالاری این است که اکثریت بر اقلیت در مقام عمل تقدّم پیدا میکند؛ یعنی آن کسی که اکثریت به او رأی دادند، او مسؤولیت را به عهده می‌گیرد؛ این قاعده‌ی مردمسالاری است. اما این به معنای ایجاد تزاخم و ایجاد تعارض و دشمنی نیست.

وظیفه‌ی همه‌ی نامزدها و طرفداران در مقابله با ایجاد دشمنی

با ایجاد دشمنی همه‌تان مقابله کنید. این مخصوص یک نامزد یا یک ستاد یا یک مجموعه نیست؛ همه وظیفه دارند که با ایجاد نفاق و دشمنی و کدورت مقابله کنند.

لزوم پیگیری اعتراضات از مجاری قانونی

بله، ممکن است کسانی همانطور که حالا آقایان هم ذکر کردید، اشکالات و اعتراضاتی را بر مجاری گوناگون امور در انتخابات ثبت کرده باشند و اعتراض داشته باشند، که البته، راههای قانونی وجود دارد. رسیدگی به اینها حتماً باید انجام بگیرد. مواردی را آقایان ذکر کردید. من درخواست میکنم از آقایان مسؤول در وزارت کشور و همچنین در شورای نگهبان که به این موارد دقیقاً رسیدگی کنند. اگر چنانچه بعضی از اشکالات مقتضی این

هست که پاره‌ای از صندوقها بازشماری بشود، اشکالی ندارد. حالا مثلاً یک مورد را آقایان ذکر کردند که آن شخص گفته که رأی فلان نامزد این تعداد است، بعد در شمارش تعداد دیگری معرفی شده؛ خیلی خوب، کاری ندارد؛ صندوقهای مورد اشکال را، یا بطور تصادفی تعدادی از صندوقها را بازشماری کنند؛ خود نمایندگان ستادها هم حضور داشته باشند و ببینند تا اطمینان کامل برای همه حاصل بشود.

اعتماد رهبری به مسؤولان انتخابات در همه‌ی دوره‌ها

البته من خودم شخصاً در این انتخابات هم مثل همه‌ی انتخاباتهای گذشته. شماها همه‌تان مسؤولین هستید، بوده‌اید، ممشای بنده را میدانید. به مسؤولین کشور اعتماد کردم؛ به وزارت کشور، به شورای نگهبان؛ در حالی که میدانید در موارد متعدّد، مسؤولین از سلائق مختلف بودند، اما من به مقام مسؤولی که میشناسم و قاعده‌ی کار او را میدانم، اعتماد میکنم. در این نوبت هم همین‌جور است؛ من اعتماد میکنم، اما این اعتماد من موجب نمیشود که اگر چنانچه شبه‌ای در ذهن کسانی هست، این شبه دنبال نشود و تعقیب نشود و بررسی نشود و حقیقت قضیه آشکار نشود؛ نه، شبهات را برطرف کنید، منتها آن چیزی که از همه مهم‌تر است، این است: همه سعی کنید وحدت ملی و وحدت کشور را حفظ کنید؛ هرکسی به نحوی، هرکسی وظیفه‌ای دارد.

ضرورت صیانت از افتخار بین‌المللی انتخابات با چهل میلیون رأی

انتخابات مایه‌ی افتخار ماست. چهل میلیون رأی شوخی نیست. این از بالاترین نصابی که ما تا حالا داشته‌ایم، مبالغ قابل توجهی بیشتر است؛ این خیلی اهمّیت دارد. بعد از سی سال ملت ما پابندی‌شان به نظام جمهوری اسلامی آنچنان است که این‌جور با شور و شوق وارد صحنه

میشوند که خبرگزاریهای خارجی از همان ساعات اول اعلام کردند. ما خبرها را تعقیب میکردیم. و همه گفتند که این دفعه حضور مردم، حضور فوق‌العاده‌ای است. این را همه گفتند. حالا غیر از مشاهداتی که کسانی می‌رفتند رأی میدادند و می‌آمدند برای ما نقل میکردند، خبرگزاریها گفتند و در تعدادی از تلویزیونهای بیگانه هم منعکس شد که حضور مردم، حضور جدی و فعال و متراکمی است. در بعضی از تلویزیونهای خارجی صفوف مردم را که صف کشیده بودند، نشان دادند. این افتخاری است برای کشور؛ ما این را مخدوش نکنیم، این را خراب نکنیم، این مال مردم است. همین رأی‌دهندگان از دو طرف، هم طرف آن کسانی که رأی دادند به نامزد منتخب، هم آن کسانی که رأی ندادند به نامزد منتخب و به دیگری رأی دادند. که مجموعاً مثلاً حدود چهارده میلیون میشوند. همه‌شان در ایجاد این حماسه‌ی بزرگ سهیم بودند. ما این وحدت را، این نگاه کلان را، نگاه یکسان را فراموش نکنیم و این را از دست ملت نگیریم. همه سهیمند؛ آن کسی که به آقای دکتر احمدی‌نژاد رأی داده، او هم سهیم است؛ آن کسی که به آقای مهندس موسوی رأی داده، یا به آقای کروبی رأی داده، یا به آقای رضایی رأی داده، آنها هم همه در ایجاد این حماسه‌ی بزرگ سهیمند و کشور مدیون آنهاست و نظام حقیقتاً مدیون این حضور حماسی مردم است که آمدند از نظام خودشان که متعلق به خودشان هست، از انقلابی که متعلق به خودشان هست، دفاع کردند و این اقدام را کردند؛ نگاه اصلی باید این باشد.

وظایف طرف پیروز و طرف مغلوب در انتخابات

البته هر طرفی ملاحظاتی باید بکند؛ این را من قبول دارم. هم آن طرفی که توانسته اکثریت را به دست بیاورد، ملاحظاتی لازم است بکند، توجهاتی بکند، مراقبتهایی در کیفیت رفتار و حرکت انجام بدهد، هم آن طرفی که

این رأی اکثریت را کسب نکرده، او هم مراقبتهایی لازم دارد. همه باید حلم داشته باشند. حلم اسلامی که ما در فارسی او را بردباری معنا میکنیم، معنایش توان تحمل و ظرفیت تحمل است. همه باید ظرفیت تحمل داشته باشند، بتوانند تحمل کنند؛ تحمل پیروزی هم کار آسانی نیست، تحمل عدم پیروزی هم کار آسانی نیست. حلم داشتن و تحمل کردن و ظرفیت پیروزی و عدم پیروزی را داشتن، یکی از فضایل انسانی است؛ ما باید این را هم درنخبگان، هم در آحاد عظیم مردم ترویج بکنیم.

وجود دستهایی برای خرابکاری و اختلاف افکنی بین طرفداران نامزدها
 البته شما شکمی ندارید، من هم مثل شما، که کسانی هستند که این وحدت را نمیخواهند. حوادثی پیش می‌آید گوشه و کنار که این حوادث نه به آن گروه، نه به آن گروه، هیچ ارتباطی ندارد و این مربوط به افرادی است که این وحدت را، این اتفاق را، این نمایش عظمت را نمیخواهند. من حالا إن شاء الله در روز جمعه اگر عمری بود و مجالی بود، در این باره بیشتر صحبت خواهم کرد. کسانی نمیخواهند این موفقیت‌های شما را ببینند. در این قضایا همه موفق شدید، همه پیروز شدید؛ در این جهت که توانستید نظام مورد علاقه‌تان را تحکیم ببخشید. مردم همه پیروزند؛ به خاطر اینکه توانستند یک عظمتی و عزتی را از خودشان بروز بدهند. عده‌ای این را نمیخواهند و طبعاً خرابکاری میکنند، ایجاد اختلال میکنند، از این به آن حرف می‌برند، از آن به این حرف می‌آورند؛ غالباً هم خلاف. بنده چون از اطراف مختلف، حرفها به گوش من میرسد، میبینم این چیزهایی که این طرف از آن طرف میگوید، بعضاً خلاف واقع است؛ هم آن چیزهایی که آن طرف از این طرف بیان میکند، بعضاً خلاف واقع است. پیداست کسانی در وسط نمیخواهند این اتحاد و اتفاق در کشور شکل بگیرد. این حالا آسانترینش است، بدترش هم همین کارهای خرابکاری‌ای است که شما میبینید انجام میدهند، که

البته همه باید در مقابل این خرابکاریها بایستند، اعلام موضع کنند. همه بایستی بگویند.

این تخریبهایی که انجام میگیرد، این کارهای زشتی که انجام میگیرد، بعضاً جنایاتی که واقع میشود، مربوط به هیچکدام از این اطراف قضیه نیست؛ این مربوط به مردم نیست، مربوط به نامزدها نیست؛ مربوط به خرابکارهاست، مربوط به اخلاک‌گراهاست. نبادا کسی توهم کند و تصور بکند که این مربوط به این است که اینها طرفدار فلان نامزدند؛ نه، اینها مثل همان کسانی هستند که اختلافات مذهبی را بین مسلمانها راه می‌اندازند که ما مکرر گفته‌ایم اینها نه سنی‌اند، نه شیعه؛ شیعه را علیه سنی، سنی را علیه شیعه تحریک میکنند و در وضع اتحاد جامعه‌ی عظیم ما هم همین‌جور است. کسانی که یک طرف را علیه یک طرف تحریک میکنند، کارهایی میکنند به عنوان طرفداری از یک جهت، در حالی که حقیقتاً طرفداری از او نیست؛ اینها نه از این طرفند، نه از آن طرف. اینها کسانی هستند که با اصل نظام مخالفند، با آرامش کشور مخالفند، طرفدار تشنجند، طرفدار اغتشاشند، میخواهند آرامش نباشد.

وظیفه‌ی همگان در اعلام موضع صریح نسبت به اغتشاش‌آفرینان
هرکس سرکار باشد، اگر نتایج انتخابات غیر از این هم میشد، بنده بطور اطمینان میتوانم عرض بکنم که باز این‌جور حوادثی دیده می‌شد، باز این حوادث پیش می‌آمد، برای اینکه اصلاً آرامش در کشور نباشد. آنها امنیت کشور را و آرامش کشور را هدف گرفته‌اند و میخواهند این را از بین ببرند. هیچکس نباید به این تشنج‌آفرینی و اغتشاش‌آفرینی کمک کند و همه باید در مقابل او صریح موضع بگیرند. کما اینکه مواضع حقیقی شماها هم جز این نیست. صریح موضع بگیرند، روشن کنند که این خواست آنها نیست؛ و هرکاری که تشنج‌آفرین باشد، واقعاً نکنند؛ یعنی همدیگر را عصبانی نکنند.

لزوم پرهیز طرفداران نامزد پیروز و مغلوب از عصبانی کردن طرف مقابل

این را هم من بد نیست در اینجا خطاب به مردمی که خارج از این مجموعه‌ی شما برادران عزیز هستند، توصیه بکنم، که اگر این صحبتها پخش شد، خطاب به مردم هم باشد. من به مردم عزیزمان هم عرض میکنم: دو جناح و دو گروه، همدیگر را عصبانی نکنند؛ نه آن کسانی که نامزد مورد علاقه‌شان پیروز شده، جوری حرف بزنند، جوری رفتار کنند که آن طرف مقابل را عصبانی کند، جریحه‌دار کند؛ نه آن کسانی که نامزد مورد علاقه‌شان رأی نیاورده، جوری حرف بزنند، جوری اقدام کنند که آن طرف را عصبانی کند؛ نه، همه یک جهت مشترک دارید که آن عبارت است از حضور در این صحنه‌ی انتخابات و دفاع از نظام اسلامی؛ این اساس قضیه است، این آن چیزی است که دل ولیعصر (ارواحنا فداه) را راضی میکند و خشنود میکند. این آن چیزی است که إن شاء الله موجب رحمت الهی و جریان رحمت الهی در این کشور میشود. این به نظر من درست است.

تأکید بر حفظ هویت جمعی کشور و ملت

امیدوارم که خدای متعال کمک کند. من وظیفه‌ی خودم دانستم که این عرایض را به شماها بکنم. همینطور که گفتم، من تقریباً همه‌ی شما یا اغلب شماها را از نزدیک میشناسم و سوابق کاریتان را میدانم و به نظرم رسید که اینجور حرف زدن و اینجور مخاطبه‌ی با شما، إن شاء الله خوب است و لازم است و تکلیف من است که این را عرض بکنم. من احساس میکنم امروز همه تکلیف داریم از هویت جمعی این کشور و این ملت دفاع کنیم. یک مجموعه‌ی عظیم مردمی است، با این بارامانت سنگینی که بردوش گرفته، با این حرکت عظیم و شجاعانه‌ای که در طول این سی سال این ملت انجام داده، این را نگذارید شقه شقه بشود، نگذارید افراد در مقابل هم قرار بگیرند. هر کدامتان به یک کیفیتی خواهید توانست این کار را انجام بدهید.

إن شاء الله خداوند کمکتان کند، راهنماییتان کند، همه‌مان را راهنمایی کند که بتوانیم این وظیفه را به بهترین وجهی انجام بدهیم.^۱

سه مطلب خطاب به سه دسته

مسأله‌ای که در این خطبه مطرح میکنم، مسأله‌ی انتخابات است که فعلاً مسأله‌ی روز در کشور ماست. سه مطلب را خطاب به سه دسته عرض خواهم کرد. یک مطلب خطاب به عموم ملت عزیزمان در هر نقطه‌ای از کشور که هستند، میخواهم عرض بکنم. یک مطلب را خطاب به نخبگان سیاسی، نامزدهای ریاست جمهوری، فعالان و دست‌اندرکاران قضایای انتخابات میخواهم عرض بکنم. یک مطلب هم خطاب به سران استکبار، بعضی از دولتهای غربی و سردمداران رسانه‌هایی که آنها اداره میکنند، خواهم گفت.

مطلب اول خطاب به مردم عزیز

تشکر از ملت برای نمایش روح مشارکت و دلبستگی به نظامشان در باره‌ی مطلب اول که خطاب به شما مردم عزیز است، حرف من عبارت است از یک دنیا تجلیل و تعظیم و تشکر. بنده دوست ندارم در سخنرانیها و خطابه‌ها نسبت به مخاطبان خودم با مبالغه حرف بزنم یا تملق آنها را بگویم؛ اما در این قضیه‌ی انتخابات، خطاب به شما مردم عزیز عرض میکنم که هرچه با مبالغه صحبت بکنم، زیاد نیست؛ حتی اگر بوی تملق هم بدهد، ایرادی ندارد. کار بزرگی کردید. انتخابات ۲۲ خرداد یک نمایش عظیمی بود از احساس مسؤولیت ملت ما برای سرنوشت کشور؛ نمایش عظیمی بود از روح مشارکتجوی مردم در اداره‌ی کشورشان؛ نمایش عظیمی بود از دلبستگی مردم به نظامشان. حقیقتاً مشابه این حرکتی که

۱. در دیدار نمایندگان نامزدهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸/۳/۲۶

در کشور انجام گرفت، من امروز در دنیا و در این دموکراسیهای گوناگون - چه دموکراسیهای ظاهری و دروغین و چه دموکراسیهایی که واقعاً به آراء مردم مراجعه میکنند - نظیرش را سراغ ندارم. در جمهوری اسلامی هم جز در همه‌پرسی سال ۵۸ - فروردین ۵۸ - هیچ نظیری دیگر برای این انتخاباتی که در جمعه‌ی گذشته شما انجام دادید، وجود ندارد؛ مشارکت حدود ۸۵ درصد؛ چهل میلیون تقریباً جمعیت. انسان دست مبارک ولی عصر را پشت سر حوادثی با این عظمت میبیند. این نشانه‌ی توجّه خداست. لازم میدانم از اعماق دل نسبت به شما مردم عزیز در سراسر کشور ابراز ادب و ابراز تواضع کنم که واقعاً جا دارد.

شور و شعور نسل جوان در انتخابات سال ۸۸

نسل جوان ما بخصوص نشان داد که همان شور سیاسی، همان شعور سیاسی، همان تعهد سیاسی را که ما در نسل اول انقلاب سراغ داشتیم، دارد؛ با این تفاوت که در دوران انقلاب، کوره‌ی داغ انقلاب دلها را به هیجان می‌آورد، بعد هم در دوره‌ی جنگ به نحو دیگری؛ اما امروز اینها هم نیست، در عین حال این تعهد، این احساس مسؤولیت، این شور و شعور در نسل کنونی ما وجود دارد؛ اینها چیز کمی نیست.

تعهد جمعی مردم برای حفظ نظام و کشور با وجود اختلاف سلیق

البته بین مردم اختلاف سلیقه هست، اختلاف رأی هست؛ عده‌ای کسی را قبول دارند، حرفی را قبول دارند؛ عده‌ی دیگری کس دیگری را قبول دارند، حرف دیگری را قبول دارند؛ اینها هست، طبیعی هم هست، لیکن یک تعهد جمعی را انسان در بین همه‌ی این آحاد، با اختلاف آراءشان، احساس میکند؛ یک تعهد جمعی برای حفظ کشورشان، برای حفظ نظامشان. همه وارد شدند؛ در شهرها، در روستاها، در شهرهای بزرگ، در

شهرهای کوچک، اقوام گوناگون، مذاهب مختلف، مردها، زنها، پیر، جوان، همه وارد این میدان شدند؛ همه در این حرکت عظیم شرکت کردند.

انتخابات ۸۸؛ زلزله‌ی سیاسی برای دشمن و جشن برای دوستان

این انتخابات، عزیزان من! برای دشمنان شما یک زلزله‌ی سیاسی بود؛ برای دوستان شما در اکناف عالم یک جشن واقعی بود؛ یک جشن تاریخی بود. در سی سالگی انقلاب اینجور مردم بیابند نسبت به این نظام و این انقلاب و آن امام بزرگوار اظهار وفاداری کنند! این یک جنبش عمومی و مردمی بود برای تجدید پیمان با امام و با شهدا؛ و برای نظام جمهوری اسلامی یک نَفَس تازه کردن، یک حرکت از نو، یک فرصت بزرگ. این انتخابات، مردمسالاری دینی را به رخ همه‌ی مردم عالم کشید. همه‌ی کسانی که بدخواه نظام جمهوری اسلامی هستند، دیدند مردمسالاری دینی یعنی چه. این یک راه سوّم است. در مقابل دیکتاتوریه‌ها و نظامهای مستبدّ از یک طرف و دموکراسیهای دور از معنویّت و دین از یک طرف دیگر، این مردمسالاری دینی است؛ این است که دل‌های مردم را مجذوب میکند و آنها را به وسط صحنه میکشاند. این، امتحان خودش را داد. این یک نکته درباره‌ی این انتخابات.

انتخابات ۲۲ خرداد؛ نشانه‌ی اعتماد و امید مردم

نکته‌ی دوّم در باب این انتخابات این است که انتخابات ۲۲ خرداد نشان داد که مردم، با اعتماد و با امید و با شادابی ملّی در این کشور زندگی میکنند. این جواب خیلی از حرفهایی است که دشمنان شما در تبلیغات مغرضانه‌ی خودشان بر زبان می‌آوردند. اگر مردم در کشور به آینده امیدوار نباشند، در انتخابات شرکت نمیکنند؛ اگر به نظام خودشان اعتماد نداشته باشند، در انتخابات شرکت نمیکنند؛ اگر احساس آزادی نکنند، به انتخابات روی خوش نشان نمیدهند. اعتماد به نظام جمهوری اسلامی

در این انتخابات آشکار شد؛ و من بعد عرض خواهم کرد که دشمنان همین اعتماد مردم را هدف گرفته‌اند؛ دشمنان ملت ایران می‌خواهند همین اعتماد را درهم بشکنند. این اعتماد بزرگترین سرمایه‌ی جمهوری اسلامی است، می‌خواهند این را از جمهوری اسلامی بگیرند؛ می‌خواهند ایجاد شک کنند، ایجاد تردید کنند درباره‌ی این انتخابات و این اعتمادی را که مردم کردند تا این اعتماد را متزلزل کنند.

خسارت عظیم تضعیف اعتماد مردم به نظام

دشمنان ملت ایران میدانند که وقتی اعتماد وجود نداشت، مشارکت ضعیف خواهد شد؛ وقتی مشارکت و حضور در صحنه ضعیف شد، مشروعیت نظام دچار تزلزل خواهد شد؛ آنها این را می‌خواهند؛ هدف دشمن این است. می‌خواهند اعتماد را بگیرند تا مشارکت را بگیرند تا مشروعیت را از جمهوری اسلامی بگیرند. این، ضررش بمراتب از آتش زدن بانک و سوزاندن اتوبوس بیشتر است. این، آن چیزی است که با هیچ خسارت دیگری قابل مقایسه نیست.

شروع خط فتنه‌ی تقلب از پیش از انتخابات

مردم بیایند در یک چنین حرکت عظیمی این‌جور مشتاقانه حضور پیدا کنند، بعد به مردم گفته بشود که شما اشتباه کردید به نظام اعتماد کردید؛ نظام قابل اعتماد نبود. دشمن این را می‌خواهد.

این خط را از پیش از انتخابات هم شروع کردند؛ از دوسه ماه پیش از این. من اول فروردین در مشهد گفتم هی دارند دائماً به گوشها می‌خوانند، تکرار میکنند که بناست در انتخابات تقلب بشود. می‌خواستند زمینه را آماده کنند.

گوش نکردن برخی نسبت به هشدار درباره‌ی نقشه‌ی دشمن من آن وقت به دوستان خوبمان در داخل کشور تذکره‌ی دادم و گفتم این حرفی را که دشمن می‌خواهد به ذهن مردم رسوخ بدهد، نگویید. نظام جمهوری اسلامی مورد اعتماد مردم است. این اعتماد آسان به دست نیامده، سی سال است که نظام جمهوری اسلامی با مسؤولانش، با عملکردش، با تلاش‌های فراوانش توانسته این اعتماد را در دل مردم عمیق کند. دشمن می‌خواهد این اعتماد را بگیرد، مردم را دچار تزلزل کند. این هم یک نکته.

رقابتهای انتخاباتی ۸۸؛ رقابتهای جدی و میان جریانهای معتقد به نظام نکته‌ی سوم، مسأله‌ی رقابتها بود. این رقابتها کاملاً رقابتهای آزاد، جدی و شفاف بین نامزدهای مختلف بود؛ همه دیدند. بقدری این رقابتها و این گفتگوها و این مناظره‌ها شفاف و صریح بود، که عده‌ای به آن معترض شدند. حالا عرض خواهم کرد. حق هم تا حدودی با آنهاست. التهاباتی هم بوجود آورد که الان هم هنوز آثارش را داریم مشاهده میکنیم. من به شما عرض بکنم، فرض ما این بود و هست که این رقابتی که وجود دارد بین چهار نامزد انتخابات، این رقابت میان افراد و جریانهای متعلق به نظام اسلامی است. اینی که دشمنان سعی میکنند در رسانه‌های گوناگون. که غالباً هم این رسانه‌ها مال این صهیونیستهای خبیث و رذل است. اینجور وانمود کنند که دعوا بین طرفداران نظام و مخالفان نظام است، نخیر، اینجوری نبود؛ آنها غلط میکنند این حرف را میزنند؛ این واقعیت ندارد.

این چهار نفری که وارد عرصه‌ی این انتخابات جدی شدند، همه‌شان جزو عناصر نظام و متعلق به نظام بودند و هستند. یکی از اینها رئیس جمهور کشور ماست؛ رئیس جمهور خدوم، پرکار، زحمتکش، مورد اعتماد. یکی از آنها نخست‌وزیر هشت سال در دوران ریاست جمهوری خود بنده است. یکی از آنها فرماندهی سپاه در سالهای متمدای و یکی از فرماندهان اصلی دوران دفاع مقدس بوده است. یکی از آنها دودوره رئیس قوه‌ی مقننه‌ی کشور

بوده است؛ رئیس مجلس شورای اسلامی بوده است. اینها عناصر نظامند؛ اینها همه‌شان متعلق به نظامند. البته اختلاف نظر دارند، اختلاف برنامه دارند، در جهتگیریهای گوناگون سیاسی باهم تفاوت‌های متعددی دارند؛ اما همه‌شان مال نظامند؛ چهار نفر از عناصر نظامند. این رقابت درون نظام تعریف شد؛ نه رقابت بین درون نظام و بیرون نظام، که رادیوی صهیونیستی و رادیوی آمریکا و رادیوی انگلیس خبیث و دیگران می‌خواهند این را دامن بزنند. نخیر، رقابتی بود در درون نظام و بین عناصر وابسته‌ی به نظام؛ متعلق به نظام و همه‌شان هم با این سوابق. همه‌شان را من از نزدیک می‌شناسم، افکارشان را میدانم، سلیقشان را میدانم، خصوصیات رفتاریشان را میدانم، با همه‌شان از نزدیک من کار کردم.

البته بنده همه‌ی دیدگاه‌های این آقایان را قبول ندارم؛ بعضی از نظرهایشان و عملکردهایشان از نظر من بدون شک قابل انتقاد است؛ بعضی را برای خدمت به کشور مناسب‌تر از بعضی دیگر میدانم؛ اما انتخاب به عهده‌ی مردم بوده و هست. مردم انتخاب کردند. خواست من، تشخیص من، نه به مردم گفته شد، نه مردم لازم بود آن را مراعات کنند. مردم خودشان طبق معیارهای خودشان تشخیص دادند، حرکت کردند، عمل کردند؛ میلیون‌ها این طرف، میلیون‌ها آن طرف؛ بنابراین، مسأله، مسأله‌ی درونی نظام است. اینی که بخواهند صورت مسأله را تغییر بدهند، این صد درصد مغرضانه و خباثت‌آلود است. دعوا بین نظام و بیرون از نظام نیست، دعوا بین انقلاب و ضد انقلاب نیست؛ اختلاف بین عناصری در درون چهارچوب نظام است. آن مردمی هم که به این چهار نفر رأی دادند، اینها هم با اعتقاد به نظام رأی دادند، تشخیص دادند این برای کشور بهتر است، به نظام پابندی‌اش بیشتر است، به اورأی دادند. آن کسی را که صالح‌تر برای خدمت به نظام میدانستند، به اورأی دادند؛ مردم هم در چهارچوب نظام عمل کردند.

جهات مثبت و منفی مناظره‌ها و رقابتها

اما این رقابتها و مناظرات، که ابتکار مهمی بود؛ ابتکار جالبی بود؛ خیلی صریح بود، خیلی شفاف بود، خیلی جدی بود. این مناظره‌ها تو دهن آن کسانی زد که از بیرون تبلیغ میکردند که این رقابتها نمایشی است، واقعیت ندارد. دیدند نخیر، واقعیت دارد؛ جدی در مقابل هم ایستاده‌اند، باهم بحث میکنند، باهم استدلال میکنند. بنابراین مناظره‌ها و گفتگوها بسیار از این جهت مثبت بود. البته آثار مثبتی داشت، عیوبی هم داشت، که حالا هر دو را من عرض خواهم کرد.

آن جهت مثبت، این بود که در این مناظره‌ها و در این گفتگوها و در این گفتارهای تلویزیونی، همه شفاف و راحت حرف زدند، حرف دلشان را بر زبان آوردند، یک سیلابی از نقد و انتقاد به راه افتاد و همه مجبور شدند پاسخگویی کنند. به آنها انتقاد شد، آنها در مقام پاسخگویی برآمدند و از خودشان دفاع کردند. مواضع افراد و مواضع گروهها بدون ابهام، بدون پیچیده‌گویی، عریان، در مقابل چشم مردم قرار گرفت؛ سیاستهایشان چیست، برنامه‌هایشان چیست، پابندیهایشان کدام است تا چه حد است؛ اینها در مقابل چشم مردم قرار گرفت و مردم توانستند قضاوت کنند. مردم احساس کردند که در نظام اسلامی بیگانه به حساب نمی‌آیند، نظام کشور اندرونی و بیرونی ندارد. همه چیز در مقابل مردم آشکار، همه‌ی نظرات در مقابل مردم بیان شد و معلوم شد رأی مردم ناشی از همین دقتها و تأملات خواهد بود. رأی مردم زینتی نیست. حق انتخاب حقیقتاً متعلق به مردم است، مردم میخواهند آگاهانه، هشیارانه انتخاب کنند. این مناظره‌ها این را نشان داد. یقیناً یکی از علل افزایش ده میلیونی آراء نسبت به آخرین حد نصاب دوره‌های قبل همین بود که ذهن مردم، فکر مردم مشارکت داده شد، به عرصه آمد و آنها تشخیص دادند، وارد میدان شدند. این مناظره‌ها به سطح خیابانها هم کشیده شد، داخل خانه‌ها هم رفت، که اینها قدرت انتخاب مردم را بالا میبرد. اینجور مباحثات و گفتگوها ذهنها را پرورش

میدهد، قدرت انتخاب را بالا میبرد. این از نظر جمهوری اسلامی چیز مطلوبی است.

البته همینجا من عرض بکنم که این گفتگوها نباید به جایی برسد که تبدیل بشود به کدورت و کینه. اگر این شد، آن وقت اثر عکس خواهد داشت. اگر به همان شکلی که آن روز بود در همان حد باقی بود، این خوب بود؛ اما اگر بنا باشد همینطور کش پیدا کند، ادامه پیدا کند، هی بگومگو بشود، این تدریجاً تبدیل خواهد شد به کینه.

البته خیلی خوب است که اینجور مناظره‌هایی در سطوح مدیریتی ادامه پیدا کند. البته با حذف آن عیوبی که بعد به آن اشاره خواهم کرد. و افراد، مسؤولین، خودشان را در معرض نقد و انتقاد قرار بدهند و پاسخگو باشند و پاسخ بدهند و تبیین کنند. خیلی از اوقات اگر چنانچه یک انتقادی به کسی بشود، این فرصتی است برای او که بتواند ذهنها را روشن کند، تبیین کنند، حقیقت را بیان کنند؛ خیلی چیز خوبی است؛ البته با حذف آن عیوبی که عرض خواهم کرد.

اگر اینجور مناظره‌ها در طول سال و در طول چهار سال ادامه داشته باشد، دیگر وقتی در هنگام انتخابات پیش آمد، حالت انفجاری پیدا نمیکند؛ همه‌ی حرفها در طول زمان گفته خواهد شد، شنیده خواهد شد؛ نقدها، پاسخها، جوابها.

اینها محسنات این مناظرات بود که خیلی خوب بود؛ اما عیوبی هم داشت که این عیوب را باید برطرف کرد. در مواردی انسان میدید که در این مناظره‌ها جنبه‌ی منطقی مناظره ضعیف میشد؛ جنبه‌ی احساساتی و عصبی پیدا میکرد؛ جنبه‌ی تخریبی غلبه پیدا میکرد؛ سیاه‌نمایی وضع موجود به شکل افراطی در این مناظره‌ها دیده شد؛ سیاه‌نمایی دوره‌های گذشته هم در این مناظره‌ها مشاهده شد؛ هر دو بد بود. اتهاماتی مطرح شد که در جایی اثبات نشده است؛ به شایعات تکیه شد، بی‌انصافی‌هایی احياناً

دیده شد؛ هم بی‌انصافی نسبت به این دولت با این همه حجم خدمت و هم بی‌انصافی نسبت به دولتهای گذشته و دوران سی‌ساله. آقایان در خلال صحبت احساساتی شدند و لابلای حرفهای خوب، حرف‌هایی هم که خوب نبود، گفته شد.

بنده هم مثل بقیه‌ی آحاد ملت نشستم پای تلویزیون و این مناظره‌ها را تماشا کردم و از آزادی بیان لذت بردم؛ از اینکه نظام جمهوری اسلامی توانسته است به کمک مردم بیاید تا بتواند قدرت انتخاب خود را بالا ببرد، لذت بردم؛ اما این بخش معیوب قضیه، بنده را ناخرسند کرد؛ متأثر شدم. برای طرفداران نامزدها هم آن بخشهای معیوب، آن تعریضها، آن تصریحها، التهاب‌آورو نگران‌کننده بود، که البته از هر دو طرف هم بود.

بنده اینجا در منبر نماز جمعه، در خطبه‌ای که در حکم نماز است، حقایق را باید بیان بکنم. هر دو طرف در این عیب متأسفانه مشترک بودند. از یک طرف صریحترین اهانتها به رئیس‌جمهور قانونی کشور شد. حتی از دو سه ماه قبل از مناظرات هم این سخنرانیها را برای من می‌آوردند و من میدیدم یا گاهی میشنیدم؛ تهمتهایی زدند، حرفهایی گفتند؛ به کی؟ به کسی که رئیس‌جمهور قانونی کشور است، متکی به آراء مردم است. نسبتهای خلاف دادند، رئیس‌جمهور مملکت را که مورد اعتماد مردم است، به دروغ‌گویی متهم کردند! اینها خوب است؟ کارنامه‌های جعلی برای دولت درست کردند، اینجا آنجا پخش کردند، که ما که در جریان امور هستیم، میبینیم میدانیم که اینها خلاف واقع است؛ فحاشی کردند؛ رئیس‌جمهور را خرافاتی، رمال، از این نسبتهای خجالت‌آور دادند؛ اخلاق و قانون و انصاف را زیر پا گذاشتند.

این از آن طرف. از این طرف هم همین‌جور؛ از این طرف هم شبیه همین کارها به نحو دیگری انجام گرفت. کارنامه‌ی درخشان سی‌ساله‌ی انقلاب کم‌رنگ جلوه داده شد؛ اسم بعضی از اشخاص برده شد که اینها

شخصیتهای این نظامند؛ اینها کسانی هستند که عمرشان را در راه این نظام صرف کردند. بنده در نماز جمعه هیچوقت رسم نبوده است از افراد اسم بیاورم؛ اما اینجا چون اسم آورده شده است، مجبورم اسم بیاورم. بطور خاص از آقای هاشمی رفسنجانی، از آقای ناطق نوری من لازم است اسم بیاورم و باید بگویم. البته این آقایان را کسی متهم به فساد مالی نکرده؛ حالا در مورد بستگان و کسان، هرکس هر ادعایی دارد، بایستی در مجاری قانونی خودش اثبات بشود و قبل از اثبات نمیشود اینها را رسانه‌ای کرد. اگر چیزی اثبات بشود، فرقی بین آحاد جامعه نیست؛ اما اثبات نشده، نمیشود اینها را مطرح کرد و قاطعاً ادعا کرد. وقتی اینجور حرفها مطرح میشود، تلقیهای نادرست در جامعه بوجود می‌آید، جوانها چیز دیگری خیال میکنند، چیز دیگری میفهمند.

آقای هاشمی را همه میشناسند. من شناختم از ایشان مربوط به بعد از انقلاب و مسؤولیتهای بعد از انقلاب نیست؛ من از سال ۱۳۳۶- یعنی ۵۲ سال قبل- ایشان را از نزدیک میشناسم. آقای هاشمی از اصلیتین افراد نهضت در دوران مبارزات بود؛ از مبارزین جدی و پیگیر قبل از انقلاب بود؛ بعد از پیروزی انقلاب از مؤثرترین شخصیتهای جمهوری اسلامی در کنار امام بود؛ بعد از رحلت امام هم در کنار رهبری تا امروز. این مرد بارها تا مرز شهادت پیش رفته. قبل از انقلاب اموال خودش را صرف انقلاب میکرد و به مبارزین میداد. اینها را جوانها خوب است بدانند. بعد از انقلاب ایشان مسؤولیتهای زیادی داشت: هشت سال رئیس جمهور بود؛ قبلش رئیس مجلس بود؛ بعد مسؤولیتهای دیگری داشت. در طول این مدت هیچ موردی را سراغ نداریم که ایشان برای خودش از انقلاب یک اندوخته‌ای درست کرده باشد. اینها یک حقایقی است؛ اینها را باید دانست. در حساسترین مقاطع ایشان در خدمت انقلاب و نظام بوده.

من البته در موارد متعددی با آقای هاشمی اختلاف نظر داریم، که

طبیعی هم هست؛ ولی مردم نباید دچار توهم بشوند، چیز دیگری فکر کنند. البته بین ایشان و بین آقای رئیس‌جمهور از همان انتخاب سال ۸۴ تا امروز اختلاف نظر بود، الان هم هست؛ هم در زمینه‌ی مسائل خارجی اختلاف نظر دارند، هم در زمینه‌ی نحوه‌ی اجرای عدالت اجتماعی اختلاف نظر دارند، هم در برخی مسائل فرهنگی اختلاف نظر دارند؛ و نظر آقای رئیس‌جمهور به نظر بنده نزدیکتر است.

در مورد آقای ناطق نوری هم همین‌جور. آقای ناطق نوری هم از شخصیت‌های خدوم انقلاب است؛ ایشان هم خدمات زیادی کرده و در دل‌بستگی ایشان به این نظام و انقلاب هیچ شکی نیست.

مناظره‌های زنده‌ی تلویزیونی خوب است؛ اما این آسیبها باید برطرف بشود. من همان وقت - بعد از مناظره - به آقای رئیس‌جمهور هم تذکره دادم؛ چون میدانستم ایشان ترتیب اثر میدهند.

در مورد مبارزه‌ی با فساد مالی، موضع نظام یک موضع روشنی است. در زمینه‌ی مسائل مربوط به عدالت اجتماعی، موضع نظام یک موضع روشنی است. با فساد باید در هر نقطه‌ای که هست، مبارزه کرد. من میخواهم این را عرض بکنم: ما مدعی نیستیم در نظام ما فساد مالی و اقتصادی وجود ندارد؛ چرا، اگر وجود نداشت که بنده آن نامه‌ی هشت ماده‌ای را چند سال قبل خطاب به رؤسای محترم سه قوه نمینوشتم و اینقدر روی آن تأکید نمی‌کردم. چرا، هست؛ اما میخواهم این را بگویم: نظام جمهوری اسلامی، همین امروز یکی از سالمترین نظامهای سیاسی و اجتماعی در دنیاست. اینکه ما بیایم به استناد گزارش فلان مرجع صهیونیستی، نظام را و کشور را متهم کنیم به فساد، این مطلقاً درست نیست.

این هم که ما اشخاص را، مسؤولین را بی‌جهت در زمینه‌ی فساد زیر سؤال ببریم، این هم درست نیست. فساد مالی یکی از مسائل مهم در نظام اسلامی است و باید با او جداً مبارزه کرد؛ هم در قوه‌ی مجریه، هم در

قوه‌ی قضائیه، هم در قوه‌ی مقننه. همه موظفند با این مسأله مبارزه کنند. اگر مبارزه نشود، مهار نشود، توسعه پیدا خواهد کرد؛ کمابینه بسیاری از کشورهای دنیا. همین کشورهای غربی که این قدر دم از مبارزه‌ی با فساد مالی و پولشویی و امثال اینها میزنند. تا خرخره غرق در فسادند. قضایای دولت انگلیس و مجلس پارلمان انگلیس را این روزها شنیدید و همه‌ی دنیا دانستند. این یک گوشه‌هایی از قضایاست؛ خیلی بیش از اینهاست.^۱

مأجور بودن همه‌ی مردم در خلق حماسه‌ای تاریخی در انتخابات دهم ریاست جمهوری

عزیزان من! ملت ایران! ۲۲ خرداد یک حماسه بود. این حماسه، تاریخی شد، جهانی شد. اگرچه بعضی از دشمنان ما در اطراف دنیا خواستند این پیروزی مطلق نظام را، این پیروزی حتمی را، به یک پیروزی مشکوک و قابل تردید تبدیل کنند. حتی بعضی خواستند این را به یک شکست ملی تبدیل کنند! خواستند کام شما را تلخ کنند و نگذارند بالاترین نصاب مشارکت جهانی را دنیا به نام شما ثبت کند. خواستند این کارها را بکنند؛ اما به نام شما ثبت شد. نمیشود آن را دستکاری کرد.

رقابتها تمام شد. همه‌ی کسانی که به این چهار نامزد رأی دادند، مأجورند؛ إن شاء الله اجر الهی دارند. همه‌شان در درون جبهه‌ی انقلابند، متعلق به نظامند؛ اگر با قصد قربت رأی داده باشند، عبادت هم کرده‌اند. خط انقلاب، چهل میلیون رأی دارد؛ نه بیست و چهار و نیم میلیون که رأی به رئیس جمهور منتخب است. چهل میلیون به خط انقلاب رأی دادند.^۲

ممکن نبودن تقلب گسترده با وجود سازوکارهای قانونی انتخابات
مردم اطمینان دارند؛ اما برخی از طرفداران نامزدها هم اطمینان داشته

۱. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۸/۳/۲۹.

۲. همان.

باشند که جمهوری اسلامی اهل خیانت در آراء مردم نیست. سازوکارهای قانونی انتخابات در کشور ما اجازه‌ی تقلب نمیدهد. این را هرکسی که دست‌اندرکار مسائل انتخابات هست و از مسائل انتخابات آگاه است، تصدیق میکند؛ آن هم در حدّ یازده میلیون تفاوت! یک وقت اختلاف بین دورای، صد هزار است، پانصد هزار است، یک میلیون است، حالا ممکن است آدم بگوید یک جوری تقلب کردند، جابه‌جا کردند؛ اما یازده میلیون را چه جور میشود تقلب کرد!

نپذیرفتن بدعتهای غیرقانونی برای مصونیت پیدا کردن انتخابات آینده در عین حال بنده این را گفتم، شورای محترم نگهبان هم همین را قبول دارند که اگر کسانی شبهه دارند و مستنداتی ارائه میدهند، باید حتماً رسیدگی بشود؛ البته از مجاری قانونی؛ رسیدگی فقط از مجاری قانونی. بنده زیر بار بدعتهای غیرقانونی نخواهم رفت. امروز اگر چهارچوبهای قانونی شکسته شد، در آینده هیچ انتخاباتی دیگر مصونیت نخواهد داشت. بالاخره در هر انتخاباتی بعضی برنده‌اند، بعضی برنده نیستند؛ هیچ انتخاباتی دیگر مورد اعتماد قرار نخواهد گرفت و مصونیت پیدا نخواهد کرد.

ضرورت پیگیری اعتراضات از راههای قانونی

بنابراین همه چیز دنبال بشود، انجام بگیرد، کارهای درست، برطبق قانون. اگر واقعاً شبهه‌ای هست، از راههای قانونی پیگیری بشود. قانون در این زمینه کامل است و هیچ اشکالی در قانون نیست. همانطور که حق دادند که نامزدها نظارت کنند، حق دادند که شکایت کنند، حق دادند که بررسی بشود. بنده از شورای محترم نگهبان خواستم که اگر مواردی خواستند صندوقها را بازشماری بکنند، با حضور نمایندگان خود نامزدها این کار را بکنند. خودشان باشند، آنجا بشمرند، ثبت کنند، امضاء کنند. بنابراین،

هیچ مشکلی در این جهت وجود ندارد. این راجع به انتخابات و خطاب به شما مردم عزیز.

مطلب دوّم خطاب به سیاسیون، نامزدها و احزاب

ضرورت دقت در رفتار و در نظر گرفتن موقعیت حسّاس کشور

اما خطاب دوّم من، خطاب به سیاسیون و نامزدها و گردانندگان احزاب و جریانات است. من میخواهم عرض کنم به این حضرات، که امروز یک لحظه‌ی حسّاس تاریخی برای کشور است؛ نگاه کنید به وضع دنیا، نگاه کنید به وضع خاورمیانه، نگاه کنید به وضع اقتصادی عالم، نگاه کنید به مسائل کشورهای همسایه‌ی ما مثل عراق، مثل افغانستان، مثل پاکستان. ما در نقطه‌ی حسّاسی از تاریخ قرار گرفته‌ایم. همه‌ی ما وظیفه داریم که در این مرحله‌ی تاریخی هوشیار باشیم، دقیق باشیم، مواظب باشیم اشتباه نکنیم.

مسئولیت هرج و مرجها و خونها بر عهده‌ی نخبگان سیاسی قانون شکن در این قضیه‌ی انتخابات، مردم حقاً و انصافاً به وظیفه‌ی خودشان عمل کردند. وظیفه‌شان این بود که بیایند پای صندوقهای رأی، که به بهترین وجهی این وظیفه اداء شد؛ اما ما و شما وظایف سنگینتری داریم. آن کسانی که به یک نحوی یک نوع مرجعیتی در افکار مردم دارند؛ از این سیاسیون و رؤسای احزاب و کارگردانان جریانات سیاسی و یک عده‌ای از اینها حرفشوی دارند، اینها خیلی باید مراقب رفتار خودشان باشند؛ خیلی باید مراقب گفتار خودشان باشند. اگر آنها کمی افراطیگری کنند، دامنه‌ی این افراطیگری در بدنه‌ی مردم به جاهای بسیار حسّاس و خطرناکی خواهد رسید که گاهی خود آنها دیگر نمیتوانند آن را جمع کنند، که ما نمونه‌هایش را دیده‌ایم. افراط وقتی در جامعه بوجود آمد، هر حرکت افراطی به افراطیگری

دیگران دامن میزند. اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند، یا برای اصلاح ابرو، چشم را کور کنند، چه بخواهند، چه نخواهند، مسئول خونها و خشونتها و هرج و مرجها، آنهايند.

وظیفه‌ی نخبگان سیاسی؛ در دیدن چهره‌ی بی‌نقاب دشمنان

من به همه‌ی این آقایان، این دوستان قدیمی، این برادران توصیه می‌کنم بر خودتان مسلط باشید؛ سعه‌ی صدر داشته باشید؛ دستهای دشمن را ببینید؛ گرگهای گرسنه‌ی کمین‌کرده را که امروز دیگر نقاب دیپلماسی را یواش یواش دارند از چهره‌هایشان برمی‌دارند و چهره‌ی حقیقی خودشان را نشان می‌دهند، ببینید؛ از اینها غفلت نکنید.

امروز- حالا عرض خواهم کرد- دیپلماتهای برجسته‌ی چند کشور غربی که تا حالا با تعارفات دیپلماتیک با ما حرف می‌زدند، نقاب از چهره برداشتند؛ چهره‌ی واقعی خودشان را دارند نشان می‌دهند؛ «قد بدت البغضاء من أفواههم وما تخفي صدورهم أكبر»^۱. دشمنیهای خودشان با نظام اسلامی را دارند نشان می‌دهند؛ از همه هم خبیثتر دولت انگلیس.

یادآوری آخرین وصایای امام (قدس سره) مبنی بر فصل الخطاب بودن قانون من به این برادران عرض می‌کنم، به مسؤولیت پیش خدای متعال فکر کنید؛ پیش خدا مسؤولید، از شما سؤال خواهد شد. آخرین وصایای امام را به یاد بیاورید؛ قانون، فصل الخطاب است؛ قانون را فصل الخطاب بدانید.

فلسفه‌ی انتخابات؛ حل شدن اختلافات سر صندوق رأی نه کف خیابان انتخابات اصلاً برای چیست؟ انتخابات برای این است که همه‌ی اختلافها سر صندوق رأی حل و فصل بشود. باید در صندوقهای رأی معلوم

۱. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۱۸.

بشود که مردم چی می‌خواهند، چی نمی‌خواهند؛ نه در کف خیابانها. اگر قرار باشد بعد از هرائتخاباتی آنهایی که رأی نیاوردند، اردوکشی خیابانی بکنند، طرفدارانشان را بکشند به خیابان؛ بعد آنهایی که رأی آورده‌اند هم، در جواب آنها، اردوکشی کنند، بکشند به خیابان، پس چرا انتخابات انجام گرفت؟ تقصیر مردم چیست؟ این مردمی که خیابان، محل کسب و کار آنهاست، محل رفت و آمد آنهاست، محل زندگی آنهاست، اینها چه گناهی کردند؟ که ما می‌خواهیم طرفدارهای خودمان را به رخ آنها بکشیم؛ آن طرف یک جور، این طرف یک جور.

لزوم دقت نسبت به سوء استفاده‌ی تروریستها از تجمّعات خیابانی
 برای نفوذی تروریست - آن کسی که می‌خواهد ضربه‌ی تروریستی بزند -
 مسأله‌ی او مسأله‌ی سیاسی نیست؛ برای او چه چیزی بهتر از پنهان شدن
 در میان این مردم؛ مردمی که می‌خواهند راهپیمایی کنند یا تجمع کنند. اگر
 این تجمّعات پوششی برای او درست کند، آن وقت مسؤلیتتش با کیست؟
 الان همین چند نفری که در این قضایا کشته شدند؛ از مردم عادی، از
 بسیج، جواب اینها را کی بناست بدهد؟ واکنشهایی که به اینها نشان داده
 خواهد شد - تو خیابان از شلوغی استفاده کنند، بسیج را ترور کنند، عضو
 نیروی انتظامی را ترور کنند - که بالاخره واکنشی بوجود خواهد آورد، واکنش
 احساسی خواهد بود. محاسبه‌ی این واکنشها با کیست؟

دلخون شدن از حمله به جوانان دانشجوی مؤمن
 انسان دلش خون میشود از بعضی از این قضایا؛ بروند توی کوی دانشگاه،
 جوانها را، دانشجوها را - آن هم دانشجویهای مؤمن و حزب‌اللهی را، نه آن
 شلوغ‌کنها را - مورد تهاجم قرار بدهند، آن وقت شعار رهبری هم بدهند! دل
 انسان خون میشود از این حوادث.

ضرورت پایان دادن به زورآزمایی خیابانی بعد از انتخابات

زورآزمایی خیابانی بعد از انتخابات کاردرستی نیست، بلکه به چالش کشیدن اصل انتخابات و اصل مردمسالاری است.

من از همه می‌خواهم به این روش خاتمه بدهند. این روش، روش درستی نیست. اگر خاتمه ندهند، آن وقت مسؤلیت تبعات آن، هرج و مرج آن، به عهده‌ی آنهاست.

تسلیم نشدن نظام در برابر حرکات خیابانی و مطالبات غیرقانونی

این تصوّر هم غلط است که بعضی خیال کنند با حرکات خیابانی، یک اهرم فشاری علیه نظام درست میکنند و مسؤولین نظام را مجبور میکنند، وادار میکنند تا به عنوان مصلحت، زیر بار تحمیلات آنها بروند. نه، این هم غلط است. اولاً تن دادن به مطالبات غیرقانونی، زیر فشار، خود این، شروع دیکتاتوری است. این اشتباه محاسبه است؛ این محاسبه‌ی غلطی است. عواقبی هم اگر پیدا کند، عواقبش مستقیماً متوجه فرماندهان پشت صحنه خواهد شد. اگر لازم باشد، مردم آنها را هم در نوبت خود و وقت خود خواهند شناخت.

دعوت سیاسیون معترض به تفاهم و رعایت قانون

من از همه‌ی این دوستان، این برادران، می‌خواهم بنا را بر برادری بگذارید، بنا را بر تفاهم بگذارید، قانون را رعایت کنید. راه قانون باز است. راه محبت و صفا باز است، از این راه بروید؛ و امیدوارم خدای متعال توفیق بدهد که همه از این راه بروند. خب، همه پیشرفت کشور را میخواهند. جشن پیروزی چهل میلیونی را این برادران گرامی بدارند و نگذارند دشمن این جشن را خراب کند؛ همچنانی که دشمن میخواهد خراب کند. البته اگر کسانی بخواهند راه دیگری را انتخاب بکنند، آن وقت بنده دوباره خواهم آمد و با مردم صریح‌تر از این صحبت خواهم کرد.

مطلب سوّم خطاب به سران استکبار

تحلیل رفتارهای متفاوت مستکبران قبل از انتخابات و بعد از آن

و اما خطاب سوّم، خطاب به سران استکبار و سران رسانه‌های استکباری است. بنده در این دو سه هفته، رفتار و گفتار دولتمردان آمریکا و دولتمردان چند کشور اروپایی را دنبال کردم؛ در این هفته‌های نزدیک به انتخابات و آن روز انتخابات و شب بعد از انتخابات، بعد هم این دو سه روز بعد از انتخابات. یک وضع متغیّر و متفاوتی داشت. اول، قبل از شروع انتخابات جهتگیری رسانه‌هایشان، دولتمردانشان، این بود که در اصل انتخابات ایجاد تردید کنند، شاید شرکت مردم کم بشود. البته همین نتایجی که از این انتخابات حاصل شد، همین نتایج را آنها هم - هم اروپاییها، هم آمریکاییها - حدس میزدند؛ اما این حرکت عظیم مردم را انتظار نداشتند؛ این کار ۸۵ درصدی؛ چهل میلیونی را باور نمیکردند. بعد از آنکه این حضور عظیم دیده شد، اینها شوکه شدند؛ فهمیدند چه اتفاق بزرگی در ایران افتاد؛ فهمیدند که باید خودشان را با این شرایط جدید وفق بدهند؛ هم در امور بین‌الملل، هم در امور خاورمیانه و جهان اسلام، هم در مسأله‌ی هسته‌ای. در مسائل ایران شوکه شدند؛ فهمیدند که سرفصل جدیدی در مسائل مربوط به جمهوری اسلامی پیدا شد، که مجبورند این را بپذیرند. این مال هنگامی بود که این حرکت عظیم مردم دیده شد و از اینجا مرتّب بوسیله‌ی ایادی خودشان مخابره شد و همه‌شان اظهار تعجب کردند؛ از همان صبح جمعه این اظهارات شروع شد، آنجا هم برخی از بازخوردهای این اظهارات دیده شد.

وقتی اعتراض بعضی از نامزدها را دیدند، ناگهان احساس کردند فرصتی برایشان پیش آمد. این فرصت را مغتنم شمردند تا بتوانند موج سواری کنند. لحنشان از روز شنبه و یکشنبه عوض شد و وقتی یواش یواش چشمشان افتاد به بعضی از اجتماعات مردمی که به دعوت نامزدها مثلاً در خیابانها

پیدا شدند، امیدوار شدند، یواش یواش نقابهایشان کنار رفت و حقیقت خودشان را بنا کردند نشان دادن. چند تا از وزرای خارجه و رؤسای دولتهای چند تا کشور اروپایی و آمریکا حرفهایی زدند که باطن آنها را به انسان نشان میداد. از قول رئیس جمهور آمریکا نقل شد که گفته ما منتظر چنین روزی بودیم که مردم به خیابانها بریزند. از آن طرف نامه بنویسند، اظهار علاقه‌ی به روابط کنند، ابراز احترام به جمهوری اسلامی بکنند، از این طرف این حرفها را بزنند. کدام را ما باور کنیم؟

در داخل کشور هم عوامل این عناصر خارجی به کار افتادند و خط تخریب خیابانی شروع شد؛ خط تخریب، خط آتشسوزی، اموال عمومی را آتش بزنند، حریم کسب و کار مردم را ناامن کنند، شیشه‌های دکان مردم را بشکنند، اموال بعضی از مغازه‌ها را به غارت ببرند، امنیت مردم را از جانشان و مالشان سلب کنند؛ امنیت مردم مورد تجاوز اینها قرار گرفت. این ربطی به مردم و طرفداران نامزدها ندارد، این مال بدخواهان است، مال مزدوران است، مال دست‌نشانندگان سرویسهای جاسوسی غربی و صهیونیست است.

طمع دشمنان به خاطر رفتار اشتباه برخی از داخلیها

این کاری که در داخل، ناشیانه از بعضی سرزد، اینها را به طمع انداخت، خیال کردند ایران هم گرجستان است (!) یک سرمایه‌دار صهیونیست آمریکایی چند سال قبل از این، طبق ادعای خودش که در رسانه‌ها و در بعضی از مطبوعات نقل شد، گفت من ده میلیون دلار خرج کردم، در گرجستان انقلاب مخملی راه انداختم؛ حکومتی را بردم، حکومتی را آوردم. احمقها خیال کردند جمهوری اسلامی، ایران و این ملت عظیم هم مثل آنجاست. ایران را با کجا مقایسه میکنید؟! مشکل دشمنان ما این است که هنوز هم ملت ایران را نشناختند.

ابراز نگرانی دولتمردان آمریکایی درباره‌ی مردم ایران!

آن چیزی که در این بین از همه بدتر و زشتتر به چشم من آمد، این حرف‌هایی بود که به عنوان دلسوزی از حقوق بشر و سختگیری به مردم، از زبان این دولتمردان آمریکایی صادر شد که: ما از اینکه با مردم چنین رفتار بشود، مخالفیم؛ ما نگرانیم! شما نگران مردمید؟! شما چیزی به نام حقوق انسان را اصلاً قبول دارید؟! افغانستان را کی به خاک و خون کشید و هنوز هم دارد میکشد؟ عراق را کی زیر چکمه‌ی نظامیان خودش تحقیر کرد؟ در فلسطین چه کسی به دولت صهیونیست ظالم این همه کمک سیاسی و مادی کرد؟ در خود آمریکا انسان واقعاً تعجب میکند. در زمان دولت همین حزب دموکرات، در زمان ریاست جمهوری شوهر همین بانویی که حالا اظهار نظر میکند، هشتاد و چند نفر از وابستگان فرقه‌ی داودی را زنده زنده در آتش سوزاندند. اینکه دیگر جای انکار نیست. همین حضرات، همین دموکراتها این کار را کردند. فرقه‌ی داودی‌ها به قول خودشان دیویدی‌ها- به دلیلی مورد غضب دولت آمریکا قرار گرفتند و به منزلی رفتند و در آنجا متحصن شدند. هر چه کردند، بیرون نیامدند. اینها خانه را آتش زدند و هشتاد تا مرد، زن، بچه تو این خانه، زنده زنده سوختند. شما حقوق بشر میفهمید یعنی چه؟! به نظر من این مسؤولان و سیاستمداران اروپایی و آمریکایی قدری بایستی شرم و حیا را هم برای خودشان وظیفه بدانند. جمهوری اسلامی، پرچمدار حقوق انسان است. دفاع ما از مردم مظلوم در فلسطین، در لبنان، در عراق، در افغانستان، در هر نقطه‌ای که مردم مظلوم واقع شدند، نشانه‌ی همین است. نشانه‌ی این است که پرچم حقوق بشر بوسیله‌ی اعتقاد به اسلام، ایمان به اسلام در این کشور برافراشته شده است. ما احتیاج نداریم که برای حقوق بشر کسی ما را نصیحت کند. خب، این عرایض ما بود درباره‌ی انتخابات.

نجوایی با امام زمان (علیه‌السلام)

یک خطاب آخری هم عرض کنم به مولامان و صاحبمان، حضرت

بقیه‌الله (ارواحنا فداه): ای سید ما! ای مولای ما! ما آنچه باید بکنیم، انجام می‌دهیم؛ آنچه باید هم گفت، هم گفتیم و خواهیم گفت. من جان ناقابلی دارم، جسم ناقصی دارم، اندک آبرویی هم دارم که این را هم خود شما به ما دادید؛ همه‌ی اینها را من کف دست گرفتم، در راه این انقلاب و در راه اسلام فدا خواهم کرد؛ اینها هم نثار شما باشد. سید ما، مولای ما، دعا کن برای ما؛ صاحب ما تویی؛ صاحب این کشور تویی؛ صاحب این انقلاب تویی؛ پشتیبان ما شما هستید؛ ما این راه را ادامه خواهیم داد؛ با قدرت هم ادامه خواهیم داد؛ در این راه ما را با دعای خود، با حمایت خود، با توجه خود، پشتیبانی بفرما.^۱

تیر ماه

یادآوری

دوم تیر: براساس قانون، سوم تیر زمان رسیدگی به شکایات پایان می‌پذیرفت و رهبرانقلاب با درخواست شورای نگهبان برای تمدید پنج‌روزه‌ی این مدت موافقت نمودند. جزمحسن رضایی کسی به شورای نگهبان مراجعه نکرد و دو نامزد معترض دیگر، خواهان ابطال انتخابات بودند.

نخبگان سیاسی و خواص، آنگونه که انتظار میرفت به میدان نیامدند. آمارضد و نقیضی از گذشته‌ها ارائه میشد. بازار شایعات داغ بود. هرروز به یک نهاد یا بانک یا اموال خصوصی تعرض میشد.

بیانیه‌های موسوی روبه افزایش بود.

ائتلاف طیفهای مختلف مخالفان خارج‌نشین انقلاب تشکیل شد.

سوم تیر: بیانیه‌ی اعتراضی دیگر از آیت‌الله منتظری صادر گردید.

۱. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۳۸۸/۳/۲۹.

پنجم تیز: اوپاما به صورت آشکار حمایت خود را از موسوی اعلام و حق آزادی بیان و تجمع را برای مردم ایران درخواست کرد. ششم تیز: ۹ نفر از اعضای سفارت انگلیس به اتهام اغتشاش بازداشت شدند.

هشتم تیز: ۱۰ درصد صندوقها در حضور دوربینهای صداوسیما با شمارش میشود و در همان روز و با پایان یافتن مهلت قانونی ارائه‌ی شکایات، صحت انتخابات از سوی شورای نگهبان به وزارت کشور اعلام گردید. ۹ تیز: سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نتیجه‌ی انتخابات را نپذیرفت.

۱۰ تیز: کزویی و موسوی نتیجه‌ی انتخابات را نپذیرفتند. حزب مشارکت نیز با اعلام صحت انتخابات مخالفت نمود.

در سالگرد ۱۸ تیر سال ۷۸، تجمعات غیر قانونی تشکیل شد. ۲۵ تیز: برخی از بازداشت شدگان روز ۱۸ تیر در بازداشتگاه کهریزک کشته شدند. رهبر انقلاب دستور تعطیلی این بازداشتگاه و تحقیق در این زمینه را صادر کردند.

۲۶ تیز: نماز جمعه‌ی تهران به امامت هاشمی رفسنجانی برگزار شد. او طرحی را ارائه داد تا اعتماد از دست رفته‌ی مردم! بازگردد.

بیانات

موافقت با درخواست شورای نگهبان برای تمدید مدت رسیدگی به شکایات

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با درخواست دبیر شورای نگهبان مبنی بر تمدید پنج روز دیگر برای رسیدگی به شکایات کاندیداها در مورد انتخابات موافقت کردند.

متن نامه‌ی احمد جنتی دبیر شورای نگهبان به محضر رهبر معظم

انقلاب و پاسخ حضرت آیت الله خامنه‌ای بدین شرح است:

بسمه تعالی

محضر مبارک مقام معظم رهبری

حضرت آیت الله خامنه‌ای مدظله العالی

چنانکه مستحضرید شورای نگهبان از تاریخ اعلام نتیجه‌ی نهایی انتخابات ریاست جمهوری دوره‌ی دهم تا به امروز پیوسته به بررسی شکایات وارده پرداخته و با تمام توان و پیگیری کارشناسان ماهر، تحقیقات لازم را انجام داده، نتایج را در جلسات متعدّد شورا مطرح کرده و سخنگوی شورا هم بیشترین اطلاع‌رسانی را داشته است.

حدّاکثر مهلت قانونی ما جهت رسیدگی به شکایات ۱۰ روز است که فردا چهارشنبه ۳ / ۴ / ۸۸ پایان مییابد، اگر حضرتعالی اجازه فرمایید به منظور اتقان بیشتر و رفع هرگونه ابهام محتمل، مهلت مقرّر پنج روز دیگر تمدید شود. با تشکر و آرزوی مزید شمول الطاف و عنایات الهی بر حضرتعالی و همه‌ی خدمتگزاران نظام جمهوری اسلامی.

احمد جنتی

دبیر شورای نگهبان قانون اساسی

پاسخ آیت الله خامنه‌ای در پی نوشت این نامه بدین شرح است:

بسمه تعالی

با سلام و تحیت

با پیشنهاد حضرات آقایان محترم موافقت میشود، اقدام فرمایید.

سید علی خامنه‌ای^۱

۱. موافقت با تمدید رسیدگی به شکایات نامزدهای انتخابات دهم ریاست جمهوری ۲/۴/۱۳۸۸.

موقّیّت نسبی دشمن در تبدیل پیروزی انتخابات به اختلاف

در همین قضایای انتخابات پرشوریست و دوی خرداد که یک حرکت عظیمی از ملت ایران بود، کار بزرگی انجام گرفت. این حضور چهل میلیونی تقریباً در پای صندوقهای رأی، یعنی نسبت هشتاد و پنج درصدی کسانی که میتوانستند شرکت کنند، در دنیا جزورقمهای بی نظیر است. این خیلی برای ملت ایران آبرو ایجاد کرد، خیلی اقتدار برای این ملت بزرگ آفرید؛ برای انقلاب آبرو شد؛ نشان داد که انقلاب بعد از گذشت سی سال، اینجور قدرت و توانایی به صحنه آوردن مردم را دارد. دشمنان دست به کار شدند، بین مردم اختلاف بیندازند تا حدودی هم موفق شدند. لیکن ملت باید حرکت دشمن را خنثی کند.

رقابت بین نامزدهای ریاست جمهوری؛ یک رقابت درون خانوادگی

سیاست نظام جمهوری اسلامی، سیاست روشنی است. رقابت در بین نامزدهای ریاست جمهوری به نگاه ما، به عقیده‌ی ما، یک رقابت درون خانوادگی است، گاهی به عصبانیت هم میکشد. دوبرادر هم ممکن است داخل خانواده در مقابل هم قرار بگیرند؛ به دشمن چه ربطی دارد؛ به بیگانه چه ربطی دارد. بیگانگانی که در این قضیه در سطوح مختلف سیاسی و تبلیغاتی وارد این میدان شدند، نیتشان ایجاد شقاق و اختلاف بود؛ ایجاد شکاف بود. بعضی از سران کشورهای غربی در سطح رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و وزیر خارجه و مسؤولان گوناگون، صریحاً در مسأله‌ی داخلی ملت ایران دخالت کردند. به شما چه؟ چرا در ماجرای که مربوط به ملت ایران است، دخالت میکنید؟ دخالت میکنند، بعد هم میگویند ما دخالت نمیکنیم؛ پس دخالت معنایش چیست؟ تشویق اغتشاشگری دخالت نیست؟ مردم ایران را اغتشاشگر معرفی کردن، دخالت نیست؟ اهانت نیست؟ دودسته، یک دسته به یک نامزد، یک دسته به یک نامزد دیگر رأی دادند، اکثریت و اقلیتی هست، قواعدی هست، آن کسانی که

نامزدشان رأی نیاورده، طبیعی است افسرده باشند، اوقاتشان تلخ باشد؛ اما این معنایش اغتشاش نیست؛ اینها اغتشاش‌گر نیستند. اغتشاش‌گریک عده‌ی معدودی هستند؛ همانهایی که بودجه‌ی تصویب‌شده‌ی بعضی از دولت‌های غربی را برای ایجاد اختلاف در داخل ایران مصرف میکنند، آنها اغتشاش‌گرند. در رسانه‌های آمریکایی و اروپایی - که غالباً تحت سلطه‌ی صهیونیست‌ها و از بن دندان دشمن ملت ایران و دشمن اسلام و دشمن نظام جمهوری اسلامیند - این‌جور وانمود میکنند که جمعی از ملت ایران اغتشاش‌گرند.

اخطار به مداخله‌جویی دشمنان در امور ایران

ما اخطار میکنیم؛ ملت ایران به سران بعضی از کشورها که سعی میکنند از یک مسأله‌ی داخلی کشورمان علیه ملت ایران استفاده کنند، اخطار میکند: حواستان جمع باشد، ملت ایران عکس‌العمل نشان میدهد.

متّحد شدن ملت در صورت مداخله‌ی دشمنان

اولاً این را همه بدانند، سران کشورهای استکباری بدانند، مداخله‌گرانِ فضول در مسائل جمهوری اسلامی بدانند: ملت ایران بین خودشان اگر اختلاف هم داشته باشند، وقتی پای شما دشمنان ملت ایران به میان بیاید، همه باهم متّحد میشوند؛ یک دست واحد، یک مشت محکم علیه شما میشوند.

اختلاف‌افکنی؛ هدف دشمن در حمایت از برخی جریانات سیاسی

این‌جور نیست که شما خیال کنید وقتی از یک جریانی به خیال خودتان دفاع کردید، حمایت کردید، این جریان به شما متمایل خواهد شد؛ ابداً. ما سی سال تجربه داریم؛ سی سال این ملت در حافظه‌ی خود دشمنی‌های شما

را ثبت کرده است؛ ضبط کرده است. ملت میفهمد شما چه کار می‌خواهید بکنید، چه کار دارید می‌کنید. اسم بعضیها را می‌آورند به عنوان اینکه ما مدافع آنها هستیم؛ دروغ می‌گویند؛ مدافع آنها هم نیستند؛ قصدشان ایجاد اختلاف است، قصدشان ایجاد بدبینی ملت ایران و نخبگان ایران نسبت به یکدیگر است؛ دروغ می‌گویند.

دشمنی دشمنان با همه‌ی جریانه‌های معتقد به قانون اساسی

آنچه در دل‌های پرکینه‌ی آنها وجود دارد، این است که آرزو می‌کنند این نظام مستقل، این مجد و عزت سربرافراشته‌ی از این کشور که در مقابل زورگوییهای آنها ایستاده، نباشد. آرزوی آنها این است. این‌چنین نیست که در نظام جمهوری اسلامی با زیدی خوب باشند، با عمری بد باشند؛ نه. هرکسی که به این نظام پایبند است، هرکسی که به این قانون اساسی پایبند است، هرکسی که به آرمان‌های ملت ایران پایبند است، از نظر آنها دشمن است.

هدف اصلی دشمنان؛ بازگرداندن ایران به دوران پهلوی

آنها می‌خواهند جمهوری اسلامی نباشد، یک نظام دست‌نشانده‌ی مطیع منقاد در مقابل آنها، مجدداً مثل دوران گذشته، در این کشور پابگیرد. آنها دنبال اینند. این خواب آشفته‌ی باطل آنهاست.

نتایج منفی رفتارهای خصمانه برای دشمنان

سی سال تجربه‌ی ایستادگی نظام جمهوری اسلامی هنوز بیدارشان نکرده است. تودهنیهایی که این ملت به سران زورگو و متجاوز آنها زده‌اند، اینها را به خود نیآورده است، به هوش نیآورده است؛ هنوز در کشور ما و در ملت ما، اینها طمع دارند. اشتباه میکنند؛ اشتباه میکنند. چوب این اشتباه خودشان را هم خواهند خورد بلاشک.

ما این اظهارات خصمانه را، این رفتارهای خصمانه را از این دولت‌ها محاسبه خواهیم کرد، اینها را در حسابشان خواهیم نوشت؛ این را بدانند. در آینده‌ی روابط و تعامل جمهوری اسلامی با این مداخله‌گرها، این رفتار تأثیر منفی خواهد داشت؛ بلاشک؛ این را بدانند، بفهمند. ملت ایران ملتی نیست که زور را تحمل نکند. ملت ایران، ملت مقتدری است. نظام جمهوری اسلامی، نظام ریشه‌دار و تثبیت شده است. مسؤولین جمهوری اسلامی اگر صد تا هم باهم اختلاف داشته باشند، در ایستادگی در مقابل دشمن، در حفظ استقلال این کشور، همه باهم یک‌کلام و یک‌دستند. این را دشمنان بدانند؛ خیال نکنند که میتوانند بین ملت انشقاق بیندازند.

اخطار به دنباله‌های داخلی دشمنان

متأسفانه این دستگاه‌های تبلیغاتی و مخرب و معاند با جمهوری اسلامی و با ملت ایران، دنباله‌هایی هم در داخل کشورمان دارند که مال امروز هم نیست، از دوران دفاع مقدس هم چنین چیزهایی بود. آنها هم بهوش بیایند و بدانند که پشتیبانی این گرگهای درنده به دردشان نمی‌خورد. اینها به فکر خودشان هستند، به فکر منافع خودشان هستند. از آدمها تا آنجایی که منافع آنها تأمین بشود، استفاده میکنند؛ همچنانی که از محمدرضا و صدام استفاده کردند. آن وقتی هم که لازم نبود، مثل یک دستمال کثیف شده‌ای مچاله میکنند و پرتابشان میکنند کنار؛ همچنانی که از محمدرضا شاه در دوران نکبتش حمایت نکردند، از صدام در دوران رسوایی و نکبتش حمایت نکردند. کسی به آنها دل نبندد.

مردم هوشیارند، نخبگان هوشیارند. متأسفانه افراد معدودی دل به اینها میسپارند و از فریب آنها فریب می‌خورند. فریب خوردن اینها هم علامتهای غلط به آنها میدهند، آنها هم به نوبه‌ی خود فریب علامتهای اینها را می‌خورند. ملت هوشیار است و هوشیار باشد.

توصیه‌ای به ملت ایران برای شناخت دوست نادان از دشمن

من توصیه‌ام به همه‌ی ملت ایران این است:

امروز بیشتر از همه چیز برای ما هوشیاری لازم است، شناخت دوست و دشمن لازم است. مبادا دوست را با دشمن اشتباه کنید؛ مبادا دوست و دشمن را مخلوط کنید؛ مبادا رفتاری که با دشمن باید داشت، با دوست انجام بدهید. این، خطاب به همه‌ی جناح‌هاست.

نظام اسلامی با اخلاط‌گران در امنیت مردم طبعاً برخورد میکند. این، وظیفه‌ی نظام است. نظام اسلامی اجازه نمیدهد که کسانی دستخوش فریب و توطئه‌ی دشمن بشوند، زندگی مردم را خراب کنند، آسایش مردم را به هم بزنند، جوانهای مردم را تهدید کنند. فرزندان این کشور عزیزند؛ همه عزیزند. نظام این اجازه را نخواهد داد؛ اما این را هم باید همه توجه داشته باشند:

مبادا دشمن را با دوست اشتباه نکنیم. دوست را به خاطر یک خطا به جای دشمن بگیریم و از آن طرف یک عده‌ای هم دشمن خونی و معاند را دوست فرض کنند، به حرف او گوش کنند، توجه بدهند.

تمام‌شدنی بودن فتنه‌ها و باقی ماندن حضور چهل میلیونی مردم

این فتنه‌هایی که دشمن برپا کرده بود، امید بسته بود که شاید بتواند از این آب گل آلود ماهی بگیرد. بحمدالله این فتنه‌ها تمام شد. هر فتنه‌ای در مقابل حق، در مقابل ملت هوشیار از بین خواهد رفت؛ گرد و غبار فرو خواهد نشست. همیشه همین‌جور است.

حواشی ایجادشده‌ی بوسیله‌ی یک عده دشمن، یک عده غافل، از بین می‌روند، متن قضیه باقی میماند. متن قضیه این است که در یک انتخابات پرشکوه، تقریباً چهل میلیون نفر از ملت ایران شرکت کرده‌اند. این، متن قضیه است؛ این، حقیقت قضیه است. چهل میلیون، بعد از گذشت سی سال از انقلاب، اعتماد خود را به نظام، امیدواری خود را به

آینده با این حضورشان نشان دادند. این، میماند. متن قضیه این است که رئیس‌جمهوری با بیش از بیست و چهار میلیون رأی مردم انتخاب شده است؛ اینها متن قضیه است. حواشی، گردوغبارها، پیرایه‌ها، کارها و حرفهای دشمن شادکن تمام خواهد شد؛ اما این حقیقت میماند. «فأما الزید فیذهب جفاء واما ما ینفع الناس فیمکث فی الأرض»^۱.

وظیفه‌ی رئیس‌جمهور منتخب؛ شکر مردم

البته مسئولین هم، رئیس‌جمهور منتخب هم باید قدر این اقبال مردمی را بدانند. شکر این توجه مردم، عبارت است از خدمت کامل و جامع برای حل مشکلات مردم؛ تلاش برای پیشبرد کشور و تلاش برای حفظ اتحاد ملت بزرگ ایران. اینها حقایقی است که وجود دارد. شما ملت ایران در این برهه‌ی از زمان کار بزرگی را انجام دادید، حرکت بزرگی را انجام دادید و خدای متعال به حول و قوه‌ی خود به این حرکت برکت خواهد داد و پیش خواهد رفت. شکر مسئولین، خدمت است؛ شکر مردم، حفظ وحدت است؛ حفظ وحدت، حفظ هوشیاری، حفظ برادری، نگاه مشفقانه‌ی به یکدیگر.^۲

وفاداری ملت خوب ایران

ملت ما ملت خوبی است، ملت بزرگی است، ملت وفاداری است، ملت باگذشتی است. نمونه‌هایش را در طول مدت این سی سال مشاهده کرده‌ایم؛ در همین قضایای اخیر، در این انتخابات و حوادثی که بعد از انتخابات بوجود آوردند، نقش ملت را شما مشاهده کردید. سلیق مختلفی در عرصه‌ی زندگی اجتماعی در میان ملت وجود دارد؛ حرفشان را میزنند، هر کدام نظرشان را بیان میکنند؛ اما آنجایی که احساس میکنند که پای دشمنی با نظام در میان است، آنجایی که احساس میکنند دستی دارد

۱. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۱۷.

۲. در سالروز ولادت حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) ۱۳۸۸/۴/۱۵.

حرکتی را برای ضربه زدن به نظام اداره میکند، مدیریت میکند، مردم از آنها کناره میگیرند؛ ولو او همان شعاری را بدهد که این آحاد مردم به آن شعار معتقد هم باشند؛ میبینند که او بدخواه است، خودشان را کنار میکشاند. این مسأله‌ی مهمی است.

عبرت انتخابات ۸۸؛ غفلت از دشمن در کمین

در حوادث این روزها- ما در این سی سال روزی نبود که تجربه‌ای نیندویم، مطلبی یاد نگیریم- خیلی چیزها یاد گرفتیم، خیلی چیزها فهمیدیم؛ برای ملت ما تجربه شد؛ همه فهمیدند که در آن وقتی که ملت در عین استقرار و آرامش و ثبات یک حرکت بزرگ را انجام میدهد، نباید غافل بماند از دشمنی دشمنانی که دارند برایش نقشه میکشند. همه گفتند یک انتخابات چهل میلیونی، یک عظمت بی نظیر از اول انقلاب تا حالا، حضور مردم در صحنه بعد از سی سال، قدرت جذب مردم و به صحنه آوردن مردم برای نظام؛ این یک عظمت بود؛ نباید غفلت کنند؛ همه فهمیدند که در چنین وضعیتی نباید غفلت کنند که دشمن کمین گرفته است؛ مراقب است. حالا تا گفته میشود دشمن خارجی، فوراً خارجیها با چهره‌ی حق بجانب می‌آیند که نه، نه، ما دخالتی نداریم، ما کاری نکردیم. این بی‌حیایی است؛ همه میبینند. حالا آن کاری که دستگاههای اطلاعاتی و دیگران کشف میکنند و دخالتها را میدانند، آن به کنار؛ آن چیزی که همه دارند مشاهده میکنند، نقش رسانه‌هاست که مهمترین نقش را در این چند ده سال اخیر، رسانه‌ها در تحولات ملت‌ها داشته‌اند.

رسانه‌ها و دستگاههای اطلاعاتی استکبار؛ اصلی‌ترین عناصر دشمنان استقلال ملت‌ها

من یک‌وقتی، چند سال قبل از این به عنوان هشدار، اینجا گفتم

که رسانه‌ها و دستگاه‌های تبلیغاتی و اطلاعاتی وابسته‌ی به استکبار، میداندارترین عناصر دشمنان استقلال ملت‌ها برای به آشوب کشیدن ملت‌ها هستند؛ برای اینکه اینها را از مسیری که دارند حرکت میکنند، منصرف کنند؛ و چند تاکشور را مثال زدیم. خوب، امروز نسبت به آن چند سال قبل که ما این حرف را زدیم، وسائل ارتباطاتی خیلی گسترده‌تر، وسیع‌تر، همگانی‌تر و متنوع‌تر شده است.

صدور دستورالعمل اغتشاش از سوی دشمنان

دشمنان دارند کار میکنند، آن وقت میگویند ما هیچ کاری نمیکنیم! ما هیچ اقدامی نمیکنیم! دستورالعمل‌هایشان برای گروه‌های غافل و نادان اغتشاش‌گرتوی رسانه‌های خودشان بطور علنی دارد پخش میشود؛ اینجوری با پلیس درگیر بشوید؛ اینجوری علیه بسیج حرف بزنید؛ اینجوری توی خیابان اغتشاش ایجاد کنید؛ اینجوری تخریب کنید؛ اینجوری آتش بزنید؛ اینها دخالت نیست؟ از این دخالت واضح‌تر؟ علنی‌تر؟ این را مردم ما به چشم دیدند. اینها برای ملت ما تجربه است.

انزجار مردم از اغتشاشگران و هدایت‌کننده‌های آنها

اشتباه است اگر کسی خیال کند که یک گروه معدود، آن هم در تهران، فرض بفرمایید به ظرف زباله‌ی شهرداری تعرض میکنند. زورش به او میرسد. یا فرض کنید به اموال مردم. به موتورسیکلتشان، به ماشینشان، به بانکشان، به دکانشان. تعرض میکند، این مردمند؛ نه، مردم نیستند. بله، بلندگوی استکباری وقتی میخواهد از اینها حمایت کند، میگوید مردم. اینها مردمند؟! مردم آن میلیون‌هایی هستند که تا این اغتشاشگران را، این مفسدین را در صحنه میبینند، کنار میکشند و آنها را با نفرت نگاه میکنند؛ برهم‌زنندگان امنیت عمومی را، آرامش اجتماعی را با انزجار نگاه میکنند.

هرکسی امروز جامعه را به سمت اغتشاش و ناامنی سوق بدهد، از نظر عامه‌ی ملت ایران انسان منفوری است؛ هرکه می‌خواهد باشد.

امنیت؛ عامل مورد نیاز برای رسیدن به اهداف ملت

هر هدفی را که این ملت بخواهد به آن برسد، در سایه‌ی آرامش و امنیت خواهد رسید. وقتی امنیت بود، تحصیل هم هست، علم هم هست، پیشرفت هم هست، صنعت هم هست، ثروت هم هست، آسایش گوناگون هم هست، عبادت هم هست؛ دنیا و آخرت در سایه‌ی امنیت وجود دارد. وقتی ناامنی ایجاد شد، همه‌ی اینها مخدوش می‌شود. به‌مزدن امنیت یک ملت بزرگترین گناهی است که ممکن است کسی مرتکب بشود. این را البته آن کسی که مأمور است، مزدور است، او که حرف گوش نمی‌کند؛ خطاب ما به او نیست؛ خطاب ما به نخبگان است. آحاد ملت هم هوشیارند؛ نخبگان ما هوشیار باشند.

نخبگان؛ سر جلسه‌ی امتحان

نخبگان بدانند هر حرفی، هر اقدامی، هر تحلیلی که به آنها کمک بکند، این حرکت در مسیر خلاف ملت است. همه‌ی ما خیلی باید مراقب باشیم؛ خیلی باید مراقب باشیم: مراقب حرف زدن، مراقب موضعگیری کردن، مراقب گفتنها، مراقب نگفتنها. یک چیزهایی را باید گفت؛ اگر نگفتیم، به آن وظیفه عمل نکرده‌ایم. یک چیزهایی را باید بر زبان نیاورد، باید نگفت؛ اگر گفتیم، برخلاف وظیفه عمل کرده‌ایم. نخبگان سر جلسه‌ی امتحانند؛ امتحان عظیمی است. در این امتحان، مردود شدن، رفوزه شدن، فقط این نیست که ما یک سال عقب بیفتیم؛ سقوط است. اگر بخواهیم به این معنا دچار نشویم، راهش این است که خرد را، که انسان را به عبودیت دعوت میکند، معیار و ملاک قرار بدهیم؛ شاخص قرار بدهیم.

عقل، این سیاسی بازیها و سیاسی کاریهای متعارف نیست؛ اینها خلاف عقل است.

«العقل ما عبد به الرّحمن واكتسب به الجنان»؛ عقل این است که انسان را به راه راست هدایت میکند.^۲

مرداد ماه

یادآوری

هفتم مرداد: کزوبی در نامه‌ای به هاشمی رفسنجانی مدّعی تجاوز به زندانیان اغتشاشات شد. این نامه مورد سوءاستفاده‌ی مسعود رجوی سرکرده‌ی سازمان منافقین قرار گرفت.

هشتم مرداد: مراسم چهلم کشته‌های اغتشاشات در بهشت زهرا به دعوت کزوبی و موسوی و با تبلیغات رسانه‌های معارض انجام و به خشونت کشیده شد.

۱۰ مرداد: اولین جلسه‌ی دادگاه متهمان آشوب تشکیل گردید. این جلسه و جلسات بعد از تلویزیون و رسانه‌ها پخش شد. متهمان در اعترافات خود، اتهاماتی نیز به برخی از افراد وارد نمودند.

۱۲ مرداد: تنفیذ ریاست جمهوری انجام شد. بیانیه‌ی دهم موسوی صادر گردید.

۱۳ مرداد: آیت الله منتظری دادگاه‌های رسیدگی به اتهامات آشوب‌گران را فرمایشی قلمداد کرد.

۱۷ مرداد: جلسه‌ی دهم رسیدگی به اتهامات آشوب‌گران انجام شد. در این جلسه به اتهامات یک تبعه‌ی فرانسوی و دو کارمند سفارت انگلیس و فرانسه رسیدگی شد.

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۱.

۲. د. رسالروز عید سعید مبعث ۱۳۸۸/۴/۲۹.

هر روز شایعه‌ای درباره‌ی قتل افراد منتشر میشد و بعد از مدتی این خبر توسط خود آن شخص تکذیب می‌گردید.

۲۰ مرداد: سخنگوی قوه‌ی قضائیه از آزادی ۳۷۰۰ نفر از مجموع ۴۰۰۰ هزار دستگیرشده در جریان اغتشاشات خبر داد.

۲۵ مرداد: سومین جلسه‌ی رسیدگی به اتهامات آشوب‌گران تشکیل گردید.

بیانات

تجربه‌ی انتخابات ۸۸؛ امکان ضربه خوردن از سوی دشمن حتی در بهترین شرایط

تجربه‌هایی هم این انتخابات داشت. یک تجربه برای ملت ما و مسؤولان ما بود که من اصرار دارم بر اینکه این تجربه را همه‌مان جدی بگیریم؛ هم مسؤولان جدی بگیرند، هم آحاد مردم جدی بگیرند؛ و آن تجربه این است که باور کنیم که همیشه امکان ضربه زدن از سوی دشمنان انقلاب و دشمنان ایران اسلامی هست؛ حتی در بهترین شرایط. همیشه کمین دشمن را در نظر داشته باشیم. غفلت از اینکه ممکن است به حرکت عمومی ملت ایران ضربه‌ای وارد شود، چیز خطرناکی است. هشیار باشید. این همان توصیه‌ی امیرمؤمنان (سلام الله علیه) است که فرمود: «ومن نام لم ینم عنه»^۱. در عرصه‌ی زندگی سیاسی دچار خواب‌آلودگی نشویم؛ در پشت سنگرها خوابمان نبرد. اگر تو خوابت برد، باید بدانی که دشمن ممکن است بیدار باشد.

اقدامات میدانی دشمنان برای تبدیل جشن بزرگ ملی به اغتشاش
این تحلیل نیست که ما می‌گوییم، اطلاع است. دشمنان نظام جمهوری

۱. نهج البلاغه، نامه‌ی ۶۲.

اسلامی سعی کردند، تلاش کردند، شاید بتوانند در فضای آزادی‌ای که نظام اسلامی به مردم داده است، برای مردم دغدغه و دردسر درست کنند. سعی کردند، پول خرج کردند، رسانه‌های زیادی را به کار انداختند، عوامل بسیاری را بسیج کردند، شاید بتوانند از این وضعیتی که برای ملت ایران یک عید به حساب می‌آمد، یک جشن بزرگ ملی به حساب می‌آمد، وضعیتی علیه ملت ایران درست کنند؛ تلاش شد. این تجربه بایستی برای ما-همه‌ی ما، همه‌ی آحاد مردم- تجربه‌ی هشداردهنده‌ای باشد.

نبود بصیرت؛ عامل ضربه‌پذیری از دشمن

اگرما در صحنه‌ی زندگی سیاسی و اجتماعی به همدیگر بدبین باشیم، به چشم دشمن به یکدیگر نگاه کنیم، این فرصت برای دشمنان حقیقی ما پیش خواهد آمد. اگر فکر نکنیم، اگر بصیرت نداشته باشیم، اگر فراموش کنیم که دشمنانی در کمین انقلابند، ضربه خواهیم خورد؛ این برای ما تجربه شد.

ما از اول انقلاب در هیچ انتخاباتی حضور چهل میلیونی، هشتاد و پنج درصدی، نداشتیم. در این انتخابات، اولین بار چنین فرصت بزرگی پیش آمد؛ اما در همین فرصت بزرگ، در همین شادی بزرگ، دستهایی به کار افتادند برای اینکه ضربه‌ای به ملت ایران بزنند. باید بیدار بود. این بیداری فقط در زبان نیست؛ آحاد ملت، گرایشهای مختلف سیاسی، دلبستگان به کشور، دلبستگان به نظام اسلامی، همه، همه، بایستی به معنای واقعی کلمه بیدار باشند؛ فریب نخورند.

دستهایی از مدتها پیش در کار بودند، مقدماتی فراهم می‌کردند که بتوانند از مقطع انتخابات علیه ملت ایران استفاده‌ای بکنند. خوشبختانه ملت ایران هوشیار بود و هوشیار است. فضا را غبار آلود کردند، دهانها را قدری تلخ کردند؛ اما نتوانستند آن کاری را که می‌خواهند، انجام بدهند. این هوشیاری شما ملت بود. این تجربه‌ی ما بود که بدانیم دشمن ما کمین کرده است.

اشتباه دشمن در شبیه‌سازی کاریکاتوری از انقلاب اسلامی ۵۷ دشمنان ما هم از این انتخابات به نظر من یک تجربه‌ای اندوخته‌اند و اگر نیندوختند، باید ببیند و زند؛ و آن این است که: دشمن بداند با چه حقیقتی روبرو است؛ در فهم نظام اسلامی و انقلاب اسلامی دچار اشتباه نشوند؛ خیال نکنند انقلاب اسلامی و نظام اسلامی را با این‌جور کارهای پیش پا افتاده میتوان به زانو درآورد. نظام اسلامی زنده است. خیال نکنند با یک تقلید مغلوط از حضور عظیم مردمی در انقلاب سال ۱۳۵۷، یک کاریکاتور از آن انقلاب، میتوانند به عظمت انقلاب و نظام اسلامی ضربه بزنند. این تجربه برای دشمن باید پیش آمده باشد. اشتباه نکنند؛ نظام اسلامی با این حرفها شکست نخواهد خورد.

شکست دشمن در فریب دادن ملت ایران با مسجد ضرار
عظمت این انقلاب و عظمت این نظام و ریشه‌داری نظام جمهوری اسلامی در حوادث این یکی دو ماه اخیر، بیشتر برای دشمنان جمهوری اسلامی آشکار شد. این ملت، ملت باایمانی است؛ ملت هوشیاری است؛ ملت بااستعدادی است. با مسجد ضرار نمیشود این ملت را شکست داد. ما در تاریخ خودمان نمونه‌هایی را از این داریم: «والَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ»^۱. با تقلید از رهبر عزیز و عظیم الشان انقلاب، امام بزرگوار ما، که از دل، از جان، با همه‌ی وجود غرق در قرآن بود، نمیشود این مردم را فریب داد. این مردم دلشان به ایمان روشن است؛ این مردم آگاهند؛ جوانهای ما آگاهند. این تجربه‌ای است برای دشمن.

قبولی ملت و مردودی برخی از خواص در امتحانهای انتخابات
امتحانهایی هم در این انتخابات پیش آمد. یک امتحان، امتحان آحاد

۱. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۷.

مردم بود. به نظر من مردم در این امتحان برنده شدند؛ نمره‌ی قبولی گرفتند. حضور عظیم مردم، یک امتحان عظیمی بود که آنها را سرفراز کرد. بسیاری از آحاد مردم، از جریانهای سیاسی، طبق وظیفه‌شان عمل کردند. بعضی از خواص هم البته مردود شدند. این انتخابات بعضیها را مردود کرد. برخی از جوانان ما که با صداقت، با سلامت وارد میدان وظیفه میشوند، برغم هوشیاریهایشان، در مواردی اشتباه کردند. بسیاری از جوانان این کشور هم با همان ایمان، با همان صداقت، حرکت درستی کردند. به کسی اعتقاد پیدا کردند، به اورای دادند؛ یا آن‌کس رأی آورد یا نیاورد. ملاک این نیست. ملاک این است که انسان عقیده‌ای پیدا کند، هوشیارانه، از روی احساس وظیفه، احساس تکلیف، وارد میدان این عمل سیاسی و حرکت سیاسی بشود. بعد هم همه تسلیم قانون باشند. اکثر قاطع ملت ما از جوانها، از نخبگان، از توده‌ی عظیم مردم در این ردیف قرار گرفته‌اند و در این امتحان مقبول شده‌اند. یک عده هم البته فریب خوردند.^۱

ضرورت توجه رئیس‌جمهور منتخب به مخالفان عصبانی و منتقدان
 البته در کنار علاقمندان به رئیس‌جمهور محترم که ایشان علاقمندان زیادی در داخل کشور، حتی در خارج از کشور دارند. دو دسته‌ی دیگر هم هستند که باید به اینها توجه کرد؛ یعنی حضور آنها را بایستی محاسبه کرد: یک دسته مخالفان عصبانی و زخم خورده هستند. مطمئناً اینها در این دوره‌ی چهارساله، در مقام معارضه‌ی با دولت برخوانند آمد. مخالفت کردند، باز هم مخالفت خواهند کرد. لیکن یک دسته‌ی دیگر هم هستند که اینها جزو نظامند، با رئیس‌جمهور، با نظام هیچ دشمنی‌ای ندارند؛ ممکن است منتقد باشند. این منتقدان را بایستی به حساب آورد؛ نظرات آنها را باید شنید؛ آنچه قابل فهم است، قابل قبول است، آن را پذیرفت؛ و من امیدوارم که همین‌جور عمل بشود و ان شاء الله خواهد شد.

۱. در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری ۱۳۸۸/۵/۱۲.

لزوم شناسایی آسیب‌دیدگان پس از انتخابات و حمایت از آنها
ملت همه با یکدیگر برادرند. از جمله‌ی کارهایی که باید انجام بگیرد،
این است که در این حوادث اخیر عده‌ای آسیب دیدند- آسیبهای مالی،
آسیبهای جانی، احیاناً آسیبهای آبرویی- مسؤولین کشور باید به کمک آنها
بشتابند. آسیب‌دیدگان باید مورد حمایت قرار بگیرند. آسیب‌زندگان باید
شناسایی بشوند، مورد مؤاخذه قرار بگیرند؛ هرکی باشند.^۱

ضرورت بالا بردن بصیرت

اگر من بخواهم یک توصیه به شما بکنم، آن توصیه این خواهد بود که
بصیرت خودتان را زیاد کنید؛ بصیرت. بلاهایی که بر ملت‌ها وارد میشود، در
سیاری از موارد بر اثر بی‌بصیرتی است. خطاهایی که بعضی از افراد میکنند-
میبینید در جامعه‌ی خودمان هم گاهی بعضی از عامه‌ی مردم و بیشتر از
نخبگان، خطاهایی میکنند. نخبگان که حالا انتظار هست که کمتر خطا
کنند، گاهی خطاهایشان اگر کم‌تر هم بیشتر نباشد، کیفاً بیشتر از خطاهای
عامه‌ی مردم است- بر اثر بی‌بصیرتی است؛ خیلی‌هاش، نمی‌گوییم همه‌اش.
بصیرت خودتان را بالا ببرید، آگاهی خودتان را بالا ببرید.

نبود بصیرت در بین لشکریان؛ علت سختی کار امیرالمؤمنین
(علیه‌السلام)

من مکرراًین جمله‌ی امیرالمؤمنین را به نظر در جنگ صفین در گفتارها
بیان کردم که فرمود: «الا ولا یحمل هذا العلم الا اهل البصر والصبور».^۲
میدانید، سختی پرچم امیرالمؤمنین از پرچم پیغمبر، از جهاتی بیشتر
بود؛ چون در پرچم پیغمبر دشمن معلوم بود، دوست هم معلوم بود؛ در زیر
پرچم امیرالمؤمنین دشمن و دوست آنچنان واضح نبودند. دشمن همان

۱. همان.

۲. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۷۳.

حرفهایی را میزد که دوست میزند؛ همان نماز جماعت را که تو اردوگاه امیرالمؤمنین میخواندند، تو اردوگاه طرف مقابل هم - در جنگ جمل و صفین و نهروان - میخواندند. حالا شما باشید، چه کار میکنید؟ به شما میگویند: آقا! این طرف مقابل، باطل است. شما میگویید: ای، با این نماز، با این عبادت! بعضیشان مثل خوارج که خیلی هم عبادتشان آب و رنگ داشت؛ خیلی. امیرالمؤمنین از تاریکی شب استفاده کرد و از اردوگاه خوارج عبور کرد، دید یکی دارد با صدای خوشی میخواند: «أَمَّنْ هُوَ قَائِلٌ أَنَاءَ اللَّيْلِ»^۱ - آیهی قرآن را نصفه شب دارد میخواند؛ با صدای خیلی گرم و تکان دهنده‌ای - یک نفر کنار حضرت بود، گفت: یا امیرالمؤمنین! به به! خوش به حال این کسی که دارد این آیه را به این قشنگی میخواند. ای کاش من یک مویی در بدن او بودم؛ چون او به بهشت میرود؛ حتماً، یقیناً؛ من هم بابرکت او به بهشت میروم. این گذشت، جنگ نهروان شروع شد. بعد که دشمنان کشته شدند و مغلوب شدند، امیرالمؤمنین آمد بالاسر کشته‌های دشمن، همینطور عبور میکرد و میگفت بعضیها را که به رو افتاده بودند، بلندشان کنید؛ بلند میکردند، حضرت با اینها حرف میزد. آنها مرده بودند، اما میخواست اصحاب بشنوند. یکی را گفت بلند کنید، بلند کردند. به همان کسی که آن شب همراهش بود، حضرت فرمود: این شخص را میشناسی؟ گفت: نه. گفت: این همان کسی است که تو آرزو کردی یک مواز بدن او باشی، که آن شب داشت آن قرآن را با آن لحن سوزناک میخواند!^۲ اینجا در مقابل قرآن ناطق، امیرالمؤمنین (علیه افضل صلوات المصلین) می‌ایستد، شمشیر میکشد! چون بصیرت نیست؛ بصیرت نیست، نمیتواند اوضاع را بفهمد.

احتمال خطاهای بزرگ در صورت نبود بصیرت

بنده بارها این جبهه‌های سیاسی و صحنه‌های سیاسی را مثال میزنم

۱. سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۹.

۲. ارشادالقلوب، ج ۲، ص ۲۲۶ و تنبیه الغافلین و تذکرة العارفین؛ ج ۲، ص ۶۲۷.

به جبهه‌ی جنگ. اگر شما توجبه‌ی جنگ نظامی، هندسه‌ی زمین در اختیارتان نباشد، احتمال خطاهای بزرگ هست. برای همین هم هست که شناسایی می‌روند. یکی از کارهای مهم در عمل نظامی، شناسایی است؛ شناسایی از نزدیک، که زمین را بروند ببینند: دشمن کجاست، چجوری است، مواضعش چگونه است، عوارضش چگونه است تا بفهمند چکار باید بکنند. اگر کسی این شناسایی را نداشته باشد، میدان را نشناسد، دشمن را گم بکند، یک وقت می‌بینید که دارد خمپاره‌اش را، توپخانه‌اش را آتش می‌کند به طرفی، که اتفاقاً این طرف، طرف دوست است، نه طرف دشمن. نمیداند دیگر. عرصه‌ی سیاسی عیناً همین‌جور است. اگر بصیرت نداشته باشید، دوست را نشناسید، دشمن را نشناسید، یک وقت می‌بینید آتش توپخانه‌ی تبلیغات شما و گفت و شنود شما و عمل شما به طرف قسمتی است که آنجا دوستان مجتمعند، نه دشمنان. آدم دشمن را بشناسد؛ در شناخت دشمن خطا نکنیم؛ لذا بصیرت لازم است، تبیین لازم است.

از وظایف مهمّ نخبگان و خواص؛ تبیین بی‌تعصّب حقایق

یکی از کارهای مهمّ نخبگان و خواص، تبیین است؛ حقایق را بدون تعصّب روشن کنند؛ بدون حاکمیت تعلّقات جناحی و گروهی و بردل آن گوینده. اینها مُضَرّ است. جناح و اینها را باید کنار گذاشت، باید حقیقت را فهمید.

تبیین حقیقت: از کارهای مهمّ جناب عمّار در جنگ نرم

در جنگ صفّین یکی از کارهای مهمّ جناب عمّار یاسر تبیین حقیقت بود. چون آن جناح مقابل که جناح معاویه بود، تبلیغات گوناگونی داشتند. همین‌ی که حالا امروز به آن جنگ روانی می‌گویند، این جزو اختراعات جدید نیست، شیوه‌هاش فرق کرده؛ این از اوّل بوده. خیلی هم ماهر بودند در این جنگ روانی؛ خیلی. آدم نگاه میکند کارهایشان را، می‌بیند که در جنگ

روانی ماهر بودند. تخریب ذهن هم آسانتر از تعمیر ذهن است. وقتی به شما چیزی بگویند، سوءظنّی یکجا پیدا کنید، وارد شدن سوءظنّ به ذهن آسان است، پاک کردنش از ذهن سخت است. لذا آنها شبهه‌افکنی میکردند، سوءظنّ را وارد میکردند؛ کار آسانی بود. این کسی که از این طرف، خودش را موظّف دانسته بود که در مقابل این جنگ روانی بایستد و مقاومت کند، جناب عمّار یاسر بود، که در قضایای جنگ صفّین دارد که با اسب از این طرف جبهه، به آن طرف جبهه و صفوف خودی میرفت و همینطور این گروههایی را که - به تعبیر امروز، گردانها یا تیپهای جدا جدای از هم - بودند، به هر کدام میرسید، در مقابل آنها می‌ایستاد و مبالغی برای آنها صحبت میکرد؛ حقایقی را برای آنها روشن میکرد و تأثیر میگذاشت. یکجا میدید اختلاف پیدا شده، یک عده‌ای دچار تردید شدند، بگومگوتوی آنها هست، خودش را سرعت آنجا میرساند و برایشان حرف میزد، صحبت میکرد، تبیین میکرد؛ این گره‌ها را باز میکرد.

تأسّف از بی‌بصیرتی برخی از نخبگان

بنابراین، بصیرت مهمّ است. نقش نخبگان و خواص هم این است که این بصیرت را نه فقط در خودشان، در دیگران بوجود بیاورند. آدم گاهی میبیند که متأسّفانه بعضی از نخبگان خودشان هم دچار بی‌بصیرتیند؛ نمیفهمند؛ اصلاً ملتفت نیستند. یک حرفی یکهو به نفع دشمن میپرانند؛ به نفع جبهه‌ای که همتش نابودی بنای جمهوری اسلامی است به نحوی. نخبه هم هستند، خواص هم هستند، آدمهای بدی هم نیستند، نیت بدی هم ندارند؛ اما این است دیگر. بی‌بصیرتی است دیگر.

وظیفه‌ی جوانان؛ مطالعه و تحقیق برای از بین بردن بی‌بصیرتی

این بی‌بصیرتی را بخصوص شما جوانها با خواندن آثار خوب، با تأمل،

با گفتگو با انسانهای مورد اعتماد و پخته، نه گفتگوی تقلیدی- که هرچه گفت، شما قبول کنید، نه، این را من نمیخواهم- از بین ببرید. کسانی هستند که میتوانند با استدلال، آدم را قانع کنند؛ ذهن انسان را قانع کنند؛ و حتی حضرت ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) هم از این ابزار در شروع نهضت و در ادامه‌ی نهضت استفاده کرد.^۱

شهریور ماه

یادآوری

سوم شهریور: چهارمین جلسه‌ی رسیدگی به اتهامات هدایت‌کنندگان آشوبها تشکیل گردید. در این جلسه نیز متهمان در اعترافات خود اتهاماتی را به برخی از افراد وارد کردند و این سخنان از تلویزیون و رسانه‌ها منتشر گردید. ۱۴ شهریور: موسوی در بیانیه‌ی یازدهم خود از تشکیل یک جنبش به نام «راه سبز امید» خبر داد.

۲۱ شهریور: ادعای کزویی مبنی بر تجاوز به زندانیان توسط هیئت ویژه‌ی قوه‌ی قضائیه تکذیب گردید.

۲۲ شهریور: آیت الله منتظری در نامه‌ای به علما و مراجع، آنها را به مقابله‌ی با نظام دعوت و از جنبش به اصطلاح سبز حمایت نمود.

۲۳ شهریور: جلسه‌ی پنجم رسیدگی به اتهامات آشوبگران برگزار گردید.

۲۷ شهریور: در روز قدس، شعار حمایت از فلسطین تبدیل به شعار «نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران» شد. برخی از اغتشاشگران بطور علنی به روزه‌خواری پرداختند.

۱. در دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی‌امر (علیه السلام) ۱۸/۵/۱۳۸۸.

بیانات

دستور برای برخورد با متخلفان در ماجرای کوی دانشگاه و کهریزک موضوع دیگری که در بیانات دوستان مطرح شد، تخلفات یا حتی جنایاتی است که در خلال این حوادث از سوی نیروهای ناشناس انجام گرفته. شما اشاره کردید به مسائل کوی دانشگاه یا از این قبیل مسائل. حالا کوی دانشگاه را چند نفر از دانشجویان عزیز تکرار کردند؛ شبیه کوی دانشگاه، مسائل دیگری هم در این مدت اتفاق افتاده. یا مثلاً قضیه‌ی کهریزک را گفتند. این قضایا واقعاً یکی از آن مشکلات و معضلات کار دستگاههای اجرایی است. اولاً این را بطور قاطع بدانید که با اینها برخورد خواهد شد. حالا نمیخواهیم جنجال بکنیم که دستور بدهیم، این دستور توی رسانه‌ها پخش بشود، باز یک پیوست زده بشود، باز یک پیروزه بشود؛ من دوست ندارم کار تبلیغاتی انجام بگیرد؛ اما از اولین روزها دستور داده شده و کسانی دنبال هستند؛ منتها کارها باید درست با دقت و با مراقبت پیش برود. در کوی دانشگاه، در آن شب معین، قطعاً تخلفات بزرگی انجام گرفته، کارهای بدی انجام گرفته. ما گفته‌ایم پرونده‌ی ویژه‌ای برای این کار تهیه شود و بطور دقیق دنبال بگردند و مجرمان را پیدا کنند و وقتی پیدا کردند، به وابستگیهای سازمانی آنها هم هیچ نگاه نکنند و باید مجازات شوند؛ این را من بطور قاطع گفتم.

من از فعالیتهای پلیس امنیتمان، پلیس انتظامیمان، دستگاه بسیجمن تشکر میکنم؛ اینها خیلی کارهای بزرگی کردند، کارهای خوبی کردند؛ لیکن این یک بحث جداست. اگر کسی در وابستگی به هر کدام از این سازمانها یک تخلفی انجام داده، یک جرمی انجام داده، او هم باید جداگانه بررسی شود. نه خدمت اینها را به حساب جرم آنها ندیده میگیریم، نه جرم آنها را به حساب خدمت اینها ندیده میگیریم؛ حتماً باید دنبال بشود و دنبال خواهد شد. همینطور قضیه‌ی کهریزک، که حالا آن اعلام

شد، پخش شد. قضیه‌ی کوی دانشگاه هم دنبال میشود؛ حتی افرادی که کسانشان در این قضایا یا به قتل رسیدند- تعداد معدودی هستند- یا آسیب دیدند، آسیب مالی دیدند، بنا شده برای هرکدام اینها پرونده‌ی جداگانه‌ای تشکیل بدهند. دستور داده‌ایم، گفته‌ایم و این قضایا را دنبال خواهیم کرد؛ منتها توجه کنید که این مسائل هیچکدام نباید با مسأله‌ی اصلی بعد از انتخابات خلط شود. حادثه‌ی اصلی نباید تحت الشعاع این حوادث قرار بگیرد.

غفلت برخی از ظلم عظیم به نظام و توجه به ظلم به برخی از افراد
 یک عده‌ای آنچه را که بعد از انتخابات اتفاق افتاد، آن ظلمی که به مردم شد، آن ظلمی که به نظام اسلامی شد، آن هتکی که از آبروی نظام در مقابل ملت‌ها بوسیله‌ی بعضی انجام گرفت، اینها همه را ندیده میگیرند، فرضاً مسأله‌ی فلان حادثه را، زندان کهریزک را، یا قضیه‌ی کوی را قضیه‌ی اصلی دوران بعد از انتخابات تا امروز قلمداد میکنند؛ این خودش یک ظلم دیگر است. مسأله‌ی اصلی، مسأله‌ی دیگری است. مسأله‌ی اصلی این است که مردم در یک حرکت عظیمی، در یک انتخابات پر شور خوب کم نظیری حضور پیدا کردند و این رأی بالا را توی صندوقها ریختند. هشتاد و پنج درصد شوخی است؟ این انتخابات، نظام را که در این یکی دو سال اخیر همینطور پی در پی پیشرفتهای اقتصادی و علمی و سیاسی و امنیتی و بین‌المللی برای خودش کسب کرده بود، در یک مرحله‌ی عالی از امتیاز و آبرو قرار میدهد، بعد ناگهان مشاهده میکنیم یک حرکتی صورت میگیرد برای نابود کردن این حادثه‌ی افتخارآمیز! مسأله‌ی اصلی این است.

برنامه‌ریزی درازمدت دشمن برای آشوبهای پس از انتخابات

البته اینی که عرض میکنم، تحلیل است؛ خبر نیست. به اعتقاد من، با

تحلیل من، این مسأله از بعد از انتخابات یا از روزهای حول و حوش انتخابات شروع نشده؛ این از قبل شروع شده، این از قبل طراحی شده، برنامه‌ریزی شده. من متهم نمیکنم افرادی را که دست اندرکار بودند، که اینها دست‌نشانده‌ی بیگانه‌هایند یا انگلیسند یا آمریکایند. این را من ادعا نمیکنم، چون برای من این قضیه ثابت نیست؛ چیزی که ثابت نیست، نمیتوانم بگویم. اما آنی که میتوانم بگویم، این است که این جریان، چه پیش‌فراوانش دانسته باشند، چه ندانسته باشند، یک جریانی بود طراحی شده؛ تصادفی نبود. هم‌هی نشانه‌ها نشان میدهد که این جریان طراحی شده بود، حساب شده بود. البته آنهایی که طراحی کرده بودند، یقین نداشتند که خواهد گرفت.

اشتباه دشمن در تحلیل وقایع پس از انتخابات

بعد از انتخابات که تحرکاتی از طرف بعضیها شروع شد، یک تجاوب نسبی هم از سوی جمعی از مردم تهران صورت گرفت، آنها امیدوار شدند؛ فکر کردند آنچه که تصور میکردند، انجام شد و گرفت و امیدوار شدند؛ لذا دیدید که این دستگاهها و وسائل رسانه‌ای و صوتی و الکترونیکی و ماهواره‌ای و غیره حضورشان در صحنه را چطور تشدید کردند؛ صریح وارد میدان شدند. قبلاً امیدوار نبودند که این کار بگیرد؛ بعد دیدند نه، گرفت؛ لذا سریع وارد میدان شدند؛ منتها خوشبختانه مثل همیشه که مسائل ایران را بد میفهمند و ملت ایران را نمیشناسند، این دفعه هم نشناختند. اینها تودهنی خوردند، سیلی خوردند، ولی هنوز ناامید نیستند. من به شما عرض کنم دانشجویهای عزیز! اینها ناامید نیستند؛ دارند قضایا را دنبال میکنند؛ به این زودی هم زمین نمیگذارند. اینها صحنه‌گردانهایی دارند، صحنه‌گردانهایی هم پیدا خواهند کرد.

تأثیر میزان هوشیاری در کم شدن صدمات فتنه

دانشگاه باید بهوش باشد. دانشجوی مؤمن و مسلمان و دانشجویی

که به کشورش علاقمند است و دانشجویی که به آینده‌ی کشور و آینده‌ی نسل خودش دل بسته است، باید هوشیار باشد. بدانید اینها دارند طرّاحی میکنند؛ البته شکست میخورند. من الان به شما عرض میکنم، اینها در نهایت شکست میخورند؛ اما درجه‌ی بیداری و هوشیاری من و شما میتواند در میزان خسارت و ضرری که وارد میکنند، تأثیر بگذارد. اگر هوشیار باشیم، نمیتوانند صدمه و ضرری بزنند. اگر غفلت کنیم، احساساتی بشویم، بی تدبیر عمل کنیم، یا خواب بمانیم و اینجور عوارض به سراغمان بیاید، ضرر و زیان و هزینه بالا خواهد بود؛ ولو در نهایت موفق نخواهند شد.

حمایت رهبر از نقاط قوّت رئیس‌جمهور نه نقاط ضعف

یکی دیگر از موضوعاتی که مطرح شد، مسأله‌ی حمایت‌های رهبری است از دولت یا از رئیس‌جمهور. خوب، این مطلب روشنی است. اتفاقاً یکی دوتا از خود دوستان هم بیان کردند. دولت کنونی و رئیس‌جمهور محترم مثل همه‌ی انسانهای عالم، یک نقاط قوّتی دارد، یک نقاط ضعفی. من حمایت کردم، از نقاط قوّت حمایت کردم. یک نقاط قوّتی وجود دارد، من از آن حمایت میکنم؛ در هر کی باشد، حمایت میکنم. کی هست که این گرایش، این جهتگیری، این تحرّک، این جدّیت را از خودش نشان بدهد و بنده در حدّ مسؤولیتم از او حمایت نکنم؟ از شما دانشجویها که دنبال عدالتید، من حمایت نمیکنم؟ خوب، چرا. آیا اگر از دانشجویی که عدالتخواه است و دنبال عدالت است، رهبری حمایت بکند، این معنایش این است که از نقاط ضعفی هم که احیاناً توی آن دانشجو هست، انسان حمایت میکند؟ مسلماً نه. قضیه این است. یک نقاط ضعفی وجود دارد، آن نقاط ضعف را بنده حمایت نمیکنم.^۱

۱. (۱۳۸۸/۶/۴) در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ۱۳۸۸/۵/۱۸.

دانشجویان؛ افسران جنگ نرم

یک چیزی را هم حالا من بگویم، چون دیگر دارد وقت میگذرد. ببینید عزیزان! شماها میدانید. چون دیدم در بیانات شماها هم هست. امروز جمهوری اسلامی و نظام اسلامی با یک جنگ عظیمی مواجه است، لیکن جنگ نرم. که دیدم همین تعبیر «جنگ نرم» توی صحبت‌های شما جوانها هست و الحمدلله به این نکات توجه دارید؛ این خیلی برای ما مایه‌ی خوشحالی است. خوب، حالا در جنگ نرم، چه کسانی باید میدان بیایند؟ قدر مسلم نخبگان فکریند. یعنی شما افسران جوان جبهه‌ی مقابله‌ی با جنگ نرمید.

اینی که چکار باید بکنید، چجوری باید عمل کنید، چجوری باید تبیین کنید، اینها چیزهایی نیست که من بیایم فهرست کنم، بگویم آقا این عمل را انجام بدهید، این عمل را انجام ندهید؛ اینها کارهایی است که خود شماها باید در مجامع اصلیتان، فکریتان، در اتاقهای فکرتان بنشینید، راهکارها را پیدا کنید؛ لیکن هدف مشخص است: هدف، دفاع از نظام اسلامی و جمهوری اسلامی است در مقابله‌ی با یک حرکت همه‌جانبه‌ی مٹکی به زور و تزویر و پول و امکانات عظیم پیشرفته‌ی علمی رسانه‌ای. باید با این جریان شیطانی خطرناک مقابله شود.^۱

لزوم دور بودن فضای علمی کشور از تشنج

و همینجا به شما بگویم، مواظب باشید توی این قضایای سیاسی کوچک و حقیر نبادا دانشگاه تحت تأثیر قرار بگیرد؛ نبادا کار علمی دانشگاه متزلزل شود؛ نبادا آزمایشگاههای ما، کلاسهای ما، مراکز تحقیقاتی ما دچار آسیب بشوند؛ حواستان باشد. یعنی یکی از مسائل مهم در پیش روی شما، حفظ حرکت علمی در دانشگاههاست. دشمنها خیلی دوست میدارند که

۱. همان.

دانشگاه ما یک مدّتی لاقّل دچار تعطیلی و تشنّج و اختلالهای گوناگونی باشد؛ این برایشان یک نقطه‌ی مطلوب است؛ هم از لحاظ سیاسی برایشان مطلوب است، هم از لحاظ بلندمدت؛ چون علم شما از لحاظ بلندمدت به ضرر آنهاست؛ لذا مطلوب این است که دنبال علم نباشید. حالا شما جوانانی که گفتیم افسران جوان مقابله‌ی با جنگ نرم هستید، از من نپرسید که نقش ما دانشجویان در تخریب مسجد ضرار کنونی چیست؛ خوب، خودتان بگردید نقش را پیدا کنید. یا مقابله‌ی با نفاق جدید، یا تعریف عدالت.^۱

متوّع نبودن ورود برخی از خواص در فتنه

البته این را هم بدانید که آنچه در بعد از انتخابات اتفاق افتاد، با همان حسابی که عرض کردم، اصل قضایا خیلی خلاف انتظار ما نبود؛ اگرچه اشخاصی که وارد شدند، چرا، خلاف انتظارمان بود.^۲

متوّع بودن فتنه و دشمنی دشمنان

نکته‌ی دوّم در زمینه‌ی مسائل اجتماعی و سیاسی است که من بحث زیادی در این زمینه نمی‌خواهم بکنم. همه ملاحظه کردید، کشور در برهه‌ای از زمان در معرض یک آزمون سیاسی بسیار تعیین‌کننده‌ای قرار گرفت و همانطور که بعضی از دوستان اشاره کردند، هاضمه‌ی نظام و کشور توانست حوادث را در درون خودش هضم کند و فائق بیاید. من قبلاً هم گفتم، بروز چنین حوادثی برای ما هیچ خلاف انتظار نیست. یعنی حالا اگر تعبیر دقیقتری بخواهم بکنم، «چندان» نگوییم؛ «هیچ» خلاف انتظار نیست.^۳

۱. همان.

۲. همان.

۳. در دیدار اساتید دانشگاهها ۸/۶/۱۳۸۸.

اساتید دانشگاه؛ فرماندهان جنگ نرم

در چند روز پیش هم که جوانهای دانشجو اینجا بودند- حسینیه همینطور که حالا اجتماع هست، اجتماعی بود از جوانها- به آنها گفتیم که ما با جنگ نرم، با مبارزه‌ی نرم از سوی دشمن مواجهیم، که البته خود جوانها هم همین را می‌گفتند؛ مکرراً قبل از اینکه بنده بگویم، آنها هم می‌گفتند و همه این را میدانستند. آنی که من اضافه کردم این بود که گفتیم: در این جنگ نرم، شما جوانهای دانشجو، افسران جوان این جبهه‌اید. نگفتیم سربازان، چون سرباز فقط منتظر است که به او بگویند پیش، برود جلو؛ عقب بیا، بیاید عقب. یعنی سرباز هیچگونه از خودش تصمیمگیری و اراده ندارد و باید هرچه فرمانده می‌گوید، عمل کند. نگفتیم هم فرماندهان طراح قرارگاهها و یگانهای بزرگ، چون آنها طراحیهای کلان را میکنند. افسر جوان تو صحنه است؛ هم به دستور عمل میکند، هم صحنه را درست میبیند؛ با جسم خود و جان خود صحنه را می‌آزماید. لذا اینها افسران جوانند؛ دانشجو نقشش این است. حقیقتاً افسران جوان، فکر هم دارند، عمل هم دارند، تو صحنه هم حضور دارند، اوضاع را هم میبینند، در چهارچوب هم کار میکنند. خوب، با این تعریف، استاد دانشگاه چه رتبه‌ای دارد؟ اگر در زمینه‌های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل کشور، آن چیزهایی که به چشم باز، به بصیرت کافی احتیاج دارد، جوان دانشجوی ما، افسر جوان است، شما که استاد او هستید، رتبه‌ی بالاتر افسر جوانید؛ شما فرمانده‌ای هستید که باید مسائل کلان را ببینید؛ دشمن را درست شناسایی بکنید؛ هدفهای دشمن را کشف بکنید؛ احیاناً به قرارگاههای دشمن، آنچنانی که خود او نداند، سر بکشید و بر اساس او، طراح‌ی کلان بکنید و در این طراح‌ی کلان، حرکت کنید. در رتبه‌های مختلف، فرماندهان بالا این نقشها را ایفا میکنند.

دمیدن امید؛ مهمترین وظیفه‌ی استاد شایسته‌ی انقلاب

خوب، حالا استادی که بتواند این نقش را ایفا کند، آن استاد شایسته‌ی

حال و آینده‌ی نظام جمهوری اسلامی است. توقع از اساتید محترم این است. جوانهایتان را توجیه کنید. منظورم این نیست که بنشینید زید و عمرو سیاسی را برایشان معرفی کنید. نه، اصلاً من موافق هم خیلی نیستم. اسم آوردن از زید و عمرو و بکر و ... این چیزها، کمکی به حل مشکل نمی‌کند. به اینها قدرت تحلیل بدهید. به اینها توان کار و نشاط کار بدهید. چطور؟ با امید دادن؛ با امید بخشیدن. فضای کلاس را، فضای محیط درس و دانشگاه را فضای امید کنید؛ امید به آینده. بدترین بلایی که ممکن است بر سر یک نسل در یک کشور بیاید، ناامیدی است، یأس است. اینکه می‌گویند: آقا! چه فایده دارد؟ فایده‌ای ندارد. این روحیه‌ی «فایده‌ای ندارد»- یأس از آینده- سم مهلک همه‌ی فعالیتهاست؛ چه فعالیتهای اجتماعی و سیاسی، چه حتی فعالیتهای علمی، فعالیتهای پژوهشی^۱.

فتنه؛ رزمایشی برای شناخت نقاط ضعف خودمان

در امتحانهایی از قبیل همین حوادثی که حول وحوش انتخابات پیش آمد- بعد از انتخابات و قبل از انتخابات- دیدیم که در همین زمینه‌ها ضعفها و مشکلاتی داریم. این حوادث برای ما نعمت بزرگی است؛ از این جهت که ضعفهای خودمان را بشناسیم؛ مثل رزمایشهایی که نیروهای مسلح راه می‌اندازند. رزمایش اصلاً برای همین است که این یگان نظامی یا این سازمان نظامی، نقاط ضعفش را پیدا کند. هدفی را میدهند، فرمان صادر میشود که به سمت آن هدف حرکت بکنند؛ بعد چشمهای بصیر و بینایی- در همه‌ی رزمایشها اینجور است- می‌ایستند و از بالای صحنه، صحنه را نگاه میکنند. می‌بینند که بله، در فلان نقطه، ضعف وجود دارد یا بعضاً ناتوانیهای مزمن وجود دارد. این برای ما یک رزمایش شد. البته به اختیار خود ما پیش نیامد؛ بر ما تحمیل شد؛ اما خوب شد؛ ضعفهای

خودمان را فهمیدیم. بنابراین این آرمانها، بالای سراماست و باید به سمت این آرمانها حرکت کنیم؛ آن وقت این ضعفها برطرف خواهد شد. این هم یک نکته است.

مهمترین وظیفه‌ی اهل فرهنگ در شرایط فتنه؛ تبلیغ و تبیین

خب، در اینجا شاعر چه نقشی دارد؟ مرد هنری و مرد فرهنگی - مرد شامل زنها هم میشود - یعنی انسان هنری و انسان فرهنگی، در این صحنه چه وظیفه‌ای دارد؟ به نظر من وظیفه خیلی سنگین است، خیلی بزرگ است. مهمترین وظیفه هم تبلیغ و تبیین است؛ «الذین یبلغون رسالات الله ویخشونه ولا یخشون أحداً إلا الله»^۱ این یک معیار است؛ حقیقتی را که درک میکنید، آن را تبیین کنید. کسی انتظار ندارد برخلاف آنچه میفهمید حرف بزنید. نه، آنچه را که میفهمید، بگویید. البته برای اینکه آنچه میفهمید درست و صواب باشد، باید تلاش و مجاهدت کنید؛ چون در حوادث فتنه‌گون، شناخت عرصه دشوار است، شناخت اطراف قصه دشوار است، شناخت مهاجم و مدافع دشوار است، شناخت ظالم و مظلوم دشوار است، شناخت دشمن و دوست دشوار است. اگر بنا باشد یک شاعر هم مثل دیگران گول بخورد، فریب بخورد و بی بصیرتی به سراغش بیاید، این خیلی دون شأن یک انسان هنری و یک انسان فرهنگی است. پس باید حقیقت را فهمید؛ بعد هم باید همان حقیقت را تبلیغ کرد. نمیشود با شیوه‌های سیاسی - شیوه‌های سیاستگران و سیاستمداران - در عالم فرهنگ حرکت کرد، این خلاف شأن فرهنگ است. در عالم فرهنگ بایستی گره‌گشایی کرد؛ بایستی حقیقت را باز کرد، بایستی گره‌های ذهنی را باز کرد؛ و این تبیین لازم دارد، یعنی همان کار انبیاء؛ فصاحت و بلاغتی هم که گفته‌اند در بیان لازم است، بلاغتش به این معناست. اگرچه که بلاغت را در کتب فتنی به

۱. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۹.

معنای مطابقی با مقتضای حال معنا میکنند، اما آن یک معنای خاصی از بلاغت است؛ معنای اولی و صریح بلاغت این نیست؛ بلاغت یعنی رساندن، بلاغ یعنی رساندن. اینی که مثلاً میگویند حافظ این شعر فصیح و بلیغ را گفته، بلیغش یعنی چه؟ یعنی مناسب مقتضای حال گفته؟ چه میدانیم ما آن وقتی که این شعر را گفته، مقتضای حال بوده یا نبوده! ما الان داریم نگاه میکنیم؛ بحث اقتضای حال نیست؛ یعنی رساست. بلیغ یعنی رسا؛ رسا بگویند، روشن بگویند، مبین بگویند؛ اما آنچه را که میفهمید بگویند؛ هیچ انتظار نیست. حق هم نیست که انتظار باشد. کسی برخلاف فهمیده‌ی خودش حرف بزند. سعی هم نکنید که آنچه فهمیدید درست باشد.

... همینی که حالا معمول شده که دربیانها و در تلویزیون و توی تبلیغات و توی دادگاه و توی زبان همه، میگویند: جنگ نرم؛ راست است، این یک واقعیت است؛ یعنی الان جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی‌زنم، من از بعد از جنگ. از سال ۶۷. همیشه این را گفته‌ام؛ بارها و بارها. علت این است که من صحنه را میبینم؛ چه بکنم اگر کسی نمیبیند؟! چکار کند انسان؟! من دارم میبینم صحنه را، میبینم تجهیزا، میبینم صف آرایها را، میبینم دهانهای با حقد و غضب گشوده شده و دندانهای باغیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه‌ی این آرمانها و علیه همه‌ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته‌اند؛ اینها را انسان دارد میبیند، خب چه کار کند؟ این تمام نشده. چون تمام نشده، همه وظیفه داریم. وظیفه‌ی مجموعه‌ی فرهنگی و ادبی و هنری هم وظیفه‌ی مشخصی است: بلاغ، تبیین؛ بگویند، خوب بگویند. من همیشه تکیه بر این میکنم: بایستی قالب را خوب انتخاب کنید و هنر را بایستی تمام عیار توی میدان بیاورید؛ نباید کم گذاشت تا اثر خودش را بکند.

میبینید، دیگران با این کارهای هنرمندانه‌ای که بعضاً دارند، دارند یک باطلهایی را تبلیغ میکنند؛ شگفت اینکه ما هم همان حرفها را قبول

میکنیم! همین سریال کره‌ای که دارد پخش میشود و همه دارند آن را میبینند، یک تاریخ‌سازی و افسانه‌ی باطل است؛ آدم اگر بخواهد توی شاهنامه بگردد و اینجور داستانی را پیدا کند، ده پانزده تا از این داستانها میشود پیدا کرد. منتها طرف هنر به کار برده؛ وقتی کسی هنرمندانه کار میکند، پاداشش همین است که جناب‌عالی هم که هیچ علاقه‌ای به آن تاریخ و به آن فرهنگ ندارید، مینشینید و با کمال علاقه گوش میکنید و خواهی نخواهی آن فرهنگ را جذب میکنید! این خاصیت هنر خوب است.^۱

استقبال نظام از انتقادهای در چهارچوب اصول

اشکالی ندارد که مسؤولان کشور، متولیان امور کشور منتقدینی داشته باشند که ضعفهای آنها را به خود آنها نشان بدهند. وقتی انسان در مقام رقابت قرار بگیرد، مقابل منتقد قرار بگیرد، بهتر کار میکند. اینجور نیست که وجود منتقدین و کسانی که این روش را قبول ندارند، آن روش را قبول دارند، برای نظام ضرری داشته باشد؛ منتها باید در چهارچوب نظام باشد؛ این اشکالی ندارد، این مخالفت هیچ مخالفت مضری نیست؛ نظام هم مطلقاً بایک چنین مخالفتی برخورد نمیکند. البته انتقاد باید در چهارچوب اصول باشد. اصول انقلاب هم مشخص است که چیست. اصول انقلاب امور سلیقه‌ای نیست که هرکه از یک گوشه‌ای دریاید، سنگ اصول را به سینه بزند؛ بعد که سراغ این اصول میرویم، میبینیم بیگانگی از انقلاب است. اصول انقلاب، اسلام است؛ قانون اساسی است؛ رهنمودهای امام است؛ وصیتنامه‌ی امام است؛ سیاستهای کلی نظام است که در قانون اساسی معین شده است که این سیاستهای کلی بایست تدوین بشود. در این چهارچوب، اختلاف نظر، اختلاف ممشا، اختلاف سلیقه عیب نیست، که حسن است؛ مُضَرّ نیست، که مفید و نافع است. این یک مطلب است که در میدان معارضات اینچنینی، نظام با هیچکس برخورد نمیکند. آنجایی

۱. در دیدار جمعی از شعرا ۱۴/۶/۱۳۸۸.

که افراد در چهارچوب اصول رفتارکنند، دنبال خشونت نروند، درصد بر هم زدن امنیت جامعه نباشند، آسایش جامعه را نخواهند به هم بزنند. از این کارهای خلافی که انجام میگیرد؛ دروغ‌پراکنی و شایعه- نظام هیچگونه مسأله‌ای ندارد. مخالفینی هستند، نظراتی دارند، نظرات خودشان را بیان میکنند؛ نظام برخورد نمیکند.

بنای نظام بر جذب حداکثری و دفع حداقلی

بنای نظام در اینجا، جذب حداکثری و دفع حداقلی است. این، روش نظام است؛ این را همه توجه بکنند. آن کسانی هم که نظر مخالف دارند، نظرات مخالف با نظرات رسمی دارند، در این چهارچوب میتوانند خودشان را مقایسه کنند. اگر کسی با مبانی نظام معارضه کند، با امنیت مردم مخالفت کند، نظام مجبور است در مقابل او بایستد.

لزوم پذیرش حق نظام در دفاع از خود

ما درباره‌ی افرادی که به آنها اهانت میشود، تهمت زده میشود، میگوییم اینها حق دفاع دارند؛ خوب، نظام هم همینجور است؛ نظام هم حق دفاع از خودش را دارد. این خطاست که کسی خیال کند چون نظام حاکمیت است و قدرت سیاسی است، نباید دفاع کند؛ بی دفاع بماند؛ در مقابلش هرگونه مخالفتی، معارضه‌ای، قانون‌شکنی‌ای، مرزشکنی‌ای انجام بگیرد، باید عکس‌العمل نشان ندهد؛ این درست نیست؛ هیچ جای دنیا هم چنین نیست.

برخورد با گروههای معارض با اصول در همه‌ی کشورهای جهان

در اختلافات گوناگونی که در بین احزاب دنیا وجود دارد. در همین کشورهایی که خودشان را پیشرو دموکراسی میدانند. هیچکدام از این

احزاب متعارض و متخالف، با اصول و مبانی آن نظام مخالفت نمیکنند؛ و الا از نظر مردم مردود هستند. دستگاههایی دارند؛ دستگاههای رعایت قانون اساسی و دادگاه قانون اساسی - شبیه شورای نگهبان خودمان - اینها را رد میکنند. اینجور نیست که قبول کنند یک نفری بیاید در یک نظامی علیه مبانی آن نظام مبارزه کند، معارضه کند، آن وقت نظام در مقابل اوساکت و آرام بنشیند. به کمتر از آن هم گاهی دیده میشود که در همین نظامهای اروپایی برخوردهای خشن و تندی میکنند؛ چیزهایی که جزو اصول هم محسوب نمیشود. بنابراین برخورد با نظام، برخورد با مبانی نظام، ایستادگی و شمشیر کشیدن روی نظام، جواب تند دارد؛ اما نظر مخالف داشتن، نظر متفاوت داشتن، آن وقتی که با این اشکالات همراه نباشد، تهمت و شایعه افکنی و دروغ و از این چیزها نباشد، نه، نظام هیچگونه برخوردی نخواهد کرد. شیوهی نظام این نبوده، امروز هم نیست و ان شاء الله در آینده هم نخواهد بود. این یک نکته.

ضرورت مراقبت صاحبان قدرت از انحراف و فسادپذیری خود

نکته‌ی دیگری که فعالان سیاسی، مسؤولان، صاحبان قدرت، صاحبان مسؤولیتهای گوناگون و منتقدین بشدت بایستی مراقب آن باشند، مسأله‌ی انحراف و فسادپذیری شخصی است؛ همه‌مان باید مراقبت کنیم. انسانها در معرض فسادند، در معرض انحرافند. گاهی لغزشهای کوچک، انسان را به لغزشهای بزرگ و بزرگتر و گاهی به پرتاب شدن در اعماق درّه‌هایی منتهی میکند؛ خیلی باید مراقب بود. قرآن هشدار داده است. در موارد متعدّد، در قرآن این هشدار وجود دارد. یکجا میفرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أُسَؤُوا السَّوْءَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ»؛^۱ عاقبت بعضی از کارها این است که انسان به آن خانه‌ی بدترین میرسد که تکذیب آیات الهی است. یکجا میفرماید:

۱. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۱۰.

«فأعقبهم نفاقاً في قلوبهم إلى يوم يلقونه بما أخلفوا الله ما وعدوه»^۱ خلف وعده‌ی با خدا کردند، این موجب شد نفاق در دل‌هایشان بوجود بیاید. یعنی انسان گناهی انجام می‌دهد، این گناه انسان را به وادی نفاق میکشاند؛ که نفاق، کفر باطنی است. همین‌جا در قرآن، کافرین و منافقین در کنار هم هستند. در یک آیه‌ی دیگر می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ التَّقِي الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بَعْضَ مَا كَسَبُوا»^۲ اینی که می‌بینید یک عده‌ای در مقابل دشمن منهزم میشوند، طاقت نمی‌آورند، نمیتوانند ایستادگی کنند، به خاطر آن چیزی است که قبلاً از اینها سرزده است؛ باطن خودشان را با گناه و با خطا خراب کرده‌اند. لغزشها انسان را فاسد میکند. این فساد، به انحراف در عمل و گاهی به انحراف در عقیده منتهی میشود. این هم بمرور پیش می‌آید؛ دفعتاً پیش نمی‌آید که ما فکر کنیم یک نفری شب مؤمن می‌خوابد، صبح منافق از خواب بیدار میشود؛ نه، بتدریج و ذره ذره پیش می‌آید. این، علاجش هم مراقبت از خود است. مراقبت از خود هم یعنی همین تقوا؛ بنابراین علاجش تقواست.

لزوم مراقبت از یکدیگر در برابر انحراف و لغزش

مراقب خودمان باشیم. نزدیکان افراد مراقبت کنند؛ زنها از شوهرهایشان، شوهرها از زنهایشان، دوستان نزدیک از همدیگر؛ «و تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»^۳ از یکدیگر مراقبت کنیم، برای اینکه دچار نشویم. مردم مسؤولین را موعظه کنند، نصیحت کنند، خیرخواهی کنند، بنویسند برای آنها، بگویند برای آنها، پیغام بدهند تا مبادا دچار لغزش بشوند. خطرات لغزش مسؤولین هم برای نظام، برای کشور و برای مردم بیشتر است. انسان گاهی در بعضی از حرفها، در بعضی از اقدامها و تحرکات، این را احساس میکند؛ نشانه‌های

۱. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۷.

۲. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۵۵.

۳. سوره‌ی عصر، آیه‌ی ۳.

یک چنین انحرافی را انسان مشاهده میکند. به خدا باید پناه برد، از خدا باید کمک خواست.^۱

نگرانی مسلمانان جهان از بلوای بعد از انتخابات

در بلوای بعد از انتخابات، مسلمانان کشورهای مختلف اسلامی نگران بودند؛ پیغام میدادند به آشنایان خودشان در اینجا، که در ایران چه خبر است؟ اینها میگفتند ناراحت نباشید، نترسید، جمهوری اسلامی قویتر از این حرفهاست. یک حکومت اینجوری است؛ دشمنانش آنهایند، دوستانش اینهایند. همه‌ی بدها و شمرهای عالم با او دشمنند، همه‌ی مظلومان با او موافقند؛ ملت فلسطین طرفدار اوست، ملت‌های عربی مقاوم طرفدار او هستند. بله، دولت آمریکا هم مخالفش است، دولت انگلیس هم که خباثت دو‌یست‌ساله در ایران دارد. سابقه‌ی خباثت انگلیسیها در ایران، دو‌یست‌ساله است. با او مخالف است. این مخالفتها کسی را به وحشت نمی‌اندازد. اما یک دولتی بعکس است؛ طرفدارش عبارتند از دزدها و غارتگرها و مستکبرین و زورگویان عالم، مخالفینش عبارتند از ملت خودش یا ملت‌های مؤمن و ملت‌های مظلوم؛ این مایه‌ی ننگ است. جمهوری اسلامی تا امروز مخالفینی داشته است از آن قبیل مخالفین؛ دزدهای عالم، غارتگرهای عالم، مستکبرین عالم؛ اینهایند که با جمهوری اسلامی مخالفند؛ اینهایند که در مجامع جهانی سعی میکنند با جمهوری اسلامی مقابله و مخالفت کنند؛ اما آحاد مردم، توده‌های مردم، دولت‌های مستقل، سیاستمداران منفک از آن قدرتها، ملت‌های مظلوم، اینها موافق با جمهوری اسلامیند. به خاطر ترس از این‌گونه مخالفتها، نباید چهره‌ی تسلیم به دشمن نشان داد. به هر حال نسل جوان ما بایستی هشیار باشد.

جوانهای عزیز! این کشور مال شماست، فردا متعلق به شماست. یک نظام مقتدر. چه اقتدار علمی، چه اقتدار سیاسی، چه اقتدار اقتصادی،

۱. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۸/۶/۲۰.

چه اقتدار اطلاعاتی، چه اقتدار تحرک در مناطق گوناگون جهان و اقتدار بین‌المللی-مایه‌ی عزت شماس است، مایه‌ی افتخار شماس است و شما باید برای تکمیل و متمیم چنین نظامی تلاش کنید و احساس وظیفه کنید. جوانها وظیفه دارند.^۱

ضرورت پرهیز از تفرقه‌افکنی در اجتماعات روز قدس

روز قدس، روز زنده کردن این یاد و این نام است. امسال هم به توفیق الهی، به هدایت الهی، ملت عظیم ما در تهران و در همه‌ی شهرستانها روز قدس را گرامی خواهند داشت، راهپیمایی خواهند کرد. در کشورهای دیگر هم بسیاری از مسلمانان در روز قدس از ملت ایران تبعیت میکنند. روز قدس، روز متعلق به مسأله‌ی قدس است و ضمناً مظهر وحدت ملت ایران است. مراقب باشید در روز قدس کسانی نخواهند از این اجتماعات برای ایجاد تفرقه استفاده کنند. از تفرقه باید ترسید. با تفرقه باید مقابله و معارضه کرد. تفرقه نباید بوجود بیاید. آن وقتی ملت ایران میتواند پرچم قدس را با افتخار بلند کند که یکپارچه باشد. در طول این سالها سعی کردند این راه هم بزنند، اما بحمد الله نتوانستند؛ إن شاء الله بعداً هم نخواهند توانست.^۲

انتخابات ۸۸؛ اثبات‌کننده‌ی جمهوریّت و اسلامیّت نظام اسلامی

بحمد الله دولت تثبیت شد و استقرار پیدا کرد؛ این خیلی فرصت و موقعیت مهم و بزرگی است؛ لطف عظیمی است که خدای متعال بر ملت ما و کشور ما تفضل و عطا کرد. اولاً با آن انتخابات پر شور و فراموش نشدنی، نشان داده شد که ملت ایران برای مدیریت کشور احساس مسؤولیت میکند و با اراده‌ی خود، با اختیار خود، قدم به میدان میگذارد، برای اینکه مسؤولین کشور را تعیین بکند؛ که این خیلی فرصت مهمی است برای نظام و برای

۱. همان.

۲. همان.

انقلاب. در واقع ملت بزرگ ما، با حضور هشتاد و پنج درصدی در صحنه، بیعت دوباره‌ای با انقلاب کردند، بعد هم رئیس‌جمهوری را انتخاب کردند با قریب بیست و پنج میلیون رأی، که این هم یک نصاب جدیدی برای دولت و برای رؤسای جمهور ما بود؛ و اینها پیام داشت؛ هم آن حضور هشتاد و پنج درصدی - چهل میلیونی - پیامهایی در خود دارد، هم این انتخاب قریب بیست و پنج میلیونی. اینها پیام دارد و باید این پیامها را فهم کرد؛ و اگر دولتی و مسؤولانی این پیامها را درست درک نکنند و نخبگان و زبندگان سیاسی جامعه با تأمل در این پیامها بنگرند، خیلی از گره‌هایشان حل خواهد شد؛ مشکلاتشان حل خواهد شد.

یکی از اساسی‌ترین حرف‌هایی که در این انتخابات ملت ما زد - و در واقع باید گفت انقلاب ما زد - این بود که جمهوریت خودش را با فریاد قوی اثبات کرد. در واقع این حضور هشتاد و پنج درصدی، پتک جمهوریت بود بر سر دشمنانی که دائم علیه انقلاب هی حرف زدند، علیه اسلام حرف زدند، در پایه‌های جمهوریت نظام به خیال خودشان خدشه کردند. آن حضور قوی، نشان‌دهنده‌ی این معنا بود.

بعد هم ملاحظه کردید که در اظهارات نامزدهای محترمی که وارد این میدان شدند، غالباً دم از پیروی خط امام و گرایش به ارزشها، دلبستگی به ارزشها در بیاناتشان بود؛ اگرچه حالا در بعضی از موارد حرفی زده میشد که منطبق با این کلی نبود، اما همه آنچه که میگفتند و آنچه که مطرح میکردند، میخواستند این را نشان بدهند که دلبستگی به راه امام، به خط امام، به انقلاب، به پایه‌های انقلاب وجود دارد. این خیلی حرف مهمی است. این نشان‌دهنده‌ی این است که همه احساس کردند که ملت ایران به این سمت گرایش دارد. این جهت کلی حرکت ملت ایران را نشان میداد؛ یعنی جهت اسلامیّت، جهت هضم بودن و مطیع بودن در مقابل امر الهی‌ای که امام بزرگوار ما مظهرش بود. بنابراین، آن جمهوریت نظام و این اسلامیّت نظام،

با این انتخابات هر دوی اینها تثبیت شد؛ تأیید شد. اینها پیامهای مهمی است؛ اینها را باید درک کرد و باید این پیامها را فهم کرد.

واکنش ناجوانمردانه‌ی فتنه‌گران در برابر حرکت عظیم مردم

خوب، بحمد الله این، صفحه‌ی تازه‌ای را در انقلاب ما، در نظام ما باز کرد. حالا بعضی واکنشی که به این حرکت عظیم مردم دادند، حَقّاً و انصافاً واکنش اخلاقی‌ای نبود؛ نجیبانه و جوانمردانه نبود، لکن اینها «فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ»^۱ است. این حرکت اصیل مردم، این جریان عظیم انقلاب، اینهاست که برای این کشور و برای این ملت و برای این تاریخ ماندنی است.

ضرورت شکرگزاری عملی نسبت به نعمت حضور حماسی مردم

باید همه شاکر باشیم. هرکسی که به این کشور علاقمند است، هرکس به اسلام و عظمت اسلام علاقمند است، هرکس دلبسته‌ی امام بزرگوارمان هست، باید شکرگزار باشد این نعمت بزرگی را که خدای متعال به ما داد. شماها البته، بیشتر هم باید شکرگزار باشید که مسؤولیت بردوش شماست؛ بخصوص آقای رئیس‌جمهور بیش از دیگران باید شکرگزار باشند؛ و هم شاکر باشید. هم مغتنم بشمارید و هم بر اثر این شکرگزاری، تواضعتان را بیشتر کنید. مفتخر باشید به رأی مردم، مستظهر باشید به رأی مردم؛ اما مغرور نشوید، که اگر خدای نکرده غرور به سراغ ماها آمد، آن وقت انحرافها و انحطاطهای گوناگونی را در پیش پای خودمان خواهیم دید. مراقب باشید؛ این از آن دامهای بزرگ شیطان است. معمولاً بعد از پیروزیهای بزرگ، خطرهای بزرگ وجود دارد.^۲

۱. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۱۷.

۲. در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۸/۶/۱۳۸۸.

غلط بودن شکل گرفتن فضای سوءظنّ و بدگمانی در جامعه

فضای جامعه را فضای برادری، مهربانی، حسن ظنّ قرار بدهیم. من هیچ موافق نیستم باینکه فضای جامعه را فضای سوءظنّ و فضای بدگمانی قرار بدهیم. این عادات را از خودمان باید دور کنیم. اینکه متأسفانه باب شده که روزنامه و رسانه و دستگاههای گوناگون ارتباطی- که امروز روز به روز هم بیشتر و گسترده تر و پیچیده تر میشود- روشی را در پیش گرفته اند برای متهم کردن یکدیگر، این چیز خوبی نیست؛ این چیز خوبی نیست، دل ما را تاریک میکند، فضای زندگی ما را ظلمانی میکند. هیچ منافات ندارد که گنهکار تاوان گناه خودش را ببیند، اما فضا، فضای اشاعه‌ی گناه نباشد؛ تهمت زدن، دیگران را متهم کردن به شایعات، به خیالات. همینجا من این راهم بگویم: اینکه در دادگاهها- که در تلویزیون هم پخش میشد- از قول یک متهمی چیزی راجع به یک کس دیگری گفته میشود، من این را بگویم که این، شرعاً حیجت ندارد. بله، متهم هرچه درباره‌ی خود در دادگاه بگوید، این حیجت است. اینکه بگویند در دادگاه درباره‌ی خودش اگر اعترافی کرد، حیجت نیست، این حرف مهملی است، حرف بی‌ارزشی است؛ نه، هراقراری، هر اعترافی، شرعاً، عرفاً و در نزد عقلا در یک دادگاه در مقابل دوربین، در مقابل بینندگان میلیونی که متهم علیه خود بکند، این اعتراف مسموع است، مقبول است، نافذ است؛ اما علیه دیگری بخواهد اعترافی کند، نه، مسموع نیست. فضا را نباید از تهمت و از گمان سوء پر کرد. قرآن کریم میفرماید: «لولا إذ سمعتموه ظنّ المؤمنون والمؤمنات بأنفسهم خيراً»؛^۱ وقتی میشنوید که یکی را متهم میکنند، چرا به همدیگر حسن ظنّ ندارید؟ تکلیف دستگاه اجرایی و قضایی به جای خود محفوظ است. دستگاههای اجرایی باید مجرم را تعقیب کنند، دستگاههای قضایی باید مجرم را محکوم و مجازات کنند؛ با همان روشی که ثابت میشود در قوانین اسلامی و قوانین عرفی ما هست و

هیچ هم در این زمینه نباید کوتاه بیایند؛ اما مجازات مجرم که از طرق قانونی جرم او ثابت شده است، غیر از این است که به گمان، به خیال، به تهمت، یکی را متهم کنیم، بدنام کنیم، توی جامعه دهن به دهن بگردانیم. اینکه نمیشود. این فضا، فضای درستی نیست. یا دیگران - خارجیها، بیگانه‌ها، تلویزیونهای مغرض - علیه کسی یا کسانی حرفی بزنند، ادعا کنند که اینها فلانجا خیانت کردند، فلانجا خطا کردند؛ ما هم عین همان را پخش کنیم. این، ظلم است؛ این، مورد قبول نیست. رسانه‌های بیگانه کی دلشان برای ما سوخته است؟ کی خواسته‌اند حقایق در مورد ما روشن بشود، که در این مورد بیایند حقیقت را گفته باشند؟ میگویند، حرفهایی میزنند، ادعاهایی میکنند. نباید گفت اینها شفافیت است. این، شفافیت نیست؛ این، کدر کردن فضا است. شفافیت معنایش این است که مسؤول در جمهوری اسلامی عملکرد خودش را بطور واضح در اختیار مردم قرار بدهد؛ این معنای شفافیت است، باید هم بکنند؛ اما اینکه ما بیاییم این و آن را بدون اینکه اثبات شده باشد، بگیریم زیر بار فشار تهمت و چیزهایی را به آنها نسبت بدهیم که ممکن است در واقع راست باشد، اما تا مادامی که ثابت نشده است، ما حق نداریم آن را بیان کنیم؛ این آن را متهم کند، آن این را متهم کند؛ از رسانه‌ی بیگانه - رسانه‌ی مغرض انگلیس - شاهد برایش بیاوریم، بعد هم یک نفر از آن طرف پیدا بشود و کل نظام را به اموری که شایسته‌ی نظام اسلامی نیست و نظام اسلامی شأنش بسیار بالاتر است از این چیزهایی بعضی به نظام اسلامی نسبت میدهند، متهم بکند، این اشکال بر آنها بیشتر هم وارد است. تهمت زدن به یک شخص گناه است، تهمت زدن به یک نظام اسلامی، به یک مجموعه، گناه بسیار بزرگتری است. پروردگارا! با تقوای خود ما را از این گناهان دور کن.^۱

۱. در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۸/۶/۲۹.

مهرماه

یادآوری

تجمّعات در برخی از دانشگاهها انجام شد. ۷ مهر: موسوی در بیانیه‌ی سیزدهم خود روز قدس سال ۸۸ را نقطه‌ی عطف حوادث بعد از انتخابات قلمداد نمود. تبلیغات رسانه‌های معارض و شایعات پیامکی و شبکه‌های اجتماعی ادامه داشت.

بیانات

برنامه‌ریزی بلندمدت دشمن برای بلوهای بعد از انتخابات قطعاً این بلوهای بعد از انتخابات، به نظر آدمهای خبره و آگاه، برنامه‌ریزی شده بود. یعنی انسان با هرکسی از انسانهای فهیم که با مسائل کشور و با مسائل جهانی آشنا هستند، در میان میگذارد، میفهمد. پریروز من به ایشان^۱ همین را عرض کردم؛ گفتم اینها برنامه‌ریزی شده بود. ایشان گفتند: قطعاً. یعنی همه این را میفهمند که این کار برنامه‌ریزی شده بوده و این یک کار دفعی نبود که بخواهیم بگوییم یک چیزی پیش آمده. مثلاً دفعتاً کسی بلند شد حرفی زد؛ نه، این کار برنامه‌ریزی شده بود؛ از یک مرکزی هدایت میشد. خوب، شکست خوردند دیگر؛ ان شاء الله این شکستشان ادامه هم پیدا خواهد کرد. منتها دائم دارند توطئه میکنند.

اشتباه برخی از خواص؛ سکوت در دوران فتنه

این را هم عرض بکنیم؛ بعضیها در فضای فتنه، این جمله‌ی «کن فی الفتنة کابن اللبون لا ظهر فیرکب ولا ضرع فیحلب»^۲ را بد میفهمند و خیال

۱. حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱.

میکنند معنایش این است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلاً در این جمله این نیست که: «بکش کنار». این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه‌گر نتواند از تو استفاده کند؛ از هیچ راه. «لا ظهرفیرکب و لا ضرع فیحلب»؛ نه بتواند سوار بشود، نه بتواند تورا بدوشد؛ مراقب باید بود. در جنگ صفین ما از آن طرف عمار را داریم که جناب عمار یاسر دائم- آثار صفین را نگاه کنید- مشغول سخنرانی است؛ این طرف لشکر، آن طرف لشکر، با گروه‌های مختلف؛ چون آنجا واقعاً فتنه بود دیگر؛ دو گروه مسلمان در مقابل هم قرار گرفتند؛ فتنه‌ی عظیمی بود؛ یک عده‌ای مشتبه بودند. عمار دائم مشغول روشن‌نگری بود؛ این طرف میرفت، آن طرف میرفت، برای گروه‌های مختلف سخنرانی میکرد- که اینها ضبط شده و همه در تاریخ هست- از آن طرف هم آن عده‌ای که «نفر من اصحاب عبد الله بن مسعود...» هستند، در روایت دارد که آمدند خدمت حضرت و گفتند: «یا امیر المؤمنین- یعنی قبول هم داشتند که امیر المؤمنین است- انا قد شککنا فی هذا القتال»؛ ما شک کردیم. ما را به مرزها بفرست که در این قتال داخل نباشیم! خوب، این کنار کشیدن، خودش همان ضرع است که یحلب؛ همان ظهرفی است که یُرکب! گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است. در فتنه همه بایستی روشن‌نگری کنند؛ همه بایستی بصیرت داشته باشند. امیدواریم إن شاء الله خدای متعال ما را و شما را به آنچه میگوییم، به آنچه نیت داریم، عامل کند؛ موفق کند.

لزوم پرهیز خبرگان از معرفی نمایندگان مخالف نظر اعضا

راجع به این مطلبی هم که جناب آقای شاهرودی نقل کردند، به نظر من خبرگان اقدام نباید بکنند به اینکه کسی را که حالا عقیده‌ی مخالفی در بین خودشان دارد، اعلام کنند. این به نظر من اقدام خیلی مناسبی نیست. حالا من البته نمیخواهم به خبرگان تکلیفی بکنم یا چیزی را به عنوان

تکلیف بگویم؛ سلیقه‌ی من این است. بالاخره یک نفر عقیده‌ی دیگری در یک مسأله‌ی خاصی دارد؛ اینجور نیست که در مبانی و اصول اختلافی وجود داشته باشد و به نظر نمی‌آید اینجوری باشد.^۱

وظیفه‌ی همگان بخصوص جوانان در افزایش بصیرت

مخاطب من عموم مردمند، بخصوص جوانان؛ همه‌ی مردم کشورند، بخصوص این مناطق حسّاس. جوانان عزیز! هرچه میتوانید در افزایش بصیرت خود، در عمق بخشیدن به بصیرت خود، تلاش کنید و نگذارید، نگذارید دشمنان از بی‌بصیرتی ما استفاده کنند؛ دشمن به شکل دوست جلوه کند، حقیقت به شکل باطل و باطل در لباس حقیقت. امیرالمؤمنین در یک خطبه‌ای از جمله‌ی مهمترین مشکلات جامعه همین را می‌شمارد:

«اتّما بدء وقوع الفتن اهواء تتبع واحكام تتبدع يخالف فيها كتاب الله»^۲. در همین خطبه، امیرالمؤمنین می‌فرماید: اگر حقّ بطور واضح در مقابل مردم آشکار و ظاهر بشود، کسی نمیتواند زبان علیه حقّ باز کند. اگر باطل هم خودش را بطور آشکار نشان بدهد، مردم به سمت باطل نخواهند رفت. «ولکن یؤخذ من هذا ضعف و من هذا ضعف فیمزجان». آن کسانی که مردم را می‌خواهند گمراه بکنند، باطل را به صورت خالص نمی‌آورند؛ باطل و حقّ را آمیخته میکنند، ممزوج میکنند، آن وقت نتیجه این میشود که «فهنالک یستولی الشیطان علی اولیائه»؛ حقّ، برای طرفداران حقّ هم مشتبه میشود. این است که بصیرت میشود اولین وظیفه‌ی ما.

خوشحالی یا خشم دشمن؛ ملاک غلط یا صحیح بودن یک حرکت

نگذاریم حقّ و باطل مشتبه بشود. امروز در مقابل نظام جمهوری اسلامی که فعلاً قله‌ی اسلام‌طلبی در دنیای اسلام است، صفوفی قرار گرفته‌اند؛

۱. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۲/۷/۱۳۸۸.

۲. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۵۰.

استکبار جهانی در قلب آن صفوف است؛ صهیونیست در قلب آن صفوف است. اینها بطور صریح، دشمنان خونی اسلامند، پس دشمنان خونی جمهوری اسلامیند. این شد یک معیار. اگر حرکتی کردیم، کاری کردیم که به نفع این دشمن انجام گرفت، باید بدانیم اگر غافلیم، هوشیار بشویم، بدانیم که داریم راه غلط می‌رویم. اگر حرکتی کردیم که دیدیم این دشمن را خشمگین میکند، بدانیم که راهمان راه درست است. دشمن از پیشرفت ملت ایران خشمگین میشود، از موفقیت‌های شما خشمگین میشود، از استحکام نظام اسلامی خشمگین میشود. شما ببینید از کدامیک از کارهای ما دشمن خشمگین میشود؛ آن چیزی که دشمن را خشمگین میکند، این همان خط درست است. آن چیزی که دشمن را مشعوف میکند، ذوق زده میکند، سعی میکند بر روی او هی تکیه کند؛ در تبلیغات، در سیاست و رزی، این آن خط کج است؛ این همان زاویه داری است. این معیارها را در نظر داشته باشید. این معیارها حقایق را روشن خواهد کرد. در بسیاری از موارد آنجایی که اشتباهی پیش می‌آید، با این معیارها میشود آن اشتباه را برطرف کرد.^۱

آبان ماه

یادآوری

۱۳ آبان: اغتشاشاتی در میدان هفتم تیر انجام شد.

بیانات

یکی از اشتباهات صداوسیما در انتخابات ۸۸: پرداخت زود هنگام به انتخابات

من کمبودها را نفی نمیکنم؛ بیشتر از خیلی از منتقدین، بنده کمبودها

۱. در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر ۱۳۸۸/۷/۱۵.

را میدانم؛ منتها راه رفع کمبودها، این چیزهایی که تصوّر میشود، نیست که حالا بیا اعلام کن که مثلاً فلانجا فلانجور چجوری است؛ نه، خیلی چیزها با اعلام درست نمیشود، با کار درست میشود. با حرف درست نمیشود؛ حرف، جنجال‌سازی تبلیغاتی و لفاظی هیچ کمکی به حلّ مشکلات نمیکند؛ همچنانی که شما دیدید. تو همین قضایای انتخابات، خوب، تبلیغات انتخاباتی مثلاً باید یک ماه یا بیست روز قبل از شروع انتخابات انجام بگیرد؛ اما از پیش از عید نوروز تبلیغات انتخاباتی شروع شد! همین تلویزیونی هم که مورد انتقاد بعضی از دوستان است، متأسفانه منعکس میکرد. بنده موافق هم نبودم. این را هم شما خیال نکنید که حالا بنده چون رئیس صدا و سیما را انتخاب میکنم، همه‌ی برنامه‌های صدا و سیما را می‌آورند، دانه دانه بنده نگاه کنم، امضاء کنم. نخیر، از خیلی از برنامه‌های صدا و سیما بنده راضی هم نیستم؛ از جمله، از همین من راضی نبودم که از سه ماه قبل از انتخابات - انتخابات بیست و دوم خرداد بود - از ماه اسفند، بلکه زودتر از اسفند، بعضی از سفرهای تبلیغاتی و حرفهایی که زده شد و تظاهراتی که میشد و مجادلاتی که انجام میگرفت، از تلویزیون پخش شود، که متأسفانه تو تلویزیون پخش شد؛ به خاطر همین، که یعنی ما آزاداندیشیم! اینها توهم است؛ این جنجال‌آفرینی در داخل کشور است. جنجال فکری غیر از مباحثات صحیح است.^۱

ضرر فضای جنجالی و دور از منطق

یک وقت شما یک حرفی می‌زنید، ناگهان میبینید همه‌ی ناظران سیاسی جهان که وجودشان انباشته‌ی از پلیدی و خباثت است، برای شما کف می‌زنند. به این تشویق نشوید. به قول رایج بین جوانها، جوگیر نشوید. بحث درست بکنید، بحث منطقی بکنید. سخنی را بشنوید، سخنی را بگویید؛

۱. در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور ۱۳۸۸/۸/۶.

بعد بنشینید فکر کنید. این همان دستور قرآن است. «بشّر عباد. الذین یستمعون القول فیّتبعون أحسنه»^۱. سخن را باید شنفت، بهترین را انتخاب کرد؛ و آلا فضای جنجال درست کردن، همین میشود که دیدید. جنجال قبل از انتخابات، بعد از انتخابات، انعکاسش میشود این؛ بخصوص وقتی دست بیگانه هم دخالت دارد. به چه دلیل، با چه توجیهی شما فکر میکنید دستگاههای تبلیغاتی دنیا حوادثی را که فکر میکنند به ضرر نظام جمهوری اسلامی است، لحظه به لحظه منتشر میکنند؟ با چه محاسبه‌ای این کار انجام میگیرد؟ این را نباید فکر کرد؟! نباید رویش مطالعه کرد؟! اینهاست آن چیزهایی که باید به آنها توجه کرد.^۲

زیر سؤال بردن اصل انتخابات؛ بزرگترین جرم نامزدهای متمرّد معترض

بنده روزها معمولاً حدود شانزده هفده تا روزنامه را نگاه میکنم؛ نه اینکه حالا همه‌ی صفحات لایبی و اینها را نگاه کنم؛ لکن تیترها، اگر سرمقاله‌ی قابل توجهی داشته باشند، معمولاً نگاه میکنم. خیلی از روزنامه‌های ما متأسفانه در انعکاس حقایق ضعیفند و در اصلی فرعی کردن مسائل، غیر منصفانه عمل میکنند. در همین مسائل اخیر، مسائل را باید اصلی فرعی کرد؛ مسأله‌ی اصلی چیست؛ یک سلسله مسائل فرعی هم پیرامون اوست؛ نه اینکه آن مسائل فرعی کم‌اهمیت است، اما مسأله‌ی اصلی اهمیتش بیشتر از آنهاست. مسأله‌ی اصلی در این قضایای اخیر، اصل انتخابات بود؛ زیر سؤال بردن اصل انتخابات بزرگترین جرمی بود که انجام گرفت. چرا شما نسبت به این جرم چشمتان را میبندید؟! این همه زحمت کشیده بشود، مردم بیایند، یک شرکت به این عظمت، یک نصاب شکنی، یک رکودشکنی در دنیا در مردمسالاری، در دمکراسی‌ای که اینقدر ادعایش را

۱. سوره‌ی زمر، آیات ۱۷ و ۱۸.

۲. در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور ۶/۸/۱۳۸۸.

میکنند، انجام بگیرد، بعد یک عده مفت و مسلم بیایند بدون استدلال، بدون دلیل، همان فردای انتخابات بگویند: انتخابات دروغ است! این کار کوچکی است؟! این جرم کمی است؟! یک قدری باید منصف بود توی این قضایا. دشمن هم حداکثر استفاده را از این کرد. یک عده هم هستند در داخل کشور، از اول با نظام جمهوری اسلامی موافق نبودند. مال امروز و دیروز نیست، سی سال است که موافق نیستند. از این فرصت استفاده کردند، دیدند عناصری وابسته‌ی به خود نظام، از خود نظام، دارند اینجور میداناری میکنند، اینها هم وقت را مغتنم شمردند، آمدند داخل میدان؛ و دیدید.

هشدار داده‌شده به نامزدهای معترض نسبت به عواقب شروع اعتراضات

من روز اول این را پیغام دادم به همین حضراتی که صحنه‌گردان این قضایا هستند؛ آن ساعات اول من به آنها پیغام خصوصی دادم. من اگر یک وقتی توی نماز جمعه یک حرفی میزنم، این ابتدا به ساکن نیست؛ حرف خصوصی، پیغام خصوصی، نصیحت لازم انجام میگیرد، وقتی انسان ناچار میشود، یک حرفی را می‌آورد درعلن بیان میکند. من پیغام دادم، گفتم این را شما دارید شروع میکنید، اما نمیتوانید تا آخر کنترل کنید؛ می‌آیند دیگران سوءاستفاده میکنند. حالا دیدید آمدند سوءاستفاده کردند. مرگ براسرائیل را خط زدند! مرگ برآمریکا را خط زدند! معنای این کار چیست؟ آنی که وارد عرصه‌ی سیاست میشود، باید مثل یک شطرنج‌باز ماهر حرکتی را که میکند تا سه تا چهارتا حرکت بعد از او را هم پیش بینی کند. شما این حرکت را میکنی، رقیبت در مقابل او آن حرکت دیگر را خواهد کرد؛ باید فکرش باشی که توجه حرکتی خواهی کرد. اگر دیدی در آن حرکت دوم، تودرمیمانی، امروز این حرکت را نکن؛ اگر کردی، ناشی هستی. حالا تعبیر بهترش این است. توی این کار، توی این بازی، توی این حرکت،

ناشی هستی، ناواردی. اینها نمیفهمند چکار میکنند؛ یک حرکتی را شروع میکنند، ملتفت نیستند که در حرکات بعد و بعد و بعد، چطور در خواهند ماند؛ مات خواهند شد. اینها را باید محاسبه میکردند.

جرم نامزدهای معترض؛ زیر سؤال بردن انتخابات و مواجه کردن عده‌ای از مردم با نظام

مطلب اصلی این بود. زیر سؤال رفتن انتخابات، مواجه کردن مجموعه‌ای از مردم - آنها هیچ نیت سویی هم ندارند؛ وارد میدان انتخابات شدند، طبق عقیده‌شان عمل کردند؛ خیلی هم خوب - با نظام، با کشور، با حرکت عمومی کشور، اینها کارهای کوچکی نیست. اگر شما منصفید، آن حرکت‌های جانبی را، آن قضایای جانبی را ببینید، اهمیتش را هم در نظر داشته باشید؛ اما مهمتر بودن این را هم در نظر داشته باشید.^۱

دست برداشتن آمریکا از اقدامات گذشته؛ شرط عادی شدن روابط آن روزی که آمریکا دست از استکبار بردارد، آن روزی که از دخالت‌های بیجا در امور ملت‌ها دست بردارد، یک دولتی مثل بقیه‌ی دولتهاست، برای ما هم دولتی مثل بقیه‌ی دولتها خواهد بود؛ اما تا روزی که آمریکاییها هنوز به طمع برگشتن به ایران و تجدید روزگار گذشته و عوض کردن تاریخ و به عقب بردن زمان باشند و بخواهند بر کشور ما مسلط بشوند، با هیچ وسیله‌ای نخواهند توانست ملت ما را به عقب نشینی وادار کنند؛ این را بدانند.

استحکام جمهوری اسلامی در برابر فتنه‌ها

وبه این غائله‌هایی هم که بعد از انتخابات پیش آمد، دل خوش نکنند؛ جمهوری اسلامی قویتر از این حرفهاست، عمیقتر از این حرفهاست،

ریشه‌دارتر از این حرف‌هاست. جمهوری اسلامی با حوادث بسیار سخت‌تری هم مواجه شده، که بر همه‌ی اینها فائق آمده؛ حالا چهار نفر آدمهایی که یا ساده‌لوح - حالا هرچه و با هر انگیزه‌ای؛ قضاوت نکنیم - هستند، یا با نیت بد و خباثت‌آلود، یا با نیت نه آنچنان بد، اما همراه با ساده‌لوحی و بد فهمیدن قضایا، با جمهوری اسلامی مواجه شده‌اند، اینها نمیتوانند برای آمریکا در کشور ما فرش قرمز پهن کنند؛ این را بدانند: ملت ایران ایستاده است.^۱

آذرماه

یادآوری

چهارم آذر: موسوی در بیانیه‌ی پانزدهم خود، بسیج را به باد انتقاد گرفت.
 ۱۵ آذر: موسوی بیانیه‌ی شانزدهم خود را به مناسبت ۱۶ آذر (روز دانشجو) صادر کرد.

۱۶ آذر: در دانشگاه تهران و در حاشیه‌ی مراسم روز دانشجو، اغتشاشاتی انجام گرفت. تصاویری از این حوادث توسط رسانه‌های مخالف نظام منتشر شد که در آن به تصویر حضرت امام توهین میشد.
 موج اعتراض‌های مردمی برخاست.

۲۱ آذر: درسهای حوزه‌های علمیه در اعتراض به توهین به حضرت امام تعطیل گردید. دانشجویان برخی از دانشگاهها نیز تجمعاتی در اعتراض به این اقدام موهن انجام دادند.

۲۳ آذر: پس از اقامه‌ی نماز جمعه در سراسر کشور راهپیمایی در اعتراض به توهین به حضرت امام انجام شد.

۲۴ آذر: آیت‌الله منتظری نظام را به استفاده‌ی ابزاری از حادثه‌ی توهین به امام خمینی متهم نمود و بازهم به جریان برخورد با آشوبگران اعتراض کرد.

۱. در دیدار دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان ۱۳۸۸/۸/۱۲.

۲۹ آذر: آیت‌الله منتظری در ۸۷ سالگی درگذشت. رهبرانقلاب با توجه به سوابق وی، پیام تسلیتی را صادر نمودند.

۳۰ آذر: تشییع جنازه‌ی آیت‌الله منتظری توسط آشوبگران به اغتشاش کشیده شد که با بیداری مردم بصیرقم به سرعت پایان پذیرفت.

بیانات

بدبین کردن مردم و اختلاف‌افکنی؛ از ابزارهای جنگ نرم

یکی از ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در یک جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند، بددل کنند، اختلاف ایجاد کنند؛ یک بهانه‌ای پیدا کنند، با این بهانه بین مردم ایجاد اختلاف کنند؛ مثل همین قضایای بعد از انتخابات امسال که دیدید یک بهانه‌ای درست کردند، بین مردم ایجاد اختلافی کردند. خوشبختانه مردم ما با بصیرتند. اینجورکاری در کشورهای دیگر اوضاع کشور را بکلی عوض کرد؛ در جاهای دیگر، تردیدافکنی در دل‌های مردم نسبت به یکدیگر؛ یک بهانه‌ای مثل بهانه‌ی انتخابات را پیش بکشند، ایجاد تردید کنند، دل‌ها را نسبت به یکدیگر چرکین کنند، مردم را در مقابل هم قرار بدهند؛ بعد در میانه، عناصر دست‌آموز مغرض معاند را به کارهای خلاف وادار کنند و مسؤولین کشور نتوانند تشخیص بدهند کی بود، چی بود، چه شد. این جزو طرح‌های اساسی است. اینجورکاری را دنبال میکنند.

بصیرت؛ مهمترین عنصر در دوران فتنه

خوب، شما ببینید در یک چنین وضعیتی چه چیزی بیش از همه برای انسان مهم است؟ بصیرت. بنده بارها بر روی بصیرت تکیه میکنم، به خاطر همین. مردم بدانند چه اتفاقی دارد می‌افتد؛ ببینند آن دستی را که دارد صحنه‌گردانی میکند، صحنه را شلوغ میکند تا در خلال شلوغیهای

مردم، یک عنصر خائنی، یک عنصر دست‌نشانده و دست‌آموزی بیاید کاری را که آنها می‌خواهند، انجام بدهد و نشود او را توی مردم پیدا کرد؛ این کاری است که دشمن می‌خواهد انجام بدهد. هر اقدامی که به بصیرت منتهی بشود، بتواند عنصر خائن را، عنصر بدخواه را از آحاد مردم و توده‌ی مردم جدا کند، او را مشخص کند، این خوب است. هر اقدامی که فضا را مغشوش کند، مشوش کند، انسانها را نسبت به یکدیگر مردّد کند، فضای تهمت‌آلود باشد، مجرم و غیر مجرم در آن مخلوط بشوند، این فضا مُضِرّ است، مخالف است.

اصرار بر یکی شدن آحاد ملت در برابر مخالفان با اصل انقلاب

اصرار بنده بر این است که آحاد مردم، ملت ایران، جریانات مختلف سیاسی، همه در مقابل آن افراد معدودی که با اصل این انقلاب مخالفند، با اصل استقلال کشور مخالفند، هدفشان دودستی تقدیم کردن کشور به آمریکا و به استکبار است، با یکدیگری یکی باشند. دشمن از این‌گونه عناصر در داخل ملت‌ها دارد؛ در داخل ملت ما هم این‌جور کسانی هستند، معدودی از این قبیل پیدا میشوند. متن ملت، آحاد مردم، این توده‌ی عظیم مردمی- از خواص تا عامه‌ی مردم- اینها را باید از آن عناصر معدود خود فروخته جدا کرد؛ نباید اشتباه اتفاق بیفتد. من می‌بینم در بعضی از اظهارات، در بعضی از حرفها، فضا آنچنان مغشوش میشود که افراد سردرگم میشوند؛ مردم نسبت به همدیگر، نسبت به نخبگان‌شان، نسبت به مسؤولان‌شان بدبین میشوند؛ این درست نیست.

ضرورت پرهیز از ایجاد اختلاف و شایعه‌پراکنی نسبت به مسؤولان حالا بعضیها- چه مطبوعات، چه بعضی از عناصر گوناگون- توصیه‌پذیر نیستند؛ آنها از ما توصیه نمی‌خواهند؛ معلوم نیست سیاستهای بعضی

از این دستگاهها و مطبوعات و رسانه‌ها را کی معین میکند و کجا معین میشود. نانشان در ایجاد اختلاف است. اما آن کسانی که مصالح کشور را میخواهند، مایلند حقایق را غالب کنند، من توصیه‌ام به آنها این است که از این اختلافات جزیی و غیر اصولی صرف نظر کنند. شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی درست نیست. انسان میبیند صریحاً و علناً به مسؤولین کشور. کسانی که بارهای کشور را بر دوش دارند. تهمت میزنند، نسبت به اینها شایعه‌سازی میکنند؛ فرق هم نمیکند، چه رئیس‌جمهور باشد، چه رئیس مجلس باشد، چه رئیس مجمع تشخیص مصلحت باشد، چه رئیس قوه قضائیه باشد؛ اینها مسؤولین کشورند. مسؤولین کشور کسانی هستند که زمام یک کاری به اینها سپرده است؛ مردم باید به اینها اعتماد داشته باشند، حسن ظن داشته باشند. نباید شایعه‌پراکنی کرد؛ دشمن این را میخواهد. دشمن میخواهد شایعه‌پراکنی کند؛ میخواهد دلها را نسبت به یکدیگر، نسبت به مسؤولین بدبین کند.

اولین اقدام فتنه‌گران؛ ایجاد تردید در کار مسؤولان انتخابات

دیدید شما در اوایل همین حوادث بعد از انتخابات. این فتنه‌ی بعد از انتخابات. اولین کاری که شد، تردیدافکنی در کار مسؤولین رسمی کشور بود؛ در کار شورای نگهبان، در کار وزارت کشور. این تردیدافکنیها خیلی مضر است؛ دشمن این را میخواهد. جوانان بسیجی باید ایمان را، بصیرت را، انگیزه را، رعایت موازین و معیارها را، اینها همه را باهم ملاحظه کنند.^۱

بیهوده بودن اقدامات مواجه‌کنندگان با ملت و نظام

کسانی هم که با اشاره‌ی دشمن، با تشویق دشمن، با لبخند دشمن، با کف زدن دشمن برایشان، میخواهند با این نظام، با این قانون اساسی، با

۱. در دیدار جمع‌کنیری از بسیجیان کشور ۴/۹/۱۳۸۸.

این حرکت عظیم مردمی مواجه کنند، سرشان را دارند به سنگ میزنند؛ سر به دیوار میکوبند، کاریهوده میکنند.

ضرورت دقت در بکار بردن عنوان منافق و ضدّ ولایت فقیه

مراقب باشید، مواظب باشید، نمیشود هرکسی را بمجرّد یک خطایی یا اشتباهی گفت منافق؛ نمیشود هرکسی را بمجرّد اینکه یک کلمه حرفی برخلاف آنچه که من و شما فکر میکنیم، زد، بگوییم آقا این ضدّ ولایت فقیه است. در تشخیصها خیلی باید مراقبت کنید. من تأکیدم به شما جوانان عزیز، فرزندان عزیز خود من، جوانان پرشور این کشور در سرتاسر میهن عزیز، همین است. انگیزه‌ها با شدت، با قوّت، با ایمان کامل، با امید کامل به آینده حفظ بشود؛ اما در تشخیصها و در مصداقهای مختلف دقت بشود. بی‌دقتی در مصداقها، گاهی اوقات ضررها و لطمات بزرگی خواهد زد.^۱

سختی فضای غبار آلود برای امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)

مهمترین برهه‌ای و زمان و مکانی که تبلیغ، آنجا معنا میدهد، جایی است که فتنه وجود داشته باشد. بیشترین زحمت در صدر اسلام و در زمان پیغمبر، زحمات مربوط به منافقین بود. بعد از پیغمبر، در زمان امیرالمؤمنین زحماتی بود که از درگیری و چالش حکومت اسلامی با افرادی که مدّعی اسلام بودند، بوجود می‌آمد. بعد هم همینجور؛ در دوران ائمه (علیهم‌السلام) هم همینجور؛ دوران غبار آلودگی فضا؛ و الا آن وقتی که جنگ بدر هست، کار، دشوار نیست؛ آن وقتی که در میدانهای نبرد حاضر میشوند، با دشمنانی که مشخص است این دشمن چه میگوید، کار دشوار نیست. آن وقتی مسأله مشکل است که امیرالمؤمنین در مقابل کسانی واقع میشود که اینها مدّعی اسلامند و معتقد به اسلام هم هستند؛ اینجور نبود که معتقد به اسلام هم

۱. همان.

نباشند، از اسلام برگشته باشند؛ نه، معتقدند به اسلام، راه را غلط می‌روند، هواهای نفسانی کار دستشان می‌دهد.

ضرر تردید خواص در حوادث

این، مشکلترین وضع است که افراد را به شبهه می‌اندازد؛ به طوری که اصحاب عبد الله بن مسعود می‌آیند خدمت حضرت، می‌گویند: «اَنَا قَدْ شَكَّكْنَا فِي هَذَا الْقِتَالِ»^۱ چرا باید شک کنند؟ این شک خواص، پایه‌ی حرکت صحیح جامعه‌ی اسلامی را مثل موربانه می‌چیند. اینی که خواص در حقایق روشن تردید پیدا کنند و شک پیدا کنند، اساس کارها را مشکل می‌کند. مشکل کار امیرالمؤمنین، این است. امروز هم همین است. امروز در سطح دنیا که نگاه کنید، همین‌جور است؛ در سطح داخل جامعه‌ی خودمان که نگاه کنید، همین‌جور است. تبیین لازم است.^۲

فلسفه‌ی نامزدهای قانون‌شکن برای اقدامات غلط خود

شما ملاحظه کنید یک عده‌ای قانون‌شکنی کردند، ایجاد اغتشاش کردند، مردم را به ایستادگی در مقابل نظام تا آنجایی که می‌توانستند، تشویق کردند. حالا تیغشان نبرید؛ آن کاری که می‌خواستند نشد، او بحث دیگری است؛ آنها تلاش خودشان را کردند. زبان دشمنان انقلاب را و دشمنان اسلام را دراز کردند، جرأت به آنها دادند؛ کاری کردند که دشمنان امام-آن کسانی که بغض امام را در دل داشتند. جرأت پیدا کنند بیایند توی دانشگاه، به عکس امام اهانت بکنند؛^۳ کاری کردند که دشمن مایوس و نومید، جان بگیرد، تشویق بشود بیاید در مقابل چشم انبوه دانشجویانی که مطمئناً اینها علاقمند به امامند، علاقمند به انقلابند، عاشق کار برای کشور و میهنشان

۱. وقعة صفین، ص ۱۱۵: «ما در این جنگ شک داریم».

۲. در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون ۹/۲۲/۱۳۸۸.

۳. شعار حصار (روح منی خمینی-بت شکنی خمینی).

و جمهوری اسلامی هستند، یک چنین اهانتی، یک چنین کار بزرگی انجام بدهند. آن قانون شکنیشان، آن اغتشاش جوییشان- تشویقشان به اغتشاش و کشاندن مردم به عرصه‌ی اغتشاشگری- این هم نتایجش. این خطاها اتفاق می‌افتد، عمل خلاف انجام می‌گیرد، کار غلط انجام می‌گیرد، بعد برای اینکه این کار غلط، غلط بودنش پنهان بشود، اطراف او فلسفه درست میشود! فلسفه می‌یافتند؛ استدلال برایش درست میکنند! از ابتلائات بزرگ انسانها این است؛ همه‌مان در معرض خطریم، باید مراقب باشیم. کار خطا را میکنیم، بعد برای اینکه در مقابل وجدانمان، در مقابل سؤال مردم، در مقابل چشم پرسشگران بتوانیم از کار خودمان دفاع کنیم، یک فلسفه‌ای برایش درست میکنیم؛ یک استدلالی برایش می‌تراشیم!

نقش نامزدهای مغلوب معترض در غبار آلود کردن فضای جامعه

خب، اینها ایجاد فتنه میکند؛ یعنی فضا را فضای غبار آلود میکند. شعار طرفداری از قانون میدهند، عمل صریحاً برخلاف قانون انجام میدهند. شعار طرفداری از امام میدهند، بعد کاری میکنند که در عرصه‌ی طرفداران آنها، یک چنین گناه بزرگی انجام بگیرد؛ به امام اهانت بشود، به عکس امام اهانت بشود. این، کار کمی نیست؛ کار کوچکی نیست. دشمنان از این کار خیلی خوشحال شدند. فقط خوشحالی نیست، تحلیل هم میکنند. بر اساس آن تحلیل، تصمیم می‌گیرند؛ بر اساس آن تصمیم، عمل میکنند؛ تشویق میشوند علیه مصالح ملی، علیه ملت ایران. اینجا آن چیزی که مشکل را ایجاد میکند، همان فریب، همان غبار آلودگی فضا و همان چیزی است که در بیان امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) هست:

«ولکن یؤخذ من هذا ضعف ومن هذا ضعف فیمزجان فنهالک یتولی الشیطان علی اولیائه!»؛ یک کلمه‌ی حق را با یک کلمه‌ی باطل مخلوط میکنند، حق

۱. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۵۰؛ «وهمواره پاره‌ای از حق و پاره‌ای از باطل را درهم می‌آمیزند و در چنین حالی شیطان بر یاران خود مسلط میشود».

بر اولیاء حقّ مشتبّه میشود. اینجاست که روشنگری، شاخص معین کردن، مایز معین کردن، معنا پیدا میکند.

تعجب از متنّبّه نشدن نامزدهای معترض پس از انجام اغتشاشات به نام آنها

آن کسی که برای انقلاب، برای امام، برای اسلام کار میکند، بمجرّدی که ببیند حرف او، حرکت او موجب شده است که یک جهتگیری ای علیه این اصول بوجود بیاید، فوراً متنّبّه میشود. چرا متنّبّه نمیشوند؟ وقتی شنفتند که از اصلیتترین شعار جمهوری اسلامی - «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» - اسلامش حذف میشود، باید به خود بیایند؛ باید بفهمند که دارند راه را غلط میروند، اشتباه میکنند؛ باید تبری کنند. وقتی میبینند در روز قدس که برای دفاع از فلسطین و علیه رژیم غاصب صهیونیست است، به نفع رژیم غاصب صهیونیست و علیه فلسطین شعار داده میشود، باید متنّبّه بشوند، باید خودشان را بکشند کنار، بگویند نه نه، ما با این جریان نیستیم. وقتی میبینند سران ظلم و استکبار عالم از اینها حمایت میکنند، رؤسای آمریکا و فرانسه و انگلیس و اینهایی که مظهر ظلمند - هم در زمان کنونی، هم در دوره تاریخی صد سال و دویست ساله‌ی تا حالا - دارند از اینها حمایت میکنند، باید بفهمند یک جای کارشان عیب دارد؛ باید متنّبّه بشوند. وقتی میبینند همه‌ی آدمهای فاسد، سلطنت طلب، از اینها حمایت میکند، توده‌ای از اینها حمایت میکند، رفاص و مُطرب فراری از کشور از اینها حمایت میکند، باید متنّبّه بشوند، باید چشمشان باز بشود، باید بفهمند؛ بفهمند که کارشان یک عیبی دارد؛ بلافاصله برگردند بگویند نه، ما نمیخواهیم حمایت شما را. چرا رودربایستی میکنند؟ آیا میشود با بهانه‌ی عقلانیت، این حقایق روشن را ندیده گرفت، که ما عقلانیت بخرج میدهیم! این عقلانیت است که دشمنان این ملت و دشمنان این کشور و دشمنان اسلام و دشمنان انقلاب،

شما را از خود بدانند و برای شما کف و سوت بزنند، شما هم همینطور خوشتان بیاید، دل خوش کنید؛ این عقلانیت است؟! این نقطه‌ی مقابل عقل است. عقل این است که بمجزدی که دیدید برخلاف آن مبانی‌ای که شما ادعایش را میکنید، چیزی ظاهر شد، فوراً خودتان را بکشید کنار، بگویید نه نه نه، ما نیستیم؛ بمجزدی که دیدید به عکس امام اهانت شد، به جای اینکه اصل قضیه را انکار کنید، کار را محکوم کنید؛ بالاتر از محکوم کردن کار، حقیقت کار را بفهمید، عمق کار را بفهمید؛ بفهمید که دشمن چجوری دارد برنامه‌ریزی میکند، چه میخواهد، دنبال چیست؛ این را باید این آقایان بفهمند. من تعجب میکنم! کسانی که اسم و رسم خودشان را از انقلاب دارند. بعضی از این آقایان یک سیلی برای انقلاب نخوردند دردوران اختناق و طاغوت. و به برکت انقلاب اسم و رسمی پیدا کردند و همه چیزشان از انقلاب است، میبینید که دشمنان انقلاب چطور بُراق شدند، آماده شدند، صف کشیدند، خوشحالند، میخندند؛ اینها را که میبینید؟ به خود بیایید، متوجه بشوید.

شما برادران سابق ما هستید. اینها کسانی هستند که بعضی از اینها، یک وقتی به خاطر طرفداری از امام مورد اهانت هم قرار می‌گرفتند. حالا ببینند که کسانی که به نام اینها شعار میدهند، عکس اینها را روی دستشان می‌گیرند، اسم اینها را با تجلیل می‌آورند، درست نقطه‌ی مقابل، علیه امام و علیه انقلاب و علیه اسلام شعار میدهند و روزه خوری علنی در روز قدس، در ماه رمضان، میکنند؛ اینها را میبینید، خب، بکشید کنار. انتخابات تمام شد. انتخاباتی بود، عمومی هم بود، درست هم بود، اشکالی هم نتوانستند بر انتخابات بگیرند و ثابت کنند؛ حالا هی ادعا کردند، فرصت هم داده شد؛ گفتیم بیایید، نشان بدهید، ثابت کنید؛ نتوانستند، نیامدند؛ تمام شد. پابندی به قانون اقتضاء میکند که انسان و لوازم رئیس‌جمهوری را که انتخاب شده است قبول هم نداشته باشد، وقتی برای قانون احترام قائل

بود، بایستی در مقابل قانون، خضوع کند. خب، معلوم است هیچ کسی نمیتواند بگوید این کسی که انتخاب شده، صددرصد حُسن محض است، آن طرفی که انتخاب نشده است، صددرصد قبح محض است؛ نه، همه حُسنی دارند، قبحی دارند؛ این طرف هم حُسنی دارد، قبحی دارد؛ آن طرف هم حُسنی دارد، قبحی دارد. قانون، ملاک است، معیار است. چرا اینجوری میشود؟ چرا؟ این، هوای نفس است.

لزوم عبرت‌آموزی نامزدهای قانون‌شکن از ریزشهای زمان امام (قدّس سرّه)

اینها مال امروز هم نیست. کسانی که از اوائل انقلاب یادشان هست، میدانند؛ بعضی بودند از یاران امام، از نزدیکان امام در دهه‌ی اوّل انقلاب و در حال حیات امام، که کارشان به مقابله‌ی با امام کشید؛ کارشان به معارضه‌ی با امام کشید؛ ایستادند پای اینکه امام را به زانو در بیاورند و خطای حرکت امام (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) را- آن مرد بزرگ را، آن مرد الهی را- اثبات کنند؛ اما بعد زاویه پیدا کردند. خب، انقلاب اینها را مطرود کرد. کسانی که از نزدیکان امام بودند، از یاران امام بودند، کارشان کشید به یا پناه بردن به دشمن، یا مواجه شدن با انقلاب، یا ضربه زدن به انقلاب. اینها باید عبرت باشد برای همه‌ی ما؛ باید عبرت باشد؛ باید بفهمیم.

اصرار نامزدهای متمرّد بر فاصله گرفتن از نظام

من هیچ اعتقادی ندارم به دفع؛ من گفتم در نماز جمعه؛ اعتقاد من به جذب حداکثری و دفع حداقلی است؛ اما بعضی کأته خودشان اصرار دارند بر اینکه از نظام فاصله بگیرند. یک اختلاف درون خانوادگی را، درون نظام را- که مبارزات انتخاباتی بود- یک عده‌ای تبدیل کردند به مبارزه‌ی با نظام- البته اینها اقلیتند، کوچکنند؛ در مقابل عظمت ملّت ایران صفرند، لکن به

نام اینها شعار میدهند، اینها هم دل خوش میکنند به این- این باید مایه‌ی عبرت باشد. تبلیغ باید بتواند این حقایق را برای مردم و برای خود آنها روشن بکند که بفهمند دارند خطا میکنند و اشتباه میکنند.

پیروزی حتمی ملت مؤمن ایران بر چالشها

البته این نظام، نظام الهی است؛ این نظام، نظامی است که خدای متعال لطف خود و حمایت خود را از این نظام به مرآت و ککرات نشان داده است؛ تجربه‌های ما از اول انقلاب همه‌اش همین را نشان میدهد. ما اگر با خدا باشیم، خدا با ماست. این کسانی که و این جهانخواران که امروز در سطح بین‌المللی با این منطقیهای مغلوط و با این منطقیهای مخدوش- که اشاره کردم- میخواهند دنیا را اداره بکنند و بر دنیا سیطره پیدا بکنند، مطمئناً بوسیله‌ی این ملت و بوسیله‌ی ملت‌های مستقل، به حول و قوه‌ی الهی تودهنی خواهند خورد. اینها نه اسلام را شناختند، نه این ملت را شناختند، نه این انقلاب را شناختند، نه امام راحل عظیم‌الشان ما را شناختند؛ نمیدانند با کی طرف شده‌اند. این ملت را هم شناختند؛ این ملت، ملت مقاومی است. جوانهای ما جوانهایی هستند که به معنای حقیقی کلمه از عمق جانشان تلاش میکنند برای سعادت؛ سعادت که در اسلام هست. دانشجویهای ما هم همینجورند؛ دانشجویهای ما امروز جزو برترین دانشجوها هستند؛ نه فقط از لحاظ ذهن و علم، بلکه حتی از لحاظ صفا، معنویت، ایمان؛ دانشجویهای ما خیلی خوبند.

بیداری دانشگاه در دوران فتنه

توی همین قضایا هم بارها دیده شده؛ دانشگاه بسیار آزمایش خوبی داد. در همین قضایا نشان داد که توی صحنه است، آگاه است، بیدار است. هرچه هم این ارتباط حوزه و دانشگاه، این پیوند حوزه و دانشگاه بیشتر بشود، این معنویت، این روحیات، بیشتر خواهد شد.

ضرورت حفظ آرامش و حلم در برابر اهانت به حضرت امام (قدّس سرّه)

ما البتّه درخواستمان از مردم این است: در این قضایای اهانت به امام راحل (رضوان الله علیه)، مردم ما عصبانی شدند، خشمگین شدند؛ حقّ هم دارند. اعلام برائت کردند، جا هم داشت، خوب هم بود؛ لکن آرامششان را حفظ کنند. از دانشجویها هم ما همین درخواست را داریم: آرامش را حفظ کنید. این کسانی که در مقابل شما قرار دارند، اینها کسانی نیستند که ریشه‌ای داشته باشند، بتوانند بمانند، بتوانند در مقابل عظمت این ملت و عظمت این انقلاب، مقاومت کنند؛ نه. با آرامش؛ همه کار با آرامش. اگر یک وقتی لازم بشود، خود مسؤولین، خود قانون و حافظان قانون، آنچه که وظیفه‌شان باشد، انجام میدهند. البتّه شناسایی کنند؛ خود دانشجویها موظّفند در محیط دانشگاه، افرادی را که منشأ فسادند، اینها را بشناسند و دیگران را آگاه کنند. این خودش یک تبلیغ درست و صحیحی است. آگاه کنند؛ بدانند ارتباطات اینها را، جهتگیری اینها را؛ لکن همه کار با آرامش باید انجام بگیرد. در سطح جامعه، تشنّج، اغتشاش، درگیری مصلحت نیست؛ این چیزی است که دشمن میخواهد. دشمن میخواهد جامعه آرام نباشد. امنیت، مهمّ است. دشمنان امنیت مردم دوست دارند که مردم در ناامنی زندگی کنند، ناراحت بشوند، کلافه بشوند، عصبانی بشوند؛ ما این را نمیخواهیم. ما میخواهیم مردم زندگی‌شان، زندگی آرامی باشد؛ دانشجوی بتواند درس بخواند؛ طلبه بتواند درس بخواند؛ دانشمند بتواند تحقیق خودش را بکند؛ صنعتگر، کشاورز، بازرگان، بتوانند همه کارشان را انجام بدهند. محیط دانشگاه هم باید محیط امنی باشد؛ جوانهای مردم توی این مجموعه‌ی دانشگاه جمعند، مردم میخواهند جوانهایشان در محیط امنی باشند. این کسانی که محیط دانشگاه را با این اغتشاشگری ناامن میکنند، با مردم مواجه‌اند، با مردم طرفند. البتّه دستگاههای قانونی هم وظایفی دارند؛ باید به این وظایف عمل کنند.

ریشه‌دارتر شدن روزافزون انقلاب

بدانید جوانان عزیز! طلاب عزیز! فضیای جوان! بدانید که این آیه‌ی مبارکه: «فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ»،^۱ امروز مصداق تام و تمامی در زمان شما دارد و این را شما خواهید دید. به فضل الهی خواهید دید که «وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ»، این بنای استوار که هندسه‌ی آن الهی است، بنای آن هم با دست یک مرد الهی است، بقاء آن هم با اراده‌ی این مَلّت عظیم و با ایمان این مَلّت عظیم است، استوار خواهد ماند و إن شاء الله این درخت روزبه روز ریشه‌دارتر خواهد شد و خواهید دید که این مخالفان، این کسانی که با این بنا، با این حق و حقیقت مخالفت میکنند، «فیذهب جفاء»؛ اینها در مقابل چشم شما إن شاء الله نابود خواهند بود.^۲

دی ماه

یادآوری

اول دی: مردم قم و طلاب و علما در اعتراض به اقدامات ساختارشکنانه‌ی ۳۰ آذر در مراسم تشییع آیت‌الله منتظری، راهپیمایی برپا نمودند.
دوم دی: مراسم ختم آیت‌الله منتظری در اصفهان به اغتشاش کشیده شد.

پنجم دی (تاسوعای حسینی): آشوبگران در میدان انقلاب با نیروهای پلیس درگیر شدند. شب عاشورا نیز جلسه‌ی عزاداری در جماران به آشوب کشیده شد.

ششم دی (عاشورای حسینی): اغتشاشگران در اقدامی وقیحانه،

۱. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۱۷؛ «أَمْ كَفَّ بِيرونِ افْتِتاده از میان میرود، ولی آنچه به مردم سود میرساند، در زمین [باقی] میماند».

۲. در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون ۱۳۸۸/۹/۲۲.

عزاداران امام حسین (علیه‌السلام) را مورد حمله قرار دادند. به حسینی‌ها جسارت شد. رقص و پایکوبی انجام و اسلامیت از شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» حذف شد. به اصل ولایت فقیه توهین و به تصاویر رهبرکبیر انقلاب جسارت گردید. اموال عمومی، ماشینها و موتورهای پلیس به آتش کشیده شد. نیروهای پلیس مورد ضرب و جرح قرار گرفتند. آشوبگران با حمله به برخی از نیروهای پلیس و بسیج، آنها را عریان کرده و در خیابان رها کردند.

هفتم دی: موج اعتراضات مردم، مسؤولان و احزاب برخاست.

هشتم دی: مردم حسینی و عاشورایی تبریز راهپیمایی عظیمی را در اعتراض به وقایع تهران برپا نمودند.

نهم دی: حماسه‌ی ملی ۹ دی در تمام کشور بمنظور دفاع از اسلام، امام حسین (علیه‌السلام)، انقلاب و ولایت فقیه با حضور ده‌ها میلیونی مردم خلق شد.

۱۱ دی: موسوی در بیانیه‌ی هفدهم خود، اغتشاشگران را مردمی خداجو نامید. اوره‌حلّ خود را در پنج بند ارائه داد و پس از اینکه هشت ماه از ابطال انتخابات می‌گفت، دولت را به رسمیت شناخت.

سردمداران آشوب و اغتشاش بعد از ۹ دی بیش از پیش مطرود مردم شدند به طوری که حضور آنها در هر محفلی با اعتراض مردم مواجه میشد.

بیانات

علّت ماندگاری ۹ دی

این ملت عظیم از قشرهای مختلف در سراسر کشور نگاه میکنند به صحنه، میشناسند صحنه را؛ خیلی چیز بزرگ و مهمی است. اینی که من عرض میکنم روز ۹ دی در تاریخ ماندگار است، به خاطر این است. مردم بیدارند؛ همین است که کشور شما را نگه داشته است عزیزان من! همین است که انقلابتان را حفظ کرده است؛ همین است که جرأت سران استکبار

را از آنها گرفته است که بخواهند به ملت ایران حمله کنند؛ می‌ترسند. حالا در تبلیغات، زید و عمرو و بکر را میکشند جلو، بمباران تبلیغاتی میکنند؛ اما حقیقت قضیه چیز دیگری است. دشمن حقیقی آنها ملت ایران است، دشمن حقیقی آنها همین غیرت دینی جوانهاست که می‌جوشد. یک وقتی هم دندان روی جگر می‌گذارند، صبر هم میکنند، باید هم بکنند؛ اما یک وقت هم آنجایی که وقت حضور در صحنه است، می‌آیند توی صحنه.^۱

نقش اراده و مجاهدت در شاخص شدن ۹ دی

روزهای سال، بطور طبیعی و به خودی خود همه مثل همنند؛ این انسانها هستند، این اراده‌ها و مجاهدتهاست که یک روزی را از میان روزهای دیگر برمی‌کشد و آن را مشخص میکند، متمایز میکند، متفاوت میکند و مثل یک پرچمی نگه میدارد تا راهنمای دیگران باشد. روز عاشورا- دهم محرم- فی نفسه با روزهای دیگر فرقی ندارد؛ این حسین بن علی (علیه السلام) است که به این روز جان میدهد، معنا میدهد، او را تا عرش بالا میبرد؛ این مجاهدتهای یاران حسین بن علی (علیه السلام) است که به این روز، این خطورت و اهمّیت را می‌بخشد. روز نوزدهم دی هم همین‌جور است، روز نهم دی امسال هم از همین قبیل است. نهم دی با دهم دی فرقی ندارد؛ این مردمندها که ناگهان با یک حرکت که آن حرکت برخاسته از همان عواملی است که نوزدهم دی قم را تشکیل داد؛ یعنی برخاسته‌ی از بصیرت است، از دشمن شناسی است، از وقت شناسی است، از حضور در عرصه‌ی مجاهدانه است- روز نهم دی را هم متمایز میکنند.

اهمّیت مضاعف ۹ دی در دوران غبار آلود فتنه

مطمئن باشید که روز نهم دی امسال هم در تاریخ ماند؛ این هم یک روز

۱. دردیدار مردم قم در سالگرد قیام نوزدهم دی ماه ۱۹/۱۰/۱۳۸۸.

متمایزی شد. شاید به یک معنا بشود گفت که در شرایط کنونی - که شرایط غبارآلودگی فضاست - این حرکت مردم اهمّیت مضاعفی داشت؛ کار بزرگی بود.

دست خدا و روح حسین بن علی (علیه‌السلام) در شکلگیری نه‌دی
 هرچه انسان در اطراف این قضایا فکر میکند، دست خدای متعال را، دست قدرت را، روح ولایت را، روح حسین بن علی (علیه‌السلام) را میبیند. این کارها کارهایی نیست که با اراده‌ی امثال ما انجام بگیرد؛ این کار خداست، این دست قدرت الهی است؛ همانطور که امام در یک موقعیت حسّاسی - که من بارها این را نقل کرده‌ام - به بنده فرمودند: «من در تمام این مدّت، دست قدرت الهی را در پشت این قضایا دیدم». درست دید آن مرد نافذ با بصیرت، آن مرد خدا.

در شرایط فتنه، کار دشوارتر است؛ تشخیص دشوارتر است. البتّه خدای متعال حجّت را همیشه تمام میکند؛ هیچ وقت نمیگذارد مردم از خدای متعال طلبکار باشند و بگویند تو حجّت را برای ما تمام نکردی، راهنما نفرستادی، ما از این جهت گمراه شدیم. در قرآن مکرّر این معنا ذکر شده است. دست اشاره‌ی الهی همه‌جا قابل دیدن است؛ منتها چشم باز می‌خواهد. اگر چشم را باز نکردیم، هلال شب اوّل ماه را هم نخواهیم دید؛ اما هلال هست. باید چشم باز کنیم، باید نگاه کنیم، دقّت کنیم، از همه‌ی امکاناتمان استفاده کنیم تا این حقیقت را که خدا در مقابل ما قرار داده است، ببینیم.

مهم این است که انسان این مجاهدت را بکند. این مجاهدت به نفع خود انسان است؛ خدای متعال هم در این مجاهدت به او کمک میکند. نوزده دی مردم قم در سال ۵۶ از این قبیل بود، نُه دی امسال آحاد مردم کشور - که حقیقتاً این حرکت میلیونی فوق‌العاده‌ی مردم حرکت عظیمی

بود. از همین قبیل است و قضایای گوناگونی که ما در طول انقلاب از این چیزها کم نداشتیم. این مجاهدت، راه را به ما نشان میدهد.

نقش عمّار در جنگ صفّین

ببینید در جنگ صفّین، امیرالمؤمنین در مقابل کفار که قرار نداشت؛ جبهه‌ی مقابل امیرالمؤمنین جبهه‌ای بودند که نماز هم میخواندند، قرآن هم میخواندند، ظواهر در آنها محفوظ بود؛ خیلی سخت بود. کی باید اینجا روشنگری کند و حقایق را به مردم نشان دهد؟ بعضیها حقیقتاً متزلزل میشدند. تاریخ جنگ صفّین را که انسان میخواند، دلش میلرزد. در این صف عظیمی که امیرالمؤمنین به عنوان لشکریان راه انداخته بود و تا آن منطقه‌ی حسّاس- در شامات- در مقابل معاویه قرار گرفته بود، تزلزل اتفاق می افتاد؛ بارها این اتفاق افتاد؛ چند ماه هم قضایا طول کشید. یک وقت خبر می آوردند که در فلان جبهه، یک نفری شبه‌ای برایش پیدا شده است؛ شروع کرده است به اینکه آقا ما چرا داریم میجنگیم؟ چه فایده دارد؟ چه، چه. اینجا اصحاب امیرالمؤمنین- یعنی در واقع اصحاب خاص و خالصی که از اوّل اسلام با امیرالمؤمنین همراه بودند و از امیرالمؤمنین جدا نشدند- جلو می افتادند؛ از جمله جناب عمّار یاسر (سلام الله علیه) که مهمترین کار را ایشان میکرد. یکی از دفعات عمّار یاسر- ظاهراً عمّار بود- استدلال کرد. ببینید چه استدلالهایی است که انسان میتواند همیشه اینها را به عنوان استدلالهای زنده در دست داشته باشد. ایشان دید یک عدّه‌ای دچار شبهه شده‌اند؛ خودش را رساند آنجا، سخنرانی کرد. یکی از حرفهای او در این سخنرانی این بود که گفت: این پرچمی که شما در جبهه‌ی مقابل میبینید، این پرچم را من در روز احد و بدر در مقابل رسول خدا دیدم- پرچم بنی امیّه- زیر این پرچم، همان کسانی آن روز ایستاده بودند که امروز هم ایستاده‌اند؛ معاویه و عمرو عاص. در جنگ احد، هم معاویه، هم عمرو عاص و دیگر

سران بنی امیه در مقابل پیغمبر قرار داشتند؛ پرچم هم پرچم بنی امیه بود. گفت: اینهایی که شما میبینید در زیر این پرچم، آن طرف ایستاده‌اند، همینها زیر همین پرچم در مقابل پیغمبر ایستاده بودند و من این را به چشم خودم دیدم. این طرفی که امیرالمؤمنین هست، همین پرچمی که امروز امیرالمؤمنین دارد. یعنی پرچم بنی هاشم. آن روز هم در جنگ بدر واحد بود و همین کسانی که امروز زورش ایستاده‌اند، یعنی علی بن ابی طالب و یارانش، آن روز هم زیر همین پرچم ایستاده بودند. از این علامت بهتر؟ ببینید چه علامت خوبی است. پرچم، همان پرچم جنگ احد است؛ آدمها همان آدمهایند، در یک جبهه. پرچم، همان پرچم جنگ احد است؛ آدمها همان آدمهایند در جبهه‌ی دیگر، در جبهه‌ی مقابل. فرقی این است که آن روز آنها ادعا میکردند و معترف بودند و افتخار میکردند که کافرند، امروز همانها زیر آن پرچم ادعا میکنند که مسلمند و طرفدار قرآن و پیغمبرند؛ اما آدمها همان آدمهایند، پرچم هم همان پرچم است. خوب، اینها بصیرت است. اینقدر که ما عرض میکنیم بصیرت بصیرت، یعنی این.

الگو گرفتن از عمار برای شناخت جریانهای فتنه‌ی ۸۸

از اوّل انقلاب و در طول سالهای متمادی، کیها زیر پرچم مبارزه‌ی با امام و انقلاب ایستادند؟ آمریکا در زیر آن پرچم قرار داشت، انگلیس در زیر آن پرچم قرار داشت، مستکبرین در زیر آن پرچم قرار داشتند، مرتجعین وابسته‌ی به نظام استکبار و سلطه، همه در زیر آن پرچم مجتمع بودند؛ الان هم همینجور است. الان هم شما نگاه کنید از قبل از انتخابات سال ۸۸، در این هفت هشت ماه تا امروز آمریکا کجا ایستاده است؟ انگلیس کجا ایستاده است؟ خبرگزاریهای صهیونیستی کجا ایستاده‌اند؟ در داخل، جناحهای ضدّ دین، از توده‌ای بگیر تا سلطنت طلب تا بقیه‌ی اقسام و انواع بی‌دینها کجا ایستاده‌اند؟ یعنی همان کسانی که از اوّل انقلاب با انقلاب و با

امام دشمنی کردند، سنگ زدند، گلوله خالی کردند، تروریسم راه انداختند. سه روز از پیروزی انقلاب در بیست و دوی بهمن گذشته بود، همین آدمها با همین اسمها آمدند جلوی اقامتگاه امام در خیابان ایران، بنا کردند شعار دادن؛ همانها الان می‌آیند توی خیابان، علیه نظام و علیه انقلاب شعار میدهند! چیزی عوض نشده. اسمشان چپ بود، پشت سرشان آمریکا بود؛ اسمشان سوسیالیست بود، لیبرال بود، آزادی طلب بود، پشت سرشان همه‌ی دستگاههای ارتجاع و استکبار و استبداد کوچک و بزرگ دنیا صف کشیده بودند! امروز هم همین است. اینها علامت است، اینها شاخص است؛ و مهم این است که ملت این شاخصها را میفهمد؛ این چیزی است که انسان اگر صدها بار شکر خدا را بکند، حَقّش را به جا نیاورده است؛ سجده‌ی شکر کنیم.

بیداری ملت؛ رمز ماندگاری ۹ دی و انقلاب

این ملت عظیم از قشرهای مختلف در سراسر کشور نگاه میکنند به صحنه، میشناسند صحنه را؛ خیلی چیز بزرگ و مهمی است. اینی که من عرض میکنم روز ۹ دی در تاریخ ماندگار است، به خاطر این است. مردم بیدارند؛ همین است که کشور شما را نگه داشته است عزیزان من! همین است که انقلابتان را حفظ کرده است؛ همین است که جرأت سران استکبار را از آنها گرفته است که بخواهند به ملت ایران حمله کنند؛ میترسند. حالا در تبلیغات، زید و عمرو و بکر را میکشند جلو، بمباران تبلیغاتی میکنند؛ اما حقیقت قضیه چیز دیگری است. دشمن حقیقی آنها ملت ایران است، دشمن حقیقی آنها همین غیرت دینی جوانهاست که میجوشد. یک وقتی هم دندان روی جگر میگذارند، صبر هم میکنند، باید هم بکنند؛ اما یک وقت هم آنجایی که وقت حضور در صحنه است، می‌آیند توی صحنه.

ترس دشمن از انتشار پیام انقلاب اسلامی

تحلیل حوادث جاری کشورمان تحلیلی نیست که از حوادث عالم جدا باشد. حوادث عالم، حوادث منطقه، اینها به هم متصل است. بخشی هم مربوط به کشور ماست، که البته آن بخش اصلی و اساسی است. علت هم این است که استکبارلنگی کار خود را از اینجا میبیند؛ و این نشان میدهد که یک ملت و یک مجموعه‌ی انسانی چه نقشی میتواند ایفاء کند. اینی که امام بزرگوار ما همی خطاب میکرد به امت اسلام، با توجه به این حقیقت است. یک ملت وقتی بیدار میشود، اینجور میتواند همه‌ی محاسبات استکبار را به هم بریزد. کارخانه‌ای که آنها درست کردند، خط تولیدی که برای به ثمر رساندن اهداف استکباری خودشان بوجود آوردند، این خط تولید را بیداری یک ملت اینجور کند یا متوقف میکند. اگر همه‌ی ملتهای مسلمان بیایند توی میدان، چه میشود! اگر همه‌ی ملتهای مسلمان همین بصیرت را، همین آمادگی را، همین حضور را پیدا کنند، چه اتفاقی در دنیا می‌افتد! از این میترسند. میخواهند صدای من و شما خاموش بشود و به گوش ملتهای دیگر نرسد. میخواهند کاری کنند که ملتهای دیگر نفهمند تأثیر بیداری و بصیرت یک ملت در حوادث عالم چقدر است.^۱

راهپیمایی نه دی؛ پاسخ به نیاز لحظه

راهپیمایی مردم در بیست و دوی بهمن با همه‌ی عظمتی که دارد. که حالا عرض خواهم کرد. یک کار متعارف است، یک کار روان شده است، شناخته شده است، متوقع است که انجام بگیرد و انجام میگیرد؛ اما بیست و سه‌ی تیر در سال ۷۸، یک کار متعارف نبود، یک کار متوقع نبود؛ اهمیت داشت که این مجموعه بداند و بفهمد که این کار در آن شرایط، لازم است و آن را انجام بدهد. کار نهم دی ماه امسال هم همینجور بود. شناختن موقعیت، فهمیدن نیاز، حضور در لحظه‌ی مناسب و مورد نیاز؛ این اساس

کار است که مؤمن باید این را هم با خود همراه داشته باشد تا بتواند وجودش مؤثر بشود؛ آن کاری را که باید انجام بدهد، بتواند انجام بدهد. خوب، الحمدلله شورای هماهنگی تبلیغات این خصوصیت را داشته است، نشان داده است؛ هم در دهه‌ی اوّل، در اوضاع و احوال گوناگون آن دهه - در دوران دفاع مقدس، قبل از دفاع مقدس، بعد از دوران دفاع مقدس - هم بعد از رحلت امام در مناسبت‌های مختلف که قلّه‌هایی را در تاریخ ما بوجود آورد. یکی از این قلّه‌های فراموش‌نشده‌ی، همین نُهم دی امسال بود.^۱

بهمن و اسفند ماه

نقش ایمان در خلق حماسه‌ی ۹ دی

شما نگاه کنید ببینید امروز چند هزار رسانه، اعم از صوتی و تصویری و انواع و اقسام رسانه‌های گوناگون، با مدرنترین شیوه‌ها علیه این نظام دارند کار میکنند. صدها مغز و فکر در اتاقهای فکر نشسته‌اند؛ هر روزی یک حرفی، یک شعاری، یک فکری، یک ترفندی علیه این انقلاب دارند طرّاحی میکنند؛ اما نمیتوانند به انقلاب لطمه‌ای بزنند، نمیتوانند به نظام اسلامی صدمه‌ای وارد کنند. این برای چیست؟ استحکام این بنا به خاطر بنا شدن بر اصل ایمان به خداست. آن کسانی که در این راه حرکت کردند، کار خدایی کردند.

این نظام، شبیه نظامهای دیگر نیست. امروز هیچ نظامی در دنیا نیست که این همه علیه او کار تبلیغاتی بکنند، کار سیاسی بکنند، فشار اقتصادی وارد کنند، تحریم وارد کنند و او بتواند اینجور مستحکم بایستد؛ چنین چیزی در دنیا وجود ندارد. اما این نظام ایستاده است، بعد از این هم خواهد ایستاد؛ این را همه بدانند. نه آمریکا، نه صهیونیسم، نه مجموعه‌ی مستکبران و زورگویان عالم، نه با وسائل سیاسی، نه با وسائل اقتصادی، نه

۱. در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۱۳۸۸/۱۰/۲۹.

با تحریم، نه با تهمت، نه با تحریک ایادی خود در داخل، نخواهند توانست اندکی این انقلاب را بلرزانند.

رازماندگاری این انقلاب، اتکای به ایمانهاست؛ اتکای به خداست. لذا شما میبینید آن روزی که توده‌ی عظیم مردم در سرتاسر کشور احساس کنند که دشمنی‌ای متوجه انقلاب است، احساس کنند که دشمنی جدی‌ای وجود دارد، بدون فراخوان حرکت میکنند می‌آیند. روز نهم دی شما دیدید در این کشور چه اتفاقی افتاد و چه حادثه‌ای پیش آمد. دشمنان انقلاب که همیشه سعی میکنند راهپیماییهای میلیونی را بگویند چند هزار نفر آمده‌اند- تحقیر کنند، کوچک کنند- اعتراف کردند و گفتند در طول این بیست سال، هیچ حرکت مردمی‌ای به این عظمت در ایران اتفاق نیفتاده است؛ این را نوشتند و گفتند. آن کسانی که سعی در کتمان حقایق درباره‌ی جمهوری اسلامی دارند، این را گفتند. علت چیست؟ علت این است که مردم وقتی احساس میکنند دشمن در مقابل نظام اسلامی ایستاده است، می‌آیند توی میدان. این حرکت ایمانی است، این حرکت قلبی است؛ این چیزی است که انگیزه‌ی خدایی در آن وجود دارد؛ دست قدرت خداست، دست اراده‌ی الهی است؛ این چیزها دست من و امثال من نیست. دلها دست خداست. اراده‌ها مقهور اراده‌ی پروردگار است. وقتی حرکت خدایی شد، برای خدا شد، اخلاص در کار بود، خدای متعال اینجور دفاع میکند. لذا میفرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا»^۱ این را دشمنان نظام اسلامی نمیفهمند تا امروز هم نفهمیدند؛ لذا تهدید میکنند، حرف میزنند، روشهای گوناگون را بکار میگیرند، به خیال خودشان میگردند نقطه ضعف برای جمهوری اسلامی پیدا کنند؛ گاهی اسم حقوق بشر را می‌آورند، گاهی اسم دموکراسی را می‌آورند؛ ترفندهایی که امروز برای مردم دنیا حقیقتاً ترفندهای مسخره است. میگویند افکار عمومی؛ اما افکار عمومی اگر این حرفها را از آمریکا و صهیونیسم باور میکرد، اینجور در دنیا، در کشورهای مختلف،

ملت‌های مختلف، در مواقع گوناگون، نفرت خودشان را از این سران مستکبر نشان نمودند، که میبینید نشان میدهند. هر جا سفر میکنند، گروهی از مردم علیه‌شان شعار میدهند. پیداست که افکار عمومی دنیا فریب ترفندهای اینها را نخورده است.^۱

قدردانی از حضور دهها میلیونی ملت شگفتی‌آفرین ایران در راه‌پیمایی ۲۲ بهمن

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت عظیم‌الشان و شگفتی‌آفرین ایران

خسته مباد گامهای استوارتان، سربلند باد پرچم همت و آزادگیتان، درود خدا بر عزم راسخ و بصیرت بی‌همتایتان که همیشه در لحظه‌ی نیاز، صحنه رویارویی با بددلان و بدخواهان را عرصه‌ی پیروزی حق میسازد و نمایشگاهی از عزت و عظمت می‌آراید.

و سپاسی از ژرفای دل و جان، آفریننده‌ی هستی را که دست قدرت خود را در عزم و ایمان و بصیرت شما نمایان ساخت و درسی و یکمین سالروز تولد جمهوری اسلامی، نیرومندی و سرزندگی این نظام را که بر ایمان و اعتماد به نفس ملتی کهن تکیه زده است، بیش از همیشه به رخ دشمنان کشید.

آیاسی و یک سال آزمون و خطای چند دولت متکبر و زورگو کافی نیست که آنان را از خواب غفلت بیدار کند و بیهودگی تلاش برای سیطره بر ایران اسلامی را به آنان تفهیم نماید؟

آیا حضور دهها میلیون انسان بصیر و پُرانگیزه در جشن سی و یک سالگی انقلاب کافی نیست که معاندان و فریب‌خوردگان داخلی را که گاه ریاکارانه دم از «مردم» میزنند، به خود آورد و راه و خواست مردم را که همان صراط مستقیم اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و راه امام بزرگوار است، به آنان نشان دهد؟

۱. در دیدار فرمانده و پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۸/۱۱/۱۹.

دوستان و دشمنان ملت ایران بدانند که این ملت، راه خود را شناخته و تصمیم خود را گرفته است و برای رسیدن به قلّه‌ی پیشرفت و سعادت با تکیه به خدا و اعتماد به قدرتی که خداوند به او بخشیده است هر مانعی را از سر راه برخواهد داشت. کمک و توفیق الهی یار این ملت و دعای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه پشتیبان آنان باد.

سید علی خامنه‌ای ۲۲ بهمن/۱۳۸۸^۱

نقش علما در شکلگیری حماسه‌ی ۹ دی و بیست و دوم بهمن ۸۸

حضور مردم در حوادث بزرگ و مهم و اعلان موضعی که میکنند- مثل راهپیمایی مهم بیست و دوم بهمن، که واقعاً یک پدیده‌ی عظیمی بود در تاریخ انقلاب در این شرایط و با این اوضاع و احوال؛ و قبل از آن، حضور مردم در خیابانها در سراسر کشور در نهم دی- بدون اینکه علما و راهنمایان معنوی مردم که مورد اعتماد آنها هستند، دلهای مردم را به حقایق این انقلاب متوجه کنند، میسر نمیشد. نقش علمای دین در هدایت مردم، منحصر نمیشود به هدایت در امور فرعی و مسائل شخصی و اینها. مهمترین از همه‌ی اینها، هدایت مردم است در مسأله‌ی عظیم اجتماعی و مسأله‌ی حکومت و مسأله‌ی نظام اسلامی و وظایفی که مترتب بر این هست در مقابله‌ی با حوادث جهانی. یقیناً اگر نقش علمای دین و راهنمایان روحانی حذف میشد و وجود نمیداشت، این انقلاب تحقق پیدا نمیکرد؛ این نظام بوجود نمی‌آمد و باقی نمیماند، با این همه مشکلات فراوانی که در سر راه این انقلاب بوجود آوردند. بنابراین علمای دین- که از جمله‌ی برترین آنها، مجموعه‌ی خبرگان هستند- تأثیر ماندگار و مستمری در حوادث جامعه و سرنوشت جامعه دارند؛ که خوب، آثارش را بحمدالله میبینیم.^۲

۱. پیام تشکر و قدردانی رهبر انقلاب اسلامی از حضور دهها میلیونی ملت شگفتی‌آفرین ایران در راهپیمایی ۲۲ بهمن ۱۳۸۸/۱۱/۲۲.

۲. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۱۲/۶.

بخش سوم
بیانات سال ۸۹ درباره‌ی فتنه و
حماسه‌ی نه دی



حضور میلیونی ملت در پای صندوقهای رأی؛ عامل شکست نقشه‌ی دشمن

سال ۸۸، سال ملت ایران بود؛ سال پیروزی ملت ایران بود؛ سال حضور نمایان ملت ایران در عرصه‌های عظیم زندگی در نظام اسلام و در کشورمان بود. یکجا در بیست و دوّم خرداد چهل میلیون نفر پای صندوقهای رأی آمدند؛ یعنی هشتاد و پنج درصد شرکت مردم در انتخابات؛ این چیز بسیار مهمی است. یقیناً حضور مردم در مشروعیت یک نظام نقش دارد. آن کسانی که در غرب، مشروعیت خودشان را اساساً ناشی از حضور مردم میدانند و هیچ عامل دیگری را در آن دخیل نمیدانند، آنها یک چنین حضوری را الان ندارند. در حدود زمان انتخابات ما، در کشور انگلیس انتخاباتی برگزار شد با حضور تقریباً سی درصد کسانی که میتوانند رأی بدهند. هشتاد و پنج درصد کجا، سی درصد کجا؟! این حرکت مردمی، این حضور مردمی خیلی اهمیت دارد. تحلیلگران و مفسران سیاسی مسائل دنیا از این چیزها به آسانی نمیگذرند. ممکن است در مطبوعاتشان این را منعکس نکنند؛ ممکن است سیاستمدارها در حرفهایشان که تبلیغ میشود، این را بر زبان نیاورند و کتمان کنند؛ اما در دلشان مؤثر است، میفهمند.

این ملت پای حرف خود ایستاده است. این یک حرکت عظیم بود از

ملّتان. ملّت توانستند در تاریخ کشور این را ثبت کنند که بعد از گذشت سی سال از استقرار نظام اسلامی-که نظامی بر پایه‌ی اسلامیّت و جمهوریت است و اینها از هم تفکیک ناپذیرند؛ آنهایی که این دورا از هم تفکیک میکنند، جمهوری اسلامی را نشناختند- آنچنان پابند به مبانی این نظام هستند که در یک انتخاباتی با این شور و شوق، با این عظمت شرکت میکنند. خوب، این یک حرکت عظیم مردمی بود. در قبال این حرکت، دشمنان ملّت ایران نقشه‌هایی داشتند؛ این نقشه‌ها را شروع کردند به عمل کردن. اگر حضور شما مردم در انتخابات بیست و دوی خرداد سال ۸۸ یک حضور ضعیفی بود، اگر به جای چهل میلیون، مثلاً سی میلیون شرکت کرده بودید، به احتمال زیاد دشمنان شما موفق میشدند.

خشونت بعد از انتخابات؛ از نقشه‌های دشمن برای شکست حکومتها

نقشه‌هایی از پیش طراحی شده بود. من کسی را متّهم نمیکنم؛ اما هندسه‌ی کار دشمن را میشناسم، میبینم، آن را تشخیص میدهم؛ نمیتوانم آن را انکار کنم. هندسه‌ی کار دشمن، یک هندسه‌ی مشخصی بود. نظیر این کار را در جاهای دیگر هم کردند. وقتی قدرتهای مستکبر بین‌المللی از یک نظامی ناراضی و ناخشنود باشند، یکی از راههایی که یافتند و عمل کردند، این است که منتظر یک فرصت انتخابات بشوند، بعد در آن فرصت انتخابات، اگر کسانی که مورد رضای آنها نیستند، بر سر کار آمدند و آنهایی که آنها میخواهند، بر سر کار نیامدند، آن وقت با یک حرکت نمایشی مردمی، اوضاع را برگردانند؛ با شعارهایی گروهی از مردم را توی صحنه بکشاند، با فشار در صحنه‌ی خیابانها، آن چیزی را که با قانون به دست آمده است، با خشونت دگرگون کنند. این یک نقشه‌ی شناخته‌شده است. اگر ملاحظه میکنید که حوادثی که بعد از انتخابات پیش آمد، در ذهن مردم، در ذهن تحلیلگران مستقل و صادق و تیزبین، منتسب به عوامل خارجی و بیرونی

میشوند، ناشی از این است. اگر کسی هیچ خبری هم از پشت پرده نداشته باشد، اطلاعاتی که افراد صاحب اطلاع به دست می‌آورند، اگر این اطلاع هم در دسترس نباشد، انسان شکل کار را که نگاه میکند، میفهمد که این کار، کار دشمنان ملت است؛ کاریگانگان است. انتخاباتی انجام میگیرد، یک حرکت قانونی اتفاق می‌افتد، یک نتیجه‌ای هم با خود به دنبال می‌آورد؛ این نتیجه را به زور خشونت بخواهند عوض کنند. یک عده‌ای را بکشند توی صحنه؛ احیاناً اگر اقتضاء شد، خشونت هم بکنند، آتش سوزی هم راه بیندازند، بانک هم آتش بزنند، اتوبوس هم آتش بزنند، برای اینکه نتایج قانونی را برگردانند. خوب، این حرکتی است که هم خلاف شرع است، هم خلاف قانون است. پیداست این حرکت، حرکت هدایت‌شده‌ای از طرف بیگانگان است. یک چنین اتفاقی را میخواستند در کشور پیش بیاورند.

آزمون مهمی بود برای کشور. من به شما عرض بکنم، آزمون مهمی بود؛ هم عبرتهای زیادی داشت، هم درسهای زیادی داشت؛ و در این آزمون، ملت ایران پیروز شد. آنها میخواستند مردم را تقسیم کنند به یک گروه اقلیت، به یک گروه اکثریت؛ یک گروهی که برنده‌ی انتخابات است، یک گروه هم که در انتخابات به نتیجه‌ی مطلوب خود دست پیدا نکرده، اینها را در مقابل هم قرار بدهند. ملت را دوپارچه کنند؛ یک عده اغتشاشگر هم وارد میدان بشوند و با ایجاد اغتشاش، جنگ را در داخل کشور مغلوبه کنند، جنگ داخلی راه بیندازند؛ امیدشان این بود. اما ملت هوشیاری به خرج داد. شما دیدید در روز انتخابات، مردم به دو گروه سیزده چهارده میلیونی و بیست و چهار پنج میلیونی تقسیم شدند؛ اما بعد از گذشت مدتی نه چندان بلند، همین دو گروه با هم یکی شدند و در مقابل شورشگران و اغتشاشگران و خرابکاران ایستادند. بیداری ملت را انسان اینجا میشود بفهمد.

میخواستند بین مردم اغتشاش ایجاد کنند. بدخواهانی که سی سال است علیه این انقلاب و علیه این مردم هرکاری توانستند، کردند، اینها هم

فرصت را مغتنم شمردند و با تبلیغاتِ خودشان وارد میدان شدند. بیش از این، کاری نمیتوانستند بکنند. اگر آمریکاییها و انگلیسیها و صهیونیستها میتوانستند نیرو وارد خیابانهای تهران بکنند، یقین بدانید میکردند. اگر برایشان امکان داشت که با حضور وابستگان و مزدوران خودشان از خارج، عرصه را آنچنان که میخواهند، هدایت کنند، میکردند. منتها میدانستند که این کار به ضررشان تمام میشود. تنها کاری که میتوانستند بکنند، این بود که در صحنه‌ی تبلیغات، در صحنه‌ی سیاست جهانی، از آشوبگر، از اغتشاشگر حمایت کنند. رؤسای جمهور کشورهای مستکبر در این قضیه وارد میدان شدند؛ اغتشاشگران خیابانی و خرابکارانی را که با آتش زدن میخواهند موجودیت خودشان را نشان بدهند، ملت ایران نامیدند؛ شاید بتوانند اوضاع را آنچنان که طبق میل خودشان است، در افکار عمومی دنیا و کشورمان تصویر و ترسیم کنند؛ اما شکست خوردند.^۱

نهم دی و ۲۲ بهمن ۸۸؛ قویترین و آخرین ضربه بر فتنه

قویترین و آخرین ضربه را ملت در روز نهم دی و بیست و دوی بهمن وارد کرد. کار ملت ایران در بیست و دوم بهمن، کار عظیمی بود؛ ۹ دی هم همینجور. یکپارچگی ملت آشکار شد. همه‌ی کسانی که در عرصه‌ی سیاسی به هر نامزدی رأی داده بودند، وقتی دیدند دشمن در صحنه است، وقتی فهمیدند اهداف پلید دشمن چیست، نسبت به آن کسانی که قبلاً به آنها خوشبین هم بودند، تجدید نظر کردند؛ فهمیدند که راه انقلاب این است، صراط مستقیم این است. در بیست و دوی بهمن، ملت همه با یک شعار وارد میدان شدند. خیلی تلاش کردند، شاید بتوانند بین ملت دوستگی ایجاد کنند؛ اما نتوانستند؛ و ملت ایستاد؛ این پیروزی ملت بود. از بیست و دوم خرداد تا بیست و دوم بهمن - هشت ماه - یک فصل پرافتخار و پر عبرتی برای ملت ایران بود؛ این یک درس شد. آگاهی جدیدی بوجود

۱. در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۹/۱/۱.

آمد. فصل تازه‌ای در بصیرت ملت ایران گشوده شد. این یک زمینه‌ی بسیار مهمی است. باید بر اساس این زمینه، حرکت کنیم.^۱

نه‌دی؛ عامل تقویت جمهوری اسلامی

همه، بخصوص جوانهای عزیز ما این را بدانند؛ آنچه که بعد از رحلت امام تا امروز اتفاق افتاده است، از دشمنیها، کارشکنیها، هرکاری که کردند، از هر نوعی که انجام دادند، نتوانسته است در پایه‌های این نظام اندک تزلزل و تکانی ایجاد کند؛ بلکه بعکس، هر ضربه‌ای که دشمن حواله‌ی جمهوری اسلامی کرده است، در نتیجه به استحکام بیشتر جمهوری اسلامی انجامیده است؛ درست مثل هشت سال جنگ تحمیلی... امروز هم همین‌جور است. هر اتفاقی که دشمنان برنامه‌ریزی کنند، افراد ساده‌دل و خام و غافل به هر نحوی با دشمنان همراهی کنند، با ایستادگی ملت ایران، نتیجه‌اش تقویت بیشتر جمهوری اسلامی است.

شما دیدید فتنه‌ای بوجود آمد، کارهایی شد، تلاشهایی شد، آمریکا از فتنه‌گران دفاع کرد، انگلیس دفاع کرد، قدرتهای غربی دفاع کردند، منافقین دفاع کردند، سلطنت‌طلبها دفاع کردند؛ نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که در مقابل همه‌ی این اتحاد و اتفاق نامیمون، مردم عزیز ما، ملت بزرگ ما در روز نهم دی، در روز بیست و دوی بهمن، آنچنان عظمتی از خودشان نشان دادند که دنیا را خیره کرد.

نقش تقوا در آسیب‌ناپذیر شدن ملت

ایران امروز، جوان امروز، تحصیل‌کرده‌ی امروز، ایرانیان امروز، آنچنان وضعیتی دارند که هر توطئه‌ای را دشمن علیه نظام جمهوری اسلامی زمینه‌چینی کند، به توفیق الهی توطئه را خنثی میکنند. منتها توجه داشته باشید؛ باید تقوا پیشه کنیم. آنچه ما را قوی میکند، تقواست؛ آنچه ما را

۱. همان.

آسیب‌ناپذیر میکند، تقواست؛ آنچه ما را به ادامه‌ی این راه تا رسیدن به اهداف عالیّه امیدوار میکند، تقواست.^۱

عفو فریب‌خوردگان فتنه

همزمان با ایام خجسته ولادت حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) رهبر معظّم انقلاب اسلامی با درخواست رئیس قوه قضائیه برای عفو و تخفیف مجازات هشتاد و یک نفر از محکومان محاکم عمومی و انقلاب که در قضایای پس از حماسه چهل میلیونی مردم در انتخابات سال گذشته، بازداشت و از کرده خود پشیمان شده و درخواست عفو کرده‌اند موافقت نمودند.

متن نامه آیت‌الله آملی لاریجانی به این شرح است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محضر مبارک رهبر معظّم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (ادام‌الله‌ظله الوارف)

با اهدای سلام و تحیات و با عرض تبریک فرا رسیدن ایام ولادت با سعادت دخت گرامی نبی مکرم اسلام (ص) و تقارن این عید خجسته با ولادت حضرت امام خمینی (ره)، با گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی، پایه‌های نظام اسلامی آنچنان مستحکم و ریشه در اعماق انسانهای مؤمن دوانیده که بفضل الهی و با رهبری ولیّ فقیه و حمایت بی‌دریغ امت، بر همه توطئه‌ها و مشکلات فائق آمده و صراط تعالی را میپیماید.

در سال گذشته در دهمین انتخابات ریاست جمهوری، مردم دینمدار و انقلابی حماسه‌ای دیگر آفریدند و جلوه‌ای از دموکراسی واقعی و مردمسالاری دینی را در ایران اسلامی به نمایش گذاشته و علی‌رغم تبلیغات گسترده دشمنان و بدخواهان، با حضور چهل میلیونی در انتخاباتی کم‌نظیر و در کمال آزادی

۱. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی (ره) در بیست و یکمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۹/۳/۱۴.

شرکت کرده و با اکثریت قاطع فرد مورد نظر خود را انتخاب کردند. این نمایش عظیم ملت و حماسه بزرگ بر دشمنان گران آمده و در صد تلیخ کردن کام مردم برآمدند و با پیوند جریانهای ضد انقلاب داخل و خارج و حمایت همه جانبه دشمنان قسم خورده دست به فتنه‌گری و ناامنی زدند و عده‌ای غافل و بی‌بصیرت هم اگرچه با انگیزه‌های متفاوت، آتش این فتنه را شعله‌ورتر کردند و با هنجارشکنی و زیر پا گذاشتن قانون برای مردم و نظام زحمت ایجاد کردند و مال و جان مردم را مورد تعرض قرار دادند که حسب وظیفه دستگاههای امنیتی، انتظامی و قضایی با فتنه‌گران و قانون‌شکنان و عوامل ناامنی برخورد کردند.

با روشن شدن ماهیت فتنه و برملا شدن نقشه دشمنان عده‌ای از این افراد فریب خورده به خود آمده و از کرده خود پشیمان و اظهار ندامت و درخواست عفو دارند. در اجرای بند ۱۱ از اصل قانون اساسی به شرح لیست پیوست، صورت اسامی ۸۱ نفر از محکومان محاکم عمومی و انقلاب مورد بررسی واقع و واجد شرایط لازم جهت برخورداری از عفو و یا تخفیف مجازات تشخیص داده شده‌اند که در صورت تصویب مقام عالی اقدام میگردد.

والامر الیکم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
صادق لاریجانی

پاسخ حضرت آیت الله خامنه‌ای به درخواست رئیس قوه قضائیه به این شرح است:

بسمه تعالی

با سلام و تبریک با پیشنهاد جناب عالی موافقت میشود.

والسلام علیکم ورحمة الله

سید علی خامنه‌ای

۱۲/ خرداد ماه / ۱۳۸۹^۱

۱. موافقت با عفو و تخفیف مجازات تعدادی از محکومین قضایی پس از انتخابات ۱۲/۳/۱۳۸۹.

ضربه‌ی سخت فتنه ۸۸ به کشور

این سالی که بر دولت دهم گذشت، سال خیلی سختی بود و انصافاً تلاشی که در این مدّت از سوی مسؤولین و دست‌اندرکاران در قوه‌ی مجریه نشان داده شد، تلاش باارزشی بود؛ حقّاً و انصافاً تلاش مأجور و مشکوری بود. این سال، هم از لحاظ سیاسی و امنیتی سال دشواری بود، هم از لحاظ تأثیر جریانهای بیگانه بر برخی از بخشهای کشور، مثل اقتصاد و فرهنگ و غیره. کسانی که فتنه‌ی سال ۸۸ را شروع کردند- حالا یا خودشان طراحان کرده بودند، یا دیگران طراحان کرده بودند؛ نمیخواهیم نسبتی بدهیم، ولی به هر حال این فتنه طراحان شده بود- به کار کشور ضربه‌ی سختی زدند. اگر این فتنه نبود، بلاشک کارهای گوناگون کشور بهتر پیش میرفت. اینها دشمنان را امیدوار کردند و روحیه دادند به کسانی که علیه نظام اسلامی جبهه‌بندی کرده‌اند و یک جبهه‌ای تشکیل داده‌اند.^۱

واکسینه شدن کشور با گذر از فتنه‌ی ۸۸

بدون تردید دشمن در جدا کردن مردم از نظام اسلامی شکست خورده است. سال گذشته در انتخابات، چهل میلیون مردم کشور پای صندوقهای رأی رفتند. در واقع یک رفراندوم چهل میلیونی به نفع نظام جمهوری اسلامی و به نفع انتخابات انجام گرفت؛ همین بود که دشمن را عصبانی کرد. خواستند با فتنه اثر آن را از بین ببرند، اما این را هم نتوانستند انجام دهند. مردم در مقابل فتنه هم ایستادند. فتنه‌ی سال ۸۸ کشور را واکسینه کرد؛ مردم را بر ضد میکروبهای سیاسی و اجتماعی‌ای که میتواند اثر بگذارد، مجهز کرد؛ بصیرت مردم را بیشتر کرد.^۲

سخنان دلسردکننده‌ی برخی از خواصّ تأثیرپذیر از تبلیغات دشمن امروز اگر به تبلیغات دشمن نگاه کنید، میبینید اگر در مسائل اقتصادی

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۹/۶/۸.

۲. در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۸۹/۷/۲۷.

اظهار نظر میکنند، همه‌ی حرفشان این است که بن بست است، گره ناگشودنی است، اشکالات فراوان است، فردا چنین خواهد شد. یک عده‌ای هم این مسائل را باور میکنند و همانها را در داخل تکرار میکنند. قبل از شروع انتخابات و آن قضایای فتنه، بعضی از کسانی که بعداً امتحان خودشان را در فتنه دادند، به ما مراجعه میکردند که آقا سال آینده، سال سختی است. یعنی همان سال ۸۸- از لحاظ اقتصادی چنین است، چنان است؛ فضا را تنگ، تاریک، مشکل، غیر قابل عبور جلوه میدادند؛ مسؤولین را یک جور میخواستند دلسرد کنند، مردم را یک جور. این تبلیغات نشانه‌ی این است که آنها از این حرکت عظیم و پرشتاب مسؤولین و مردم عقب ماندند. پس اگر چنانچه این جهتگیری دشمن دانسته شد، نگاه انسان به واقعیت، نگاه درستی خواهد شد؛ نگاه نافذی خواهد شد.

یا در زمینه‌ی سیاست خارجی، سیاست بین‌المللی، در بعضی از همین مطبوعات خودمان هم شما دیدید؛ در اظهارات سال گذشته‌ی بعضی از اصحاب فتنه هم مشاهده کردید؛ هی تکرار میکردند که آقا ما در دنیا ذلیل شدیم، جمهوری اسلامی در دنیا بی‌آبرو شده، بی‌ارزش شده، چه شده، چه شده. امروز وقتی به واقعیت نگاه میکنیم، میبینیم روزه‌روز آبروی جمهوری اسلامی در میان ملت‌های گوناگون دنیا- مسلمان و غیر مسلمان- افزایش پیدا کرده است. دشمنان ملت ایران این را میدانند، میفهمند، احساس میکنند؛ البته کتمان میکنند.^۱

شروع فتنه‌ها از مخلوط شدن باطل با حق

یک نکته‌ی اساسی این است که باطل در مقابل انسان همیشه عریان ظاهر نمیشود تا انسان بشناسد که این باطل است؛ غالباً باطل با لباس حق یا با بخشی از حق وارد میدان میشود. امیرالمؤمنین فرمود:

۱. در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲.

«آما بدء وقوع الفتن اهواء تتبع واحكام تبندع يخالف فيها كتاب الله»، بعد تا میرسد به اینجا:

«فلوان الباطل خالص من مزاج الحق لم يخف على المرتادين ولوان الحق خالص من لبس الباطل انقطعت عنه السن المعاندين»؛ اگر باطل و حق صریح و بی شائبه وسط میدان بیابند، اختلافی باقی نمی‌ماند؛ همه حق را دوست دارند، همه از باطل بدشان می‌آید؛ «ولیکن یؤخذ من هذا ضعف و من ذاك ضعف فیمزجان فحینئذ یشبهه الحق علی اولیائه». بخشی از حق را با بخشی از باطل مخلوط میکنند، نمی‌گذارند صرف باطل و صریح باطل باشد؛ لذا مخاطبان دچار اشتباه میشوند؛ این را باید خیلی مراقبت کرد. امروز در تبلیغات جهانی، همه‌ی تکیه بر روی این است که حقایق را در کشور شما، در جامعه‌ی شما، در نظام اسلامی شما دگرگون جلوه دهند؛ امکانات تبلیغاتیشان هم فراوان است، بطور دائم هم مشغولند. البته افرادی هم هستند که بعضی دانسته، بعضی ندانسته، در داخل، همان حرفها را تکرار میکنند و همانها را بازتاب میدهند.

کافی نبودن بصیرت برای موقّقیّت

خوب، یک نکته‌ای در اینجا وجود دارد: گاهی بصیرت هم وجود دارد، اما در عین حال خطا و اشتباه ادامه پیدا میکند؛ که گفتیم بصیرت شرط کافی برای موقّقیّت نیست، شرط لازم است. در اینجا عواملی وجود دارد؛ یکی اش مسأله‌ی نبود عزم و اراده است. بعضیها حقایقی را میدانند، اما برای اقدام تصمیم نمی‌گیرند؛ برای اظهار تصمیم نمی‌گیرند؛ برای ایستادن در موضع حق و دفاع از حق تصمیم نمی‌گیرند. البته این تصمیم نگرفتن هم عللی دارد: گاهی عافیت طلبی است، گاهی تنزه طلبی است، گاهی هوای نفس است، گاهی شهوات است، گاهی ملاحظه‌ی منافع شخصی

خود است، گاهی لجاجت است. یک حرفی را زده است، میخواهد پای این حرف بایستد، به خاطر اینکه ننگش میکند از حرف خودش برگردد؛ که فرمود: «لعن الله اللّجاج»؛ لعنت خدا بر لجاجت. افرادی هستند اطلاع هم دارند، واقعیت را هم میدانند؛ درعین حال کمک میکنند به جهتگیریهای مخالف، جهتگیریهای دشمن. خیلی از این کسانی که پشیمان شدند و راه را برگشتند، یک روزی به شکل افراطی انقلابی بودند؛ اما یک روز شما میبینید درست در نقطه‌ی مقابل آن روز ایستاده‌اند و در خدمت ضدّ انقلاب قرار گرفته‌اند! این به خاطر همین عوامل است؛ هواهای نفسانی، شهوات نفسانی، غرق شدن در مطالبات مادی. عامل اصلی اینها هم غفلت از ذکر پروردگار، غفلت از وظیفه، غفلت از مرگ، غفلت از قیامت است؛ اینها موجب میشود که بکلی صد و هشتاد درجه جهتگیریشان عوض شود.

فریب خوردن برخی در جریان فتنه

البته بعضی هم اشتباه میکنند. نمیشود همه را مقصّر دانست. ما بعضیها را دیدیم که کسانی آمدند به عنوان هدیه، به عنوان اظهار ارادت، به اینها پول دادند؛ اینها هم پول را گرفتند، نفهمیدند اسم این رشوه است. آنچه که در عالم واقع اتفاق می‌افتد، شبیه یکدیگر است؛ منتها متفطن شدن به اینکه اسم این رشوه است یا نه، مهم است. شما که یک جایی قرار داری که میتوانی یک کاری را بر طبق میل او انجام دهی، او می‌آید اینجور دستت را هم میبوسد و به شما پول میدهد. خوب، این اسمش رشوه است؛ رشوه‌ی حرام همین است.

در قضایای فتنه هم همینجور. بعضی در این فتنه و در این جنجال وارد شدند، نفهمیدند اسم این براندازی است؛ نفهمیدند این همان فتنه است که امیرالمؤمنین فرمود:

«فی فتن داستهم بأخافها ووطئتهم بأظلافها وقامت علی سناپکها»^۱ فتنه خرد و نابود میکند کسانی را که زیر دست و پای فتنه قرار بگیرند. آنها نفهمیدند این فتنه است. یک حرفی را یکی گفت، اینها هم تکرار کردند. پس نمیشود همه را محکوم به یک حکم دانست. حکم معاند متفاوت است با حکم غافل. البتّه غافل را هم باید بیدار کرد.^۲

جوانان؛ در خطّ مقدّم مقابله‌ی با فتنه‌ها

امروز به توفیق الهی، به حول و قوه‌ی الهی جوانها حاضرند، در صحنه‌اند؛ این خیلی چیز مهمّ و بزرگی است. شما جوانها خطّ مقدم این حرکت هستید؛ هم در میدانهای سیاسی، هم در میدانهای اقتصادی، هم در میدانهای علم.

در میدان سیاسی، فتنه‌ی سال ۸۸ را جوانهای ما خواباندند. بیش از عوامل گوناگون دیگر، جوانهای ما، همین شما دانش‌آموزها، همین شما دانشجوها نقش داشتید؛ و الا فتنه، فتنه‌ی بزرگی بود.

تسخیر ایران؛ توطئه‌ی بزرگ در پس فتنه‌ی سال ۸۸

من به شما عرض کنم؛ چند سالی که بگذرد، آن وقت قلمهای بسته‌شده‌ی آگاهان بین‌المللی روان خواهد شد، باز خواهد شد، خواهند نوشت. ممکن است من آن روز نباشم، اما شماها هستید؛ خواهید شنید، خواهید خواند که چه توطئه‌ی بزرگی پشت فتنه‌ی سال ۸۸ بود. این فتنه خیلی چیز مهمّی بود، قصدشان خیلی قصد عجیب و غریبی بود؛ در واقع میخواستند ایران را تسخیر کنند. اینهایی که عامل فتنه بودند. توی خیابان، یا بعضی از سخنگویانشان. اغلب ندانسته وارد این میدان شده بودند؛ اما دستهایی اینها را هدایت میکرد، نمیفهمیدند. حالا اینکه چطور

۱. نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۲.

۲. دردیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۱۳۸۹/۸/۴.

بعضیها وارد این میدان شدند، چطور ندانسته به دشمن کمک کردند، خودش تحلیلهای دقیق روانشناختی دارد؛ اما واقعیت قضیه این است که عرض کردم. این مسأله خیلی کار بزرگی بود؛ این کار را شما جوانها به سامان رساندید. توی صحنه بمانید عزیزان من! کشور مال شماست.^۱

کسب توانایی تازه توسط ملت ایران بعد از پیروزی در فتنه

در سال گذشته ملت ایران از یک امتحان عبور کرد، از یک فتنه عبور کرد. این معنایش فقط این نیست که حالا همه فهمیدند ملت ایران قوی است؛ بلکه معنای مهمتر آن این است که با این حرکت، با این قدرت بر عبور از فتنه و محنت، این ملت یک وضع جدیدی پیدا کرد؛ یک توانایی تازه‌ای در او بوجود آمد. تمام طول عمر انسان، قدم به قدم امتحانهاست. اگر ما بتوانیم بر هوای نفس خود غالب بیاییم، بتوانیم بصیرت خود را به کار بگیریم، بتوانیم موقع را بشناسیم، بدانیم کار لازم چیست و آن را انجام دهیم، این در ما یک مرتبه‌ی جدیدی از حیات بوجود می‌آورد؛ این یک تعالی است، یک ترقی است.^۲

رسالت‌های ملی و جهانی ملت ایران

ما باید این راه را طی کنیم. ما باید همت کنیم. ما باید مناسبات غلطی را که موجب عقب ماندگی ملتها و از جمله ملت خود ما شده است، عوض کنیم و تغییر دهیم. ما باید عقب ماندگیهای گذشته را جبران کنیم. همه‌ی اینها نیاز دارد به همت، نیاز دارد به عزم، نیاز دارد به امید. اگر یک ملتی امید خود به آینده را از دست داد، یا همت او در باز کردن راهها و پیش رفتن به سمت هدفها سست شد، این ملت عقب خواهد ماند؛ پیشرفت نخواهد

۱. در دیدار دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان ۱۳۸۹/۸/۱۲.

۲. در دیدار مردم اصفهان در روز عید قربان و در سالروز ۲۵ آبان ۱۳۶۱؛ تشییع پیکرهای مطهر ۳۷۰ شهید استان اصفهان ۱۳۸۹/۸/۲۶.

کرد؛ سلطه‌گران عالم بر او مسلط خواهند شد؛ عزت خود را از دست خواهد داد. ملت ایران احتیاج دارد به اینکه این همت را مستمراً در کار خود حفظ کند، این عزم و اراده را حفظ کند، این امید را روزبه‌روز افزایش دهد؛ و این در کشور ما موجود است. بحمدالله مردم ما این را دارند و نشان داده‌اند؛ لذا ما در این سی سال بمراتب بیشتر از آنچه که یک ملت درسی سال میتواند رشد کند و پیش برود، جلورفته‌ایم؛ این را دشمنان ما هم اعتراف میکنند. ولی شعار ما، شعار جهانی است. شعارهای ما، شعارهای ناظر به بشریت است؛ شعارهای ما ناظر به قطع دست مستکبران بطور کامل از کشور ما و ملت ماست؛ مستکبران این را تحمل نمیکند، لذا توطئه میکنند.^۱

توطئه‌ها برای مقابله با جهانی شدن پیام جمهوری اسلامی

شعارهای ما، شعارهای ناظر به بشریت است؛ شعارهای ما ناظر به قطع دست مستکبران بطور کامل از کشور ما و ملت ماست؛ مستکبران این را تحمل نمیکند، لذا توطئه میکنند. فتنه‌ی سال گذشته جلوه‌ای از توطئه‌ی دشمنان بود؛ فتنه بود.^۲

نهم دی؛ مشیت محکم به دهان فتنه‌گران

فتنه‌ی سال گذشته جلوه‌ای از توطئه‌ی دشمنان بود؛ فتنه بود. فتنه یعنی کسانی شعارهای حق را با محتوای صددرصد باطل مطرح کنند، بیاورند برای فریب دادن مردم. اما ناکام شدند. هدف از ایجاد فتنه، گمراه کردن مردم است. شما ملاحظه کنید؛ مردم ما در مقابله‌ی با فتنه، خودشان به بی‌خاستند. نهم دی درست‌اسر کشور مشیت محکمی به دهان فتنه‌گران زد.^۳

۱. در دیدار هزاران نفر از مردم استان گیلان ۱۳۸۹/۱۰/۸.

۲. همان.

۳. همان.

خودجوش بودن نه دی؛ دلیل هوشیاری مردم

این کار را خود مردم کردند. این حرکت ـ همانطوری که گویندگان و بزرگان و همه بارها گفته‌اند ـ یک حرکت خودجوش بود؛ این خیلی معنا دارد؛ این نشانه‌ی این است که این مردم بیدارند، هشیارند.^۱

پیام ۹ دی برای دشمنان

دشمنان ما باید این پیام را بگیرند. آن کسانی که خیال میکنند میتوانند میان نظام و میان مردم جدایی بیندازند، ببینند و بفهمند که این نظام، نظام خود مردم است، مال مردم است. امتیاز نظام ما به این است که متعلق به مردم است. آن کسانی که با همه‌ی وجود نظام جمهوری اسلامی را و اسلام را و این پرچم برافراشته را در این کشور نگه داشته‌اند، در درجه‌ی اول خود مردمند؛ دشمنان ما این را بفهمند. سردمداران دولتهای مستکبر ـ و در رأس آنها آمریکا ـ علیه ملت ما حرف میزنند، توطئه میکنند، گاهی شعار میدهند، گاهی اظهارات مزورانه میکنند، گاهی صریحاً دشمنی میکنند، گاهی در لاف‌ها میبرند؛ اینها همه برای این است که تحلیل درستی از مسائل ایران و شناخت درستی از ملت ایران ندارند. ملت ما ملت بیداری است، ملت هشیاری است.^۲

گناه بزرگ فتنه‌گران؛ امیدوار کردن دشمن برای نفوذ

ملت عزیز ما باید آنچنان حرکت کند و آنچنان قله‌هایی را فتح کند که دشمنان از دست یافتن بر سرنوشت این ملت بکلی مأیوس شوند. باید دشمن را مأیوس کنید. وقتی دشمن مأیوس شد، یک ملت از شر او خلاص خواهد شد.

گناه بزرگی که برخی از دست‌اندرکاران فتنه‌ها در کشور انجام میدهند،

۱. همان.

۲. همان.

امیدوار کردن دشمن است؛ دشمن را امیدوار میکنند که میتواند منفذی در بین مردم، در بین عوامل گوناگون، در بین مسؤولان نظام بازکند. دشمن سال گذشته با کارهای اینها امیدوار شد؛ در حالی که آن انتخابات عظیم، آن حضور به آن عظمت، آن شرکت عظیم مردم در انتخابات، میتوانست کار را خیلی پیش ببرد و ملت ایران را در بسیاری از میدانهای سیاسی موفق کند. اینها ایجاد فتنه کردند؛ لذا دشمن که از حرکت عظیم مردم مأیوس میشد، امیدوار شد که بتواند به انقلاب صدمه و ضربه بزند.^۱

پیروزی ملت ایران در هشت‌ماه جنگ نرم سال ۸۸

چالش عظیمی بود: دشمن از آن طرف حمایت کند، کمک سیاسی بکند، اسم بیاورد. دشمن از فتنه‌گران اسم بیاورد. ملت ایران از این طرف با استحکام کامل در صحنه باشد. همان‌طور که ملت ایران در جنگ تحمیلی هشت سال از خود ابتکار نشان داد، شجاعت نشان داد، فداکاری نشان داد، در همه‌ی صحنه‌ها حاضر شد، در این جنگ نرم هم هشت ماه ملت ایران حقیقتاً از خود مهارت نشان داد. انسان وقتی به مسائل نگاه میکند و میخواهد از یک افق بالاتری مسائل را بررسی کند، متحیر میماند: این چه دست قدرت الهی است که اینجور دل‌های ما را، جانهای ما را به سمت اهداف خودش حرکت میدهد؟ کار خداست. خدا با شماست. این خداست که شما را هدایت میکند. این خداست که دل‌های من و شما را متوجه به راه درست میکند.^۲

نُه‌دی؛ از موارد جلب رحمت الهی

خوشبختانه جوانهای ما با دل‌های پاکشان، با دل‌های نورانشان، با حضورشان در مراسم گوناگون، رحمت الهی را جلب میکنند؛ یکی از موارد

۱. همان.

۲. همان.

جلب رحمت الهی، همین نُهَم دی بود. به برکت یاد حسین بن علی سید الشهداء (سلام الله علیه) مردم در صحنه آمدند و بساط فتنه‌گران را جمع کردند.^۱

دست قدرت الهی؛ عامل خنثی شدن فتنه‌ی ۸۸

ملت ایران در میدانهای گوناگون، کمک الهی را، حمایت الهی را لمس کرده است، حس کرده است؛ وقتی توی صحنه است، وقتی آماده‌ی مجاهدت است؛ در جنگ تحمیلی یک جور، در قضایای گوناگون یک جور، در تحریکات سیاسی و در فتنه‌ها یک جور. در همین فتنه‌ی سال ۸۸ دست قدرت الهی بود؛ مردم بیدار شدند، مردم وارد صحنه شدند و یک حرکت عظیم را خنثی کردند.

روشن نشدن زوایای پنهان فتنه‌ی ۸۸

هنوز خیلی جا وجود دارد برای تحلیل و تبیین و روشن کردن زوایا و ابعاد این فتنه‌ای که دشمن طرّاحی کرده بود. دشمن محاسبات خیلی دقیقی کرده بود؛ منتها خوب، محاسباتش غلط از آب درآمد؛ ملت ایران را نشناخته بود. دشمن در پشت صحنه، همه‌ی چیزها را مشاهده کرده بود.

گناه نامزدهای قانون‌شکن؛ خودداری نکردن از بازی در زمین دشمن این کسانی که شما بهشان می‌گویید سران فتنه، کسانی بودند که دشمن اینها را هل داد وسط صحنه. البته گناه کردند. نبایستی انسان بازیچه‌ی دشمن شود؛ باید فوراً قضیه را بفهمد. اگر اول غفلتی کرده است، وسط کار وقتی فهمید، بلافاصله بایستی راه را عوض کند. خوب، نکردند.

طرّاحی دشمن برای از بین بردن دین و نظام با شبیه‌سازی از انقلاب عامل اصلی دیگرانی بودند که طرّاحی کرده بودند، به خیال خودشان

محاسبه کرده بودند. به گمان آنها بساط جمهوری اسلامی بنا بود جمع شود؛ نه فقط حقیقت دین، حتی شعارهای دینی هم باقی نماند؛ برنامه این بود. طزاحی این بود که اگر توانستند قاعده‌ی دولت را به شکل مطلوب خودشان بچینند، که بعد از آن، راه حرکتشان روشن بود که چه کار میکردند؛ اگر هم قاعده‌ی حکومت و دولت طبق میل آنها چیده نشد و برایشان ممکن نشد، کشور را به آشوب بکشانند؛ با خیال خودشان - من یک وقتی گفتم - کاریکاتور انقلاب اسلامی را درست کنند؛ مثل سایه‌هایی که حرکت یک قهرمان را تقلید میکنند، ادای قهرمانها را، ادای انقلاب را در بیاورند؛ برنامه‌شان این بود. ملت ایران توی دهن اینها زد و بساط اینها را جمع کرد.

تقویت انقلاب و دین؛ جایزه‌ی پیروزی ملت در امتحان فتنه

امروز انقلاب، جمهوری اسلامی، ملت ایران، خط صحیح دین در این کشور، از پیش از قضایای سال گذشته بمراتب قوتراست، روشنتر است. علت همین است: خدای متعال هر امتحانی که میکند، یک نمره میدهد. وقتی در یک امتحانی، یک کسی، یک جمعیتی، یک ملتی قبول شدند، خدای متعال به اینها نمره میدهد؛ نمره این است که اینها را بالا می‌آورد. امتحانهای الهی اینجوری است. همینطور که اگر در امتحان بد عمل کنیم و امتحان را ببازیم، خدای متعال نمره‌ی مردودی میدهد و آن مردودی عبارت است از تنزل و انحطاط - انسان از آنی که بود، بدتر میشود - در قبولی هم همینجور است؛ ملتها را بالا میبرد.

در یک دوره‌ای مردم در یک امتحانی شکست خوردند، امیرالمؤمنین را در محراب عبادت به خون کشیدند. خوب، امتحان بدی بود. چرا باید وضع جامعه‌ای به آنجا برسد که کسی مثل آن مجسمه‌ی عدالت و معنویت و توحید، به دست اشقی الناس به خون کشیده شود؟ این نشاندهنده‌ی امتحان بدی بود که مردم دادند. وقتی این امتحان را دادند، مردود شدند؛

لذا خدا اینها را پایین آورد؛ کارشان به آنجا رسید که حسین بن علی را جلوی چشم آنها کشتند!

وقتی امتحان خوب بدهید، خدا شما را بالا میبرد. امروز خط اسلام، خط ایمان بالله، خط انقلاب در کشور و در میان ملت، خیلی قویتر، پرنرگتر و بالاتر است از آنچه که قبل از این فتنه بود. چرا؟ چون مردم، خوب امتحان دادند. این، نمره‌ی الهی است.

درسهای امتحان فتنه

این [امتحان فتنه] شد برای ما دستورالعمل. در همه‌ی قضایا باید اینجوری عمل کرد. باید درست دید، درست سنجید، درست محاسبه کرد. مواظب باشیم در تشخیص اشتباه نکنیم؛ قضایای اصلی را با قضایای فرعی جابه‌جا نکنیم؛ چیزهای بزرگ، حوادث بزرگ و مهم را کوچک نبینیم و در مقابل، حوادث کوچک را بزرگ بینگاریم؛ باید درست تشخیص بدهیم. این قدم اول. بعد هم احساس مسئولیت کنیم. یک ملت زنده، حیات طیبه‌اش این است. حیات طیبه‌ای که خدای متعال به مؤمنین وعده داده است. «فلنحیینه حیاةً طیبهً»^۱. یعنی این؛ یعنی همینطور روزه روز در امتحانهای گوناگون، حرکت کردن و پیش رفتن. آن کسانی که در خلال این راه از دنیا میروند، به لقاء الهی میرسند، مراتب بالای سعادت را دارند؛ آن کسانی هم که میمانند، همینطور در دنیا هم پیشرفت معنوی و مادی میکنند. پیشرفت مادی هم هست.^۲

ضرورت بیداری همگانی و فریب نخوردن از پیروزیها

البته باید بیدار باشیم. همه باید بیدار باشند. نمیخواهیم و نباید بالش نرم زیر سرمان بگذاریم، برای خودمان لالایی بخوانیم؛ هی بگوییم دشمن

۱. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۹۷.

۲. در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۸۹/۱۰/۱۹.

شکست خورد، دشمن ضعیف است، ما قوی هستیم؛ این نباید ما را به خواب ببرد. ما باید بیدار باشیم؛ همانطور که امیرالمؤمنین فرمود:

«وَأَنَّ أَحَارِبَ الْأَرْقِ وَمَنْ نَامَ لَمْ يَنْمِ عَنْهُ»^۱ وقتی درگیری دارید، باید بیدار باشید. درگیری به اختیار من و شما نیست. دشمن می‌خواهد درگیری داشته باشد؛ حالا درگیری سیاسی، درگیری امنیتی، درگیری اقتصادی. همه‌اش درگیری نظامی هم نیست. وقتی درگیری هست، باید بیدار بود. جوانها بیدار باشند، روحانیت بیدار باشد، دانشگاه بیدار باشد، مسؤولین کشور بیدار باشند. بیداری مسؤولین به این است که هر چه می‌توانند، به مردم خدمت کنند، کارکنند؛ و هر چه می‌توانند، این یکپارچگی را - که مثل خاری در چشم دشمنان است - حفظ کنند.^۲

نه دی؛ یوم‌الله به معنای حقیقی کلمه

البته خود غریبها اشتباهات سیاسی‌ای داشتند؛ این اشتباهات سیاسی هم به جمهوری اسلامی کمک کرد.

... در همین فتنه‌ی ۸۸ همین‌جور بود. جنجال کردند، هیاهو کردند، گفتند جمهوری اسلامی تمام شد رفت، اختلافات شد، چنین شد، چنان شد؛ بعد نگاه کردند، دیدند ملت ایران فائق آمد. ۹ دی ویست و دوی بهمن پارسال جزو ایام‌الله - به معنی حقیقی کلمه - بود. دلها دست خداست. خدای متعال این دلها را آورد وسط صحنه، ملت ایران عظمت خودش را نشان داد. هرکاری میکنند، به ضررشان تمام میشود. بعد از این هم همین‌جور خواهد بود. خب، این واقعیتی است که امروز در دنیا وجود دارد. چی می‌خواستند، چی شد!^۳

۱. نهج البلاغه، نامه‌ی ۶۲.

۲. در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۸۹/۱۰/۱۹.

۳. در خطبه‌های نماز جمعه تهران در سالروز شهادت حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)

۱۳۸۹/۱۱/۱۵.

بخش چهارم:
بیانات سال ۹۰ تا ۹۲ درباره‌ی فتنه
و حماسه‌ی نه‌دی



حضور مردم و آرزوهای خام دشمن در سالهای ۶۸، ۷۸ و ۸۸

من در اینجا، در جوار مرقد مطهر امام، در جوار ارواح طیّبه‌ی شهدایی که در این گلزار معنوی - بهشت زهرا - به خاک سپرده شده‌اند، شهادت میدهم که ملت ما این راه را خوب حرکت کرده است، راه امام را حفظ کرده است. من به چشم میبینم و میتوانم گواهی بدهم که جوانان انقلابی امروز ما، از جوانان انقلابی آغاز انقلاب، آگرازلحاظ ایمان و تقوا و استحکام عقیده بهتر نباشند، عقبتر نیستند. من از صمیم قلب و از بن دندان گواهی میدهم و اعتقاد دارم که بهترین نقش را مردم ایفاء کرده‌اند؛ ارزشها را نگه داشته‌اند، حفظ کرده‌اند و پای آن ایستاده‌اند؛ مردم بودند که نقشه‌های دشمنان ما را خنثی کردند.

نمیخواهم به تفصیل در این باره صحبت کنم؛ هم وقت نیست، هم شاید الان وقت این صحبت نیست؛ اما به اجمال و اشاره عرض میکنم که دشمنان ما تصوّر میکردند با رحلت امام، آغاز فروپاشی این نظام مقدّس کلید زده خواهد شد. آنها خیال میکردند امام که رفت، بتدریج این شعله خاموش خواهد شد، این چراغ خاموش خواهد شد. بعد، مراسم تشییع جنازه‌ی امام، آن احساسات مردم، آن حرکت عظیم مردم در حمایت از کاری که خبرگان کردند، اینها را مایوس کرد. یک برنامه‌ریزی ده‌ساله کردند. این

تحلیل من است، این به معنای اطلاع نیست؛ تحلیلی است که قرائن آن را برای ما اثبات میکند. ده سال بعد امیدوار بودند که نتیجه بدهد. سال ۷۸ که آن حوادث پیش آمد، آن کسی که این حوادث را خنثی کرد، مردم بودند. روزیست و سؤم تیر سال ۷۸ مردم آمدند در خیابانها، توطئه‌ی دشمن را که سالها برایش برنامه‌ریزی کرده بودند، در یک روز باطل کردند. آن روز گذشت. موج دوم، بازیگ برنامه‌ریزی ده‌ساله بود تا سال ۸۸. به نظرشان فرصتی به دست می‌آمد. به خیال خودشان زمینه‌ها را آماده کرده بودند. مطالباتی هم مردم داشتند. مردمی که وابسته‌ی به نظامند، وفادار به نظامند. فکر کردند از این مطالبات بتوانند استفاده کنند؛ لذا آن قضایای سال ۸۸ بوجود آمد. دوسه ماه تهران را متلاطم کردند. البته فقط تهران را. دوسه ماه توانستند دلها و ذهنها را به خودشان مشغول کنند. اینجا هم مردم آمدند توی میدان. بعد از آنکه باطنها ظاهر شد، در روز قدس مردم دیدند که اینها حرف دلشان چیست، در روز عاشورا فهمیدند که اینها عمق خواسته‌هاشان تا کجاست، مردم عزیز ما به میدان آمدند و حماسه‌ی ۹ دی را به راه انداختند. نه فقط در تهران، بلکه در سراسر کشور، میلیونها نفر در روز نهم دی، بعد هم بلافاصله در بیست و دوی بهمن آمدند توی میدان، غائله را ختم کردند. این، هنر مردم است. درود به مردم ایران. درود به ملت مؤمن و مبارز و بصیر و آگاه ایران. ان شاء الله به توفیق الهی، مردم همین راه را و همین خط را و همین آرمان را و همین عزم و همت را تا آخر ادامه خواهند داد.^۱

اعتماد مردم به نظام؛ علت حضور مردم در شه‌دی

من اینجا پنج شش نقطه را نوشتم، که اینها محصول یک حرکت مستمر به‌هم‌پیوسته‌ی نظام جمهوری اسلامی در طول سی و دو سال است، که البته فرازونشیب داشته است؛ یعنی بعضی سالها، بعضی دوره‌ها، بعضی

۱. در بیست و دومین سالگرد امام خمینی (ره) ۱۴/۳/۱۳۹۰.

دولتها بهتر، بعضیها عقب‌تر؛ لیکن مجموعاً در طول این مدت، ما این نقاط مثبت را داشتیم.

... دوم: اعتماد میان مردم و نظام. کمتر کشوری در دنیا وجود دارد که اعتمادی را که مردم ایران نسبت به نظام جمهوری اسلامی دارند، نسبت به نظام حکومتی خود داشته باشند. دلیل این اعتماد هم همین پدیده‌های روشنی است که جلوی چشم همه است. باز یک عده‌ای اینها را نمی‌بینند، می‌گویند: «ما از بی‌اعتمادی مردم می‌زنند؛ نخیر، مردم به نظام اعتماد دارند. یک دلیل، همین انتخابات دوسال قبل است که بیش از هشتاد درصد از مردمی که حق رأی داشتند و قادر به رأی دادن بودند، در انتخابات شرکت کردند. کجای دنیا چنین چیزی هست؟ یک نمونه، همین دوراهی‌های راهپیمایی است که ما هر سال داریم؛ راهپیمایی بیست و دوی بهمن و راهپیمایی روز قدس. این راهپیماییها مربوط به نظام است؛ مربوط به هیچ دولتی، مربوط به هیچ جریان خاصی نیست؛ مال نظام است. شما ببینید مردم در این حرکت عظیم چه میکنند؛ در سرمای بیست و دوی بهمن، در ماه رمضان با دهان روزه؛ چه اوقاتی که هوا سرد بود، چه حالا که هوا گرم است... این نشان دهنده‌ی علاقمندی و دلبستگی مردم به نظام است. اعتماد به نظام، از این بهتر و روشنتر نمیشود. این حضور، حضور بسیار پرمعنایی است. علاوه بر این، در موارد خاص، مثل نهم دی سال ۸۸، بمجرد اینکه مردم احساس کردند حرکتی که شروع شده است، متوجه به نظام است، متوجه به انقلاب است، متوجه به شخص خاص و دولت خاصی نیست، آن حرکت عظیم را از خود نشان دادند. اینجور نبود که فقط جوانهای پرشور به میدان بیایند؛ همه آمدند. حادثه‌ی نهم دی یک حادثه‌ی عجیبی است؛ به خاطر دلبستگی مردم به نظام بود. اینها نشان دهنده‌ی اعتماد مردم است. متأسفانه می‌شنویم همینطور در اظهارات مصلحت‌جویانه، مکرر می‌گویند: آقا اعتماد از دست رفته‌ی مردم را برگردانید! کدام اعتماد از دست رفته؟!»

مردم به نظام اعتماد دارند، نظام را دوست دارند، از نظام دفاع میکنند؛ اینها نمونه‌هایش بود که عرض کردیم.^۱

اراده و حضور مردم؛ عامل پیروزی نظام بر چالشها

ما وقتی تجربه‌ی سی و دو ساله‌ی انقلاب را بازخوانی میکنیم، ژرف ژرفایی حکمت امام و تدبیر امام را درمی‌یابیم؛ چرا؟ چون هر نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی، با این آرمانهای بلند، با این ضدیت و مخالفتی که با استکبار و بی‌عدالتی بین‌المللی دارد، با ایستادگی‌ای که در مقابل شیاطین قدرت در سرتاسر جهان دارد، دشمنهای گردن‌کلفتی دارد. چالش ایجاد میکنند، مشکل بوجود می‌آورند. اگر اینچنین نظامی بخواهد بماند، باید یک نیرو و ظرفیت عظیمی از او نگهبانی کند تا بتواند ایستادگی کند تا بتواند پیشرفت کند و متوقف نماند. در انقلاب اسلامی، با تدبیر امام - که از متن اسلام گرفته شده بود - این نیروی نگهبان عبارت است از اراده‌ی مردم، عزم مردم، حضور مردم. لذا نظام اسلامی چالشها را درنوردید و بر چالشها پیروز شد. به اطمینان کامل میشود گفت که جمهوری اسلامی تا امروز بر همه‌ی چالشهای سخت و نرم که در مقابل او قرار گرفت، پیروز شده است و به عون الهی، به فضل الهی، به هدایت الهی، بر هر چالش دیگری هم در آینده پیروز خواهد شد.^۲

شکست فتنه با حضور بی‌نظیر مردم در نه دی

یکی دیگر از چالشها - که البته این چالش پیچیده‌تری بود - چالشهای فتنه‌انگیزی بود که در فتنه‌ای مثل هجدهم تیر سال ۷۸ و فتنه‌ی سال ۸۸، با فاصله‌ی ده سال، اینها در تهران راه انداختند. امیدوار بودند که بتوانند با این فتنه، نظام را شکست بدهند؛ ضربه وارد کنند؛ اما بعکس شد. در

۱. در دیدار مسؤولان نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۶/۵/۱۳۹۰.

۲. در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه ۲۰/۷/۱۳۹۰.

فتنه‌ی هجدهم تیر، پنج روز بعد از اینکه فتنه‌گران فتنه‌ی خود را شروع کردند، مردم آن حرکت عظیم ۲۳ تیر را، نه فقط در تهران، بلکه در سایر شهرها به راه انداختند. در فتنه‌ی ۸۸، دوازده روز بعد از حوادث عاشورا، آن قضیه‌ی عظیم نهم دی به راه افتاد. همان وقت بعضی از ناظران خارجی که از نزدیک دیده بودند، در مطبوعات غربی نوشتند و ما دیدیم، که گفته بودند آنچه در نهم دی در ایران پیش آمد، جز در تشییع جنازه‌ی امام، چنین اجتماعی، چنین شوری دیده نشده بود. این را مردم کردند. حضور مردم اینجوری است.^۱

دست خدا در به میدان آمدن مردم در نه دی

همه می‌دانیم که دلها دست خداست. آورنده‌ی مردم به عرصه‌ی خیابانها و این حضور عظیم مردمی و جسم جامعه که روح خروشان آنها را خوب نشان میدهد. در مراسم گوناگون: مثل بیست و دو بهمن، مثل روز قدس و اخیراً در این دو سال، مثل روز نه دی. خدای متعال است؛ دست قدرت اوست؛ دلها دست اوست.

روح دیانت حاکم بر دلهای مردم؛ نکته‌ی اساسی نه دی

در قضیه‌ی ۹ دی سال هشتاد و هشت یک نکته اساسی است و آن نکته برمی‌گردد به هویت انقلاب و ماهیت انقلاب. یعنی همان روحی که حاکم بود بر اصل انقلاب ما و آن حضور عظیم بی‌نظیر تاریخی در سال پنجاه و هفت، همان روح در ماجرای ۹ دی نشان داده شد؛ کمالینکه در قضایای گوناگون دیگر هم نشان داده شده، لیکن در ۹ دی به شکل بارزی نشان داده شد؛ به طوری که جای انکار و تردید و تأمل برای هیچ کس از بدخواهان و دوستان و دشمنان و دیگران باقی نگذارد. آن روح چه بود؟ روح دیانت حاکم بر دلهای مردم بود.

۱. همان.

مردم و ایمان دینی مردم؛ حلال تمام مشکلات

پس اینجا ما دو تا عنصر در کنار هم داریم: یک عنصر، عنصر مردم است؛ که مردم در هر کشوری، در هر جامعه‌ای، اگر چنانچه همت کنند، بصیرت به خرج بدهند، عمل کنند و وارد میدان بشوند، میتوانند همه‌ی مشکلات را حل کنند. یعنی بزرگترین کوه‌ها در مقابل حضور مردم از بین میرود؛ میتوانند کوه‌های بزرگ را جابه‌جا کنند. این یک حقیقت آشکاری است که بسیاری از تحلیلگران اجتماعی در کشورهای اسلامی و دیگر کشورها آن را درست لمس نکردند، درک نکردند؛ ما این را لمس کردیم. هنر بزرگ امام بزرگوار ما هم همین بود.

من یک وقتی، پانزده سال، بیست سال پیش، به یکی از فعالان عرصه‌ی مبارزات ضد استعماری - که خب، آدم معروفی است؛ نمی‌خواهم اسم بیاورم - این را گفتم؛ اورفت بلافاصله این نسخه را عمل کرد. ما این را حس کردیم. گفتم هنر امام بزرگوار ما این بود که مردم را وارد صحنه کرد. مردم با جسمشان، با حضورشان آمدند و آنچه را که می‌خواستند، آنچه را که بر آن همت گماشته بودند، با حضور خودشان تثبیت کردند. همه‌ی موانع سیاسی و غیر سیاسی و استعمار و قدرتهای عظیم جهانی که بر امور ملت‌ها مسلطند، در مقابل این حادثه مجبورند عقب‌نشینی کنند. الان هم همین‌جور است. الان هم در هر نقطه‌ای از دنیا اگر ملت‌ها وارد میدان بشوند با یک هدف مشخص، با شعارهای مشخص و اگر آن ایمان راسخ در دل و همچنین عمل صالح در کنار این ایمان راسخ وارد میدان شود، هیچ مانعی در مقابل آنها قادر بر مقاومت نیست. این یک نسخه است؛ این نسخه را امام بزرگوار ما در انقلاب ما عمل کرد. خدای متعال به امام کمک کرد و در بیان او این نفوذ و تأثیر را قرار داد که در دل‌های مردم اثر گذاشت؛ مردم، مؤمن به آن راه و به آن هدف شدند و به دنبال این ایمان، عمل خودشان را انجام دادند. عمل صالح، یعنی همان عمل متناسب با ایمان. در همه‌جا همین‌جور است. لذا در اینجا کاری انجام گرفت که برای همه‌ی تحلیلگران سیاسی

جهانی غیر قابل باور بود و متحیر ماندند؛ هم قدرتمندان، هم حاشیه‌ها، هم دنباله‌ها، هم دامنه‌ها. بنابراین عنصر اول، عنصر حضور مردم است. عنصر دوم هم عنصر ایمان دینی مردم است. ایمان دینی، آن معجزه‌گری است که قادر است اولاً همه‌ی مردم را بسیج کند و بیاورد، ثانیاً آنها را در صحنه نگه دارد و ثالثاً سختیها را برای آنها هموار و آسان کند؛ هیچ ایمان دیگری این خصوصیت را ندارد. ایمان دینی میگوید شما اگر چنانچه فائق شدید و پیش بردید، پیروزید؛ اگر کشته هم شدید، پیروزید؛ اگر زندان هم افتادید، پیروزید؛ چون به وظیفه عمل کردید. وقتی کسی یک چنین اعتقاد و ایمانی داشت، دیگر شکست برایش معنا ندارد؛ لذا وارد میدان میشود. این همان عاملی است که در صدر اسلام هم اثر کرد، در انقلاب ما هم اثر کرد؛ ۹ دی این را نشان داد.

احساس وظیفه‌ی دینی و عمل صالح؛ دو علت حماسه‌ی نه‌دی

نه‌دی یک نمونه‌ای بود از همان خصوصیتی که در خود انقلاب وجود داشت؛ یعنی مردم احساس وظیفه‌ی دینی کردند و دنبال این وظیفه، عمل صالح خودشان را انجام دادند. عمل صالح این بود که توی خیابان بیایند، نشان بدهند، بگویند مردم ایران اینند. با این حرکت مردم، آن حجم عظیم تبلیغات دشمن که میخواست فتنه‌گران را مردم ایران معرفی کند و اینجور نشان بدهد که مردم ایران از انقلابشان، از نظامشان برگشتند، به کلی نقش بر آب شد؛ یعنی مردم نشان دادند که این، مردم ایران است. تحلیلگران خارجی وقتی نگاه کردند، گفتند از بعد از رحلت امام بزرگوار، یا شاید بعضی گفتند از بعد از حرکات اول انقلاب، هیچ اجتماعی با این بزرگی، با این تپش، با این شور و هیجان وجود نداشته، که مردم وارد میدان شدند. این، حقیقت ۹ دی است.

نُه دی؛ برهم‌ریزنده‌ی برنامه‌های گسترده دشمن

این حرکت، حرکت بزرگی بود و کار بزرگی هم انجام داد. جناب آقای جتئی درست اشاره کردند. فتنه‌ی هشتاد و هشت تنها آن چیزی نبود که توی خیابان بوسیله‌ی تعدادی آدم دیده شد؛ این یک چیز ریشه‌داری بود، یک بیماری عمیقی درست کرده بودند، اهدافی داشتند، زمینه‌ها و مقدمات فراوانی برایش چیده شده بود، کارهای بزرگی شده بود و هدفهای بسیار خطرناکی دنبال این کار بود، که با این برخوردهای گوناگون سیاسی و امنیتی و اینها حل نمیشد؛ یک حرکت عظیم مردمی لازم داشت؛ که این حرکت، حرکت ۹ دی بود؛ آمدند بساط فتنه و فتنه‌گران را درهم پیچیدند. لذا حادثه‌ی ۹ دی یک حادثه‌ی ماندنی در تاریخ ماست.

ضرورت گرامیداشت و حفظ نُه دی

من آن سال هم گفتم- پارسال بود یا پیرارسال بود- که این حادثه، حادثه‌ی کوچکی نیست. این حادثه، شبیه حوادث اول انقلاب است. این حادثه بایستی حفظ شود، بایستی گرامی داشته شود.

لزوم پرهیز از غلبه دادن جنبه‌های شعاری بزرگداشت نُه دی

البته شما آقایانی که مسؤول مدیریت این جریان هستید، سعی کنید جنبه‌های شعاری را بر این حادثه غلبه ندهید. باز هم من تکرار میکنم: کار شورای هماهنگی تبلیغات، مدیریت است؛ و الا کار را مردم میکنند و دلها دست خداست. مردم را خدای متعال توی صحنه می‌آورد؛ یعنی همان ایمان الهی و توفیق الهی و تأیید الهی است که مردم را در صحنه می‌آورد. منتها خوب، مدیریت لازم است؛ شماها مدیریت میکنید، مدیریتتان هم شایسته است. بنابراین سعی کنید حالت شعاری غلبه پیدا نکند. البته شعار لازم است. شعاریک چیز حتمی است، لازم است؛ شور، هیجان، حماسه لازم است؛ منتها بایستی عمق شعارها تبیین شود؛ یعنی همین

کارهایی که اشاره کردند، تبیین شود: حرف ملت ایران آن روز چه بود، امروز چیست؟ حرکت ملت ایران و جهت این حرکت چگونه حرکت و جهتی است؟ ما درسایه‌ی دین حرکت میکنیم. به کمک خدای متعال و صاحب دین است که حرکت میکنیم. هدف ما هم تحقق آرمانهای الهی و همان چیزی است که دین به مردم وعده داده و برای مردم هدیه آورده است.

نه دی و انقلاب؛ مرهون عاشورا

ضمناً توجّه داشته باشید؛ یکی از خصوصیات دیگری که در حادثه‌ی ۹ دی هست، که باز آن را کاملاً به حوادث انقلاب نزدیک میکند، مسأله‌ی عاشورا است. یعنی در حوادث اوّل انقلاب هم محرّم پیش آمد و امام آن نکته‌ی عظیم عجیب تاریخی را بیان کردند: «ماهی که خون بر شمشیر پیروز است». این حرف کوچکی نیست؛ پیروزی خون بر شمشیر. ماها عادت کرده‌ایم، این حرفها را هی تکرار میکنیم؛ کأنه عمقش گاهی از یادمان می‌رود. خون بر شمشیر پیروز میشود، مظلوم بر ظالم فائق می‌آید، کشته برگشند فائق می‌آید؛ این همان چیزی است که در عاشورا پیش آمد. امام این را در محرّم سال پنجاه و هفت مطرح کردند، در قضیه‌ی ۹ دی هم باز پای امام حسین در میان بود، پای عاشورا در میان بود. اگر آن حرکات سخیف و در واقع گریه‌آور از سوی این گروههای ایضاً سخیف، در عاشورا پیش نمی‌آمد، این حرکت عظیم و این تحرّک عمومی مردم معلوم نبود به این شکل بوجود بیاید. اینجا هم پای عاشورا در میان بود.^۱

رأی‌نیاوردگان سال هشتاد و هشت؛ عبرت تمام نامزدهای انتخابات مسؤولان از توطئه‌ی دشمن در کار انتخابات غافل نشوند. آن کسانی هم که در انتخابات رأی نمی‌آورند، مواظب باشند آن کلاهی که بر سر رأی‌نیاوردگان سال هشتاد و هشت رفت، بر سر آنها نرود؛ فریب نخورند.

۱. در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت نه دی ۱۳۹۰/۹/۲۱.

همه‌ی نامزدهای انتخابات و همه‌ی هواداران‌شان، خودشان را در مقابل توطئه‌ی احتمالی دشمن مسؤول امنیت بدانند. انتخابات را متهم نکنند؛ کسی آب به آسیاب دشمن نریزد؛ در تبلیغات، القاء فضای اختلاف و ناامیدی نشود تا ان شاء الله انتخابات خوبی داشته باشیم.^۱

شرکت پرشور مردم در انتخابات سال ۹۰؛ نشان از اعتماد مردم به نظام

انتخابات نشان دهنده‌ی اعتماد مردم به نظام است. بعد از انتخابات پر سروصدای پرحادثه‌ی سال هشتاد و هشت، بعضی اینجوری پیش‌بینی میکردند که اعتماد مردم از نظام سلب شد؛ مردم دیگر پای صندوقها نمی‌آیند. این انتخابات، یک پاسخ قاطع و روشن بود به این تصور غلط، به این استنتاج غلط، این گمانه‌زنی خطا. مردم این گمانه‌زنیها را تخطئه کردند؛ نشان دادند که نخیر، به نظام اسلامی پایبندند، به آن اعتماد دارند، به ندای او که می‌گوید من صندوق رأی گذاشتم، بی‌ایند رأی خودتان را بدهید و برنامه را تنظیم کنید. پاسخ میدهند و می‌آیند وارد میدان میشوند. همینطور که عرض کردیم، هر یک رأی، در واقع رأی به نظام جمهوری اسلامی بود. این اکثریت قاطعی که به میدان آمدند، یکی از بالاترین رقمها و نسبتهای انتخابات ما در طول این سی و سه سال بود. بعد از گذشت سی و سه سال، مردم اینجور وارد میدان میشوند؛ این نشان‌دهنده‌ی اعتماد کامل است.^۲

اعلام انزجار نکردن نامزدهای متمرّد از اغتشاشات؛ عامل طولانی شدن فتنه

بدانند جمهوری اسلامی به فضل الهی، به حول و قوه‌ی الهی، بر این

۱. در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۴/۱۱/۱۳۹۰.

۲. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۸/۱۲/۱۳۹۰.

مشکلات فائق خواهد آمد و آنها را باز هم در حسرت شکست دادن ملت ایران خواهد گذاشت. به حول و قوه‌ی الهی و با هشیاری مردم و تدبیر مسؤولان، مشکلات برطرف خواهد شد. هم مردم وظیفه دارند، هم ما مسؤولان وظیفه داریم؛ همه باید به وظایفمان عمل کنیم. وقتی به وظیفه عمل کردیم، کارها پیش خواهد رفت. هشیاری مردم نقش دارد. ببینید در تهران یک عده‌ای به نام بازاری آمدند در خیابانها اغتشاش کنند، فوراً بازاریهای محترم با موقع‌شناسی اعلامیه دادند، اعلان کردند که اینها دروغ میگویند، اینها از ما نیستند. این کار درست است. اگر هشیاری قشرهای مختلف مردم و موقع‌شناسی آنها به وقت به سراغشان بیاید، این باارزش است. این کار، کار باارزشی بود که انجام دادند. حرف من در فتنه‌ی هشتاد و هشت هم همین بود. در فتنه‌ی هشتاد و هشت، چند روز بعد از انتخابات به آن عظمت، یک عده‌ای آمدند اظهار مخالفت کردند، یک عده هم از این فرصت استفاده کردند؛ سلاح گرفتند، کار را به آشوب و تشنج کشاندند، پایگاه بسیج را گلوله باران کردند. حرف ما این بود: آن کسانی که به نام آنها این کارها انجام می‌گرفت، باید همان وقت اعلامیه میدادند، اعلام بیزاری میکردند، میگفتند اینها از ما نیستند؛ اما نکردند. اگر این کار را میکردند، فتنه زودتر ریشه‌کن میشد؛ مسائل بعدی هم پیش نمی‌آمد. این هشیاری، موقع‌سنجی، لحظه را به حساب آوردن، خصوصیت برجسته و مهمی است که باید ملت ما در همه‌ی موارد متوجه باشند؛ آنجایی که دشمنی و توطئه‌ی دشمن حس میشود، به صورت لحظه‌ای باید همه حساسیت نشان بدهند. این از ناحیه‌ی مردم.

ضرورت همدلی و همراهی قوای مختلف با هم

از ناحیه‌ی مسؤولین کشور هم، آنها اتحاد لازم را با هم داشته باشند؛ همدلی داشته باشند، برنامه‌ریزی داشته باشند، مسؤولیت‌شناسی و

مسئولیت پذیری داشته باشند، تقصیرها را گردن هم نیندازند، حدود قانون اساسی را نسبت به خودشان حفظ کنند. قانون اساسی ما نقص ندارد، کمبود ندارد. نقش مجلس معلوم است، نقش دولت معلوم است، نقش رئیس جمهور معلوم است، نقش قوه قضائیه معلوم است؛ هر کدام وظائفی دارند، باید به وظائفشان عمل کنند؛ با هم همدلی کنند، با هم همراهی کنند، با هم همزبانی کنند. «پس زبان همدلی خود دیگر است / همدلی از همزبانی بهتر است».^۱

تبدیل شدن انتخابات به مظهر اختلافات در سال ۸۸

انتخابات برای کشور مایه آبروست، مایه افتخار است. همه مراقب باشند که انتخابات مایه بی آبرویی برای کشور نشود؛ آنطوری که در سال هشتاد و هشت یک عده ای سعی کردند انتخابات را مظهر اختلافات وانمود کنند، جنجال سیاسی طبیعی انتخابات را تبدیل کنند به یک فتنه؛ که البته ملت ایران در مقابلش ایستاد و هر وقت هم شبیه آن اتفاق بیفتد، ملت در مقابل آن خواهد ایستاد.^۲

از نقشه های دشمن برای سرد کردن انتخابات؛ ایجاد مشکلات امنیتی و سیاسی

یکی از راه ها هم این است که سعی کنند در ایام انتخابات، سر مردم را به یک چیز دیگری گرم کنند؛ یک حادثه ای پیش بیاورند، یک ماجرای درست کنند؛ یک ماجرای سیاسی، یک ماجرای اقتصادی، یک ماجرای امنیتی. البته این هم جزو نقشه های دشمن است، اما بنده مطمئنم که ملت ایران بسیار بصیرتر و باهوشتر از این است که با یک چنین ترفندهای خصمانه ی دشمنان یا عوامل دشمنان فریب بخورد؛ نه، ان شاء الله انتخابات باذن الله،

۱. در اجتماع مردم بجنورد ۱۹/۷/۱۳۹۱.

۲. دردیدار بسیجیان استان خراسان شمالی ۲۴/۷/۱۳۹۱.

به حول و قوه‌ی الهی، به فضل پروردگار، انتخابات خوب و پرشوری خواهد شد.^۱

دخالت آمریکا و پشتیبانی از فتنه‌گران سال ۸۸

آمریکاییها نشان بدهند که زور نمی‌گویند، نشان بدهند که شرارت نمی‌کنند، نشان بدهند که در حرف و عملشان غیرمنطقی حرف نمی‌زنند و عمل نمی‌کنند، نشان بدهند که به حقوق ملت ایران احترام می‌گذارند، نشان بدهند که در منطقه آتش‌افروزی نمی‌کنند، نشان بدهند که در مسائل ملت ایران دخالت نمی‌کنند؛ آنچنان که در فتنه‌ی هشتاد و هشت دخالت کردند، از فتنه‌گران پشتیبانی کردند، شبکه‌های اجتماعی را در خدمت فتنه‌گران قرار دادند. یک شبکه‌ی اجتماعی آن روزها می‌خواست برای تعمیرات تعطیل کند، گفتند تعطیل نکن؛ برای اینکه بتوانند روی فتنه و آتش فتنه اثر بگذارند! این کارها را نکنند، خواهند دید جمهوری اسلامی یک نظام خیرخواه است؛ مردم، مردم منطقی‌ای هستند. راه تعامل با جمهوری اسلامی فقط این چیزی است که گفتیم و لاغیر؛ از این راه می‌توانند با جمهوری اسلامی تعامل داشته باشند. آمریکاییها باید حسن نیت خودشان را اثبات کنند؛ نشان بدهند که در صد زورگویی نیستند. اگر چنانچه این را نشان دادند، آن وقت خواهند دید که ملت ایران پاسخ خواهد داد. شرارت نباشد، دخالت نباشد، زورگویی نباشد، شناختن حقوق ملت ایران باشد، آن وقت جواب مناسب از طرف ایران داده خواهد شد.^۲

تمکین نکردن در برابر قانون؛ عامل ایجاد حوادث سال ۸۸

در مسأله‌ی انتخابات و غیر انتخابات، همه باید تسلیم رأی قانون باشند؛ در مقابل قانون تمکین کنند. آن حوادثی که در سال هشتاد و هشت پیش

۱. در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۹۱/۱۰/۱۹.

۲. در دیدار مردم آذربایجان در آستانه سالروز قیام ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ مردم تبریز ۱۳۹۱/۱۱/۲۸.

آمد- که برای کشور ضرر داشت و ضایعه‌آفرین بود- همه از همین ناشی شد که کسانی نخواستند به قانون تمکین کنند؛ نخواستند به رأی مردم تمکین کنند. ممکن است رأی مردم برخلاف آن چیزی باشد که من شخصی مایل به آن هستم؛ اما باید تمکین کنم. آنچه که اکثریت مردم، اغلیت مردم آن را انتخاب کردند، باید همه تمکین کنند؛ همه باید زیر بار بروند. خوشبختانه سازوکارهای قانونی برای رفع اشکال، رفع اشتباه، رفع شبهه وجود دارد؛ از این راهکارهای قانونی استفاده کنند. این که وقتی آنچه که اتفاق افتاده است، برخلاف میل ما شد، مردم را به شورش خیابانی دعوت کنیم- که این در سال هشتاد و هشت اتفاق افتاد- یکی از خطاهای جبران‌ناپذیر است. این تجربه‌ای شد برای ملت ما و ملت ما همیشه در مقابل یک چنین حوادثی خواهد ایستاد.^۱

سازوکار مستحکم انتخابات

سازوکار انتخابات در کشور ما، سازوکار مستحکمی است. اینکه گوشه و کنار بعضیها اعتراض‌هایی میکنند، واقعاً غیرمنطقی است؛ واقعاً بیجا است. حضور شورای نگهبان در قانون اساسی- که امام هم مکرر روی آن تأکید میکردند- حقیقتاً یک حضور مبارکی است. تشخیص شورای نگهبان، تشخیص یک عده انسانهای عادل، بی‌طرف و بصیر نسبت به صلاحیت‌ها است؛ این یک چیز مبارکی برای ما و برای همه‌ی آحاد ملت است.^۲

راه اساسی برای پیشگیری از مشکلات انتخاباتی؛ التزام به قانون

من عرض بکنم؛ آنچه که انسان از فضل الهی سراغ دارد، از همت این مردم عزیز سراغ دارد، ان شاء الله به توفیق الهی، باذن الله، این انتخاباتی که

۱. در حرم مطهر رضوی در اولین روز سال ۱۳۹۲ ۱/۱/۱۳۹۲.

۲. در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور در آستانه روز کارگر ۲/۷/۱۳۹۲.

در پیش است، یکی از بهترین و پرشورترین انتخاباتهای ما خواهد بود. البته دشمن تلاش میکند زحمت مردم را باطل کند. همچنان که در سال هشتم و هشت کردند. این هم یکی از کارهای دشمنان بود؛ کسانی را وادار کردند که برخلاف قانون، توقعاتی بکنند و براساس آن توقعات، سعی کنند مردم را در مقابل نظام قرار دهند؛ که البته به توفیق الهی موفق نشدند.

راه اساسی برای اینکه مشکلات انتخاباتی پیش نیاید، التزام به قانون است؛ این را من عرض بکنم. آحاد مردم در هر جای کشور که هستند؛ در شهر، در روستا، در مرکز، در کلان شهرها و در همه جا، باید به دنبال این باشند که هرکسی حرفی میزند، براساس قانون باشد؛ هرکسی توقعی دارد، براساس قانون باشد. آنهایی که آن سال آن خسارت را به کشور و به ملت وارد کردند و برای کشور هزینه درست کردند، اگر تسلیم قانون بودند، اینجوری نمیشد. قانون معین کرده است که اگر کسی اعتراضی دارد، بیاید. آن سال گفته شد؛ حتی ما از شورای محترم نگهبان خواهش کردیم، آن زمان را تمدید هم کردند که آراء بازشماری شود؛ گفتیم هر تعداد معقولی و هر صندوقی که بخواهند بازشماری شود، بازشماری شود؛ خوب، زیرا بار نرفتند! کارشان منطقی نبود، معقول نبود؛ برای کشور هزینه درست کردند.

خب، کشور بر این مسائل فائق می‌آید. نظام جمهوری اسلامی قوی است. این خرابکاریها و انگشت توی چشم کردنها و این مزاحمتها و آزارها، جمهوری اسلامی را که از پا نمی‌اندازد. جمهوری اسلامی در طول این سالها با انواع سیاستها و سیاستمداران مختلف روبه‌رو بوده است؛ اما با وجود همه‌ی معارضه‌ها، همه‌ی زاویه‌ها. که احیاناً وجود داشته است. جمهوری اسلامی پیش رفته؛ بعد از این هم همینجور خواهد بود. جمهوری اسلامی که با این حرفها از پا در نمی‌آید، منتها برای کشور هزینه درست میشود. راه هزینه درست نشدن، التزام به قانون است. این توصیه‌ی من به شما مسئولان محترم انتخابات هم هست: قانون را معیار قرار دهید. درآیه‌ی کریمه‌ی قرآن

که تلاوت کردند، به ادای امانت اشاره شد. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»^۱ ادای امانت به همین است که طبق مَرِّقانون عمل شود؛ هم در مرحله‌ی تشخیص صلاحیت‌ها. چه در مورد ریاست جمهوری، چه در مورد شوراها و در موارد دیگری که در پیش است. هم در مرحله‌ی قرائت آراء، هم در مرحله‌ی حفظ آراء و صندوقها. باید مَرِّقانون رعایت شود و نهایت امانتداری انجام بگیرد؛ که بحمدالله تا حالا هم همین‌جور بوده است.

بدیهی است در هر انتخاباتی، یک عده‌ای به نتیجه‌ی مطلوب خودشان نمی‌رسند. من نمی‌خواهم اسمش را بگذارم بازنده‌ی انتخابات؛ نباید تعبیر برنده و بازنده و این واژه‌ها و اصطلاحات غربی مادی را به کار برد؛ اگر برای خدا و برای انجام تکلیف وارد میشویم، برد و باخت وجود ندارد. خب، اینها اعتراض دارند. انسان پیش قاضی هم که میرود، همین‌جور است. قضاوتی در یک دادگاهی وجود دارد؛ آن طرفی که در این قضاوت به مقصود خود رسیده، خوشحال است، آن طرف دیگر ناراحت است؛ آن طرف دیگر نباید دادگاه را متهم کند که برخلاف حق عمل کرده؛ نه، دادگاه است و بر طبق قانون عمل میکند؛ منتها او ناراحت میشود، ناراضی میشود. باید همه‌ی آنچه را که پیش می‌آید. که مبتنی بر قانون است. تحمّل کنیم؛ این را باید همه‌مان یاد بگیریم؛ این صبر انقلابی است، این تحمّل انقلابی است.^۲

خسارت کشور در سال ۸۸ به خاطر تخلف از قانون

افراد متعددی آمده‌اند. ان شاءالله شورای محترم نگهبان طبق وظایف قانونی خود، آن کسانی را که صلاحیت دارند، به مردم معرفی خواهد کرد. همه هم باید تابع قانون باشند. آنجایی اشکال پیش می‌آید که تخلف از قانون انجام می‌گیرد. سال هشتاد و هشت اشکالاتی که وارد شد، خسارتی که به کشور وارد کردند و نگذاشتند کشور و ملت طعم آراء چهل میلیونی را

۱. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۵۸.

۲. در دیدار دست اندرکاران برگزاری انتخابات ۱۳۹۲/۲/۱۶.

درست بچشد، به خاطر تخلف از قانون بود. یک عده‌ای یا برای خاطر اغراض نفسانی، یا هدفهای خلاف سیاسی، یا هرچه - حالا در آن زمینه نمیخواهیم قضاوتی بکنیم - از قانون تخلف کردند، خطا کردند، از راه غیرقانونی وارد شدند؛ هم به خودشان صدمه زدند، هم به ملت صدمه زدند، هم به کشور صدمه زدند. راه درست، راه قانون است. همه تابع قانون باشند، همه تسلیم قانون باشند. گاهی ممکن است یک قانون، صد درصد درست هم نباشد، اما از بی قانونی بهتر است. گاهی ممکن است در یک بخشی، یک خطایی هم از مجری قانون سربزند که من و شما بفهمیم او در اجرای قانون این خطا را کرده است؛ اما اگر نتوانیم آن را از طریق قانونی اصلاح کنیم، تحمل آن بهتر است از اینکه باز بی قانونی کنیم؛ از راه بی قانونی بخواهیم آنچه را که به نظر ما خطا است، درست کنیم. قانون، معیار بسیار خوبی است؛ وسیله‌ای است برای آسایش کشور، آرامش کشور، حفظ وحدت ملی، ادامه‌ی راه عمومی.

شورای محترم نگهبان، خب مردمانی پرهیزگار، متقی و آگاهند؛ طبق قانون تشخیصی میدهند و عده‌ای به عنوان افرادی که صالحند، معرفی میشوند؛ من و شما باید نگاه کنیم ببینیم در بین این صالحها کدام صالحترند، کدام بیشتر به درد مردم میخورند، کدام بیشتر میتوانند این بار سنگین را بردوش بکشند و با امانت کامل این راه را ادامه دهند و پیش ببرند؛ این را باید من و شما نگاه کنیم، ببینیم، بشناسیم.^۱

نعمت بزرگ تمکین به قانون

انتخابات که مظهر حضور مردم است، باید پرشور برگزار شود؛ همه‌ی تلاش و همت مسؤولان باید این باشد.

خوشبختانه قوانینی هم که وجود دارد، قوانین خوبی است؛ قوانین معقولی است. همینطور که مکرر عرض کردیم، بن بست و وجود ندارد. لذا

۱. در دیدار اقبال مختلف مردم از استانهای مازندران، گیلان، گلستان و کهگیلویه و بویراحمد

مشاهده میکنید که در همین انتخابات تا این مرحله‌ای که تا الان پیش آمدیم، روال قانونی جریان پیدا کرده. وقتی که از نامزدهای محترم سؤال کردند که اگر چنانچه شورای نگهبان نظری بدهد، شما تمکین میکنید، همه‌ی آنها گفتند: بله، ما تمکین میکنیم. تمکین هم کردند. ما باید واقعاً تشکر کنیم از همه‌ی این نامزدها؛ آنهایی که به نحوی صلاحیتشان احراز نشد. اینها گفتند از نظر شورای نگهبان تمکین میکنیم و به قول خودشان عمل کردند و تمکین کردند؛ این نشان‌دهنده‌ی اهمّیت و ارجحیت قانون است، نشان‌دهنده‌ی کاربری قانون است؛ چون قانون بر مملکت حاکم است. ممکن است بنده یا جناب عالی از قانون ناراضی هم باشیم. گاهی اینجوری است. اما وقتی انسان در مقابل قانون تمکین کرد، حلّ اختلاف میشود، فصل‌الخطاب میشود؛ این نعمت بزرگی است، این برکت بزرگی است.^۱

حضور چشمگیر مردم در ۹ دی؛ نشانه‌ی علاقه‌ی اکثر مردم به نظام
دشمنان ما در خارج، بیچاره‌ها در فکر اینند که از این انتخابات تهدیدی درست کنند علیه نظام اسلامی؛ در حالی که انتخابات فرصت بزرگ نظام اسلامی است. آنها امید دارند که انتخابات یا سرد باشد تا بتوانند بگویند مردم به نظام اسلامی علاقه‌ای ندارند؛ یا دنبال انتخابات، فتنه بوجود بیاورند؛ کما اینکه در سال هشتاد و هشت به دنبال آن انتخابات پرشور، فتنه درست کردند. دشمنان این ملت، دنبال این چیزهایند. اما آنها اشتباه میکنند، مردم ما را نشناخته‌اند. دشمنان این ملت، روز نهم دی را فراموش کرده‌اند. آن کسانی که فکر میکنند در این کشور یک اکثریتی خاموش و مخالف با نظام جمهوری اسلامی‌اند، یادشان رفته است که سی و چهار سال است که هر سال در بیست و دوم بهمن، در همه‌ی شهرهای این کشور،

۱. در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۲/۳/۸.

جمعیت‌های عظیم به دفاع از نظام جمهوری اسلامی بیرون می‌آیند و «مرگ بر آمریکا» می‌گویند. برای اینکه فضای انتخابات را سرد کنند، هیئت‌های فکریشان پشت سر رسانه‌ها و سخنگویان سیاسی مینشینند، مرتب حرف درست میکنند و تحویل رسانه‌ها میدهند. یک روز می‌گویند انتخابات مهندسی شده است، یک روز می‌گویند انتخابات آزاد نیست، یک روز می‌گویند انتخابات از نظر مردم مشروع نیست. نه مردم ما را میشناسند، نه انتخابات ما را میشناسند، نه نظام جمهوری اسلامی را میشناسند؛ آنجایی هم که میشناسند، بی‌انصافی میکنند و ابایی هم ندارند از این بی‌انصافی.^۱

عدم تبعیت از قانون؛ سبب لطمه دیدن کشور در سال ۸۸

بحمدالله روال انتخابات تا امروز روال خوبی بوده است. یکی از نکات برجسته و مثبتی که انسان مشاهده میکند با خبرهایی که داریم، با اطلاعات آشکاری که وجود دارد. این است که گفتمان مردم در این انتخابات، گفتمان قانون‌گرایی است؛ با هر کسی صحبت میکنند، مصاحبه میکنند، مردم از تبعیت از قانون می‌گویند؛ این خیلی حادثه‌ی باارزش و برجسته‌ای است؛ قانون‌گرایی. از بی‌قانونی مردم لطمه دیدند؛ در سال هشتاد و هشت عدم تبعیت از قانون، لگد زدن به قانون، به کشور لگد زد؛ این را مردم دیدند. یکی از پدیده‌های برجسته‌ی امروز این است که مردم نگاهشان، گرایششان قانون‌گرایی است. خوشبختانه تا امروز، هم مسئولین، هم نامزدهای مختلف و محترم رعایت کردند جهات قانونی را، مراعات کردند؛ ان شاءالله بعد از این هم همین خواهد بود. یک نکته‌ی مهم این است.^۲

۱. در مراسم بیست و چهارمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (قدس سره) ۱۴/۳/۱۳۹۲.

۲. در دیدار اقبال مردم در سوم شعبان ۱۴۳۴ سالروز میلاد امام حسین (علیه السلام)

هیجان همراه با بددهنی در دوران تبلیغات انتخابات ۸۸

دشمنان جمهوری اسلامی، تهمت‌زندگان به جمهوری اسلامی، خجالت‌زده شدند؛ دیدند اینجور راحت، آزاد، نامزدها می‌آیند حرف می‌زنند، به یکی حمله می‌کنند، از یکی دفاع می‌کنند، سیاستی را محکوم می‌کنند، جریانی را اثبات می‌کنند. جریانهای فکری و سیاسی کشور بطور کامل، در این مناظرات حضور داشتند؛ این یکی از نقاط قوت انتخابات امسال بود. مردم هم احساس گرایشهای پرشور در خودشان می‌کنند، بدون اینکه تعرضی وجود داشته باشد. سال هشتاد و هشت، آن روز هم شور و هیجان بود منتها همراه با فحش و فضحیت! در این شهر تهران- حالا شهرستانها کمتر- مردم در این خیابانها راه می‌رفتند، یک عده به این یک عده به آن، یک عده علیه این یک عده علیه آن، شعار میدادند، حرف می‌زدند، به همدیگر می‌پزدند، بعضیها در این بین پیدا میشدند بددهنی میکردند، فحش میدادند؛ در این انتخابات نه، شور و هیجان هست، احساسات هست، اما بی‌ادبی نیست، بی‌احترامی نیست. این خیلی باارزش است؛ ما در چهار سال اینقدر پیشرفت کردیم؛ خدا را شکر بر این پیشرفت و برهمه‌ی پیشرفتهای فراوان دیگری که در این سالها بحمدالله برای کشور پیش آمده است.^۱

تلخکامی مردم پس از انتخابات ۸۸؛ ناشی از مخالفت با قانون

یک نکته‌ی دیگری که در این انتخابات به نظر بنده برجسته بود و جا دارد که انسان خدا را شکر کند، این بود که بعد از انتخابات، نامزدهای مختلف با نجابت و قانون‌پذیری در این قضیه عمل کردند و واکنش نشان دادند؛ این خیلی چیز مهمی است. رفتند با رئیس جمهور منتخب، برادرانه و دوستانه دیدار کردند و به او تبریک گفتند، اظهار خرسندی کردند. بنده لازم است از این حضرات تشکر کنم. این است که کام مردم را شیرین میکند، این است

که موجب میشود مردم احساس کنند موفقیت به دست آورده‌اند. حالا اگر بدقلقی نشان میدادند، در این قضایا رفتار نانجیبانه میکردند، یک چیزی را بهانه میکردند، دعوی راه می‌انداختند- که دعوا را به هر بهانه‌ای میشود راه انداخت- کام مردم تلخ میشد. اینکه ما بارها و به تکرار از حوادث سال هشتاد و هشت شکایت کردیم، گله کردیم، انتقاد کردیم، به خاطر این است. در یک انتخابات با عظمت و باشکوه، مردم احساس پیروزی میکنند؛ بعد یک نفر، دو نفر، چهار نفر آدم بیایند کام مردم را تلخ کنند؛ در حالی که راه برای قانونگرایی وجود دارد. این، آن سال اتفاق افتاد؛ کام مردم تلخ شد، شیرینی انتخابات از مردم دریغ داشته شد؛ در انتخابات امسال نه، بحمدالله کام مردم شیرین شد، مردم شادی کردند. رفتار باید قانونمدارانه باشد. اینکه ما این همه تأکید کردیم برای این که قانون را رعایت کنید، این نتیجه‌اش است. وقتی قانون رعایت شد، دهن مردم شیرین میشود، دل مردم شاد میشود. این باید برای همیشه برای ما درس باشد. مردم هم در این جور قضایا تفرس میکنند، نگاه میکنند، چهره‌های سیاسی را شناسایی میکنند. آن چهره‌ی سیاسی‌ای که با نجابت، با قانونمداری در قضایا برخورد میکند، مردم از او خوششان می‌آید. آن کسانی که به قانون بی‌اعتنایی میکنند، واگرایی از قانون میکنند- به هر بهانه‌ای- آنها را هم مردم شناسایی میکنند؛ از آنها بدشان می‌آید. این هم یک نکته‌ی اساسی است.^۱

القای شبهه در سلامت انتخابات؛ عامل سرشکستگی نامزدهای قانون‌شکن در ملأ‌اعلی

یکی از هدفها این است که کاری کنند که انتخابات بدون حضور پرشور و همگانی مردم برگزار شود. این را از حالا همه بدانند: آن کسانی که ممکن است از سر دلسوزی، راجع به انتخابات یک توصیه‌های عمومی

۱. در دیدار مسؤولان و کارکنان قوه‌ی قضائیه در آستانه‌ی سالروز حادثه هفتم تیر و روز قوه قضائیه

بکنند که آقا انتخابات اینجوری باشد، آنجوری نباشد، حواسشان باشد به این مقصود دشمن کمک نکنند؛ مردم را از انتخابات مأیوس نکنند، هی نگویند انتخابات باید آزاد باشد. خب، معلوم است که انتخابات باید آزاد باشد. ما از اول انقلاب تا حالا سی و چند تا انتخابات داشته‌ایم؛ کدامش آزاد نبوده است؟ در کدام کشور دیگر، انتخابات از آنچه که در ایران میگذرد، آزادتر است؟ کجا صلاحیت‌ها ملاحظه نمیشود، که اینجا روی این مسائل هی تکیه بکنند، هی تکیه بکنند، هی بگویند، هی تکرار کنند و یواش یواش این ذهنیت را به خیال خودشان در مردم بوجود بیاورند که خب، این انتخابات فایده‌ای ندارد؟ این یکی از خواسته‌های دشمن است. آن کسانی که در داخل، این حرفها را میزنند، ممکن است غفلت کنند. من میگویم غفلت نکنید، حواستان باشد، کار شما جدول مورد نظر دشمن را پر نکند؛ مقصود او را تکمیل و متمیم نکند. این یکی از راههای از شور و هیجان انداختن انتخابات است.

یک مسأله‌ی دیگر این است که به مردم گفته شود، تلقین شود که انتخابات سلامت لازم را ندارد. البته بنده هم تأکید میکنم که انتخابات باید سالم برگزار شود؛ منتها این، راه دارد. در جمهوری اسلامی، در قوانین ما، راههای قانونی بسیار خوبی برای حفظ سلامت انتخابات پیش‌بینی شده است. البته کسانی بخواهند از طرق غیرقانونی عمل کنند، خب به ضرر کشور میکنند؛ کما اینکه در سال هشتاد و هشت از راههای غیرقانونی وارد شدند، کشور را دچار هزینه کردند، برای مردم اسباب زحمت درست کردند، برای خودشان هم اسباب بدبختی و سرشکستگی در زمین و در ملاً اعلی شدند. راههای قانونی خوبی وجود دارد. بله، بنده هم اصرار دارم که انتخابات باید با سلامت کامل، با رعایت امانت کامل انجام بگیرد. مسؤولین دولتی و مسؤولین غیردولتی که در کار انتخابات دست اندرکارند و مسؤول هستند، همه باید طبق قانون، با دقت کامل، با رعایت کمال تقوا

و پاکدستی عمل کنند تا انتخابات سالمی پیش بیاید؛ و مطمئناً هم چنین خواهد شد.

تبدیل فرصت جابجایی دولتها به تهدید در سال ۸۸

این جابجایی دولتها یکی از مآل‌های بزرگ الهی است بر ما؛ یکی از فرصت‌های بزرگی است که در اختیار ما است. نفس جدیدی، ابتکارات جدیدی، کارهای جدیدی، سلائق و اذواق جدیدی می‌آید میدان. قانون اساسی این را مشخص کرده. این یکی از فرصتها است. البته این فرصت تبدیل میشود به تهدید، اگر چنانچه جور دیگری عمل شود؛ مانند آنچه که در برخی از کشورها انسان مشاهده میکند، که جابجایی قدرتها با زورآزمایی، با خونریزی، با خشونت همراه است؛ که خوشبختانه در کشور ما اینجور نیست. البته در سال هشتاد و هشت بعضی خطای بزرگی را مرتکب شدند، کشور را در لبه‌ی یک چنین پرتگاهی قرار دادند، یک مشکل اینچنینی را برای کشور تدارک دیدند؛ اما بحمدالله خدای متعال کمک کرد، ملت توانست از این مشکل عبور کند. در این سالهای متوالی از اوّل انقلاب. منهای همان برهه‌ی کوتاه سال هشتاد و هشت. همیشه این دست به دست شدن قدرت و مسؤولیت در کشور، با آسایش، با خوشی و با شادکامی همراه بوده است؛ این خیلی فرصت مهمی است.^۱

خلط مسائل اصلی و فرعی در قضایای سال ۸۸

یکی از برادرها به قضایای سال هشتاد و هشت و این حرفها اشاره کردند. من خواهش میکنم اگر چنانچه مسائل سال هشتاد و هشت را مطرح میکنید، مسأله‌ی اصلی و عمده را در این قضایا مورد نظر و در مدّ نگاهتان قرار دهید؛ آن مسأله‌ی اصلی این است که یک جماعتی در مقابل جریان

۱. در دیدار مسؤولان نظام در روز دوازدهم ماه مبارک رمضان ۱۴۳۴/۳۰/۴/۱۳۹۲.

قانونی کشور، به شکل غیر قانونی و به شکل غیرنجیبانه ایستادگی کردند و به کشور لطمه و ضربه وارد کردند؛ این را چرا فراموش میکنید؟ البتّه ممکن است در گوشه و کنار یک حادثه‌ی بزرگ زد و خوردهایی انجام بگیرد که انسان نتواند ظالم را از مظلوم تشخیص دهد؛ یا یک نفر در موردی ظالم، در موردی مظلوم باشد؛ این کاملاً امکان پذیر است؛ اما در این قضایا، مسأله‌ی اصلی گم نشود. خب، در انتخابات سال هشتاد و هشت، آن کسانی که فکر میکردند در انتخابات تقلّب شده، چرا برای مواجهه‌ی با تقلّب، اردو کشی خیابانی کردند؟ چرا این را جواب نمیدهند؟ صد بار ما سؤال کردیم؛ نه در مجامع عمومی، نخیر، به شکلی که قابل جواب دادن بوده؛ اما جواب ندادند. خب، چرا عذرخواهی نمیکنند؟ در جلسات خصوصی میگویند ما اعتراف میکنیم که تقلّب اتفاق نیفتاده بود. خب، اگر تقلّب اتفاق نیفتاده بود، چرا کشور را دچار این ضایعات کردید؟ چرا برای کشور هزینه درست کردید؟ اگر خدای متعال به این ملت کمک نمیکرد، گروههای مردم به جان هم می افتادند، میدانید چه اتفاقی می افتاد؟ میبینید امروز در کشورهای منطقه، آنجایی که گروههای مردم مقابل هم قرار میگیرند، چه اتفاقی دارد می افتد؟ کشور را لب یک چنین پرتگاهی بردند؛ خداوند نگذاشت، ملت هم بصیرت به خرج دادند. در قضایای سال هشتاد و هشت، این مسأله‌ی اصلی است؛ این را چرا فراموش میکنید؟ درباره‌ی حادثه‌ی سال هفتاد و هشت هم ما حرف زیاد داریم؛ آن هم داستان دیگری است.^۱

ایمان درست، بصیرت و عمل؛ عامل نزول نصرت الهی

حادثه‌ی نوزده [دی] قم، مظهر و نماد این آیه‌ی شریفه است: «فانتقمنا من الذین أجرموا و كان حقاً علينا نصر المؤمنین»؟^۲ در آیه‌ی قرآن، در سوره‌ی مبارکه‌ی روم، به تعبیر خداوند متعال نصرت مؤمنین حقی است بر عهده‌ی

۱. در دیدار دانشجویان در روز نوزدهم ماه مبارک رمضان ۱۴۳۴/۵/۶. ۱۳۹۲.

۲. سوره‌ی روم، بخشی از آیه‌ی ۴۷.

خداوند؛ چند جا در قرآن کریم این تعبیر به کار رفته است - [مثل] «علیه حقاً فی التوراة والإنجیل والقرآن»^۱ و موارد دیگری - و یکی اینجا است که میفرماید این حقّی است بر عهده‌ی ما یعنی بر عهده‌ی ذات اقدس پروردگار عالم که مؤمنین را نصرت بدهیم. خوب، این در چه شرایطی است؟ در چه شرایطی گفته‌اند که مؤمنین نصرت پیدا میکنند؟ این در آن شرایطی است که هیچ روزنه‌ی امیددی به حسب ظاهر وجود ندارد. ملاحظه کنید همین آیات را؛ آن وقتی است که دشمن جبهه‌ی ایمان با قدرت ظاهری و با سرپنجه‌های قوی در مقابل مؤمنین ایستاده است؛ یک مبارزه‌ی جبهه‌ای عظیمی به وجود آمده است؛ در یک چنین شرایطی میفرماید: وکان حقاً علينا نصر المؤمنین. آن روزی که جوانهای قم از طلبه و غیرطلبه و اقشار گوناگون و مردم مؤمن آمدند در کوچه و خیابان قم و به دفاع از امام، به دفاع از حقیقت، به دفاع از پرچم برافراشته‌ی مبارزه‌ی علیه طاغوت و در مقابل گلوله‌های مزدوران رژیم طاغوت قرار گرفتند و خونشان روی آسفالتهای خیابان ریخته شد، هیچکس از آن مردم و از حول و حوش آن مردم هرگز گمان نمی‌کرد که این حادثه چه اثری خواهد گذاشت. احساس تکلیف کردند، نیروی خودشان را آنچه داشتند روی دست گرفتند، آمدند میدان. [مردم قم] فکر میکردند که نوزده دی منشأ این تحوّل عظیم زنجیره‌ی مبارزات و اعتراضات بشود و منتهی بشود به خیزش بزرگ عمومی مردم و کار را تمام کند؟ مردم قم فکر میکردند کاری که دارند میکنند اینقدر برکت داشته باشد؟ فکر نمی‌کردند؛ اما؛ وکان حقاً علينا نصر المؤمنین. عامل پیروزی این است که یک جماعتی - در یک مقیاس بزرگ، یک ملت - ایمان درستی داشته باشد و این ایمان راسخ باشد و این ایمان با بصیرت همراه باشد و این ایمان و بصیرت با عمل و اقدام همراه باشد؛ اینها وقتی روی هم گذاشته شد، نصرت قطعی است. آنجایی که شما ببینید مؤمنینی هستند و نصرت پیدا نمیکنند، به خاطر این است که یا ایمان ضعیف است، یا ایمان غلط است - ایمان به چیزی است که

۱. سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۱۱۱.

نباید به آن مؤمن بود. یا ایمان همراه با بصیرت نسبت به مسائل جهان و مسائل حول وحوش خودشان نیست. نداشتن بصیرت مثل نداشتن چشم است؛ راه را انسان نمی‌بینند. بله، عزم هم دارید، اراده هم دارید، اما نمی‌دانید کجا باید بروید. ما که این همه در باب قضیه‌ی حوادث ۹ دی روی بصیرت تکیه کردیم و بعضیها خوششان نیامد، به خاطر این است؛ اگر بصیرت نبود، همان ایمان ممکن است انسان را به بیراهه بکشاند. کسی که علم ندارد، بصیرت درست ندارد به آنچه پیرامون او دارد می‌گذرد، گاهی اوقات میشود که راه را عوضی طی میکند؛ همه‌ی نیروی او نه فقط هدر میرود، بلکه به کج‌راهه او را میرساند و میکشاند؛ پس بصیرت لازم است. عمل صالح بر اساس ایمان، ایمان راسخ و ایمان درست، ایمان همراه با بصیرت و تداوم و استقامت، اگر چنانچه بود، پیروزی قطعی است. اینهایی که پیروز نمیشوند، یکی از اینها را ندارند؛ یا ایمان نیست، یا ایمان درست نیست، یا استقامت نیست، یا بصیرت نیست؛ در نیمه‌راه بار را بر زمین گذاشتن است؛ طبعاً به نتیجه نمیرسند. ملت ایران این شرایط را فراهم کرد؛ ایمان او درست بود، چون راهنمای او راهنمای صادقی بود، راهنمای ماهر و خبری بود؛ یک فقیه آگاه به مسائل جهان و بریده‌ی از مطامع و منافع مادی شخصی و آگاه به کتاب و سنت؛ راه را به مردم نشان میداد، مردم هم با بصیرت حرکت کردند؛ فهمیدند که چه کار باید بکنند؛ آن کار را انجام دادند، و کان حقاً علینا نصر المؤمنین؛ حالا هم همین‌جور است.^۱

۱. در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ / ۱۰ / ۱۳۹۲.

بخش پنجم
بیانات سال ۹۳ و ۹۴ درباره‌ی فتنه
و حماسه‌ی نه دی



تلاش دشمنان برای فراموش شدن نه‌دی

آنچه در درجه‌ی اوّل به مناسبت نوزدهم دی ماه که یک روز تاریخی و بزرگ و تعیین‌کننده است، لازم است عرض بکنم تشکر از مردم عزیز قم است، به خاطر اینکه نگذاشتند و نخواهند گذاشت که این حادثه به دست فراموشی سپرده بشود؛ چون انگیزه‌هایی وجود دارد برای فراموش کردن و در طاق نسیان گذاشتن^۱ این روزهای بزرگ و این حوادث بزرگ؛ کار میکنند و تلاش میکنند برای اینکه سوابق تعیین‌کننده و عموماً افتخارآمیز برای انقلاب و دوران دفاع مقدّس و امثال اینها، فراموش بشود. نُهم دی را هم میخواهند به فراموشی بسپرنند. حادثه‌ی عاشورای حسینی را هم ستمگران و ظالمان میخواستند نگذارند باقی بماند، زینب کبرا (سلام‌الله‌علیها) نگذاشت.^۲ دو حرکت عمّهی ما- زینب کبرا (علیها‌السلام)- انجام داد: یک حرکت، حرکت اسارت بود به کوفه و شام و آن روشنگریها و آن بیانات که مایه‌ی افشای حقایق شد؛ یک حرکت دیگر، آمدن به زیارت کربلا در اربعین بود؛ حالا اربعین اوّل یا دوّم یا هرچه. این حرکت به معنای این است که نباید اجازه داد که انگیزه‌های خبثات آلودی که قصد دارند مقاطع عزیز و اثرگذار و مهمّ را از یادها ببرند، موفق بشوند؛ البتّه موفق هم نخواهند شد. تا ملت‌ها

۱. فراموش کردن.

۲. دردیدار مردم قم به مناسبت سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۹۳/۱۰/۱۷.

زنده‌اند تا زبانهای حقگو در کار است تا دل‌های مؤمن دارای انگیزه هستند، نخواهند توانست این را به فراموشی بسپرنند؛ همچنان‌که نتوانسته‌اند. این انگیزه‌های معاند و معارض در صدر اوّل تا دورانهای طولانی باقی بود؛ یعنی متوکّل عباسی بعد از حدود صد و هفتاد یا صد و هشتاد سال از حادثه‌ی عاشورا، در صدد برآمد قبر مطهر ابا عبدالله (علیه‌السلام) را تخریب کند؛ یعنی ملت ایران حالا حالاها باید منتظر باشد که دشمنان به کارها و فتنه‌ها و خباثت‌های خودشان برای اینکه زیباییهای انقلاب از یاد برود ادامه بدهند. دشمن دست برنمی‌دارد؛ تا انقلاب را یا تحریف کنند یا به دست فراموشی بسپرنند و کاری کنند که ملت حرکت خود، سابقه‌ی خود و کار بزرگی را که کرده است فراموش کند، دچار نسیان و غفلت بشود؛ کسی که گذشته‌ی افتخارآمیز خود را نمیداند، نمیتواند در آینده هم حوادث افتخارآمیز برای خودش درست کند، این تلاش را دشمنان دارند میکنند.

نوزدهم دی را شما زنده نگه داشتید، بیست و نهم بهمن را زنده نگه داشتید، بیست و دوم بهمن را زنده نگه داشتید، نهم دی را - که یک حادثه‌ی مشابه بود - با انگیزه‌های مشخص، زنده نگه داشتید؛ این یک حرکت مجاهدت‌آمیز در مقابل دشمنان است، آنها میخواهند حقایق انقلاب تحریف بشود، به دست فراموشی سپرده بشود؛ پول خرج میکنند، کار دارند میکنند. کسی که آشنا باشد، آگاه باشد با دنیای کتاب و مطبوعات و مقاله میبیند که دشمنان چه کار دارند میکنند؛ امروز اینها سعی میکنند چهره‌ی خاندان خبیث و منحوس پهلوی را - رژیم فاسد و وابسته و خبیث و ظالم که کشور ما را سال‌های متمادی به عقب انداختند و ملت ایران را آنجور دچار مشکلات عظیم کردند - بزک کنند، آرایش کنند امروز سعی میشود [توسط] همان جبهه‌ی مقابل نظام اسلامی. پشتیبان‌ها همان کسانی هستند که با اصل انقلاب مخالف بودند، با مردمی که انقلاب کردند مخالف بودند، با وفاداری این مردم به انقلاب بشدت مخالفند. تا کنون موفق نشدند؛

امید بسته بودند بلکه بتوانند نسل دَوّم و سوّم انقلاب را روی گردان کنند، نتوانستند.

حضور نسل سوّم انقلاب در نهم دی

نسل سوّم انقلاب را نتوانستند از انقلاب روی گردان کنند. نهم دی را همین جوانها، همین نسل سوّم انقلاب به راه انداختند؛ آن حادثه‌ی عظیم را به وجود آوردند؛ آن سیلی محکم را به صورت کسانی نواختند که سعیشان این بود که مسیر حرکت اسلامی را با ایجاد فتنه منحرف بکنند؛ این کار را چه کسی کرد؟ جوانها کردند، نسل سوّم انقلاب کردند. امروز چشم دوختند به نسلهای بعدی، به جوانهای بعدی، چون میدانند سرمایه‌ی ملت ایران مردمند. این انگیزه‌ها در آنها وجود دارد؛ تا وقتی شما جوانهای خوب و مردم مؤمن در میدان هستید، با انگیزه هستید، با بصیرتید، آگاهید که چه کار دارید می‌کنید، البته نخواهند توانست.^۱

گناه بزرگ نامزدهای متمرّد؛ ایجاد اختلاف

چالش میان انقلاب اسلامی و استکبار جهانی، چالش مستمری است، چالش ادامه‌داری است. البته به حول و قوه‌ی الهی تا ابد طول نخواهد کشید؛ هرچه زمان می‌گذرد، کفه‌ی نظام اسلامی سنگینتر میشود، قویتر میشود. آن روزی که دشمنان احساس نومیدی کنند، هجمه‌ها کم خواهد شد، بتدریج زائل خواهد شد؛ لیکن تا آن روز، ایستادگی ملت، ایستادگی نخبگان ملت، یک امر ضروری و لازم است؛ این را باید ادامه داد. مبادا ظرافتهایی که در نوع برخورد انقلاب با دشمن مورد نظر است، مورد غفلت قرار بگیرد. ببینیم که امروز نقشه‌ی دشمن در مورد انقلاب چیست. به تعبیر متعارف و رایج، سناریوی دشمن را حدس بزنیم، ببینیم دنبال چیست. اگر

۱. همان.

توانستیم درست بفهمیم، درست حدس بزنیم و در مقابل سناریوی دشمن رفتار و اعمال خودمان را برنامه‌ریزی کردیم، قطعاً دشمن شکست خواهد خورد.

همه‌ی شواهد نشان‌دهنده‌ی این است که دشمن امروز بر روی چند نقطه تکیه‌ی اساسی دارد.

... یک نقطه‌ی دیگر - که آن هم خیلی واضح است - ایجاد اختلاف بین دستگاه‌های مدیریت‌کننده‌ی کشور است؛ این هم یکی از کارهای اساسی آنهاست. این مسأله را پنهان هم نمیکنند. نه اینکه نمیخواهند پنهان کنند؛ پنهان‌کردنی نیست. نوع کار دشمنان در این قضایای مهم و کلان و بین‌المللی اقتضاء میکند که یک کارهایی را بکنند، یک چیزهایی را بگویند، اظهاراتی را داشته باشند؛ لذا این تدابیر و سیاستهای دشمنان در پرده نمیماند. میخواهند اختلاف ایجاد کنند. این اختلاف را به هر شکلی بتوانند، تزیق میکنند؛ ما بایستی بیدار باشیم. اختلاف سلیقه، اختلاف نظر، اختلاف عقیده در مسائل سیاسی، نباید به چالش میان جناحهای کشور، میان عناصر کشور منتهی شود. گناه بزرگ فتنه‌گران در سال ۸۸ این بود که اگر خوشبینانه نگاه کنیم و بگوییم اینها یک شبهه‌ای، خدشه‌ای در ذهنشان بود، این خدشه را به صورت ایجاد چالش برای نظام اسلامی مطرح کردند. این گناه بزرگ، قابل اغماض هم نیست؛ آثار آن هم همچنان در جامعه‌ی ما موجود است. البته ملت، ملت بیداری است. نصاب لازم در فهم و بصیرت این ملت موجب میشود که خیلی از این حوادث پوشیده بشود و بتدریج آثار آن زائل شود؛ لیکن اینها به خاطر همین، ضربه زدند. ایجاد دعوا، گریبان یکدیگر را گرفتن، ایجاد اختلاف عمیق، یکی از کارهای بسیار بد، بسیار بزرگ و نکوهیده است؛ این همان چیزی است که دشمن میخواهد.

نداشتن تقوای جمعی؛ عامل لغزیدن فتنه‌گران

... یک تقوای جمعی هم داریم. تقوای جمعی این است که جمعها مراقب خودشان باشند. جمع به حیث جمع، مراقب خودشان باشند. بی‌مراقبتی جمعها نسبت به مجموعه‌ی خودشان، موجب میشود که حتی آدمهایی هم که در بین آن جمعها تقوای فردی دارند، با حرکت عمومی آن جمعها بغلتند و به جایی بروند که نمیخواهند. در طول این سی سال، ما از این ناحیه ضربه خورده‌ایم. یکی از جاهایی که ضعف نشان داده‌ایم، همین بوده.

در دهه‌های قبل، یک جریان در کشور وجود داشت به نام جریان چپ. آنها شعارهای خوبی هم میدادند، اما خودشان را مراقب نکردند و تقوای جمعی به خرج ندادند. در میانشان آدمهایی بودند که تقوای فردی هم داشتند، اما نداشتن تقوای جمعی، کار آنها را به جایی رساند که فتنه‌گر ضد امام حسین و ضد اسلام و ضد امام و ضد انقلاب توانست به آنها تکیه کند! آنها نیامدند شعار ضد امام و ضد انقلاب بدهند، اما شعار دهنده‌ی ضد امام و ضد انقلاب توانست به آنها تکیه کند؛ این خیلی خطر بزرگی است. آنها غلتیدند؛ بنابراین تقوای جمعی لازم است.^۱

لزوم پرهیز تشکلهای دانشجویی از عناصر فتنه

از عناصری که نامطمئن بودن خودشان را اثبات کردند، مطلقاً استفاده نکنید؛ مطلقاً استفاده نکنید. بعضیها هستند که نشان دادند و ثابت کردند که عناصر نامطمئنیند. برای چه کسی نامطمئنتند؟ برای شخص حقیر؟ نه من که خیلی راحت در برخورد با این و آن؛ با همه جور آدمی میتوانم برخورد کنم؛ ارتباط‌گیری من خوب است؛ میتواند کسی با من هیچ مشکلی نداشته باشد، جز از لحاظ عقیده. بی‌اعتمادی خودشان را برای نظام ثابت کردند، برای کشور ثابت کردند، برای جمهوری اسلامی ثابت کردند؛ هم برای

۱. در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۰/۳/۸.

اسلامیتش، هم برای جمهوریتش. همینهایی که سال ۸۸ آن بازی را راه انداختند، خب اینها با جمهوریت نظام جمهوری اسلامی مخالفت کردند، بدون هیچ منطقی، بدون هیچ حرف قابل قبول و پسندیده‌ای در مقابل آدمهای باانصاف. اینها نامطمئنند؛ من استفاده‌ی از اینها را مطلقاً توصیه نمیکنم، به هیچ وجه؛ نه به شماها و نه به هیچ دانشجویی و نه به هیچ دانشگاهی توصیه نمیکنم. اساتید خوب هستند، از اینها استفاده کنید.^۱

طرفداری آمریکا از فتنه‌ی داخلی

جنابعالی با سابقه‌ی چند دهه حضور در متن مسائل جمهوری اسلامی، طبعاً دانسته‌اید که دولت ایالات آمریکا، در قضیه‌ی هسته‌ای و نه در هیچ مسأله‌ی دیگری، در برابر ایران رویکردی جز خصومت و اخلال در پیش نگرفته است و در آینده هم بعید است جز این روش عمل کند. اظهارات رئیس جمهور آمریکا در دو نامه به اینجانب مبنی بر اینکه قصد براندازی جمهوری اسلامی را ندارد، خیلی زود با طرفداری اش از فتنه‌های داخلی و کمک مالی به معارضان جمهوری اسلامی، خلاف واقع از آب درآمد و تهدیدهای صریح وی به حمله‌ی نظامی و حتی هسته‌ای - که میتواند به کیفرخواست مبسوطی علیه وی در دادگاههای بین‌المللی منتهی شود - پرده از نیت واقعی سران آمریکا برداشت. صاحب‌نظران سیاسی عالم و افکار عمومی بسیاری از ملت‌ها، بوضوح تشخیص میدهند که عامل این خصومت تمام‌نشدنی، ماهیت و هویت جمهوری اسلامی ایران است که برخاسته از انقلاب اسلامی است. ایستادگی بر مواضع برحق اسلامی در مخالفت با نظام سلطه و استکبار، ایستادگی در برابر زیاده‌طلبی و دست‌اندازی به ملت‌های ضعیف، افزایش حمایت آمریکا از دیکتاتوریه‌های قرون وسطایی و سرکوب ملت‌های مستقل، دفاع بی‌وقفه از ملت فلسطین و گروه‌های مقاومت

۱. در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۴/۴/۲۰.

میهنی، فریاد منطقی و دنیاپسند بر سر رژیم غاصب صهیونیست، قلم‌های عمده‌ای را تشکیل می‌دهند که دشمنی رژیم ایالات متّحده‌ی آمریکا را بر ضدّ جمهوری اسلامی، برای آنان اجتناب‌ناپذیر کرده است؛ و این دشمنی تا هنگامی که جمهوری اسلامی با قدرت درونی و پایدار خود، آنان را مایوس کند ادامه خواهد داشت.^۱

ویژگی لغزیدگان سال ۸۸: نداشتن بصیرت عمیق

باید کار فرهنگی دانشگاه اینجوری باشد که افرادی تربیت کند مؤمن، متخلّق - با اخلاق خوب - انقلابی؛ کار فرهنگی چیزی است که اینها را تأمین کند. کار فرهنگی درست آن چیزی است که جوان ما را انقلابی بار بیاورد. این کشور انقلاب کرده، به این انقلاب باید پابند بود؛ مبانی این انقلاب را بایستی جزو اصول زندگی خود قرار داد تا بتوانیم پیش برویم؛ معتقد به آرمانها، دوستدار کشور - کشورش را واقعاً دوست داشته باشد - دوستدار نظام، دارای بصیرت و عمق دینی و سیاسی. این جوان بایستی در نگاه دینی و نگاه سیاسی عمق داشته باشد تا به هر شبهه‌ی کوچکی پایش نلغزد، یا اشتباه نکند در زمینه‌های مسائل سیاسی. خیلیها در این حوادثی که در همین فتنه‌ی سال ۸۸ اتفاق افتاد لغزیدند؛ آدمهای بدی نبودند [اما] لغزیدند به خاطر کم بودن بصیرت. خب، شما وقتی میبینی که یک نفری میگوید: «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است» باید چه کار کنی؟ شما که معتقد به نظامی، شما که جانت را حاضر شدی برای نظام و برای حفظ نظام بدهی تا میبینی یک عده‌ای دارند اینجوری شعار میدهند، باید چکار کنی؟ این، نبودن بصیرت است؛ ملتفت نشدن به وظیفه در لحظه‌ی لازم است.^۲

۱. در نامه به رئیس‌جمهور درباره الزامات اجرای برجام ۱۳۹۴/۷/۲۹.

۲. در دیدار رؤسای دانشگاهها، پژوهشگاهها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری ۱۳۹۴/۸/۲۰.

بصیرت؛ از ویژگیهای ضروری یک بسیجی

توصیه‌ی دوّم بصیرت، بصیرت. این جمله‌ی امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) را من بارها درس‌خترانیها گفتم: الا... ولا يحمل هذا العلم الا اهل البصر والصبر.^۱ اوّل اهل بَصَر، کسانی که دید درستی دارند، بصیرت دارند، صحنه را می‌فهمند. بصیرت را روزبه‌روز باید زیاد کرد، صحنه‌ی داخلی را بشناسیم، بدانیم الان در داخل چه دارد می‌گذرد، کجاها است که انسان گاهی حضور دشمن را احساس میکند، کجاها است که میتواند انسان در آنجا با خاطر جمع، با دل آرام حرکت بکند. بصیرت؛ جایگاه خودمان را در دنیا بشناسیم؛ ما کجاییم امروز؟

عده‌ای همه‌ی تلاششان این است که خودی را، خود را تحقیر کنند، ملّت را تحقیر کنند؛ آقا ما چیزی نیستیم! این را به زبان گوناگون بیان میکنند، بر میدارند مفضلاً از فلان کشور یا مردم فلان کشور یا رفتارهای فلان کشور تعریف و تمجید و مانند اینها میکنند که اغلب هم خلاف واقع است، اغلب هم مثل این فیلمهای سینمایی [است]. در فیلمهای سینمایی وقتی که پلیس می‌آید، یکی را میخواهد دستگیر کند، همان اوّل می‌گوید که مواظب باش؛ هرچه بگویی ممکن است علیه‌ات در دادگاه به کار برود؛ یعنی اینقدر این پلیس آدم نجیبی است که به آدم متّهم آدمی که احتمال دارد مجرم باشد... دارد همان اوّل نصیحت میکند که مواظب باش حرف زیادی از دهننت بیرون نیاید تا در دادگاه بر علیه‌ات [بشود]؛ پلیس غریبها این است؟ پلیس آمریکاییها این است؟ این، فیلمهای هالیوودی است. پلیس آمریکا که به یک نفری دستبند می‌زند، بعد از آنکه دستبند زد، او را می‌زند؛ شلیک میکند، می‌کشد؛ یک نفر را به خاطر اینکه اسلحه‌ی اسباب‌بازی تو جیبش است، شلیک میکند می‌کشد. پلیس این است؟ فیلم سینمایی بدروغ تزئین میکند؛ دادگاه را، پلیس را، دستگاه دولتی را،

۱. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۷۳.

چه را، چه را، چه را؛ خب فیلم سینمایی است. بعضیها مقاله نوشتنشان، چیز نوشتنشان، حرف زدنشان، مثل همین فیلمهای سینمایی هالیوودی است؛ سعی میکنند دیگران را به آنچه ندارند، مزین نشان بدهند، آنها را بزرگ کنند؛ درواقع احساس خودکم بینی را در ملت ما بوجود بیاورند؛ نه آقا، اینجوری نیست؛ ملت ما ملتی است بزرگ، از امتحانهای بزرگ هم موفق و سربلند بیرون آمده، کارهای بزرگی هم کرده؛ ملت ما همان ملتی است که وقتی در جنگ اسیر میگرفت، آن اسیررا کتک نمیزد، آن اسیررا نمیگشت، آن اسیررا درمان میکرد؛ از قمقمه‌ی خودش آب به او میداد؛ ملت ما اینجور ملتی است. چندتا آدم نابابِ متهم به جاسوسی - که امکان جاسوسیشان هم بود- از فلان کشور در دریا میگیرند، می‌آورند اینجا، بعد با لباس نوبه خانه برشان میگردانند. ملت ما اینجور ملتی است. در بر خوردش، در مهربانی اش، در انصافش، بعد در شجاعتش. ملت ما آن ملتی است که خودش را از زیر بار تحقیر چندقرنی خارج کرد، توانست در اوج عزت حرف بزند؛ ما یک چنین ملتی داریم؛ شوخی که نیست. کشورهای مختلف؛ کشورهای که قدرتمندان دنیايند، دورهم مینشینند برای اینکه با ایران اسلامی چکار کنیم؛ خب این قدرت این ملت است؛ قدرت مادی، قدرت نظامی، قدرت سیاسی، قدرت منطق، قدرت اخلاقی؛ نه اینکه ضعف نداریم، ضعف هم خیلی داریم اما تواناییهایمان، ارزشهایمان، درخشندگیهایمان کم نیست؛ ملت را چرا تحقیر میکنند؟ بعضیها مرتباً عادت کردند دائم تحقیر کنند؛ کشور را، ملت را، مسئولین را. بصیرت این است که انسان بداند، این حقایق را درک کند، جایگاه خودش را، جایگاه کشورش را، جایگاه ملتش را، جایگاه منطق انقلاب را، جایگاه آن خط مستقیم و صراط مستقیمی که امام در کشور ترسیم کرد؛ جایگاه اینها را بداند؛ این، بصیرت است.^۱

۱. در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج ۱۳۹۴/۹/۴.

کله از تشکیک‌کنندگان در سلامت انتخابات

انتخابات را نباید خراب کرد. بعضی‌ها خوششان می‌آید و کأنه عادت دارند که از نزدیکی انتخابات، دائم بر کوس نامطمئن بودن انتخابات بدمند؛ عادت کرده‌اند. این خیلی عادت بدی است، مرض بدی است، چرا؟ انتخابات انتخابات سالمی است. ممکن است در هر انتخابی، یک تخلفی در یک گوشه‌ای انجام بگیرد؛ این ممکن است، همیشه هم از این قبیل اتفاق می‌افتد. خب در کارهای خود ما هم، کارهای شخصی و عمومی و خصوصی مان ممکن است تخلفاتی اتفاق بیفتد. اما تخلفاتی که نتایج انتخابات را تغییر بدهد، مطلقاً وجود ندارد؛ تخلف سازمان‌یافته مطلقاً وجود ندارد؛ عدم رعایت مسئولان دولتی و غیردولتی انتخابات ابداً وجود ندارد. از اول انقلاب تا حالا هم همین جور بوده؛ مسئولان، مسئولانه به مسائل انتخابات [پرداخته‌اند و] همه‌ی دولتهایی که در این بین بوده‌اند. دولتهایی که آمده‌اند و رفته‌اند، بعضی‌ها از لحاظ گرایشهای سیاسی ۱۸۰ درجه با هم تفاوت داشته‌اند اما رفتار همه‌ی آنها در مورد انتخابات، رفتار درستی بوده. [نباید] کسی ادعا کند که در این انتخابات خیانت شد یا [تقلب] شد. یک وقتی - شاید این را من قبلاً هم گفته‌ام - در مورد انتخابات تهران در یک دوره‌ای، خیلی جنجال شد؛ سروصدا شد و اصرار شد بر اینکه این انتخابات ابطال بشود. بنده گفتم باید تحقیق کنید؛ در تهران دوسه میلیون از مردم آمده‌اند در انتخابات شرکت کرده‌اند، ما رأی اینها را بکلی باطل کنیم؟ این چه حرفی است! باید تحقیق کنیم ببینیم چه جوری است. تحقیق کردیم، معلوم شد که نه این جور نیست. تحقیق مفصل کردیم؛ بنده در آن سالها صریحاً نوشتم به شورای نگهبان که نخیر، انتخابات نباید دست بخورد. یعنی انتخابات حق مردم است، مال مردم است و ما نمیتوانیم انتخابات را متهم کنیم به اینکه مثلاً فرض کنید که این جور است یا آن جور است؛ نه، انتخابات انتخابات سالمی است، در همه‌ی دوره‌ها سالم بوده، حالا هم ان شاء الله به توفیق الهی همین جور خواهد بود و چهارچوب قوانین

و مقررات و وجود آدمهایی که مراقبند، مواظبند، موظفند، نمیگذارند که انتخابات دچار این اختلال بشود. این یک مطلب.

مقصود از حق الناس بودن انتخابات

اما عرض کردیم انتخابات حق الناس است؛^۱ این حق الناس امر مهمی است. خب در زبانها هم زیاد تکرار میشود که فلانی گفته انتخابات حق الناس است و حق الناس است و مدام تکرار میشود؛ منتها خب [باید] به عمق این حق الناس برسیم. معنای حق الناس بودن این نیست که فقط آن کسی که پای صندوق نشسته است باید این حق الناس را رعایت کند که مثلاً فرض کنید آراء را عوضی نخواند یا کم و زیاد نکند؛ این یکی از مصادیق رعایت حق الناس است.

الف) حق داوطلب

یک مطلب، مطلب حق داوطلب است؛ یکی از حقوق مردم، رعایت حق این داوطلبی است که می آید و وارد این میدان میشود و نامزد انتخابات میشود که اگر آدم صالحی است، ما او را رد نکنیم، میدان بدهیم به اینکه او بیاید.

ب) حق مردم در جلوگیری از ورود افراد ناصالح

نقطه‌ی مقابلش هم همین جور است؛ اگر چنانچه آدم ناصالحی است، راهش ندهیم؛ اگر چنانچه در این مجلس - حالا چه مجلس خبرگان، چه مجلس شورای اسلامی، چه در هر جایی که انتخابات هست - آدمی باشد که صلاحیت قانونی ورود در اینجا را نداشته باشد و ما از این اغماض کنیم، صرف نظر کنیم، رعایت نکنیم، دقت نکنیم و او وارد بشود، این هم باطل

۱. اشاره به مصاحبه‌ی معظم له پس از شرکت در انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۴.

کردن حق مردم است، خراب کردن حق مردم است؛ این هم ضد حق الناس است.

ج) امانتداری از آرای مردم

یکی از ابعاد دیگر حق الناس بودن، حفظ امانت است؛ آن کسانی که آراء را در اختیار دارند، آن کسانی که آراء را می‌شمرند، آن کسانی که ثبت میکنند و گزارش میکنند، آن کسانی که جمع می‌بندند و خلاصه آن کسانی که اداری صندوقها به عهده‌ی آنها است، باید کمال امانت را رعایت کنند؛ یعنی در این زمینه‌ها اندک تخلفی، خیانت در امانت است.

د) پذیرش نتیجه‌ی قانونی انتخابات

یک بُعد دیگر حق الناس بودن، پذیرش نتیجه‌ی قانونی انتخابات است؛ [یعنی] وقتی که به یک نتیجه‌ای رسید و مراکز قانونی تصدیق کردند که این است، پذیرش این نتیجه [حق الناس است]؛ ضد آن کاری که در سال ۸۸ انجام شد. خب در سال ۸۸ یک حرف منکر و مستنکری را آمدند مطرح کردند که تقلب شده است و باید این انتخابات برهم بخورد؛ حالا مردم چقدر شرکت کردند؟ چهل میلیون! چهل میلیون [نفر از] مردم شرکت کردند در یک انتخاباتی و رأی دادند به کاندیداهای مختلف، نامزدهای مختلف؛ این آقایان به ادعای تقلب [این را گفتند]. البته بنده با اینها خیلی مماشات کردم - حالا کارهای جزئی‌ای که انجام گرفت طولانی است - مماشات کردیم، حرف زدیم، گفتیم بیایید، بگویید بروند صندوقها را نگاه کنند؛ هر تعداد صندوقی که شما میخواهید. اعتنا نکردند، گوش نکردند؛ بنا بر این نبود که زیر بار این حرف بروند؛ زیر بار حرف حق نرفتند و برای مملکت خسارت درست کردند. من نمیدانم بنا است که این خسارتهایی

که در سال ۸۸ بر ما وارد شد کی جبران بشود؟ واقعاً نمیدانم! هنوز جبران نشده. این هم یکی که نتیجه‌ی انتخابات را همه بپذیرند.

ه) رعایت حق در تهیه‌ی فهرستهای انتخاباتی

یک مسئله‌ی دیگر، رعایت حق در سیاهه‌های پیشنهادی است؛ این سیاهه‌هایی که پیشنهاد میکنند، فهرستهایی که برای نامزدها میدهند. آن کسانی که این فهرستها را میدهند، واقعاً رعایت حق را بکنند؛ مسئله‌ی رفیق‌بازی و جناح‌بازی و مانند این چیزها را دخالت ندهند و نگاه کنند ببینند که چه کسی واقعاً شایسته است؛ آن کسی را که شایسته است بگذارند و به مردم معرفی کنند. این هم یک بخش و یک بُعد از رعایت حق الناس است.

و) اعتماد کردن مردم به مجموعه‌های مورد اعتماد

یک بُعد دیگر این است که مردمی که میخواهند رأی بدهند، اعتماد کنند به آن مجموعه‌هایی که واقعاً قابل اعتمادند؛ بعضی‌ها هستند که قابل اعتماد نیستند؛ کالذی استهوته الشیطن؛^۱ گاهی این جور نیست که از روی صفا و واقعیت و علاقه‌مندی به انقلاب [باشد] - اساس کار، انقلاب است - و از روی علاقه‌مندی به انقلاب بیایند یک فهرست پیشنهادی را بدهند؛ نه، روی مقاصد دیگر - گاهی اوقات مقاصد فاسد - پیشنهادهایی میدهند. مردم توجه کنند و ببینند که آن فهرستهایی را که پیشنهاد شده است از کجا پیشنهاد شده؛ از طرف چه کسی پیشنهاد شده؛ آن کسانی را که مورد اعتمادند، قابل اطمینانند، قابل اعتمادند انتخاب بکنند. این هم یکی از چیزها است. بنابراین مسئله‌ی حق الناس که گفتیم این ابعاد را دارد - ابعاد دیگری هم دارد که حالا من نمیخواهم تفصیل بدهم - و واقعاً این به این معنا، حق الناس است.^۲

۱. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۷۱.

۲. در دیدار ائمه‌ی جمعه سراسر کشور ۱۳۹۴/۱۰/۴.

انقلاب اسلامی ایران؛ تنها انقلاب پایدار

اینکه یک انقلاب بتواند بماند، بتواند خودش را نگه دارد، بتواند با دشمنان خودش پنجه در پیفکند، بتواند بر آنها غالب بشود، خیلی مسئله‌ی مهمی است؛ انقلاب ما تنها انقلابی است که این کار را توانسته است بکند، بعد از این هم باید بتواند بکند.

توطئه‌های گسترده دشمنان برای از بین بردن انقلاب اسلامی

من به شما عرض بکنم، الان همه‌ی مراکز فکر و اندیشه‌ی سیاسی در دنیای استکبار - چه در آمریکا، چه در بعضی از کشورهای دیگر استکباری - متوجه این است که چه کار کنند که بتوانند این درخت را، درخت تناور را که یک روزی یک نهال باریکی بود و نتوانستند آن را از بین ببرند و حالا درخت تناوری شده، ریشه‌کن کنند، سرنگون کنند؛ همه‌ی همّت این است. توجه کنید تا مطلب در ذهنها بنشیند. خبرهایی که ما داریم، تحلیل‌هایی که برای ما می‌آید از طرف آنهایی که تحلیل‌های آنها را به ما منعکس میکنند، دائم در فکر این هستند که چه کار کنند این انقلاب را از بین ببرند؛ حالا این انقلاب هم به توفیق الهی، به همّت شما مردم همین طور سرش را انداخته پایین و دارد به پیش میرود؛ روزه روزه قوی‌تر، روزه روزه پیشرفته‌تر. همه‌ی همّت آنان این است که این ماندگاری را یک جوری به هم بزنند؛ همه‌ی همّت من و شما باید این باشد که این ماندگاری را افزایش بدهیم. از اوّل انقلاب دائم در فکر این بودند که این را از بین ببرند: جنگ تحمیلی به خاطر همین بود؛ جنگهای قومیتها در اطراف کشور به خاطر همین بود؛ محاصره‌ی اقتصادی به خاطر همین بود؛ تحریمهای شدیدی که در این سالهای اخیر برقرار کردند برای همین است؛ تشکیل گروه‌های تکفیری در شرق و در غرب کشور ما همه برای همین است که این انقلاب را از بین ببرند، این ماندگاری را که برای اینها بسیار بهت‌آور و سخت و دردآور است، از بین ببرند؛ همه‌ی همّتشان این است.

اغتشاشات سال ۸۸: از ابتکارات آمریکایی‌ها برای از بین بردن انقلاب هر روز هم یک ابتکاری درست میکنند؛ این کارهایی که در سال ۸۸ کردند، از ابتکارات جدید بود که ابتکار آمریکایی‌ها بود. البته در چند جای دیگر تجربه کرده بودند، مخصوص ما نبود؛ در چند کشور دیگر این را تجربه کرده بودند، بعد آمدند همین تجربه را در کشور ما پیاده کنند که آن جور تودهنی خوردند. این ابتکار این بود که به بهانه‌ی انتخابات، در یک کشوری که حالا در آن انتخابات هست و فرض کنیم یک دولتی سرکار است که مورد قبول آمریکا نیست و منافع آمریکا را آن چنان که آنها دلشان میخواهد تأمین نمیکند، انتخاباتی کرده‌اند و این دولت رأی آورده است؛ بعد بیایند آن اقلیتی را که رأی نیاورده است بکشانند داخل میدان، بیاورند در خیابان. و برای اینکه این اقلیت را برجسته کنند و دیده شود، یک رنگی را مشخص میکنند؛ ارغوانی، گلی، سبز و مانند اینها؛ آنچه به ما رسید سبزش بود که قبل از آن در جاهای دیگر، رنگهای قرمز و نارنجی و مانند اینها را درست کرده بودند که آن اقلیتی را که رأی نیاورده است با [این] ترفند بکشانند داخل خیابان. [چون] مردمند دیگر - واقعاً هم مردمند؛ منتها مردمی هستند که نامزد مورد نظر آنها رأی نیاورده است؛ در مردم بودنشان شکی نیست - هر جا باشند، ایستادگی کنند؛ آنها هم مرتب کمک کنند و اگر لازم شد پول بدهند، کمک سیاسی کنند، اگر لازم شد حتی سلاح به دست آنها بدهند تا نتیجه‌ی انتخابات را به هم بزنند. این کار را در چند کشور انجام دادند و موفق شدند؛ آمدند اینجا هم انجام بدهند، خوب نتوانستند؛ اینجا هم عین همان قضیه بود.

فتنه‌ی سال ۸۸: یک کودتای رنگی ناموفق

البته دوستان ما آن اوقاتی که این قضایا اتفاق افتاد، به بنده مرتب توصیه کردند که اسم انقلاب رنگی را نیاورم؛ من هم چون معتقد به مشورتم - بالاخره مشاورین نظر دارند و اهل فکرند - اسم انقلاب رنگی نیاوردم اما

خب انقلاب رنگی بود؛ درواقع کودتای رنگی، یک کودتای رنگی ناموفق. خب این خیلی مهم است؛ این اتفاقی که در کشورهای دیگر - در چهار پنج کشور - آمریکایی‌ها با پول، با امکانات انجام دادند و موفق شدند؛ در جمهوری اسلامی موفق نشد؛ باینکه پشتیبانی کردند.

حمایت رئیس جمهور آمریکا از آشوبگران در سال ۸۸

رئیس جمهور آمریکا اندکی قبل از آن قضایا به بنده نامه نوشته بود - نامه‌ی دوّم - وکلّی اظهارات موافقانه با بنده‌ی حقیر و با نظام جمهوری اسلامی [کرده بود]؛ بنده هم قصد داشتم جواب بدهم و نمیخواستم جواب ندهم؛ بعد که این قضایا اتفاق افتاد، سریعاً موضع‌گیری کرد به نفع همان کسانی که علیه نظام، علیه انقلاب، علیه اسم اسلام در جمهوری اسلامی در خیابانهای تهران ظاهر شدند و تمام کارهایی را که مخالفین کردند، مورد تأیید اینها قرار گرفت؛ البته بیشتر از این میخواستند بکنند، نتوانستند. حالا هم یک عده از مخالفین رئیس جمهور فعلی آمریکا میگویند شما در سال ۸۸ حمایت کامل نکردید از آن کسانی که علیه جمهوری اسلامی بودند؛ ولی چرا، حمایت کردند؛ منتها خب ملت ایران بموقع حرکت کرد، بموقع وارد صحنه شد، کار درست را انجام داد.

وظیفه‌ی همگان برای حفظ ماندگاری انقلاب

غرض این است که این ماندگاری مسئله‌ی مهمّی است؛ این ماندگاری را بایستی به عنوان یک هدف در نظر داشت و در این فکر بود که چگونه تأمین خواهد شد. نگاه کنید ببینید عناصر ماندگاری انقلاب چیست، آن عناصر را باید تک‌تک ما تأمین کنیم، همه‌ی ما باید تأمین کنیم. البته این را عرض کردم که تحلیل آن به عهده‌ی شما جوانها است. این دوره‌ی بعد از قضایای مذاکرات هسته‌ای را خود آمریکایی‌ها اسم‌گذاری کرده‌اند:

«دوره‌ی سخت‌گیری بر ایران»، سخت‌گیری باید بکنیم؛ خیلی خب، حالا سخت‌گیری که بیشتر از سخت‌گیری‌های گذشته نیست. جوانان ایران، ملت ایران، مسئولان کشور بایستی آگاهانه، هشیارانه، امیدوارانه، با شهامت، با توکل به خدای متعال، با تکیه‌ی بر نقاط قوت فراوانی که دارد، در مقابل دشمنی دشمنان بایستند؛ این خیلی مهم است. هر لحظه‌ای وظیفه‌ای هست، آن وظیفه را باید شناخت و بایستی انجام داد.^۱

حرف آخر

انقلاب از خودش دفاع میکند، مثل هر موجود زنده‌ی دیگری. انقلابی که نتواند در دوران فتنه، در دوران ایجاد کودتاها، گوناگون-سیاسی و نظامی و امثال اینها- از خودش دفاع کند، زنده نیست. این انقلاب زنده است؛ لذا از خودش دفاع میکند، غالب هم میشود، پیروز هم میشود، بروبرگرد هم ندارد؛ کماینکه در سال ۸۸ دیدید این کارا اتفاق افتاد.^۲

۱. در دیدار مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی ماه سال ۱۳۵۶ مردم قم ۱۹/۱۰/۱۳۹۴

۲. در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران ۱۳/۰۴/۱۳۹۰.

فهرست آیات

۸۷	۱۱۸	آل عمران	قد بدت البغضاء من ...
۱۲۸	۱۵۵	آل عمران	إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ ...
۲۳۱	۷۱	انعام	كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيْطَانُ ...
۱۰۸	۱۷	توبه	وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ...
۱۲۸	۷۷	توبه	فَأَعْقِبْهُمْ نَفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ ...
۲۱۵	۱۱۱	توبه	عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ ...
۱۵۵، ۱۳۲، ۱۰۱	۱۷	رعد	فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً ...
۷، ۵	۵	ابراهيم	أَنْ أُخْرِجَ قَوْمِكَ مِنْ ...
۱۸۷	۹۷	نحل	فَلَنَحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً ...
۱۶۴	۳۸	حج	إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَن ...
۱۳۳	۱۲	نور	لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ...
۱۲۷	۱۰	روم	ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ ...
۲۱۶، ۲۱۴	۴۷	روم	فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أُجْرِمُوا ...
۱۲۳	۳۹	احزاب	الَّذِينَ يَلْبَغُونَ رَسُولَاتٍ ...
۱۱۱	۹	زمر	أَمَّنْ هُوَ قَانِثٌ أُنَاءَ اللَّيْلِ ...
۱۴۰	۱۷-۱۸	زمر	فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ ...
۳۹	۷	محمد(ص)	إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ ..
۱۲۸	۳	عصر	وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا ...

فهرست روايات و ادعيه

٦	-	أنتم الظلقاء.
١٠٥	-	العقل ما عبد به الرحمن...
٨٠	امام على (ع)	في فتن داستهم بأخفافها...
١٧٨، ١٣٧	امام على (ع)	أما بدء وقوع الفتن...
١٧٨	امام على (ع)	فلو انّ الباطل خالص من...
١٣٧	امام على (ع)	فهناك يستولى الشيطان...
١٧٨، ١٤٩، ١٣٧	امام على (ع)	ولكن يؤخذ من هذا...
٢٢٦، ١١٠	امام على (ع)	الا ولا يحمل هذا العلم...
١٨٨	امام على (ع)	وانّ اخا الحرب...
١٠٦	امام على (ع)	ومن نام لم يتم عنه...
١٣٦، ١٣٥	امام على (ع)	كن في الفتنة كابن اللبون...
١٣٦	-	نفر من اصحاب عبد الله...
١٤٨، ١٣٦	-	انا قد شككنا في هذا...

نمایه‌ی موضوعات

- ابرقدرت: ۲۹
- ابطال انتخابات: ۵۲
- اتحاد امت اسلامی: ۳۰، ۷۱، ۹۷، ۱۰۱، ۲۰۷، ۱۳۰
- اتحاد ملی: ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۰-۷۲، ۷۴، ۱۸۸، ۲۰۱
- احساس وظیفه: ۱۰۹، ۱۳۰، ۱۹۷
- اردوکشی خیابانی: ۸۸، ۸۹، ۲۱۴
- استقلال: ۳۰، ۳۲، ۳۵، ۹۹، ۱۰۳، ۱۴۵
- استکبار: ۳۱، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۷۳، ۹۰
- امنیت اسلامی: ۳۰، ۹۰، ۱۶۲
- امنیت انتخابات: ۶۱، ۲۰۰
- امید به آینده: ۱۲۲، ۱۴۷، ۱۸۱
- انحراف شخصی: ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۲
- انسان فرهنگی: ۱۲۳
- انسان هنری: ۱۲۳
- انقلاب اسلامی: ۲۹، ۳۱، ۳۴، ۳۸، ۱۹۴، ۱۹۷
- اغتشاش (خرابکاری): ۴۵، ۵۹، ۶۰
- اغتشاشات: ۶۹، ۷۰، ۹۶، ۹۷، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۷۱، ۱۷۲، ۲۰۱، ۲۰۴
- اغتشاشات ۱۸ تیر ۷۸: ۱۹۴، ۱۹۵
- اغتشاشات در عاشورای ۸۸: ۱۹۲
- اغتشاشات سال ۷۸: ۱۹۲، ۲۱۴
- اغتشاشات سال ۸۲: ۴۵، ۴۶
- افراطی‌گری: ۸۶
- افسران جوان جنگ نرم: ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱
- امنیت انتخابات: ۶۱، ۲۰۰
- امید به آینده: ۱۲۲، ۱۴۷، ۱۸۱
- انحراف شخصی: ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۲
- انسان فرهنگی: ۱۲۳
- انسان هنری: ۱۲۳
- انقلاب اسلامی: ۲۹، ۳۱، ۳۴، ۳۸، ۱۹۴، ۱۹۷
- اصل انتخابات: ۸۹، ۹۰، ۱۴۰، ۱۴۲

- ۱۰۸، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۴۵، ۱۴۸، پولشویی: ۸۴
- ۱۵۰، ۱۵۱-۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۱، پیشرفت: ۳۴، ۳۷، ۳۸، ۱۱۶، ۱۳۸، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۸۴، ۱۶۶، ۱۷۱، ۱۸۱، ۱۸۷، ۱۹۴، ۲۱۰
- ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۳-۱۹۶، ۱۹۷، پیوند حوزه و دانشگاه: ۱۵۳
- ۲۱۳، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۲۵، تاریخ‌سازی: ۱۲۵
- ۲۲۷-۲۳۲-۲۳۵، تبلیغات انتخاباتی: ۱۳۹
- انقلاب مخملی (رنگی): ۹۱، ۲۳۳، تبلیغات دشمن: ۳۱، ۴۳-۴۵، ۵۲
- آبروی ملی: ۵۴، ۵۳، ۵۷، ۶۴، ۷۵، ۹۶، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۳
- آزادی خواهی: ۳۵، ۱۱۷، ۱۲۴، ۱۴۰، ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۷۲
- بازارها: ۲۰۱، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۹۷، ۲۲۶
- بازشماری آرا: ۶۸، ۸۵، ۲۰۵، تحریم اقتصادی: ۴۲-۴۵، ۲۳۲
- بالاثرین نصاب: ۶۲، ۶۸، ۷۹، ۸۴، ۹۶، تحریم داماتو: ۴۲
- ۱۰۲، ۱۳۱، ۱۴۰، ۲۰۰، تحریم: ۳۴، ۱۶۳، ۱۶۴
- بدعتهای غیرقانونی: ۸۵، ۸۹، تخريب خیابانی: ۹۱، ۱۰۳، ۱۷۱، ۱۷۲
- براندازی: ۴۲، ۱۷۹، ۲۲۴، ۲۰۱
- بصیرت: ۱۰۷، ۱۱۰-۱۱۳، ۱۱۸، ۱۲۱، تروز: ۸۸
- ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۴-۱۴۶، ۱۵۶-۱۵۸، تسلیم‌ناپذیری: ۳۰
- ۱۶۰-۱۶۲، ۱۶۵، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۷۸، تغییر جهت‌گیری: ۱۷۹
- ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۹۲، ۱۹۶، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۱۴، تقوا: ۱۲۸، ۱۷۳، ۱۹۱، ۲۱۲، ۲۲۳
- ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۵-۲۲۷، تکیه بر قوت داخلی: ۲۳۵
- بی‌بصیرتی: ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۳۷، توده‌ای: ۱۵۰، ۱۶۰
- ۲۲۵، تهدید نظامی: ۴۴، ۴۵، ۴۶
- بی‌بندوباری: ۳۰، تهمت تقلب: ۷۶، ۸۴، ۲۱۴، ۲۳۰
- بیداری اسلامی: ۳۶، ۳۸، جبهه‌ی جنگ: ۱۱۲
- پذیرش نتیجه‌ی انتخابات: ۲۳۰، جذب حداکثری: ۱۲۶، ۱۵۲
- پشتوانه‌ی مردمی نظام: ۵۸، ۶۶، ۷۳، جمهوریت نظام: ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۷۰، ۲۲۴
- ۷۶، ۱۶۵، ۱۹۳، ۲۰۰، جناح‌بازی: ۲۳۱

- جنگ داخلی: ۱۷۱
 جنگ روانی: ۱۱۳، ۱۱۲، ۶۴، ۶۲، ۴۴
 جنگ نرم: ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۴۴
 ۱۹۴، ۱۸۴
 حرکت علمی: ۱۱۹، ۱۲۲
 حضور چهل میلیونی در انتخابات: ۶۶،
 ۶۸، ۷۴، ۸۴، ۸۹، ۹۰، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۲،
 ۱۰۷، ۱۳۱، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۶، ۲۰۶
 حضور فعال در انتخابات: ۵۴، ۵۵،
 ۵۷، ۶۰، ۶۲، ۶۹، ۷۲، ۷۶، ۹۰، ۱۰۲،
 ۱۶۹، ۱۸۴
 حق الناس‌های انتخاباتی: ۲۲۹-۲۳۱
 حقوق بشر: ۹۲، ۱۶۴
 حکومت اسلامی: ۱۴۷، ۱۶۶
 حکومت پادشاهی: ۳۹، ۴۱، ۴۳
 حماسه‌ی ۹ دی: ۱۵۶-۱۶۱، ۱۵۸، ۱۶۱،
 ۱۶۲-۱۶۴، ۱۶۶، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۸۲،
 ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۷-
 ۱۹۹، ۲۰۸، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱
 حماسه‌ی انتخابات ۲۲ خرداد: ۶۳، ۶۹،
 ۸۴، ۱۳۰
 حیات طیبه: ۱۸۷
 خبرگان: ۵۸، ۱۳۶، ۱۶۶، ۱۹۱، ۲۲۹
 خبرگزاری‌های خارجی: ۶۹
 خشم دشمن: ۱۳۸
 خط امام: ۱۳۱، ۱۵۲، ۱۹۱
 خطای محاسباتی دشمن: ۳۳، ۳۴، ۴۱،
 ۹۱، ۹۸، ۹۹، ۱۰۸، ۱۱۷، ۱۶۲، ۱۸۵، ۲۰۰
 خوارج: ۱۱۱
 دانشجوی مومن: ۸۸، ۱۱۸
 دفاع از دولت: ۵۰، ۵۱، ۱۱۸
 دفاع مقدس: ۹۹، ۱۶۳، ۱۷۳، ۱۸۴،
 ۱۸۵، ۲۱۹
 دفع حداقلی: ۱۲۶، ۱۵۲
 دولتهای دست‌نشانده: ۲۹، ۴۰، ۴۱، ۹۸،
 دولتهای مستقل: ۱۲۹
 دیکتاتور: ۳۱، ۸۹
 رابطه با آمریکا: ۳۹
 راهپیمایی ۲۲ بهمن: ۳۳، ۱۶۱، ۱۶۲،
 ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۸۸، ۱۹۲،
 ۱۹۳، ۱۹۵، ۲۰۸، ۲۲۰
 راهپیمایی ۲۳ تیر ۷۸: ۱۶۲، ۱۹۲، ۱۹۵
 راهپیمایی روز قدس: ۱۳۰، ۱۵۰، ۱۵۱،
 ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۵
 رزمایش فتنه‌ی ۸۸: ۱۲۲
 رسانه‌های صهیونیستی: ۷۷، ۷۸، ۹۰،
 ۹۶، ۱۳۴، ۱۶۰، ۱۶۳، ۲۰۹
 رسانه‌ی ملی: ۶۳
 رشوه: ۱۷۹
 روزه‌خواری علنی آشوبگران: ۱۵۱
 زلزله‌ی سیاسی: ۷۵
 سازمان بسیج: ۸۸، ۱۰۳، ۱۱۵
 سرویس‌های جاسوسی: ۹۱، ۱۰۳
 سریال کره‌ای: ۱۲۵

- سلامت انتخابات: ۵۰، ۵۲، ۵۷، ۶۵، ۷۶، ۸۵، ۸۹، ۱۵۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۲۸
- سلطنت طلب: ۱۵۰، ۱۶۰، ۱۷۳
- سوسیالیست: ۱۶۱
- سیاه نمایی: ۸۰
- شایعات انتخاباتی: ۶۱
- شایعه پراکنی: ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۴۶
- شبه افکنی: ۱۱۳، ۱۴۴، ۱۴۶
- شعار استقلال آزادی جمهوری اسلامی: ۱۵۰
- شعار مرگ بر اسرائیل: ۱۴۱
- شعار مرگ بر آمریکا: ۱۴۱، ۲۰۹
- شناخت دوست و دشمن: ۱۰۰، ۱۱۲
- شنبه‌ی بعد از انتخابات: ۶۳
- شورای نگهبان: ۶۰، ۶۵، ۶۷، ۶۸، ۸۵، ۹۵، ۱۲۷، ۱۴۶، ۲۰۳، ۲۰۵ - ۲۰۸
- شورای هماهنگی تبلیغات: ۱۶۳، ۱۹۸
- ضد انقلاب: ۱۷۹، ۲۲۳
- عاقبت طلبی: ۱۷۸
- عدالت اجتماعی: ۸۳
- عصر امام خمینی: ۲۹
- عقب نشینی: ۱۴۲
- عقل: ۱۰۵
- عناصر نامطمئن: ۲۲۳
- عنصر دست نشانده: ۱۱۷، ۱۴۵
- غیرت دینی: ۱۵۷، ۱۶۱
- فتنه (اغتشاشات بعد از انتخابات
- ۸۸): ۴۶، ۱۰۰، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۸، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۶ - ۱۸۷، ۱۹۲، ۱۸۸، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱ - ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۱ - ۲۱۴، ۲۲۰ - ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۳۰، ۲۳۳ - ۲۳۵
- فتنه گران: ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۹۵، ۱۹۸، ۱۹۷، ۲۰۳، ۲۲۲، ۲۲۳
- فرماندهی جنگ نرم: ۲۱۱
- فرهنگ اسلامی: ۳۰
- فرهنگ غرب: ۳۰
- فساد مالی: ۸۳، ۸۴
- فساد و فحشا: ۴۳
- فلسفه بافی: ۱۴۹
- قانون اساسی: ۹۸، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۴۶، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۱۳
- قانون، فصل الخطاب: ۸۷، ۲۰۳، ۲۰۵ - ۲۰۸، ۲۱۱
- قانون شکنی: ۱۴۸، ۱۴۹، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۱۲
- قتل عام: ۴۱
- قدرت الهی: ۳۸، ۴۴، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۹۵، ۲۰۱
- قدرت تحلیل: ۱۲۲
- قدرتهای غربی: ۳۱، ۳۶، ۷۳، ۷۵، ۱۷۳
- قطعه نامه ضد ایرانی: ۳۹
- قیام ۱۹ دی: ۱۵۷، ۱۵۸، ۲۱۴، ۲۱۵

- ۲۱۹، ۲۲۰
 قیام تنباکو: ۳۵
 قیام مشروطیت: ۳۵
 کودتاها بر ضد انقلاب: ۲۳۵
 کودتا در پایگاه شهید نوژه: ۴۱
 گروه‌های تکفیری: ۲۳۲
 لیخند دشمن: ۱۳۸، ۱۴۶، ۱۵۱
 لجاجت: ۱۷۸
 لغزش مسئولین: ۱۲۸، ۱۳۲
 لیبرال: ۱۶۱
 لیبرال دموکراسی (دموکراسی ظاهری):
 ۳۸، ۵۲، ۷۴، ۷۵
 ماندگاری انقلاب اسلامی: ۲۳۲، ۲۳۴
 مخفی بودن رای رهبری: ۵۰، ۶۰
 مردمسالاری دینی: ۳۸، ۶۲، ۶۶، ۷۵
 مساله‌ی هسته‌ای: ۹۰، ۲۲۴
 مشروعیت نظام: ۷۶، ۱۶۹
 مکاتب الحادى: ۳۵
 ملت‌های مستقل: ۱۵۳، ۲۲۴
 ملت‌های مظلوم: ۱۲۹
 مناظره: ۵۹، ۷۷، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۳،
 ۲۱۰
 نامزدهای متمرد: ۷۸، ۸۷، ۱۵۱، ۱۷۷،
 ۱۸۴، ۲۳۰
 نامه‌ی هشت ماده‌ای: ۸۳
 نصرت الهی: ۴۴، ۶۲، ۱۸۵، ۲۱۵
 نظام جمهوری اسلامی: ۲۹، ۳۲، ۳۴،
 ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۶۶، ۶۸، ۷۰-۸۵،
 ۸۷، ۸۹-۹۲، ۹۶-۹۹، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۶-۱۰۹،
 ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۵-۱۲۷،
 ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۳۸،
 ۱۴۰-۱۴۳، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۴،
 ۱۶۳-۱۶۶، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۶-۱۷۸،
 ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۱-۱۹۴،
 ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۳-۲۰۵، ۲۰۸-۲۱۰، ۲۱۲،
 ۲۲۰-۲۲۵
 نفاق: ۱۲۰، ۱۲۸
 نفوذ انقلاب: ۳۱، ۳۴
 نفوذ دشمن: ۸۸، ۱۸۴
 نقاب دیپلماسی: ۸۷
 نماز جمعه ۲۹ خرداد: ۷۰، ۸۱، ۱۴۱
 نهضت اسلامی: ۳۰، ۴۳، ۸۲
 وصیت‌نامه‌ی امام(ره): ۸۷، ۱۲۵
 وظایف مسئولان: ۲۳۵
 ولایت فقیه: ۱۴۷
 همه‌پرسی سال ۵۸: ۷۴
 هنر خوب: ۱۲۵
 یوم‌الله: ۱۸۸

اشخاص، اماکن، دولتها و...

۱۷۲، ۱۷۰، ۱۶۹، ۱۳۹، ۹۶	۱۷ شہریوز: ۴۰
انگلیس: ۱۱۷، ۸۷، ۸۴، ۷۸، ۵۱، ۳۰، ۱۱۷	امام حسین علیہ السلام: ۱۱۴، ۱۵۷
۱۷۳، ۱۷۲، ۱۶۹، ۱۶۰، ۱۵۰، ۱۳۴، ۱۲۹	۱۵۸، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۹، ۲۲۰، ۲۲۳
اویاما (رییس جمہور آمریکا): ۹۱، ۲۲۴	احمدی نژاد، محمود (رئیس جمہور
۲۳۴	منتخب): ۶۲، ۶۵، ۶۹، ۷۷، ۸۱، ۸۳
اوکراین: ۳۳	۱۳۲، ۱۳۱، ۱۱۸، ۱۰۹، ۱۰۱، ۸۴
ایران: ۲۹، ۳۳، ۳۸، ۳۹، ۴۳، ۴۴	اربعین: ۲۱۹
۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۱، ۹۶-۹۱، ۹۰، ۵۸، ۵۲	ارویا: ۳۶، ۴۱، ۹۰-۹۲، ۱۲۷
۱۴۹، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۳۸، ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۱۷	افغانستان: ۳۳، ۸۶، ۹۲
۱۷۱، ۱۶۹، ۱۶۶-۱۶۴، ۱۶۱، ۱۵۶، ۱۵۲	امام خمینی (رہ): ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۴۵، ۷۵
۱۹۲، ۱۸۸، ۱۸۶-۱۸۱، ۱۷۷، ۱۷۳	۸۲، ۸۷، ۱۰۸، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۳۲
۲۱۶، ۲۱۲، ۲۰۳-۲۰۱، ۱۹۹، ۱۹۷، ۱۹۳	۱۶۵، ۱۶۳-۱۶۰، ۱۵۸، ۱۵۵-۱۴۸
۲۲۷، ۲۲۴، ۲۲۱، ۲۲۰	۱۷۳، ۱۹۱، ۱۹۴-۱۹۵-۱۹۷، ۲۰۴
۴۱، ۳۶، ۳۱ آسیا:	۲۲۷، ۲۲۳، ۲۱۵
۴۱، ۳۶، ۳۱ آفریقا:	امیرالمومنین (علیہ السلام): ۱۰۶، ۱۱۰
۴۵-۴۱، ۳۹، ۳۷، ۳۳-۳۰ آمریکا:	۱۵۹، ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۱۱
۱۴۲، ۱۲۹، ۱۱۷، ۹۲-۹۰، ۷۸، ۵۱	۲۲۶، ۱۸۸، ۱۸۶، ۱۷۹، ۱۷۷، ۱۶۰
۱۶۴، ۱۶۳، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۰، ۱۴۵، ۱۴۳	انتخابات ۲۲ خرداد: ۷۳، ۷۵، ۸۴

- ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۸۳، ۲۰۳، ۲۲۴-۲۲۶، ۲۲۵
- ۲۳۴-۲۳۳ رضایی، محسن: ۶۹، ۷۷
- آمریکای لاتین: ۳۱ روحانی، حسن (رئیس جمهور منتخب):
- آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای: ۲۱۰، ۲۲۴
- ۲۲۳، ۱۷۵، ۱۱۸، ۹۵، ۸۲، ۸۲، ۳۲ روز ۲۹ بهمن: ۲۲۰
- بنی امیه: ۱۵۹، ۱۶۰ زینب کبری (سلام‌الله‌علیها): ۲۱۹
- بنی هاشم: ۱۶۰ ژاپن: ۴۳
- بهشت زهرا (علیها‌السلام): ۱۹۱ ژنرال قره‌باغی: ۴۱
- بهشت: ۱۱۱ ژنرال هایز: ۴۰، ۴۱
- پاکستان: ۳۳، ۸۶ سازمان سیا: ۴۴
- پهلوی، محمدرضا: ۴۰، ۹۹ سفارت آمریکا (لائه جاسوسی): ۳۹،
- پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله): ۳۰، ۱۱۰، ۴۰، ۴۲
- ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۴۷ سوریه: ۳۳
- تهران: ۴۵، ۴۶، ۵۲، ۱۰۳، ۱۱۷، ۱۳۰، ۱۷۲، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۱۰
- شاهنامه: ۱۲۵
- جنتی، احمد: ۱۹۸
- جنگ احد: ۱۵۹، ۱۶۰
- جنگ بدن: ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۶۰
- جنگ جمل: ۱۱۱
- جنگ صفین: ۱۱۰-۱۱۳، ۱۳۶، ۱۵۹
- جنگ نهروان: ۱۱۱
- غرب آسیا (خاورمیانه): ۸۶، ۹۰
- خاندان پهلوی: ۲۲۰
- خیابان ایران: ۱۶۱
- دولت دهم: ۱۷۶
- رایس، کاندولیزا: ۴۵
- رژیم صهیونیستی: ۳۰، ۵۱، ۹۲، ۱۵۰، ۱۴۰، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۲۱۵

- قم: ۱۴۴، ۱۵۷، ۱۵۸، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۹
 کارون: ۴۳
 کتاب آیات شیطانی: ۳۰
 کربلا: ۲۱۹
 کروی، مهدی: ۶۹، ۷۷
 کلینتون: ۴۵، ۹۲
 کوفه: ۲۱۹
 کوهن، دیوید: ۳۳
 کوی دانشگاه: ۸۸، ۱۱۵، ۱۱۶
 کهریزک: ۱۱۵، ۱۱۶
 گرجستان: ۹۱
 لارستان: ۳۵
 لاریجانی، صادق: ۱۷۵
 لبنان: ۳۳، ۹۲
 ماه رمضان: ۱۵۱، ۱۹۳
- متوکل عباسی: ۲۲۰
 مجلس شورای اسلامی: ۵۳، ۵۸، ۷۸،
 ۲۲۹
 مسجد ضراب: ۱۰۸، ۱۲۰
 معاویه: ۱۱۲، ۱۵۹
 موسوی، میرحسین: ۶۴، ۶۶، ۶۹، ۷۷
 ناطق نوری، علی اکبر: ۸۲، ۸۳
 نظارت استصوابی: ۲۲۹
 نیروی انتظامی: ۶۳، ۸۸، ۱۰۳، ۱۱۵
 وزارت کشور: ۶۳، ۶۷، ۶۸، ۱۴۶
 ولیعصر (عجل‌الله‌فرجه‌الشریف): ۷۲،
 ۷۴، ۹۳، ۱۶۶
 هاشمی رفسنجانی، اکبر: ۸۲، ۸۳، ۱۳۵
 هاشمی شاهرودی، محمود: ۱۳۶